

13

A-P
77-938031

LIBRARY OF CONGRESS
6
MAR 27 1980
COPY.....
ORDER DIVISION

15521/0271yc



Ketabton.com



ایستادگانه
تیم فوتبال و بسکت

نی
کمان
مقد داشت؟

سواران

خلق افغانستان طی محفلی بعد از ظهر اول حوت
بایانیه د سنگیر پنجشیری عضو پوری
سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان و عضو شورای انقلابی جمهوری
دموکراتیک افغانستان در انستیتوت پولي تخنيک
افتتاح شد .

• • •

فیض محمد وزیر امور سرحدات ساعت
۱۱ قبل از ظهر اول حوت در دفتر کسارش
باتون کوانگ کوشارز دافیر سفارت کبرای
جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات تعارفی
بعل آورد .

وهکذا فضل الرحيم مومند وزیر زراعت
و اصلاحات ارضی بعد از ظهر اول حوت در دفتر
کسارش باتون کوانگ کوشارز دافیر سفارت
کبرای جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات
تعارفی بعل آورد .

• • •

بروتوکول همکاری در ساحه نشراتی
طباعتی و فروش کتب شام سی دلو بین وزارت
اطلاعات و کلتور و کمیته دولتی اتحاد شوروی
در امور نشراتی، طباعتی و فروش کتب در کابل
عقد شد .

• • •

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
میدهد از طرف شاه محمد دوست وزیر امور
خارجه تلگرام تبریکه به مناسبت تقسرد
چلانتاب نگون کونج بحیث وزیر امور
خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام به هانوی
مخابره گردیده است .



بيرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رییس شورای انقلابی و صدراعظم هنگامیکه هیات سازمان عفو
بین المللی را برای ملاقات در مقر شورای انقلابی پذیرفتند

اختصار وقایع مهم

رفیق کیمال سونگ منشی عمومی کمیته
مرکزی حزب کارگر کوریا و رئیس جمهور
جمهوری دموکراتیک خلق کوریا به مناسبت
انتخاب شان بحیث منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان طی پیام جوابیه یی مقابلنا اسراز
یقین نمودند که مناسبات دوستی و همکاری
بین خلقهای هر دو کشور از طریق مبارزات
شان بر ضد امپریالیزم و ارتجاع بین المللی
بیش از پیش انکشاف می یابد .

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
میدهد از طرف برك كارمل منشی عمومی
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم
جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکه
مخابره گردیده است .

بيرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان رییس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت سه و نیم بعد از ظهر ۲۵ دلو
هیات سازمان عفو بین المللی را در مقر
شورای انقلابی پذیرفتند .
در جریان این ملاقات با اعضای هیات که
شامل ممتاز سوسل و ایران تیرلینون می
باشند این اطمینان بوجود آمد که اساسات
حقوق بشر در افغانستان پس از مرحله نوین
انقلاب نور بکلی احیا گردیده است .

جلسه شورای وزیران تحت ریاست برك
كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان رییس شورای
انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان روز ۲۷ دلو از ساعت پنج عصر
تا هشت شب در مقر شورای انقلابی دایر
گردید .

بيرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت چهار و چهل و پنج دقیقه عصر
۲۶ دلو هیات جبهه مردم برای آزادی فلسطین
را در مقر شورای انقلابی برای ملاقات
پذیرفتند .

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
میدهد برك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ضمن تشکر صمیمانه از پیام تبریک



مجید سربلند و ایوان کاروفکین هنگام امضای پروتوکول همکاری در ساحه نشراتی و طباعتی
و فروش کتب بین وزارت اطلاعات و کلتور و کمیته دوستی اتحاد شوروی در امور نشراتی



د نړیوال پیوستون په ټینګښت کې د مسلمانانو ترمنځ د تماسونو اهمیت .

مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند تور .

په خطر ښکته کېدو کې د پاملرنې په اړه د پاملرنې په اړه د پاملرنې په اړه .

فعالیت های خرابکارانه و طرح نقشه های تهاجمی ایالات متحده، توازن قوا را در جهان برهم میزند .

باج - یولند داستان .

نگاهی بر رباعیات خیام .

په آسیا او افریقا کې د پاداری نظامونه .

چگونه مبارزه با حسودات آدمیزاد را مصونیت می بخشد .

نجات از چنگال دژخیمان طاعون .

د پوری از لیلام قره قل افغانی .

مشکل بحران انرژی در جهان .

روی جلد تیمهای قهرمان ورزشی تعلیم و تربیه که در مسابقات اخیر جامهای قهرمانی را حاصل نموده اند .

پستی اخیر یکی از شاگردان لیسه زرغونه دادر لباس مقبول صفحات مر کزی کشور می نمایاند .

عکس متن دختر زیبای افغانی را مصروف گل دوزی نشان میدهد .

«عکاسی باختر آژانس»

و برخی از ساختمانهای زیبای آنرا که با خون و گوشت مردم زحمتکش، ساخته شده است با عملیات تخریبکارانه به آتش کشیدند، چه کسانی بوده اند که عراده ها و دوکانه های مردم را طعمه جریق نمودند؟ وجه کسانی بوده که میخواهند مرخصان را در حالت بی دوايي، اطفال را در حالت بی شیري و ساکنان شهر را در حالت گرسنگي با انتظار مرگ نشانند؟

پاسخ واضح است که اینها نه تنها دشمنان خلق افغانستان بلکه دشمنان بشریت اند و این قاتلان حرفه ای که از گوشت انسان تغذیه میکنند از جانب گردانندگان ماشین های جنگی امپریالیزم، مأمور قتل خلق بیگناه شده بودند. آنها با حساب غلط شان بر خود انسانی جمهوری دموکراتیک افغانستان را دال بر ضعف آن نمود، و اعلامیه های مکرر دولت را مبنی بر رعایت آزادی های دموکراتیک مردم نادیده گرفتند اما سرانجام چنانکه با داران شان بارها در برابر مردم ما برانو در آمده اند، این ریزه خوران آنها بار دیگر بر شکست ننگین توطئه گران و آشوبگران امپریالیستی و ارتجاعی شان افزودند و لکه ننگ دیگر بر جبین دشمنان بشریت کوبیدند.

ما چنانچه بارها حقانیت انقلاب خود را در عمل ثابت نموده ایم با بانکداری اعلام میداریم که راه ما حق است، ما بدون هراسی به پیش میرویم و به این ایمان داریم که حق بر باطل پیروز شدنیست.

زنده باد افغانستان
مرگ بر دشمنان وطن

«کارگران و دهقانان زحمتکش!
کاسبان و تاجران افغانستان!
از شما و از هر فرد وطنپرست کشور دعوت می نمایم در هر جایکه هستید سر بلند و باغزور و مطمئن، کار های تانرا انجام دهید، برای انتقال و عرضه اجناس و مواد لازمه که بر احزان و خواهران، پدران و مادران و اولادهای شما سخت ضرورت دارند صمیمانه و فداکارانه کمک و مساعدت کنید، به تبلیغات خائنه و دروغ های دشمنان افغانستان گوش فرا ندهید و فریب نخورید. دولت مصونیت، امنیت و آزادیهای شما را تامین و تضمین خواهد کرد.»
«بیرگ کارمل»

شنبه ۴ حوت ۱۳۵۸، ۲۳ فبروری ۱۹۸۰

راهما، راه حق و بمنزل رسیدنی است

خدمت لذت می برد و رضایت خبیثانه و لینعمتانی را غنیمت شمرده و با لا تر از هر چه میداند حتی از کرامت و شرف انسانی!
پس تصادفی نیست که امپریالیزم جهانی خوار امریکا، امپریالیزم محیل و مزور انگلیسی شتونیزم بکن، قلاعه ارتجاع منطقه خصوصا ارتجاع نظامی پاکستان و صیونیزم اسرائیل را در دست گرفته، گاهی بجان خلق رنج کشیده

افغانستان وزمانی هم بجان خلق آواره و بیگناه فلسطین میاندازند.

مردم ستم دیده ماکه پس از تحمل قرنهای رنج و ید بختی، با پیروزی انقلاب شکوهمند نور زنجیر های اسارت را شکستند و با امیدواری کامل بسوی فردا های شگوفان متنگریستند یکبار دیگر در پنجه بیداد امین خود گام گیر ماندند، چه غذاهای که ندیدند و چه رنجهای که نکشیدند. ولی با یورش بیامان ششم جدی که امین سفاک و باندهای بی باک آن به کینر اعمال ضد انسانی شان رسیدند، آقای کارتر و معتمدینش به سوگت امین نشستند و به عنوان اینکه حفیظ الله، «امین» شان بود خود را مستحق مداخله در امور داخلی افغانستان میدانند!

چنانچه واقعه سوم حوت شهر کابل بار دیگر پرده جنایات شوم امپریالیزم امریکا و دستیارانش را از هم درید و چهره شوم و شیطانی این جنایتکاران تاریخ را به همشهریان کابل و همه هموطنان عنایت یده ما نمایان ساخت.

بیاید به بینیم که چه کسانی حادثه روز سوم حوت را در شهر کابل بار آوردند

هموطنان شریف و آزادی پسند ما و خلقهای سراسر جهان بخوبی میدانند که ارتجاع و امپریالیزم، دشمنان آشتی نا پذیر و شناخته شده بشریت بوده و همواره در تلاش اند تا راه های رفاه و ترقی را بر مردم سد نمایند، زیرا آنها در پیشرفت و ارتقای خلق بسوی افق های درخشان زندگی، نابودی حتمی خود را می بینند.

این فزندان بی مروت که بقای شانرا در ظلمات جستجو می کنند از نور و روشنایی دور هراسند و این خفا شان خون آشام با انوار زرین خورشید انقلاب مردمی که گر مایختی زندگی خلقهای رنج دیده می باشد از اصل و ریشه در تصادف بناء با آن سر مخاصمت را در پیش گرفته و لجاجت در برابر آن قرار میگیرند.

از همینجاست که امپریالیزم جهانی به سرمداری امپریالیزم جنایتکار امریکا با شونیزم جنی در تپانی با در تجاع بین المللی و ارتجاع سیاه داخلی در یک جبهه نامقدس بر ضد انقلاب شکوهمند تور بالاخص در برابر مرحله نوین تکامل تاریخی شش جدی آن که نماینده راستین و چاکر گوش فرمان شان امین خونخوار را سرنگون ساخت خشمناک گردیدند و با تلاش های مذبحخانه و دیوانه وار با اعمال خائنه دست می زنند.

ارتجاع و امپریالیزم که متضمن بقای یکدیگرند و در تاراج هستی خلقها دست شریک دارند از مدتهاست که بکار برد حیل و نیرنگهای گوناگون هست و بود مستعصفین جهان را دست بردمی زنند و بانکه ارتجاع را درین جیا ولها چندان چیزی هم نمیرسد و با اصطلاح از «گاو غدودی» رانسیب میگردد مگر با انهم از خوش

د مسلمانانو تر منځ د تماسونو اهميت

په ۱۹۸۰ کال کې د شوروي اتحاد

د مسلمانانو د مهمو پروگرامونو

پس منظر

دی د مسلمانانو تر منځ د تماسونو د پیاوړتیا لپاره د شوروي اتحاد د لومړنيو اقداماتو په نوم یادیږي. د دغې موخې د شوری اتحاد د مسلمانانو او د نړیوالو مسلمانانو تر منځ د اړیکو د پیاوړتیا لپاره د شوروي اتحاد د لومړنيو اقداماتو په نوم یادیږي.

هادی اعظم الا کبر د شوروي اتحاد د سوسیالیستي جما هیرو د اتحاد د مسلمانانو داسلامی ټولني د نړیوالو والو او یو درئیس مرستیال په دی وروستیو وختو نو کی د مسلمانانو تر منځ د مستقیمو تماسونو او په یوزرو نېه سوه اتیا ویم کال کې د شوروي اتحاد د مسلمانانو د مهمو پروگرامونو د پس منظر په باب دنو وستی پر سی داژا نس له استازی سره یوه اختصا صی مر که کړی چی دادی دلته یی وړاندی کوو: پو بنسټه :

که لطفاً د شوروي اتحاد د سوسیالیستي جما هیرو د اتحاد د نړیوالو تماسونو او دغه نقش په باب چی ستا سو خانکه یی پکی لو بوی لږ څه معلومات را کړی !

خواب :

دخا وری د پراخوا لی او جغرا- فیای یی مو قعییت له مخی د مسلمانانو څلور بور دو نه په شو روی اتحاد کی جوړ او تا سیس شوی دی. لو- مری بور دمر کزی آسیا او قزا- قستان د بور د څخه عبا رت دی. دو هم او دریم بو ر دو نه دشما لی کاکا سو بس دوترا نسکاو کا سیا بور دو نه دی په داسی حال کی چی په څلو رم بور د کی د سا پیریاسیمه شا مله ده . تر کو می اندازی چی په مذ هبی فعاً لیتو نو پو ری اړه لری دغه څلور وا په بور دو نه خپلی مذ هبی چاری په مستقل او ځا- نگړی تو گه تر سره کوی. د شوروی اتحاد د مسلمانانو د بین المللی اړیکو ټولنه چی مشری مفتی ضیا- الدین خان ابن احسان بابا خان

یکی او مستقیم تماسونه ټینګه او پیاوړی کړی . دغه ټولنه وظیفه لری چی د شوروی اتحاد مسلمانانو د پاره بهرنی سفرونه تنظیم کاندی ددغی مو سسی بله وظیفه داده چی شو روی اتحاد ته د بهر نیو هیوادو د مسلمانانو دراتګ په وختو نو کی دهغوی داوسیدو د پاره لازمی آسانتیا وی برا بری کړی . همدا رنگه په مر کزی آسیا او د شوروی اتحاد په نورو سیمو کی داسلامی مرکزونو او تاریخی آثارو د کتنی د پاره د آسانتیا و برا بر ول ددغی موسسی یوه مهمه وظیفه تشکیلوی. ددغه اصل له مخی د شوروی اتحاد د بیلا بیلو برخو مسلمانانو کو لای شی چی د ذکر شوی مو سسی په مر سته او همکار ی دکال په بیلا بیلو موسمونو کی د اسلامی



د شوروی اتحاد مسلمانان د دینی کتابونو او اسلامی آثارو د خپرلو په حال کی

مرکزو نوڅخه کتنه وکړی او تاریخی آثار له نژدی څخه وگوری .

ددغه حقیقت دپه نظر کی نیولو سره چی د شوروی اتحاد دمر کزی آسیا او د قزا قستان د پاره د مسلمانانو بور د نړی د څخه دپا سه او یا هیوادو نو سره په تماس کی دی هر څوک دا اټکل کو لای شی چی د شوروی اتحاد ټولو څلور گو نو اسلامی بور دو نو نړیوالو تماسونو څو مره او په څه ډول تنظیم او ارز- یابی کبړی .

په پورتنیو ټکو علاوه باید وویل شی دچی د شوروی اتحاد د مسلمانانو د نړیوالو تماسونو ټولنه هر کال داسلامی تعلیماتو په بساب د معلوماتو د پراخوا کو لو د پاره دهغه هیواد یوزیات زده کوونکی او محصلین د لوړو زده کړو په غرض بهر نیو هیوادو نو ته استوی . تر اوسه پور ددغی اړتیا طی مو سسی له لاری څخه یوزیات شمیر ځوان زده کوو- نکي او محصلین المغرب ، سور یی ، اردن ، لیبیا او د ځینو نورو هیوادونو ته استول شو یدی .

دغه ځوان محصلین په بهرنیو اسلامی هیوادونو کی د معلوماتو د پراخوا او لوړو زده کړو له پای ته رسیدلو څخه وروسته بیرته شوروی اتحاد ته را ستنپیری او په پراخوا ، تا شکند او نو رو اسلامی مدرسو او مرکزونو کی په تد ریس بو ختپیری .

د شوروی اتحاد د سوسیالیستي جما- هیرو اتحاد مسلمانانو په دوه اړ- خیزو تماسونو سر پیره دیو زیات شمیر نورو فعاً لیتو نو سره هم سر او کار لری . په پراخوا نیو کلونو کی د شوروی اتحاد د مسلمانانو د بور د پراخوا یو زیات شمیر نړی- وال کنفرا نسو نه تنظیم او پراستل شو یدی او په هغو کی د آسیا ، افر- یقا او منځنی ختیځ له هیوادونو څخه یوزیات شمیر اسلامی مشرانو برخه اخستی ده . د ۱۹۷۰ او ۱۹۷۳ کلونو په اوږدو کی د فلسطینی- عربی وگړو د دایمی په ملا تیر د اسلامی هیوادونو یوه نړیواله جرگه په شوروی اتحاد کی جوړه شوه . په دغه جرگه کی د عربی وگړو د حقه حقو د دعا دی او دغه راز د فلسطین ولسونو د خاوری او ملی حاکمیت د تضمین او پیر ته اعا ده کیدو سره نړیوال پيو سټون څرگند او داسرا ټیلی تیری کوونکو



دوشنبې دښار په یوه جومات کې داسلامی تبلیغاتو یوه څڼه

په څه ډول دی ؟
ځواب :
 په دوشنبه کې دتیر کال داسلامی سمپوزیم دجوړیدو په تعقیب او دوام ټاکل شوی ده چې د ۱۹۸۰ کال دسپتا مبر په میاشت کې دتاشکند په ښار کې داسلامی هیوادو نو داستا زو په گډون یو نړیوال کنفرانس جوړشوی. همدا رنگه تجویز نیول شوی دی چې په روان کال کې هم دهجرت د مراسمو دنما نخلو په باب ستړی غوښتنی جوړی شی .

پوښتنه :
 آیا ستا سو په عقیده دالمپیک دبین المللی لو بو دانسجام کمیسیون به چې دروان کال دجولای په میاشت کې په شو روی اتحاد کې جوړی شی پاتی په ۵۰ مخ کې

هیوادو داستا زو له خوا مقالی لسی ولو ستلی شوی او کنفرانسو نه ور کړل شول . باید وویل شی چې په دغو ټولو کنفرانسو نو ، سمپوزیمو نو او میتنگونو کې دافغانستان عا لمانوالو پر رتبه استازو برخه واخسته . همدا رنگه په دغو ټولو نسلو کې دافغانستان ددمو کرا تیک جمهوریت په استازو علا وه د بنگله دیش ، لیبیا ، لبنان ، هند ، پاکستان ، اندونیزیا ، ایران ، تونس ، المغرب ، مالی او ځینو نورو اسلامی هیوادو هیا تو نو گډون کړی و .

پوښتنه :
 په ۱۹۸۰ کال کې دشو روی سو سیا لیستی جما هیرو داتحاد مسلمانانو پلانو نه او پروگرامونه

په وینا سره پرانستله شوه داسلامی هیوادو دحکو متو نو او مذهبی مشرانو په نامه دوه ځانگړی پری کره لیکونه او ابلاغی صا دري او تصو یبی شوی . د ۱۹۷۷ کال په تاریخ اسلامی کنفرانس کې دټولو اسلامی هیوادو نو تر منځ دگډو مرستو او څو اړخیزو همکاریو دارزښت او اهمیت په باب ټینگار وشو او د نړی دټولو اسلامی هیوادو نو څخه وغوښتل شول چې دنړی دملتو نو او بیلابیلو مذهبو نو تر منځ دښه نیت او غوره تفاهت اساساتو دپیا وړتیا اودغه راز دسولې او نړیوال امنیت دټینگښت دپاره سره یو مو ټی شی همدارنگه داسلامی هیوادو نو تر منځ دزیاتو همکاریو دپیا وړتیا له پاره د ۱۹۷۹ کال څخه تر اوسه پوری په نو موړی هیوادو کې دغه لاندی کارونه تر سره شوی دی :

۱۹۷۹ کال د اگست په میاشت کې دشو روی اتحاد په ختیځو برخو کې دمسلمانانو دلو مړنی اسلامی ژور نال دخپریدو دلسمی کالیزی دمرا سمو دنما نخلو په خاطر یوه ستړه غوښتنه وشوه او په هغی کې دنړی دیو زیات شمیر اسلامی هیوادونما یندگانو او لوړ رتبه استازو برخه واخیسته . وروسته دهمدی کال دسپتا مبر په میاشت کې دهجرت دخوار لسمی پیړی د شروع کیدو دنما نخلو په مناسبت ددوشنبې په ښار کې دنړی داسلامی هیوادو دعا لمانو په گډون یو سمپوزیم جوړ او ددغی ورځی په اړتباط دبرخی اخستو ونکی

مقاماتو څخه غوښتنه وشوه چې دعر بو دنیول شوو سیمو څخه دی خپلی قوا وی وپا سی . دغه راز په دغه جرگه کې دعر بی وگړو سره دهر ډول ما دی او معنوی مرستو دور کو لو وعده وشوه .

په ۱۹۷۴ کال کې د «ابو عبدالله محمد ابن اسمعیل البخاری» دزین یدو د ۱۲۰۰۰ کالیزو مراسم په لوړه سو په یو شو روی اتحاد کې په ځای شول . په ۱۹۷۶ کال کې دنړی دبیلابیلو اسلامی هیوادو نو یو زیات شمیر مسلمانان دقزاقستان او مرکزی آسیا دپاره داسلامی بوردونو دجوړیدو دشلمی کالیزی په مراسمو کې دبرخی اخستلو په غرض شو روی اتحاد ته راغلل .

همدا رنگه په هغه نړیواله جرگه کې چې ددایمی سو لی په ټینگښت کې داسلامی هیوادو دمنځه یی مشرانو دونهی اخستلو په باب په ۱۹۷۷ کال کې په مسکو کې وشوه دنړی څخه دپاسه ۱۰۷ هیوادو نو څخه شپږ سوه پنځو ستنو استازو گډون وکړ . په دغه ستړه او تاریخی غوښتنه کې دنړی دخوار لسمی اسلامی هیوادو نو څخه دپاسه سلو ټولوررتبه عالی او علمی شخصیتو نو داسلامی نړی دیووالی په باب وینا وی وکړی او خپلی مقالی ولو ستلی .

په دغه غوښتنه کې چې دشو روی سو سیا لیستی جما هیرو اتحاد د مسلمانانو دبوررد دمشر مفتی ضیاء الدینخان ابن احسان با با خان



دجومات خطیب په نړی کی دسولې او امنیت دټینگښت په باب لمونځ کوونکو ته دوینا کولو په حال کې

حق دارد که مناسک مذهبی شان را آزاد وبدون

ترس اجرا بدارند.

در طول این دو ماه که از مرحله نوین انقلاب نور می گذرد، کدام يك از کار های دولت از نظر تان چشمگیر است ؟

من بصفت يك زن وتلفه خود میدانم که بگویم محترم شمردن به حقوق زن یکی از کار های پر ارزش دولت ما است که بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب نور جامعه عمل پوشیده است بنظر من در طول این مدت کوتاه کار های بس بزرگی انجام شده ودر آینده نیز انجام خواهد شد ولی باید این نکته را روشن سازم که آزاد شدن زندانیان سیاسی یکی از اقدام های برارچ جمهوری دموکراتیک افغانستان است که ملیون ها خانواده را از سرگردانی وبلا تکلیفی نجات داده اند .

مسترد نمودن جایدهای های مردم که از طرف امین وباندوی به ناحق وبدون کدام دلیل وبرهان ضبط گردیده بودیکی دیگر از کار های مهم وپرارزش دولت ما است .

•••

سالم جان راکه از ولسوالی تگاب مربوط ولایت پروان است در یکی از شناخانه ها می بینیم، اوکه در زیر بغلش عکس های رادیوگرافی شده از شش وقلبش دارد، بخاطر تداوی خویش از زادگاهش به کابل آمده تا تحت تداوی قرار گیرد .

آزش می پرسیم که چند وقت است مریض هستی؟ میگوید :



فوزیه امیری باعده از همکاریاش در مورد دست آوردهای مرحله نوین تکامل انقلاب نور نظر میدهند

مرحله نوین تکامل انقلاب نور

ونظر دهی مردم در مورد آن

من از مدتها مریض هستم شاید دوسه سال میشود ولی در طول این مدت هرگز تداوی نندم، بارها به کابل آمدم ولی موفق نمیشدم که داکتر رایبینم، اگر احیانا موفق میشدم که داکتر رایبینم از هوا خبری نبود ، من آنقدر مریض نبودم که اکنون هستم و علت آن اینستکه بعضی از داکتر ها به من میگفتند که امروز بیا، وسپا همین امروز وسپا باعث شد که مریضی ام شدت بیابد تا اینکه بکلی مرا از پا انداخت .

علت این امروز وسپای دوکتوران چه بود وچرا برایشان تگفتی که زیاد تکلیف داری ؟

می خندد، خنده تلخ، لبان او را از هم باز میکند ومیگوید : برادر آیا جرئت داشتم که این حرف رابه آنها بزنم ، اگر کوچکترین حرفی میزد شاید سرحدم به زندان پلچرخ میکشید ... وآن وقت است که خدا به یاری ام می رسید دیگر امیدی نبود .

خوب حالا چه فکر میکنی ، آیا تداوی شده ای ؟ به عکس های زیر بغلش و به کاغذ های که در دست دارد نگاه میکند میگوید : بلی، شما هم میتوانید این ها را مشاهده کنید ، مدت کوتاهی است که بکابل آمدم ، زیرا هه میگفتند که پس از مرحله نوین تکامل

روز گار بندی در زندان پلچرخ و دیگر زندان ها چطور بود وجه بروزگار آنها میگفتند . این همه مظلوم بی شمار که از طرف امین وامینی ها بر مردم بی چاره وبی پناه ماحمیل میشد زندگی را آنقدر برآنان تنگ ساخته بود که مرگ هزار بار بهتر بود از آن زندگی که آنان داشتند .

ماهم دست کمی از زندانیان نداشتیم اگر چه ظاهرا آزاد بودیم ولی حقیقتش این بود که خود کشور مابه زندانی بزرگی مبدل شده بود، زیرا نه میتوانستیم حرف حق را بزنیم ونه میتوانستیم خانه دوستی وآشنایی برویم بدین تریب زندگانی که ماداشتیم چه ارزشی داشت آیا آنقدر تحقیر و خورد شدن را مستوجب بودیم ؟ چه گناهی داشتیم که نمیتوانستیم آزاد زندگی کنیم ؟ ولسی جواب این سوال خیلی ساده بود وآنانکه امین وباندوی آزادی خود را در بندگی دیگران میدانستند . آزادی مذهب که حق مسلم هر مومن ومسلمان است در زمان امین سخت تحت تحدید قرار داشت ، چنانچه بسیاری از کسان ماکه برای ادای نماز به مسجد می رفتند امیدی نداشتند که دو باره به خانه پس از ادای نماز برگردند .

اما امروز خوشبختانه هر فرد این خاک

بیکار حق بر ناحق ویکار مظلوم با ظالم بود و خوشبختانه با استقبال بی سابقه تمام مردم رنجیده وفهمیده ما قرار گرفت و به پیروزی رسید ، امروز همه بدون هیچگونه تبعیض وامتیازی میتوانند آزاد زندگی کنند، آزاد حرف بزنند وآزاد به مناسک مذهبی خود بپردازند . این است معنی عدالت و دموکراسی .

در زمان امین بسیاری از وطنداران ما یابندی بودند ویا بشکل از اشکال مورد آزار واذیت باندوی قرار میگرفتند، شما و خانواده شما در آن وقت چه حال داشتید ؟ بلی این درست است که هیچکس وهیچ خانواده نبود که از شر ظلم وشکنجه امین وباندوی در امان بوده باشد . من هم مانند هزاران وملیون ها خانواده دیگر بی داغ نماندم . قصه از این قرار است :

روز هفتم ماه مبارک رمضان بود که دامادم را بردند ونذاستیم که کجا بردند و برای چه بردند . ولی يك چیز مسلم بود که او در زندان است . اما اینکه چه شکنجه ودردی را تحمل میکند خدا میدانست . هنوز شش ماه از ازدواج شان نگذشته بود که روانه زندان مخوف پلچرخ شده بود وشما وهمه هموطنان خوب میدانند که

ای هموطن وقتیکه این سطور رامیخوانی بدون شك ، به این گفته ها وسختان که از دهن این هموطنان مایرون میشود بساور وایمان داری ، میدانی که این ها همه حقیقت است وهیچگونه مبالغه درآندیده نمیشود ... به چند نقطه شهر میروم با چند همشهری و هم وطن به صحبت میشوم از این هموطنان در مورد مرحله نوین تکامل انقلاب نور می پرسیم ، وجواب های میگیرم . جواب های که از قلب وضمیر آنان بر خاسته است و همه اش حقیقت است .

اولین مخاطبم زنی است با موهای جوگندی که مو های سپیدش گذار عمر شرافتمندانه اش را نشان میدهد . آزش می خواهم که خود را معرفی نماید، میگوید :

نام آصفه اکبر است ومستحضردر شعبه نابلت سازی دیوی نمبر يك میباشم . زندگی امروزی تان رابادوماه قبل چگونه مقایسه میکنید ؟

در گذشته مخصوصاً در دوره حکمرمایی امین وباندوی زندگی اکثر هموطنان ماشبه به زندانیانی بود که نه حق داشتند حرف بزنند ونه میتوانستند آزاده صحبت کنند . با چنین شرایط بود که مردم ستم دیده ما روز های سخت را میگذاشتند ولی حالا ، مخصوصاً پس از روز تاریخی یعنی ششم جدی که

انقلاب
وراستی
به کابل
طبی
میروم
کتونی
باشد

جوا
بیکند
باره
اراز
اگر
کفته
بجصل
برایتان
مرح
به یس
محصل
قرار
که د
چه
سخت
ومی
که ب
میدهد
امین
بایست
هم د
جسم
ترین
ای
وباند
ول
تکامل
زندگی

هر کس خواسته باشد آنرا ازس سلب نماید در حقیقت پشت پا به حقوق فردی و بشری زده است که این کارها و اعمال از طرف امین و بانده سیاه کارش جز برنامه های همبستگی اش بود .

امروز در پرتو مرحله نوین تکامل انقلاب نور چه کارگر است چه دهقان ، چه مامور است چه کاسب همه و همه یکسان بدون در نظر داشت رنگ ، قبیله و قومیت از آزادی یکسان بر خوردارند . این همه طبقات و اقشار جامعه ما که در گذشته حتی حق حرفی زدن را نداشتند چه به این که نظر بدهند یا انتقاد نمایند ، اما امروز به سر کت همین عدالت واقعی و اجتماعی است که مردم ما آزادانه نظر میدهند و این نظردهی آنها از طرف دولت ما پذیرفته میشود . البته مردم ما این انصاف را دارند که در خواست های شان چیزی را از دولت و حکومت مردمی شان توقع نمایند که اجرا و عمل آن در خور امکان و قدرت دولت باشد .

مردم ما نباید از دولت خویش معجزه توقع داشته باشند، این همه پسمانی را که میراث شوم گذشته است نمیتوان در مدت کوتاهی از میان برداشت ، وقت و زمان می خواهد تا خواسته های مردم ما برآورده شود .

بیک چیز باید ایمان داشته باشیم و آن اینکه هرچه از طرف دولت وعده داده میشود به آن عمل میگردد . هنوز ما برای ساختن یک افغانستان آباد و معصور کار های زیادی در پیش رو داریم و باید در امر اعمار آن مردم با عشق و علاقه فراوان کار نماید ، عرق ریزند و با تلاش هر چه بیشتر باعث تسریع کارها در امر اعمار افغانستان نوین گردند .

کارهای که در طول این مدت کوتاه صورت گرفته از نظر شما بیشتر کدام چشمگیر تر است ؟

بقیه در صفحه ۵۷

بلند دولتی می بود و بورسی های تحصیلی هم یکی از امتیاز های بود که دولت به جوانان که واجد شرایط می بودند می داد اما این چانس به آسانی داده میشد که صاحب قدرت بودند ولی خسو شیخا نه امروز به چشم سر مشاهده میکنیم که هزاران جوان مابدون هیچگونه تفاوتی وبدون هیچگونه امتیاز و تبعیضی نظریه خواهش واستعداد شان به پوهنخی های مورد تلاقه شان کامیاب شده و جذب گردیده اند . و آن عده دیگر که مستحق بورس شناخته شده اند بدون نشویش و نازاحتی به تحصیل خویش می پردازند اینست معنی عدالت و مساوات و برابری پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور که در کشور خود مشاهده میکنم .

فوزیه امیری آمر شعبه شربت سازی و نیچر سازی در پاره دست آورد های ششم جدی که مرحله تازه در زندگی و حیات مردم ما وارد آورده است چنین نظر دارد :

وقتی که گذشته را با حال مقایسه میکنم درمی یابیم که چقدر بهبودی های در همین مدت کوتاه نصیب مردم و خلق زحمتکش ما شده است . در گذشته که جز حرف چیزی وجود نداشت و همیشه تبلیغات بود و پس ولی حالا در همه ساحات زندگی عمل وجود دارد پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور ، چیزیکه به مردم گفته میشود وعده داده میشود به آن عمل میگردد و این خیلی مهم است برای کشور ما و برای مردم ما که زیاد حرف شنیده اند ولی عملی ندیده اند . مهمترین دست آورد های مرحله نویسن تکامل انقلاب نور آزادی است ، آزادی یا این پدیده که هر انسان به آن ضرورت دارد، همانطوریکه به غذا ، لباس و غیره احتیاج دارد به آزادی نیز ضرورت و احتیاج مبسوم دارد .

آزادی حق فردی هر انسان است و اگر



محمدانور یوسفی

امروز در روشنی این تحول تازه است که جوانان ما احساس میکنند که آزاداندو آزادی را بصورت واقعی آن می بینند و لمس میکنند . جذب شدن بر سابقه شاگردان معارف به پوهنتون و دیگر موسسات تعلیمی یکی از کار های با ارزش و درخور ستایش دولت ما است . در گذشته تنها چانس گاهیبی را کسانی داشتند که صاحب قدرت و نفوذ بودند ، پدر شان یا یکر از منسوبین شان صاحب مناسب

انقلاب نور همه کارها به فوریت اجرا میگردد، و راستی که چنین بود ، یک هفته قبل از وطنم به کابل آمدم در ظرف یک هفته تمام معاینات طبی ام تکمیل و مرصم تشخیص گردید و حالا مرصوم که دواي خود را بگیرم . خداوند دولت کنونی ما را حفظ کند و در پناي خود داشته باشد .

جوانی که خود را محمدانور یوسفی معرفی میکند و از لیسه شیرشاه سوری فارغ شده در پاره مرحله نوین تکامل انقلاب نور چنین ابراز نظر میکند :

اگر چه حرف های زیادی است که باید گفته شود ولی من می خواهم از دیدگاه یک محصل مرحله نوین تکامل انقلاب نور را برایتان تشریح کنم :

مرحله نوین تکامل انقلاب نور در وقتی به پیروزی رسید که جوانان ما مخصوصاً محصلین و متعلمین در بدترین شرایط زندگی فرار داشته البته باید این نکته اضافه شود که دیگر اقشار و طبقات مردم کشور ما که چه حال داشتند و چگونه زندگی برایشان سخت میگذاشت موضوع جدا گانه است .

و می خواهم تنها در مورد قشر جوان مملکت که بزرگترین سرمایه یک مملکت را تشکیل میدهد صحبت کنم : بلی جوانان مادر دوره امین و باندهی در شرایطی قرار داشتند که یا بایست جوانان ما در زندان های مخوف و آن هم در زیر هزاران نوع شکنجه های روحی و جسمی قرار می گرفتند و می مردند یا به پست ترین اعمال انسانی تن میدادند .

این بود وضع جوانان مادر زمان امین و بانده جنایتکاری .

ولی حالا مخصوصاً پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور زندگی تازه آغاز کرده اند، زندگی که واقعا درخور یک جوان است .



سالم جان که ماه ها برای تداوی اش تکابل می آمد ولی تداوی نمیشد اما حالا ...



آصفه اکبر، اوبای احساس خاصی حرف میزند



اطفال در کودکتا نها کار های هنری می آموزند

از منابع خارجی

ترجمه : پوهنمل دوکتور سید حسام (مل)

بخاطر یک آینده بهتر برای تمام اطفال

سال ۱۹۷۹ که توسط مجمع عمومی ملل متحد بنام سال طفل اعلام شده بود ، پایان یافت (نیکولای تخونوف) کاندید بوروی سیاسی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و معاون اول رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی ، به حیث رئیس کمیسیون سال بین المللی طفل ، تعیین شده بود در یک مصاحبه اش با خبرنگار مجله (لیتراتور نایا) راجع به توجه زیاد کشور شورا هابه نسل آینده اشاره نموده بجواب سوالات او چنین پاسخ داد:

اهداف سال بین المللی طفل از چه قرار است؟
- هدف عمده از سال بین المللی طفل معطوف ساختن توجه مقامات دولتی و عموم جهانیان بمنظور بهبود وضع اطفال است. که یکی از پرابلمهای مهم اجتماعی بشمار میرود . مطابق دایور صندوق بین المللی طفل صدها میلیون اطفال در جهان غیر سوسیالیستی در فقر - گرسنگی حیات بسر می برند. و در حدود (۲۵۰) میلیون طفل در سراسر جهان از باعث سوتغذی و فقدان مواد غذایی مصاب امراض گوناگون میباشند .

قرار راپور صحنی حیات اجراییه (بان امریکن) هفت ونیم میلیون طفل در کشور های امریکای لاتین در دهه گذشته از کمی توجه طبی حیات شان را به شکلی از اشکال از دست داده اند. در دنیای امروزه مجموعا (۳۰۰) میلیون طفل که بسن هفت سالگی رسیده اند ، نسبت معاذیر اقتصادی نتوانستند شامل مکتب شوند، غربت و فقر اکثر والدین را واداشته که اطفال شان را بکارهای مزدوری بگمارند ، مطابق راپور سازمان بین المللی کار و کارگر در حدود (۵۴)

ملیون طفل در قید حیات اند، که ازین جمله صدها هزار طفل بین سنین هشت و پانزده سالگی بمنظور بدست آوردن یک مزد ناچیز به انجام کار های شاقه که ساعت کار روزانه شان دوو یادوازده ساعت میباشد دست به گریبان اند. بمنظور فراهم آوری فضای سالم زیست ضرور است که برای امر صلح و امنیت بین المللی مبارزه خستگی ناپذیر نمود . زیرا اطفال محتاج صلح و آرامش اند . و همین صلح و آرامش است که برای اطفال خوشی و سعادت بارمی آورد. فضای مذکور امکانات بهتر رابرای آموزش و پرورش تدارک می بیند .

سال بین المللی طفل نظریات عامه جهانیان رادر مبارزه به مقابل تسلیحات بسیج میسازد و در زمینه همه نیروهای صلح دو ست خواهان تحدید تجهیزات نظامی بوده ، مبلغ پولی را که مصرف تجهیزات نظامی می نمایند، بهتر خواهد بود که برای احتیاجات اجتماعی بشمول بهتر ساختن زمینه رشد اطفال بمصرف رسد . پیاده کردن این امریک پلاتفورم مشترک نیروهای

همه خلقها راباوجود اختلافات سیاسی شان خواهان است .

- شما در مورد وضع اطفال در اتحاد شوروی چه میگوئید ؟

- دولت شورا ها کلیه امکانات رابرای بهبود صحت و خوشی نسل آینده آماده ساخته است . و در قانون اساسی اتحاد شوروی در مورد حمایه طفل و مادر بصراحت ماده ای جداگانه به تذکر رفته است .

در سال (۱۹۷۸) بوجهیکه برای اعصار و ساختمانهای کودکان ها، اطاقهای رهایش اطفال ، کمپ های جوانان ، سربازان ، و دیگر مراکز بصرف رسیده بالغ به پانزده هزار و ملیون روبل میگردد که ۶۰ فیصد بودجه برای آموزش جمعی بمصرف میرسد . علاوه در حدود (۱۸۰) ملیون روبل همه ساله مصرف دانش آموزان دوره ثانوی میگردد . بالاتراز (۵۰۰) روبل برای یک طفل شیر خوار و زیاد تر از (۴۵۰) روبل مصرف طفل در کودکتان هادر سال میباشد . که ۸۰ فیصد این مصارف از بودجه دولت تمویل میگردد .

مادر کشور خود بیش از (۱۲۰) هزارانستیتوت های قبل از مکتب داریم که برای (۱۳) میلیون طفل محل ارایش دارد . در پیلان پنج ساله جاری از (۲۵۰۰) تا (۳۰۰۰) کودکتان و شیر خوار گاه در هر سال تحت ساختمان و اعمار است .

در هر تابستان اطفال قبل از مکتب برای خوش گذرانی و تفریح ، خارج از شهر درین دهات و مکاتب خورد سالان و در کمپ های جوانان سر - باز زندگی می نمایند .

در کشور شورا ها برای باز بررسی صحنی و خوش گذرانی اطفال مراکز عمده وجود دارد، که این مراکز زیاد تر از یک ونیم میلیون طفل را اعم از خورد سالان و نو جوانان همه ساله می پذیرد و برای شان وسایل راحتی و تفریحی را فراهم میسازد .

مسایل راحتی و محل رهایش برای تمام اطفال از طرف دولت شورا ها به صورت رایگان در دست تهیه است .

این مصارف فوق از صندوق امنیت جمعی برداشته میشود . و هم برای آن اطفال که در حال سیاحت و مسافرت اند ، موسسه مذکور ۵۰ فیصد در وسایل ترانسپورتی شان تنزیل بوجود می آورد .

همه سناتوریم ها ، اسراحت گاه ها و هتل هادر روزهای رخصتی بروی اطفال و والدین آنها باز بوده و در مراکز مذکور لحظات خوش زندگی خود را می گذرانند . قرار راپور و تفریح در مراکز فوق همه ساله تا (۴۰۰) هزار طفل استراحت مینمایند. سیاحت های فامیلی در اتحاد شوروی گاه

عام است. در سال ۱۹۷۹ تقریبا یک میلیون طفل با والدین شان سیاحت های توریستیک نموده اند. در تریبه و آموزش و پرورش اطفال نمایشگاه های مختلف از قبیل، سرکس ها، باله خانه ها درام ها و دیگر وسایل تریبوی وجود دارد، که همگی این نمایشگاه هادر تریبه سالم اطفال نقش قاطع دارد .

و به همین منظور است که دولت شورا ها وسایل سرگرم کننده رادر اکتاف و گوسه های متعدد کشور تهیه می نماید .

همه ساله که در اتحاد شوروی هفته های بنام هفته جوانان - کتاب - موزیک - سینما - تیاتر برگزار میگردد و میلیونها طفل ملاقات های پیهم با نویسندگان - کمپوزرها - موسیقی دانان ، واکتورس ها می نمایند .

شورای اتحادیه های محلی ولیک کمونستی و سازمانهای سپورتی در جدوجهد اند، تا یک تعداد زیاد اطفال را در فعالیت های فزینگی و سپورتی جذب و داخل این سازمانها میسازند. در سال ۱۹۷۸ در اتحاد جماهیر شوروی تقریبا (۷) هزار اطفال شامل مکاتب سپورتی گردیدند که به این ترتیب تعداد ورزشکاران در اتحاد شوروی قریب به دو ملیون میرسد . علاوه در نظر است که بین سالهای ۱۹۸۰-۱۹۷۹ تقریب (۲۷۰) مکاتب ورزش و سپورت جدیدا تاسیس شود .

بقیه در صفحه ۵۷



اطفال حین بازی وساعت تیری در کودکتان

فعالیت‌های خرابکارانه و طرح نقشه‌های تهاجمی ایالات متحده تو از ن قوار ادر جهان بر هم میزند

خلقهای سرا سر جهان خا طرات بسیار تلخ و نا گوار جنگک جهانگیر دوم را ، فجایع آدم کشی، کوره‌های آدم سوزی ، گسیل داشتن اسرای جنگی به از دو گاه های کار اجباری بمبارد ما نها و خرابی های پیشماری که این جنگک خا نما نسوز بر خلقهای اروپا تحمیل کرد و میلیو نها انسان فدای هوا و هو سس و خوا هشات شیطان ی امپر یا لیزم جها نی و نیرو های جنگک طلب و در را سس آن فدای خوا هشات دو زخی و آرمانهای سیاه نا زیسم و آلمان وفا شیسم ایتالیا گرد ید ند. هنوز آن خا طرات نا گوار که دلهای آدمیان را بر قست میا ورد و وجدان آدمی را تکان می دهد از خا طره ها فرا مو شس نشده است. بعد از جنگک جها نی دوم که قوای متفقین بر نیرو های اهریمنی متحد ین فایق آمدند. امپر یسا- لیسم جهانی و در راس آن امپر یالییزم ایالات متحده امر یکا در صدد آن شد تا منا بع بیشتری بفر صس تحصیل منافع آزمندا نه جها نخواست ران امپر یالیستی فرا هم آورده و بیش از پیش کشور های جدا گانه را یا به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم در اسارت خو یش نگهداشته و این کشور ها را مبدل به مناطقی تهیه مواد اولیه و تهیه و فرا هم آوری مواد خام برای خو یش مبدل سازد، همان شد که استعمار را بشکل نوو باظا هر آراسته و پیراسته درایسن کشور ها گسیل داشت و با وجود اینکه با ایجاد حکومتات ضد ملی و ضد دمو کراتیک بر ارا ده اکثریت خلقهای کشور های نا مبرده مسلط گرد یده و بر سر نو شت آنها حا- کمیت دارد ، باز هم خا ثنا نه و بسا دیده درایی از عدل و تقوی ، از ایجاد حکومت مردمی ، از دمو کراسی، از آزادی (!) و... داد میزند، این دیگر صاف و پاک فریب خلق است ، داستان نا پاک امپر یالستان

دیگر بخون صدها هزار و میلیو - نها انسان شریف آسیا ، افر یقا و امر یکای لاتین آلوده است ، ما شین جنگی ایالات متحده امر یکا دروینتنام قهر مان ، در شرق میا نه ، در انگولا موزمبیق و سایر کشورهای جهان کشتگان بیشماری از خود بجا گذاشته است . خلقهای مبارز و شجاع جهان این کشتار ها و آن قربانی ها را هر گز فراموش نمی نمایند ، حالا دیگر وقت آن رسیده که خلقهای رزمنده جهان در مجموع به امپر یا لیزم و کلیه متحد این ناپاک و منحطش یورش برده و با ضربات کوبنده شا لوده امپر یا- لیزم جهانی را در هم ریخته و بر- خرابه های استعمار رنگ و روغن زده یعنی استعمار جد ید شا لوده و اساس زنده گی نو ین و مترقی، آزاد و شگرفان را بنا نهند .

در این ا و خرایالات متحده امریکا تصمیم گرفته است تا سیستم های جدید اسلحه ذروی را در کشورهای عضو نا تو تمرکز دهد ، این تصمیم ایالات متحده امریکا بخودی خود علیه دیتا نت بوده و تو از ن قوار ادر ارو پا بر هم می زند. در حقیقت عال ملین و گردانندگان ما شین آدمکشی امپر یا لیسم سخت در تلاشی بوده و در این زمینه تلاشها و فعالیت های تب آلودی را انجام میدهند ، با وجود چنین حالتی که پلانها و نقشه های نا توهمه و همه متوجه تشدید تسلیحات ذروی است، به شکل پیشر ما نه و در عین حال بسیار ظریفانه موضوع مذاکره با اتحاد شوروی و مساله تحدید سلاحهای اتومی را به پیش می کشد . این دیگر واضح و آشکار است که چنین نقشه های محیلا نه و شیطان ی نه مورد قبول خلقهای جهان قرار میگیرد و نه مورد قبول کشورها

بیکه به استقلال ملی ، حاکمیت ملی، و تمامیت ارضی خو یش دلبسته و علاقمند ند . ایالات متحده امریکا بدون در نظر داشت ارا ده رزمنده خلقها و خلاف ادعای محافل انقلابی و کشور های مترقی به خصوص خلاف اعتراضات پیهم خلقهای ارو پا در این اوا خسر مرمی های تهاجمی و کروزو پرسشنگ را در ارو پای غربی بجا نموده است ، این عمل جنگ طلبانه و خلاف روحیه مقررات بین المللی و خلاف قرار داد ها بین اتحاد شو روی و اضلاع متحده امریکا در مورد تحدید سلاح تهاجمی است که واقعا چنین اعمال و چنین کوششهای شیطان ی بخودی خود اصل دیتاننت را مورد مخا طره جدی قرار میدهد این تصمیم اضلاع متحده امریکا در کنار تصامیم دیگری که درایسن زمینه اتخاذ گرد یده است بیش از پیش ما هیت جنگ طلبان و خصلت عمده فعالیت های امپر یا لیزم ایالات متحده امریکا را بر ملا میسازد اکنون که امپر یا لیسم اضلاع متحده امریکا بر مرگ نیرو های هوادار جنگک و غارتگری خلقها اشک تماشامیر یزد متحده ین هم پیمان نشس در جهان ، جنبه نا مقدسی را تشکیل داده و با این اتحاد نا مقدس بر ضد نیرو های ترقیخواه جهان و به کمک همه جا نبه دستگاه مرکزی جاسوسی امریکا و سیا نقشه های محیلا نه و غارتگری نه ای را سازمان بخشیده و سیلی از دلار امریکایی و پوند انگلیسی در این راه یعنی در راه تطبیق این نقشه ها به کشور های مورد نظر سرا زیر میشود . نا تو چندی قبل تصمیم گرفت تا در خاک ها لند سلاح جد ید و مدرن خویش را جابجا نماید کشور ها لند در این مورد یعنی در

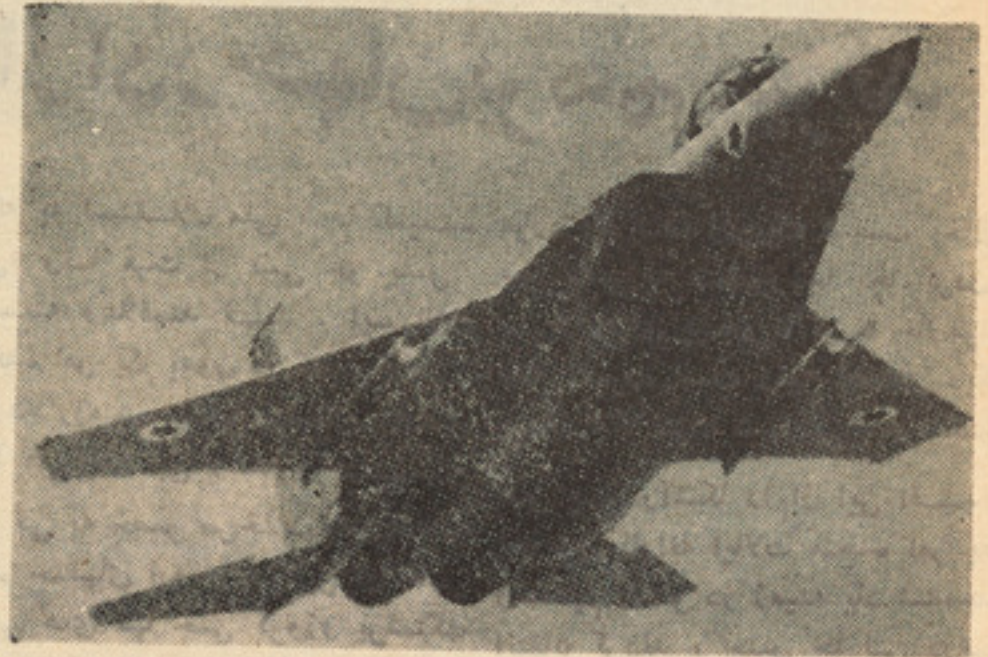
مورد وا گذاری یک قسمت خاک خو یش به منظور جابجا کردن سلاحهای پیمان نا تو تا حال موا فقه نموده است و نیز اعضای دیگر پیمان اتلاننتیک شمالی به شکل صریح و آشکارا از این اقدام تجا وز کارانه ایالات متحده امریکا و تصمیم نا تو در زمینه یاد شده جدا انتقاد کردند ، چنین حالتی در بین اعضای پیمان اتلاننتیک شمالی موجب نا رضایتی اعضای پیمان گرد یده و آنها را به تلاشهای مذبحوحانه ای متوسل کرده است .

از آنجا نیکه سیاست صلحدو ستانه کشور های مترقی همیشه و در همه جا و در کلیه ادوار تاریخی بخصوص در نیم قرن اخیر ما نح بزرگی برای تطبیق نقشه های امریمنانه جنگک افرو زان امپر- یالیستی بوده و همیشه با فعالیت های دامنه دار و وسیع و بزرگی که کشور های صلحدوست انجام می دهند . تو از ن قوار ادر حفظ نموده و بر ضد نقشه های تجا وز کارانه و علیه فعالیت های محیلا نه و نقشه های تعرضی امپر یالیسم و در راس آن بر ضد نقشه های تجا وز کارانه ایالات متحده و محافل ارتجاعی در ارو پا کشور های نامبرده همیشه در صدد آن بوده تا در راه تحدید سلاحهای اتومی تهاجمی و توریید و تولید سلاحهای مگبار مجا هدا ت پیگیری نمایند .

ایالات متحده امریکا و بخصوص محافل جنگک طلب اروپای غربی سخت در تلاش اند تا بدوره جنگک سرد دوباره عودت نموده و مقدمات پیدا یش و ایجاد برخوردهای گرم نظامی رافرا هم آورد ، در حالیکه پرو- بقیه در صفحه ۵۶

نگاهی به اوضاع شرق میانه

پالیسی صهیونیستی اسرائیل خطر بزرگی در راه تحقق صلح و دیتانت



یکی از طیارات اسرائیلی که همواره با بمبارانهای خائنانه و شورش خلق فلسطین را بختک و خون می‌کشد.

بی رحمانه زندانی می‌شوند و با بوسیله شیوه های فاشیستی مجازات و شکنجه می‌شوند. وضع مالیات های نوو کمرشکن ، اخراج اعراب از مناطق اشغالی ویران کردن خانه های آنها، و یا قتل عام ها و گلوله باری به اجتماعات خلق های اعراب باشند مناطق اشغالی همچنان ادامه دارد .

ولی علی‌رغم این همه اعمال وحشتناک لحظه‌یی هم مبارزات دلیرانه خلق فلسطین خاموش نشده است. بلکه آن شهروان برای کسب حقوق ملی و طبیعی خود مبارزه نماید. و برای احقاق حقوق خود یگانه شیوه مبارزه انقلابی و مسلحانه پذیرفته اند.

روز بیست و ششم مارچ که روز ۱ مضافی معاهده نام‌نهاد جداگانه (معاهده صلح) بین مصر و اسرائیل بود ، در مناطق اشغالی این روز منجبت روز عزا داری اعلام گردید و تظاهرات و اعتراضات دامنه دار و وسیعی در تمام جهان عرب بشمول مصر صورت گرفت به مناسبت اظهار اعتراض و نفرت علیه دسایس ارتجاع حاکمه اسرائیلی و امپریالیزم ورژیم سادات باشندگان مناطق اشغالی در نوار غزه بتا ریخ (۲۷) دسمبر کنفرانس را تشکیل دادند شرکت کنندگان این کنفرانس نامه را به کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین فرستادند و در پی این نامه سازش های مصر و اسرائیل بشدت تقبیح شده بود . همچنان اشتراک کنندگان این کنفرانس به وضاحت اعلام داشتند که آنها از هیچ گونه مساعی بغاظر طرد استیلا غارتگران امپریالیزم و صهیونیزم اسرائیل اعمال می‌گردند

همچنان سلسله چنین کنفرانس ها در بیت المقدس ، و شهر های نابلس، الخلیل، و مالا و غیره ادامه یافت . در تمام این کنفرانس ها که به اشتراک هزاران نماینده خلق های فلسطین انعقاد یافت از داعیه برحق خلق فلسطین پشتیبانی عمیق بعمل آمد . شاملین این کنفرانس ها همچنان دفاع بی‌دریغ خود را از سازمان آزادی فلسطینی (پ.ل.ا) ا بر سر داشتند.

در طی این کنفرانس سازمان آزادی بخش فلسطین یگانه نماینده واقعی و قانونی خلق های فلسطین خوانده شد و از همه کشور های اشتراک کننده این کنفرانس تقاضا به عمل آمد تا از مبارزات سازمان آزادی بخش فلسطین پشتیبانی نماید . به همه جهانیان مسلم است که سازمان آزادی بخش فلسطین که متشکل از وطن پرست ترین انقلابیون فلسطین می باشد . همواری بغاظر کسب حقوق انسانی خود بنا روحیه انقلابی مبارزه نموده اند . این سازمان پنجسال قبل در سال (۱۹۷۴) در کنفرانس رباط که به اشتراک سران همه کشور های عربی صورت گرفت یگانه نماینده واقعی و قانونی خلق فلسطین پنداشته شد . این سازمان ضرورت تحکیم مناسبات همه جانبه خود را با کشور های سوسیالیستی، غیرمنمک و کشور های مترقی اسلامی اعلام داشته است .

بقیه در صفحه ۲۱



اسرائیل جز از گلوله ها و مرمی چیز دیگری نمی شناسد.

منطقه شرق میانه از دیر زمانست که در صدر مناطق متشنج جهان قرار دارد. مضافات شرق میانه در ظرف سی سال چهار بار مبدل به صحنه های خونین نبرد ها و ترازیدی المناک جنگ ها گردید. ولی این ترازیدی بعد از سفر سادات به بیت المقدس در سال (۱۹۷۷) منطقه شرق میانه را در حالت انفجار قرار داد . که در هر لحظه امکان خطر جنگ دیگر را احیای نماید در اثر اعمال، نفوذ و فشار صهیونیستان اسرائیل یکنونیم ملیون فلسطینی از مناطق آبابی خود جبرا رانده شدند . و آنچه از خلق های عرب فلسطین که در مناطق اشغالی باقی ماندند هیچگاه خود را در خانه های خود نمی بینند. بلکه خویشان را در زندان و شکنجه گاه ورژیم فاشیستی اسرائیل ملاحظه می‌نمایند . سالانه بیش از چهل هزار فلسطینی در تحت محیط اعراب و فشار در مناطق اشغالی مجبور به مهاجرت می‌شوند .

رویدادها و حوادث جاری در شرق میانه بطور بارزی نشان می‌دهد که این تلاش های مصر و اسرائیل کماکان به ناکامی مواجه گردیده است. معاهده ننگین و نام نهاد کمپ دیوید که در ماه دسمبر سال گذشته به امضا رسید نیز زنجیرهای اسارت و وحشت صهیونیزم اسرائیل را در مناطق اشغالی و بطور اعم در قسبات غربی رود اردن و نوار غزه محکمتر و سفت تر ساخت و هدف اساسی این معاهده ننگین قانونی ساختن اشغال خاکهای عربی و ادامه نظارت و کنترل مستقیم مناطق مذکور در تحت حاکمیت اسرائیل بمانند بیت المقدس شرقی می‌باشد .

تجاوز کاران اسرائیلی در مناطق اشغالی از باشندگان عرب هر نوع آزادی فرهنگی، دینی را سلب نموده است . کسانی که علیه محیط رعب و وحشت اعتراض می‌نمایند

عجب ساده ژوند يی در لود. د ژوند دنيمگر تياو په نړی کی يی بيا هم په خپل ژوند شکرونه ایستل د صداقت په انگړ یعنی د طبیعت په لمن کی لوی شوی محمد عمر — د سپیڅلی زړه خاوند وه. دده دینسی نه داسی ښکاریده چی تا به ویل خاص بزرگ دی .

محمد عمر کوچی دژمی په موسم کی به یی دهسکو غرو نو دسرته تو دو سیمو ته کپی کو لی دی به همیشه په خپله دود و هلی شپړی کی داسی تا و وه چی دو ه سترگی به تری ښکارید لی لوړه ونه او رو ښانه قواره یی در لوده ، دمخ چوکاټ یی ډیر ښکلی وه . د طبیعت په لو به غیر کی داسی لوی شوی وه چی غټ او قوی اندامونه یی لکه دشتی پهلوان دورایه ښکاریده .

ده به همیشه خپلی توری کیردی دژمی په موسم کی دناو کی غره په

دی صحنی څخه زیات خونداخست. گلی . دمحمد عمر کوچی ښځه وه چی ددی ښکلی او سپین بدن به په شلید لو جا مو کی داسی ښکاریده چی تا به ویل سپوږ می خپلی شغلی دوریځی څخه را بیرون کړی ، دی به دکور کار کاوه و لی کله کله به ژوندی ته تله او دواړو بڼی به یی په سر سپیره میره به خپلی توری کیردی ته را ننو ته ، دی آرام نه در لود ، سترپی ستومانه بدن یی په ډیرو کارو کی لکه مز یی داسی کیدل چی پښی به تنیا کی شوی وی دچاو دو نونه به یی وینی بهیدی، خو پدغه حال یی هم شکر کاږه .

یوه خبره چی دیا دونی ورده هغه دا چی به ژوند کی تری ډیره بده خاطره در لوده هغه دباچ مسئله وه .

دا به ډیرو ته معلومه وی چی باچ

کړی . که څه هم (دخان نو کس) دعاظفی خاوند وه و لی مجبور وه چی دخان بیرحمه پیغام ورسوی نو کس پداسی حال کی دکیر دی خوا ته ورسید چی گلی توپی لاس ترزنی ناسته او دغره سر ته گوری . او په زړه کی داسی ور تیریدل چی د دی خاوند په ازغو سو ری سوری نن دکوم تیگی به څنگ کی تکیه وهلی و ی اودخپلی رمی څارنه به کوی . چی د شاه ولی خان مزدور ور ناری کړی وگلی توپی . گلی توپی تاته وایم گلی توپی دغمونو دگر داب نه سر راپور ته کړ او په ډیره حیرانه خیره یی ور ته وویل : څویه خیرت دی .

دخان مزدور دپتکو داستا ن ورته و غوړوه او دخان دقهر جنسو ستر گو پښی یی و کړی او دخان بیرحمه عادتو ته یی یو دبل پسې ورته وویل او په پای کی یی ور ته ښکاره کړه چی خان دباچ پیسی غواړی . پیسی غواړی وا در ویده که نه ؟

گلی توپی بیر ته خپلی غمجنی کیر دی ته ننو ته او مزدور نری رخصت شو . خان پداسی حال کی چی سترگی یی بټی ختلی وی دلاری څاری کاوه چی په مز دور یی سترگی ونښتی غږ یی پری وکړ . چی وهلکه څنگه شو . مزدور پداسی حال کی چی سایي سترپی سترپی کیده په وارخطایی ور ته وویل چی محمد عمر کو چی غرته رمه بیو لی وه کو رکی نه وه . (خبره یی په خو له کسی وچوی) خان هیڅکله چا په خندانوه لیدلی بیا یی په ډیر غضب وویل چی هلکه نور هلکان هم درسره ملگری کړه نن ماز دیگر به حتمی رمی څخه خو سیر لی رابیلوی هو دا کار به حتمی کیری . تا ته وایم وهلکه پوه شوی کنه ؟ ددی عمل به دا جزاوی محمد عمر کو چی دغره دلورو څو کو څخه خپله رمه راکوزه کړه اودلرگیو گیبی یی هم په شواوه دشوکارو لاسو او پښو نه یی غوتی غوتی وینی په چاو دو کی ښکاریدی را روان و ه گوری چی دخور نه خو تنه در می خوا ته را روانی دی چی نژ دی شو گوری چی دخان نا حقه کوټ والیانو دده په رمی باندی حمله وکړه . په شمیر اوه څاروی یی درمی څخه را بیل کړ . محمد عمر کوچی چی څومره ناری ووهلی او دخپلی گناه دمعلو مو لو پو ښتنه یی گو له غوړونه پری کاټه شول . چو یی چو پتیا هیڅ ځواب نه ورکاوه .

خو پس دیوه وخت نه ددی دمیښخ نه داسی آواز راپو رته شو . (باچ — باچ او باچ) دا آواز ونه پورته کیدل درمی نه بیل شوو سیرلیو هم دجدایی رمباری وهلی دشپي تیاری هم دمحمد عمر کو چی سترگی پټی کړی او په مات زړه کیر دی خواته را روان شو .

څه به درته وایم هغه دغم شپه په محمد عمر کوچی او گلی توپی دومره اوږده شوه چی تا به و یل کال دی .

خو لنډه دا چی ډیری دارنگه ناوړه پښی په ټول ژوندکی پری راغلی وی . غم خپلو زړونو به گاللی چاره نوه وایی چی د وخت غو ښتنی دمرگ غوښتنی دی خو دهر وخت غوښتنی دمرگ غوښتنی نه دی وختونه فرق لری . په ځینی وختو کی د ژوند غو ښتنی هم پر تی وی رښتیا وختونه بد لیری . غو ښتنی چاته انتظار نه باسی هو پدی ارمان بقیه در صفحه ۵۰

گلی توپی ډیری نا امیدی لیدلی وی . دی اولادنه در لود . بسی کسه وه د ژوند ټو لی ستر تیاوی پدی خوار کی تیریدی . ددی تن ډیرو محرو میتو د گذار ښه وه . خو دباچ غم دبی گوری غم دشمکی دنه در لود لو غم ددی په زړه هغه گذار وه چی دا به یی کله کله په خوب کی ویرو له . یو ځل بیا یی دباچ ترڅه خاطره په زړه شوه او د خان نو کر ته یی په ډیری عاجزی چی ساږه اوسیلی یی دخو لی نه غیری ارادی پور ته کیدل داڅکه چی دا له اوسیلو سره عادت شو یوه وو یل : بچی زما خاوند غرته زمه وړی ده دشپي که راغی زه به ور ته وایم ، تادی خدای لوی کړی ته ډیر ښه هلك یی .

دخان نو کر نرم زړه در لود په خواری گلی تو پی یی زړه وسو دهغی نا امید یو یو ځل مزدور هم خپل ترڅه ژوند ته متو چی کړخپلی بد بختی یی دگلی توپی په بدبختیو کی ولټو لی ، خوبیا هم نوکر ورته وویل چی گلی توپی محمد عمر ماما ته زما له خوا عذر و کړه چی لماڅخه خفه نه شی زه مجبور یم چی دخان دبیاکله پتکو نه هر چا ته کیسی وکړم .

نه څو یه . زه پدی پوهیر م ته هم زمونږ غونډی خوار کی یی ستا په مخکی هم دبیر حموسپیرو تقمی دورایه معلو میری .

دشپسوار (سنگروال) لیکنه

یو لنډ داستان

باج

دزړو فیوډا لی منا سبا تو یوه بسی پته او کر غیر نه پښنه ده چی بی وزلو کو چیانو به په ډیره بیرحمی باندی هضمو له .

محمد عمر کو چی هم پدی بد مر غی نارو غی باندی په ټول ژوند کی اخته وه هغه دا چی ده به دناوکی غره په لمن کی واړول ، نو یو څه کرت او یو سیر لی به دباچ په نوم دسیسی لوی خان ته ور وړ خو بیا هم دی پدی سو غات دکال تر پایه نه خلاصیده محمد عمر کو چی مجبور وه چی یوڅه نقدی پیسی هم ورکړی .

عجبه خولا دا و چی یو ورځ سهار وختی محمد عمر کو چی خپله رمه غره ته بو تله او گلی توپی په توره کیر دی کی چی دو پی تری پو رته کیدی . دنغری خواکی حیرانه بیرانه ناسته وه چی شاه ولی خان خپل (نو کر) ورو لیږه چی دمحمد عمر کو چی نه دباچ پیسی تر لاسه

لمن کی پلنولی دمیرو بچیانو چی وری یی بو لی دکیر دیو شاوخوا رمباری وهلی . چی دی آوازو به دلورو غرو نو په زړو کی انگا زی جوړو لی . رنگین طبیعت په خپله ارته لمن کی دستخا لایی وهلی دخو ورڅو میلمانه کو چنیان یی خو — شحاله ساتل .

دناو کی غره کی وابنه ډیر و دده دما لو نو گذاره پری کیده . ددی غره په بیخ کی یوه لویه چینه چی (شوناو یی) ورته ویل مو جوده وه . ډیری خوږی او به یی در لودی . کله به چی محمد عمر کو چی خپله رمه دغر ه څخه رانښکته کړه دلر گیو گیبی به یی هم په شواوه چی دچینی خوا ته به راغی دخپلی ملا څخه به یی خپله روزی راخلاصه کړه او داو بو تر څنگه به کنښناست د جواری غتی مری پیسی به یی داو بوغړپ کاوه رمی به هم دخپری دونو پانی خرپو لی . او محمد عمر کو چی به له

نگاهی بر رباعیات خیام



سنت گرائی مذهبی منسوب کرده اند. خلاصه هر کسی به اندازه بر داشت و توانائی فهمش در باره رباعیات خیام چیزی گفته اند و چیزی نوشته .

اما آنچه را که به یقین و بدون تعصب و کینه و مجزا از هرگونه کج بحثی و کج فهمی از رباعیات خیام بدر آورد آن خواهد بود که روش خیام و طرز دید وی در بیان اندیشه و افکار، روش مردان بزرگ و آزاده گیتی است . اگر چه به این طرز دید در باره خیام از دیر باز به این سو متعصبین به طعن و غضب دیده اند . بر مقام آزاد گسی و آزاده اندیشی ، زیبایی بیان و سلامت و صراحت کلامش چشم پوشی عمدی روا داشته و بران رشک برده اند . ورنه رباعیات فارسی این گوینده درد شناس ، از گوئی نرین همه آنهائی است که تا حال سروده شده است .

شکی نیست که قلب خیام از عشق پروردگارش و احساس حسن جمال مظاهر کائنات مملو نبوده باشد و این هم پرواضح است که خیام ادیبی است دارای کمالات صورت معنوی که رباعیات زیبا و شیکارهای ادبی بی نظیر او می یابد این مدعا است اما آنچه درین میان قابل و تامل بیشتر میا شد آنست که آیا میتوان خیام را صرف یک شاعر متصوف و یک واعظ این دانست و همه آنچه را که وی سروده است به نوعی از انحاء متکی و بیبوست به معنویات آن برشمردیم هر تجاهل عارفانه اگر بدین گونه در مورد وی انجام پذیرد چشم پوشی خواهد بود به آنچه که در خود چنین شخصیت است .

از رباعیات متعددی خیام چنین پیداست که وی همزمان با آنچه که سالک تصوفی ایجاب مینماید، دانشمند آزاده ایست . است که خود را دریند هیچگو نه او هام نمی اندازد .

و این مطلب از رباعیات موصوفی به وضوح پیدا است :

چون عهده نمی شود کسی فردا را
حالی خوشدار این دل پر سودا را
می نوش به ماهتاب ای ماه که مساه
بسیار بتا بد و نیا بد ما را

اکنون که گل سعادت بر بار است
دست تو زجا می چرا بیکسار است
می خور که زمانه دشمن گذار است
دریا فتن روز چنین دشوار است

امروز ترا دسترس فردا نیست
و اندیشه فردات بجز سودا نیست
ضایع مکن ار دلت شیدا نیست
کاین باقی عمر را بیا پیدا نیست

خیام با آنکه عمری در تحقیق جهان مسا فوق تصور انسان سفری نمود ، در مورد جهان هستی هم تا آنجا که فهمش اجسازه مید ادبی خبر نبود . و چنانچه از تحقیقات دقیق در مورد آثار وی واضح میشود که نه

تنها او ادیب متصوف بلکه دانشمند ، حکیم و ریاضی دان و مصلح بزرگ زمان خود بود . وی در مورد اینکه وایا سر انجاش بکجا خواهد رسید میگوید عاقبت انسان پس از مرگ چه خواهد بود .

تا چند زلم بروی دریا ها خشت
بیسزار شدم زبت پرستان کشت
خیام که گفت دوزخی خواهد بود
که رفت بدوزخ و که آمد بهشت

چون نیست حقیقت و یقین اندر دست
نشان به امید شک همه عمر نشست
هان تانه نیم جام می از کف دست
در بیخبری مردچه عشیار و چه مست

ای آمده از عالم رو حانی گفت
حیران شده در پنج و چهاروش و هفت
می خور چو ندانی از کجا آمده
خوش باش ندانی بکجا خواهی رفت

و در مورد اینکه آنچه در دست است
با ید حساب نبود نه آنچه که وعده داده
شده رباعیات زیاد دارد که بطور نمونه
بذکرش می پردازیم .

گویند کسان بهشت با حور خوشست
من میگویم آب انگور خوشست
این نقد بگیرد دست از آن نسیم بدار
که آواز دهل شنیدن از دور خوشست

من هیچ ندانم که مرا آنکه سرشت
از اهل بهشت کردیا دوزخ زشت
جامی و بتی برتی بر لب کشت
این هر سه مرا نقد و ترانسیم بهشت

گویند بهشت و حور و کوثر باشند
جوی می و شیرو شهد و شکر با شد
پرکن قدح باد مهور دستم نه
نقدی دوزخ از نسیم خوشتر با شد

در دهر چو آواز گل تازه دهند
فرمای بتا که می به اندازه دهند
از حور و قصور و زبشت و دوزخ
فارغ بنشین که آن هر آوازه دهند

آنانکه تصوف را بر میگزینند و به آن
مرویده میگردند از مرگ هراسی بسند
را نمیدهند نه تنها از مرگ هراسی ندارند
بلکه مرگ را مایه خوشی میداند و به عقیدت
اینکه به اصل خوشی میداند و بخسای
نخود و صلت حاصل مینمایند شادان
میباشند اما خیام در رباعیاتش از مرگ
هراسی را بیان میکند و عمر دست داشته
را غنیمت می شمارد :

این قافله عمر عجب میگذرد
در یابدمی که با طرب میگذرد
ساقی غم فر دای حریفان چه خوری
پیش آر بیاله را که شب میگذرد

زان پیش که بر صورت شب بخون آرند
فرمای که تا باد گلگون آرند
توانزه نی ای غافل تا دان که ترا
در خلک نهند و باز بیرون آرند

روز که گذشت هیچ آرزو یسازد مکن
فر داکه نیامده است فریاد مکن
بسر نامده و گذشته بنیاسد مکن
حالی خوش باش و عمری بر باد مکن

ای کاش که جای آر میدن بودی
یا این ره دور رارسیدن بسودی
کاش از بی صد هزار سال ز دل خاک
چون سبزه امید بر دمیدن بودی

بسا از رباعیات خیام مویذ این بیان
آند که آنچه برای آدمی درید امکان
است همین هستی است و تا حد امکان
توان از آن باید مستفید شد . و این بدان
معنی خواهد بود که خیام را از معتقدین
به جهان هستی میدانند . رفتگان ازین جهان
را به مسافران گم گشته و نا آمدنسی
یکسان دانسته است .

افسوس که سرمایه زکف بیرون شد
وز دست اجل بسی جگه ها خون شد
کس نامد از آن جهان که پرسیم از وی
که احوال مسافران دنیا چو شد

از جمله رفتگان ایسن راه دراز
باز آمده کیست تا به ما گوید راز
پس بر سر این دوراوه آرزو نیا
تا هیچ نمائی که نمی آیی بساز

و هم چنان در جای دیگری غم فردا را
نمی کرده و میگوید :
ای دوست بیانا غم فردا نخوریم
وین یکدم عمر را غنیمت شعریم
فردا که ازین دیر فنا در گذریم
با هفت هزار سال لکان سر بسریم

ای دل آتوبه اسرار معنا نرسی
در نکته زیر کمان دانا نرسی
اینجا به می لعل بهشتی میساز
کانجا که بیشت است درسی یا نرسی

باری هم واعظان و نامحان را که سخن
فرا تر از حد توان خویش میزند چنین
نکو هش مینماید :

آنانکه محیط فضل و آداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زمین شب قاریک نبردند بیرون
گفتند فسا نه و در خواب شدند

و در رباعی میفرماید :
در فصل بهار اگر بتی حور سرشت
یک ما غم می دهد بر لب کشت
هر چند به نزد عامه این با شد زشت
سگ به ذهن است اگر بر نام بهشت

اما آنگاه که خود هم نمیتواند را
به منزل بکشد فریاد میزند که :
قومی متفکرند اندر ره دیسن
قومی بگمان فتنه در راه یقین
میترسیم از آنکه بانگ آید روزی
کای بیخبران راه نه آنست نه این

و به این ترتیب میرسیم بدان جایی
که صاحب نظران چه فرمایند و چه قضاوت
کنند که خیام بکجا میخواهد برسد .

خیام این دانشمند نامور ، شاعر و حکیم
دانای شرق ، یکی از آن چهره های ادبی
است که همواره درباره اش هر نکته سنجی
که سخن از حکمت ، ریاضیات ، ادبیات و
شعر بمیان آورده است اعتقاد متفاوئی
را ابراز داشته است . عده در موردش تعصب
ورزیده اند و عده هم بنا بر علل که خود
میتراشیده اند فهم و درک خیام را کم بها
جلوه داده و یا به باد انتقادش گرفته است .
در مورد رباعیات خیام نیز دیدهای
متفاوئی موجود است . یکی بنا بر
عقیدت شخصی و یا به شکل کینه تو زانه
وی را از فضیلتی سرگشته غافل و گم
گشته عاطل دانسته است .

دیگری منجمش شمرده و سو می او را
فیلسوفی گفته است . جمعی هم در باره
خیام ظالمانه تر صحبت نموده و به تخلع از

بلکه هدف عمده آن تشخیص نحوه تحول اقلیم ونو سانات آن میباشد . طور مثال مقدار ریزش با را ن مربوط به برا حل مختلفه مهتا ب بوده واز قرا ره معلوم چا نس با ریدن آن در اواخر و اوایل ماه نسبت به اواسط آن زیاد تر است .

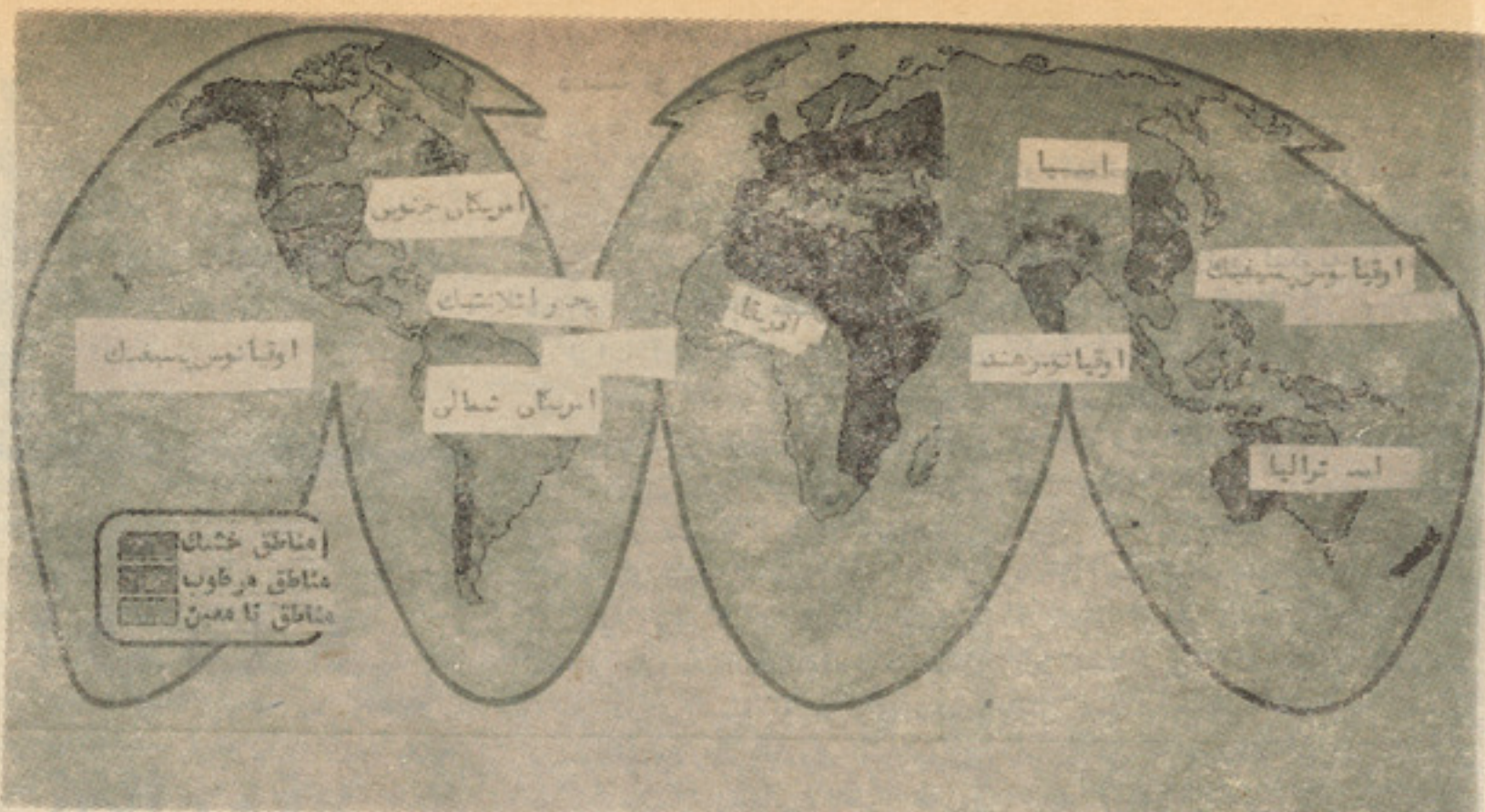
اما مطالعات نشان مید هد که مهمترین منبع فعالیت های نوسانی آفتاب است . مدارک مصتیری در لایرا آوار ابلتو ن انگلستان بدست آمده مبنی بر اینکه اختلالات در ریونو سفیر زمین که باعث بر خوردن با امواج رادیویی میگردد مربوط به سایکل آفتاب است که درطول ۲۷ ونیم روز یکمرتبه با لای محور خود چرخیده و زمین بصورت بریودیکی در معرض اشعه آن قرار میکیرد این شعاعات باعث تولید اختلالات درایونو سفیر زمین و تغییر فشار دراتموسفر گردیده ودر نتیجه باعث سفیر سمت وزش بساد میگردد .

سایکل لکه های سطحی آفتاب :

مشهور ترین خاصیت بر یودیک آفتاب سایکل تقریبا یازده ساله شمسی است که در طول این مدت تعداد درخشش این لکه های سطح آفتاب به حدا عظمرسیده و دو باره نا پدید میگردد . نتایج مطالعات نشان دهنده آنست که وقوع خشکسالی بعد از گذشت دو سال از زمان ناپدید شدن نقاط فوق الذکر در یکدور در میان سایکل شمسی رخ مید هد زیرا

سمت ساحه مقناطیسی آفتاب ، که کنترولر این نقاط است ، بعداز تکمیل دو سایکل معکوس گردیده و بنا سمت مشخص و مدت ساحه مقناطیسی بعد از سیری شدن تقریبا ۲۲ سال دوباره بحالت اولی باز گشت میکند اما علت اینکه چرا ساحه مقناطیسی آفتاب و خشکسالی با هم مربوط اند هنوز معلوم نیست . تحقیقات اخیر نشان مید هد که آفتاب این سایکل یا زده ساله را بصورت

بقیه در صفحه ۵۶



ترجمه زلمی ذهاب

پیشگویی طویل المدت اوضاع جوی

گرم شدن همه ای جهان چه اثراتی در بر

خواهد داشت؟

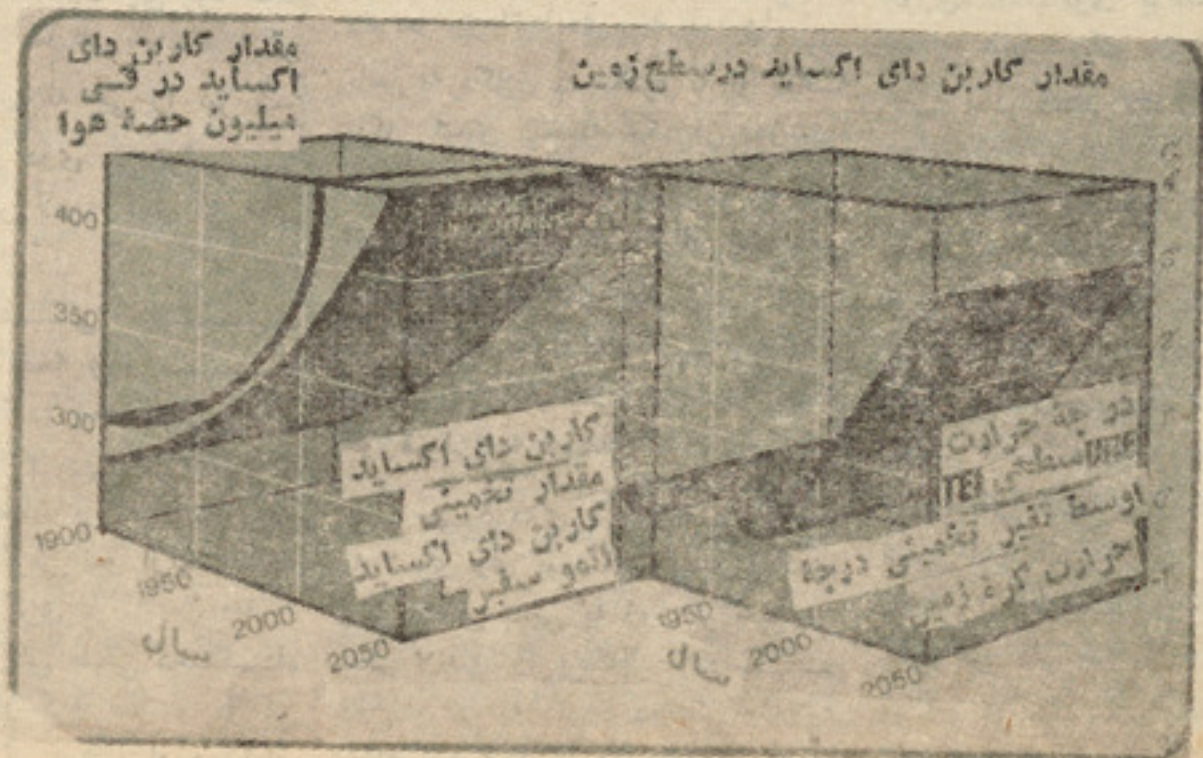
بدون شك پیشگویی های قصیرالمدت اوضاع جوی تا اندازه زیادی قرین بسه واقعیت بوده و با استفاده از احصائیه های درجه حرارت ، شدت وزش باد و فشار هوا که با کمک اقمار مصنوعی ، شعاعات هوا شناسی ، وکمپو تر بدست آمده صحت پیشگویی اوضاع جوی برای دو روز ۸۵ فیصد بوده ولی صحت این رقم برای سه ماه به ۶۵ فیصد پائین میاید . اما پیشگویی های طویل المدت اقلیم طویل دلمت مستلزم جزئیات دقیق نبوده

تحقیقات ملی ایالات متحده امریکا حاکی از آن است که در سال ۲۰۵۰ درجه حرارت ۳ درجه سانتیگراد معادل ۴ درجه فارنهایت نسبت به حالت فعلی ، در صورتیکه سوخت نفت و ذغال به عین تعداد دوام نماند ، بلند تر خواهد گردید . این از دید درجه حرارت تاثیر جدی بالای مناطق زراعتی میگذارد . البته این پیش بینی ها تا اندازه زیادی به اساس حد سیات صورت گرفته زیرا پیش بینی های طویل المدت اقلیم امریست مشکل .

برف باری ها و شدت سرمای سال ۱۹۷۷ در بعضی قسمت های امریکا شمالی این سوال را بمیان آورده است که آیا هوای تابناک روبه سردی می رود؟ متخصصین علم هواشناسی که نحوه تحول هوا را در طول چندین دهه ویا قرن تحت آزمایش قرار داده اند چنین نظر دارند که این تغییر اقلیم خیلی ها تا چیز بوده و نمیتوان از آن نتیجه گیری نمود . این نوع حوادث شمسی نشان دهنده تغییر دوره های جهان است .

اینکه این تغییرات بکجا خواهد انجا مید هنوز معلوم نیست . اما بکن تعداد زیاد متخصصین علم هواشناسی به ایسن منگوره اند که اتوموسفر گرم تر میگردد نه سرد تر و دلیل عمده آن از دید روز افزون

گاز های گلخانه ای و بوی کاربن دی اکساید میباشد . این گاز توسط نباتات جذب ، از آنها جدا نمیشود و به پیمانها وسیع از اثر سوختن نفت و ذغال به هوا بخش میگردد این گاز در اتوموسفر مانند آینه یک جا به اجرای عمل مینماید بدین معنی که این گاز اشعه آفتاب را بطرف زمین اجازه ورود داده ولی مانع انتشار حرارت سطح زمین در فضای خارج اتوموسفر آن میگردد چون مقدار کاربن دی اکساید اتوموسفر بصورت مداوم روبه افزایش میباشد نماند بکن تعداد زیاد متخصصین مربوط فکر میکنند که این منبع تشخیص سبب گرم شدن هوای جهان میگردد . یکی از گزارشات مرکز



د(ان اونټ لين افسو شل
ديو لو پمټ) نومي کتاب څخه

د امين الله محك ژباړه

په آسيا او افريقا کې د باداري نظامونه

دو همه بر څه

د بل خوږ ونکو دولتو نو تاريخي
دو لو نه يو د بل سره تو پيرلری
خو دټو لو ماهيت هما غه پر خوا-
ريکښانو باندي د يوه مفت خوره
اقليت حکمرانی وه .

قبيلوی اتحاد يی :

قبيلوی اتحاد يی د دولت هغه
دیر لو مړنی شکل و او د پروباداري
(مړی والا) دو لتونو نوموړی مړ-
حله تیره کړیده .

گڼ شمیرلو نکی او پیا وړی قبیلې
د تو مو وړی اتحا دی زڼه جوړ ول .

باچا به دکلان د حکمرانانو څخه
ټاکل کیدی (پخپله حکمران به زیاتره

وخت دیوه جنگ افسر په حیث
انتخا بیدی) د باچا واک مورثی

و . د باچا د کلان ټول لوړ رتبه
رو حا نیو نو ته هغه مهم اوحساس

پو ستو نه (وظیفی) ورسپارل کیدل
خو قبیلې به د هغه مو افقی له

مخې چې د دوی د مشرانو له خوا
به شوی وی یو ځای کیدی او کمز-

وری قبیلې به یی به زور تر خپلی
حکم لاندی را وستلی . داسی

دو لتو نو به داووزر دوجگر وله لاری
خپله سیمه از ټول . ځینی داسی

کو چنی قبیلې هم وی چې هېڅ ډول
دولت ته یی غاړه نه ایښو دل .

د آسیا او افريقا یقا لو مړنی باداري دو لتونه :

دمړی لرو نکو دو لتو نو
پیدا یښت د باداري نظام د تو لیدی

شکل دیر بالیتوب نښه وه . لومړنی
باداري دولتو نه په مصر ، د دجله

او فرات (بین النهرین) په وادی
کې را څر گند شول . نو موړی

دو لتو نه دسو مړی ، اکدی او بابلی
امپرا طوری وی . دچین او هند

باداري دو لتو نه د میلاد څخه مخکې
د څلو رو څخه تر درو زرو کلو نو

کې او په اټور کې د دوهم زر پښه
نیما یی کې منځ ته راغله . دا مهال

و چې دوړی آسیا په مرکزی دښت
کې د (هیتی) یوه پیاوړی امپراطوری

جوړه شول . (مینایی) امپرا طوری
چې یو لر غو نی عربی دولت و د

میلاد څخه مخکې پنځلسمه پیړی
د اوسنی یمن پر سیمه یی بنسټ

کښیښودل شو داو راتو (۲) باچې
دمیلاد دمخه په اول زرم او په ماورای

قفقاز کې منځته را غله . دخوا رزم
پیا وړی پیا چپی په

منځنی آسیا کې دمیلاد دمخه
له اتمی څخه تر شپږ می پیړی

پوری څر گنده شوه . او په وروسته
کې یی خپل ځای د کوشان و امپرا-

طوری ته خوشی کړ دمیلاد د مخه
په اتمه پیړی کې ماوان اوورپسی

پاسان اودمیلاد د مخه شپږ مه پیړی
کې دایران په لوید یز کې مخ ته

را غله . د لر غونی یونان د باداري
دولت د میلاد څخه د مخه له اتمی

څخه تر شپږ می پیړی پوری او د
لر غونی روم د میلاد د مخه په شپږمه

پیړی کې منځ ته راغی . د مرکزی
او جنو بی امر یکا باداري دولتو نه

کابو د (۱۵۰) څخه تر (۲۰۰) کالو
پوری داسپانوی پرغلگرانو څخه

مخکې ظهور وکړ خودا کار (مایانو)
سره سر نه خو ری څکه دهغوی

دولت زښت پخوا نی دی .
دبا داری استبدادی دولتونه :

قبیلوی اتحاد یی پخپله دولت نه
گڼل کیری او یوازی دهغه د پیدا-

یښت لومړی پړاو دی . د حکمران-
نانو د تند ریجی واک د زیاتوالی اود

دولتی دستگاه د پیاوړ توب په
نتیجه کې قبیلوی اتحاد یواستبدادی

مړی لرو نکی دولت ته تکا مل
وکړ او په آسیا ، افريقا او امر-

یکې کې د لر غو نو مړی لرو نکو
دو لتو نو هغه معمول شوی شکل دی
دبا داری دو لتو نو شکل
په تاریخی او اقتصادی شرا یطو
همدا راز په جغرافیایي محیط پوری اړه

د استبدادی مړیتوب صفتو نه او مشخصات د مړ جوده اسنا دو

څخه په لاس راغلی دی ، دمصریانو
یا پیرو س او نور لیکوته پر تیگو

باندي د لر غو نو لیکوالانو او نورو
کسا نو خبرو نه چې پخپله گواهی

ورکوی ، ډول ډول حماسی ، شعرو-
نه او نور اسناد ټول د مطلب په

رسو ښانه کو لو کې را سره مرسته
کوی . دبابل باچا ، حمو رابی

د قوا نینو مجموع په مړیتوب کې
د ژوند کو لو دخپرنی دپاره زیات

ارز ښت لری . دنوموړو قوانینو
متن دمیلاد څخه د مخه په اتلسمه

پیړی کې په پایتخت کې د یوی
توری ډبرې پرستون کیندل شویدی

نو موړی د قوا نینو ډیره پخوانی
مجموعه ده چې موړ ته راپاتسی

شوی ده . دمړیتوب نظام د یوه
انسان له خوا دبل گټه خوړل یی

ښه توضیح کړیدی د حمو را بی
د حکمرانی په وخت کې د بابل

امپرا طوری دیوه باداري استبدادی
دولت نمونه وه او باچا دمر کزی

دولت یو کر غیر نه حاکم و چې ټول
اجرا یی قا نون نافذ ونکی ، قضا یی

او مذهبی واک یی در لود . دظالمی
باداری مسلطی ایديالوژی دمشخصا-

تو څخه یوه هم دا و چې باچا یی
لوی حکمران اود ځمکې خدای گانه

او د هغه فر مان نازل شوی وهی
(وحی) بللی . باچا د حکو مت کولو

دپاره د یوی پیچلی بیور کرا ټیکي
دستگاه څخه کار اخیستی . دمامو-

رینو یوه بر څه دمر کزی دستگاه
دبیلو بیلو شعبو متصدی وه

په داسی حال کې چې نور د با چا
دنما ینده په توگه پرمختللو ښارو

او ناحیو باندي حکمرانی کول .
په مړیتوب کې تولیدی روابط :

تو لیدی اړیکې دلته هم لکه
د تو لید پر وسا یلو باندي دخصو-

صی مالکیت دتولید په نور جریان
کې ، دطبقو اساس او دمحصولاتو

د توزیع شکلو نه په بر کې نیول .
مړ ټیان او باداران -

د حمو رابی قوا ټمین نه یوازی
د تو لیدی اړیکو مشخصات په بین-

النهرین بلکی په عمومی ډول په
هر باداري دولت کې راته ښی .

دبا بلی دو لت حاکمه قدرت وپرو
او منځنیو بادارانو تشکیلات وه او

د حمو رابی به قوانینو کې د دولت
او قوا نینو یو طبقا تی شکل له
ورا په څر گند شوی دی خپلی گټی
یی زیاتی سا تلی . د قوا نینو یوه
برخه دبادا رانو له گټی څخه

په مستقیمه یا غیرمستقیمه تو گه ملاتړ کاوه . د قوا نینو سره سم چاچی به دیوه بل چا مریی د بدن کوم خای خوږ کړی دهماغه مجازا- تو چی خارو دپاره په نظر کسی نیول شوی وه دجریمی په تادیه کو لو مکلف و . هغه وخت چی به یی دبل چا مریی ووژنی نا چاره و چی خاوند ته یی بل مریی ورکړی دیوه مریی کو رنی په شمیر کی نه را تلل مرثیان یی په خپل واکسره پلورل یو او بل ته یی بخښل دنور مرثیا نوسره بدلول اودمیراث په شانی له یوه څخه بل ته پاتی کیدل . کوم وخت چی چا دبادارا نو دشتمنی دساتلو دپاره دنافذ شوو قوا نینو څخه سر لغاوه په سخته جزا سره محکومیدل . چاچی به مریی غلا کړی او یا به یی تبتیدلی مریی ته خای ورکړی حکم یی دمرگ و . هر مریی د خپل څښتن یوه خانکړی نښه پر خپل بدن درلودل که کوم آزادسړی هغه . نښه ورڅخه لیری کړی وای هغه ته هم سخته جزا ورکول کیدل . مرثیان دتولیدی وسا یلو څخه لاسه کوی دپورو لومړنیو انسانو حقو قو څخه هم بی برخه و .

په دی ډول ، بادارانو به دتو- لید پر وسا یلو سر بیره زحمتکښان اومرثیان هم پخپل شته کسی را- وستل چی دا دمریتوب نظام دتولیدی روا بطو له خو یو نو څخه و . بابلی ټولنی تجاوز کارا نه او بی پایه جگړی ، دمرثیا نو لاس ته وروستلو دپاره سر ته رسیدی آزاد وگړی به یی دهمدی لاری مرثیان کول . دمریتوب په ډیرو دولتو نو کی دبا دارا نوحاکم قدرت دآزادو وگړو او کاسبا نو دوری شتمنی څخه هم صرفه نکول .

په بابلی کی هم دغی وضعی په یو لږ تو پیر سره وجود درلود چی خپلوا کی وگړو په ډیر ژر خپله آزادی د لاسه ورکول اود مرثیا نو په لښکر به گډیدل . دبا بل آزاد و وگړی پر داسی ډلو چی د مدنی حقو قو څخه به پوره برخه داره او داسی ډلی چی دحقو قو څخه به یی لږ برخه لرل او مسکینو بلل کیده ویشل شوی وه . څه وخت چی دلو مری ډلی وغړ و ته به چا تاوان ورساوه دیوه گناه کارسړی په شانی به یی جزا لیدل . که چیری کوم مو سکینو ته به تاوان

ور سیدی ، مقصر به یی یوازې جریمه کړی که کوم موسکینو غلا کړی وای دلومړی ډلی د جریمه په پر تله به یی خو چنده جریمه تا دیه کول بیا چی کوم سړی مریی غلا کړی (چی دټولنی د اساس پر ضد یوجنا یت گڼل کیدی) بیله دی څخه چی مقام یی په نظر کسی ونیسی حکم یی دمرگ و . هغه چی دپوره حقو قو څخه برخه لرل ، پردو ډلو شتمنو او بی وزلو ویشل کیدل . بی وزلان د دی دپاره چی خپل شتمن ژوند ته یابښت وړ کړی او دومره څه پیدا کړی چی له مرگ په راوگرځی مجبوره وه چی دشتمنو څخه پیسی وسایل او نور شیان پور کړی چاچی به خپل پور نه ورکاوه به بدل کی به یی مالو نه ور څخه اخیستل د کار طرز داسی و چی دیوالی (افلاس) شوی پوروی (معمو لاد کورنی دغړو سره) به دیوه ټا کلی مودی دپاره مریی کاوه او په دی کار کی به د ژوند تر پایه پوری پاتی و . پر مرثیا نو بانندی دسو داگری نوی شکل منځ ته راغی او هغه به داسی و چی چا به خپل شمار یان را نیول او هغوی به یی بیا هغو بادا را نو ته چی دکار قوی ته به اړو په اجاره ورکول .

دمریتوب په دولت کی اشتراکی ټولنه :

څله په لرغونی با بل کی زیات شمیر آزادو وگړو دمرثیا نو سره په څنګ کی ژوند کاوه؟ دوی زیا تره دکلا نو غړی وه چی لومړنی اشتراکی نظام ته یی منځ اړ ولی . د دولت منځته راتلو څخه مخکی په هغو مخکو کی چی د کرنی وړی او د سیندو نو دسیل له کبله خړو بی کیدی داو بو لگو لو یو پیچلی اوسا زمان لرونکی سیستم منځ ته راغی . که چیری مخکی او بو لگو لو شبکی د با دا را نو تر منځ ویشل شوی وای په پای کی داو بو لگولو سیستمونه ټکیدل اودکره نی درا ټپتیدو سبب کیدی څکه مرثیا نو دخپل کار له نتیجی څخه کو مه گټه نه تر لاسه کول . له دی امله دولت پوه شوی و چی د کلان خو ندی کول وړ ته گټه لری . خودا نوره هغه پخوانی اشتراکی ټولنه نه وه چی هلته هیڅوک نه استثما ریدل او یوه دټولو او ټولو دیوه په خاطر کار کاوه په دی نورو

شرا یطو کی با دا ری دو لست کلان استثمار اود کلان غړی لکو لو دویا لواوکاریزو نوخارنه کول چی دی کار ډله ایز انسانی کو ښښو نوته زیا ته اړه درلود دپخوا په شان یی کر نه کول خو اوس یی دمحصول زیاته برخه با چا او سپاهیانوله لاسه کښل . د پاچانماینده گانو سملاسی داو بوشبکی او د کلان د غړو دما لیو او جریمو سم تادیه کولو نظارت کاوه تولید ونکی یی په دی ډول دخپل کار د حاصل څخه بی برخه کول .

دلر غو نی مصر ، هند او چین او نورو هیوا دونو په استبداد ی مر- یتوب کی هم د دا ډول شرا یطو وجود د با داری دولت علاقه چی د کرنی داشترا کی ټولنی په ساتلو کی یی لرل ورو ورو منځ پر کمزور تیا شول . باچا په خپله ډیری ځمکی په واک کی لرلی او سمه لاسه به یی دټولنی په نور مخکو په غصبو - لو سره پر خپل مالکیت زیا توالی را وستی . دسمی مخکو مرکز یست میند لری اود دولت یوازینی حکمران یعنی باچا اړه در لودل دجگړو دلاری به یی وړا ندی تک کاوه .

دآسیا یی او افریقا یی لرغونی دولتو نو تولیدی قوا وی :

دآسیا او افریقا لرغونی دولتو نو په پیدا یښت کی د تولید وړاندی تک دوام در لود . په کرنه دتولیدی او زارونو څخه گټه اخیستل په بابل کی رواج ومو ند کاسبا نو به هم او زا رو نه جوړول . دحمورا بی قوا نینو په مجموعه کی هغه وخت په ډول ډول کسبو نه لکه بتایی ، او بدنه ، پښی ، ترکانی ، کښتی جوړ و نه ، ودانی جوړ و نی اونورو نوم اخیستل شویدی .

په مصر کی هم کسبو نو وړاندی تک وکړی او په ټول هیواد کی خلک داو بد لو سره بلد شول . داو بدلو افقی څر خو نو خپل خای نسبتا بشپړ شوو عمودی څر خو نو ته خوشی کړی دمسکرا نو په کرو کی دخر منی بنیو څخه اخیستل پیل شول . یوی بشپړه شول اونیمښه جوړول یو خانکړی شغل سو او له دی نه ورو سته به یی څښتی هم په کرو کی پخولی .

سر بیره پردی کاسبان خپلواک وه خومرثیان هغو کارو نو ته چی مهارت ته یی دو مره اړتیا لرل او کراپ (سخت) به هم وه لکه ساختمانی کارو نه ، گمارل کیدل . لومړنی

میخا نیکی کار خانی جوړی شوی دلو یو ډبرو د پور ته کو لو دپاره چی د مصر په اهرام کی ور څخه کار اخیستل شویدی یوه خانکړی میخا نیکی دستگانه اختراع شو .

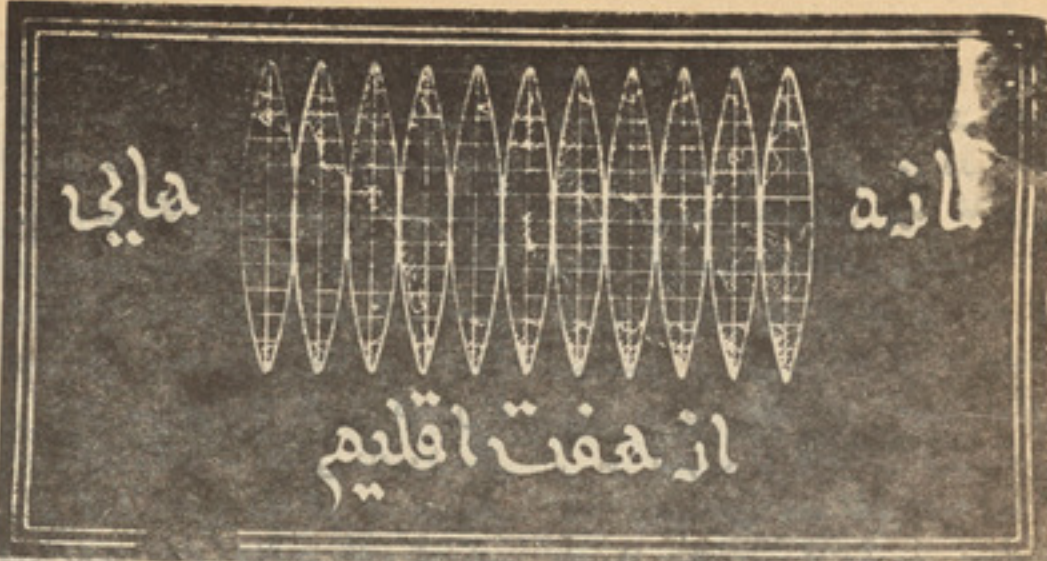
دآسیا او افریقا په او بو لگو لو سیستمو نو کی دوندو نو او ډنډ شوو او بو څخه گټه اخیستل تر مر یتوب تر وخته د لومړنی تکنا لوژی د وړاندی تک نښه وه . داسوان بند چی د نیل پر سیند بانندی ودان شو خورا لو په طرحه وه او دا ډول بند و نه او وندو نه چی د ډبرو څخه جوړیدل دهما غه مهال د تکنا لوژی نښی وی . خومره چی سو دا گری دسیند له لاری وړاندی تک کاوه دبادی او پارووالا کښتیا نو ته اړتیا زیاتیده . لښکری صنعت وړاندی تک وکړی او په جگړو کی یی دجنگی ارا بو او جنگی کلا (ارک) څخه ډیره گټه اخیستل کیدل . لښکری کښتی په وسلو بانندی مجهزی شوی .

دتجار تی مال (کالا) مبادله :

په لومړنی اشتراکی نظام کی د مبادلی وړاندی تک د ارزښت دیوه عمومی معیار په پیدا یښت سره پای ته ورسید . په بیلو بیلو سیمو کی مختلف شیان لکه خاروی ، پوټکی ، څرم او عاج د ارزښت دیوه گډ معیار په ټو گه ټاکل شوی وه د مریتوب په نظام کی فلزا تو په تدریج سره د ارزش د معیار رول په غاړه واخیست . په اول کی اوسپنه او مس دادنده په غاړه اخیسته وه . چی په ورسته کی بیا سره زراو بیا سپین زر هم ور سره یوځای شول . پیسه دیوه بازار زښت گډ معیار او مبادلی د وسیلی په تو گه او یو خانکړی مال چی د نورو ټولو مالونو په مبادلی کی یی برخه اخیستل ، په کار ولویدل په اوکی پیسه دمیلی په ډول وه او ورو سته یسی دسیکی شکل غوره کړ .

دتجارت وړاندی تک دسو داگرو درا پیدا کیدو سبب شو ، دوی هغه خلک وه چی دتو لید په ساحه کی یی گهون نه در لود او یوازې به یی دما لو نو په مبادلی او سو داگری سره لاسونه اړوه اوځنی محصولات به یی تر لاسه کول سودا گران له یو خای څخه وبل خای ته تلل اوځنی وختو نه به یی هم لیری او اوږده واټنو نه وهل په دی ډول دتولیز کار دریم ویش منځ ته راغی .

(نور بیا)



ترجمه و تنظیم از : میرحسام الدین پرومند

با کیمیا و فزیک در جهت محو کامل سرطان

سرطان این مرض مدهش و جانکاه و قومور های سرطانی پروبلم های زیادی برای متخصصین امراض سرطانی بیار آورده است. باری این مرض علاج ناپذیر ، وزمانی هم امیدواری هایی درزه ینه پیدا میشود . گاهی از طریق بکار گرفتن مواد کیمیایی برای محو این مرض متوسل میگرددند وزمانی هم به کمک فزیک میخواهند جلو پرور سرطان را از وجود انسانی بگیرند . درین او اخر دیده شده که از فزیک درجهست از بین بردن امراض سرطانی بیشتر استفاده بعمل می آید . در پنجاه سال اخیر تحقیقات دامنه داری برای نابودی کامل امراض سرطانی وطرق درمان آن ، صورت گرفته است . لکن بدین تا زگی ها گزارش گردید که عناصر را دیو اکتیف برای تنظیم امور مربوط به ارگان های داخلی انسانی بخصوص قلب ، مغز ، جگر و سیریش را ثابت و حتی حیثیت وقایه وجود را از امراض سرطانی میتواند داشته باشد . گرچه اقوم موارد استعمال زیاد دارد که در بهلوی استفاده از انرژی آن بعضا بحیثت وسابسل تخریب از آن کار گرفته میشود . روی همین اصل با استفاده از فزیک اتومی ، قوه های تخریبی اقوم در ارگان بطوری بکار می بندند که زخم ها سوتومورهای سرطانی را به محض رسانیدن بدن ، از پیشروی آن در وجود باز میدارد . بدین مفهوم که در بهلوی طرق تداوی از طریق جراحی ، میشود نظریه آزمایشات دقیق قومور ها وزخم و علایسم و اثرات سرطانی را به کمک مواد اتومی از وجود دور ساخت و بطور حتم اشعه گاما و اشعه ایکس بکلی بی تاثیر نمیتواند باشد که مریضان زیادی را ازین طریق تحت مطالعه بار بار گرفته اند . اما متخصصین امراض سرطانی مدعی اند که مقدار بکاربرد اشعه لازم تا آن حد کم بوده که با آن مقدار میشود بطور قطع زخم و قومور های سرطانی را علاج کرد چه اگر مقدار اشعه گاما یا هم ایکس زیاد گردد درین صورت مرگ زود به

سراغ مریض مذکور می شتابد از ینرو تمام مریضانی که با اشعه ایکس و اشعه گاما تداوی گردیده اند ، موقتی بوده و فقط چند روز بعد مرض پیشرفت زیادی نموده است ، پس چه باید کرد ، باید مقدار اشعه هارا بالا برد ؟ در آن صورت با تخریب انساج سرطانی انساج سالم وجود نیز همزمان با آن تخریب میگردد . بهمانسان که پروتون ها و آیون ها قسمت های زخم را روشن میدارد عملیه های هستوی یعنی انرژی اقوم نیز بسوی انساج سرطانی شتافته و بر قومور ها حمله میکند و از بزگی آنها لحظه به لحظه میکاهد .

در سال ۱۹۶۷ در یکی از انستیتوت های طبی اروپا یک «اشعه پروتونی» برای اهداف درمانی بکار گرفته شد . همزمان با آن یک اشعه دیگر بنام اشعه پروتونی نوم کشف گردید و سومین اشعه پروتونی که نام «اشعه درمانی» نیز یاد میگردد به کمک فزیک اتومی در سال ۱۹۷۴ از طرف انستیتوت هستوی لیننگراد بدست آمد . یکتونوع درمان دیگر امراض سرطانی تو سط اشعه های مخصوصه ی که در تولید همچو اشعه درمانی از کیمیا و فزیک علی المویه استفاده بعمل آمده ، در جهت صحتیابی مبتلایان سرطان فعالیت میکند . گرچه از یکطرف کثرت امراض متعدد سرطانی ، مایه ناراحتی بشر میگردد لکن با آنها امیدواری های زیاد کنونی از طرف اکادمی های امراض سرطانی برای کشف طرق تداوی آن ایجاد گردیده است . از طرفی میتود های جدیدی که ، در اثر حرکت پروتون های سریع اقوم در جسم مریض عمل میکند ، نیز تدارک دیده شده است . اشعه های جدید که در نتیجه سه سال کار خستگی ناپذیر کشف گردیده علاوه اینکه امیدواری برای تداوی مبتلایان امراض سرطان می بخشد ، در شناخت نوعیت زخم ، موقعیت قومور ها وزخم های سرطانی در وجود تاریخ پیدایش ، اندازه پیشرفت ورشد مرض ، خاصیت های فردی مریض را نیز بر ماسلا

میسازد ، ازینرو با نظر داشت مطالبی که گفته آمد ، اشعه جد ید درمانی برای امراض سرطانی در مجموع در راس همه تداویر دیگر حیایوی مریض از مرگ که تاکنون صورت گرفته میتواند بحساب آید که این میتود در نوع خود از سایر میتود ها برتری تام دارد ، البته این ادعائیمت که متخصصین امراض سرطانی مینمایند اما یک مطلب را نباید فراموش کرد که اشعه ایکس در تشخیص مرض سرطان و چگونگی نوعیت آن معجزه میکند و چه زود کار تشخیص مرضی را آسان میسازد اما مساعی که در زمینه تولید چنین یک اشعه در مانی که در هر یک از علم کیمیا و فزیک تدارک دیده شده است . سرعت بختیدن پروتون های اتومی در وجود ، محض از طریق کمپوتر های مخصوص برای اینکار عیار شده میتواند ویس . این اشعه هائوشناخانه ها از طریق یک سیستم کانالی در اتاق ها تقسیم وبوسیله کمپوتر هر شاخه علیحده فعالیت نموده وبانظر داشت خصایل فزیولوژیکی مریض ، به وجود مریض خاصتا در قسمت های که غدوات سرطانی فعالیت دارند ، در بر طرفی مرض وتقلیل در دوکاهش اثرات

آن از سایر حصص وجود ، میکوشد . روی این اصل بزرگ یعنی خدمت به تپدید - شونندگان امراض سرطانی سیمیناری بسویه بین المللی در سال ۱۹۷۷ دایر و در آن سیمینار ندگان سیمینار سیرامون تولید «بسته های پروتونی» تصمیماتی بعمل آوردند . در سیمینار که در مورد استفاده از اقوم در دارو های کاملا مدرن ضد سرطانی با فشاری بعمل آمد اهل خبره ، فزیکدانان ، دکسوران ، متخصصین کیمیا وانجینیران متعدد از کشور های سوسیالیستی ، اضلاع متحده ، سو یسن وفرانسه درین سیمینار گرد آمده بودند . منظور ازین گردیم آیی و ملاقات دانشمدان بایکدیگر ، معرفت با فزیک اتومی ، تخنیک سرعت عمل در کیلیک های عملیه های تازه مجادله علیه سرطان بوده است . تلاش های موثر متخصصین علوم کیمیا و فزیک وطیبیان بخاطر رهایی بشر از چنگ امراض جانکاه ومدش امریست انسانی ودر خور ستایش ، که اینک مبتلایان سرطان امیدواری به آینه ، آینده که مرض شان درمان خواهد یافت ، می اندیشند .

هم فزیکدان هم هنر پیشه

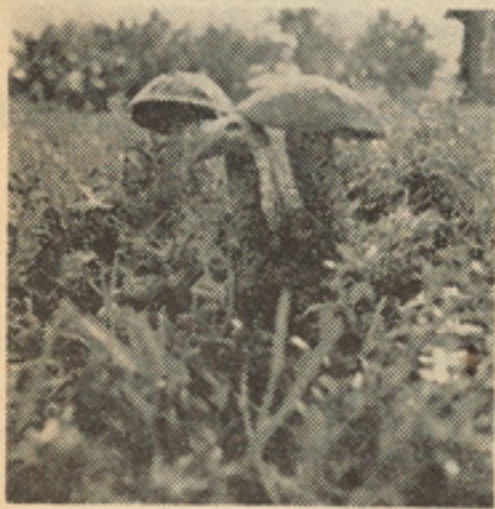
شام ها با گیتار خود روی سن ظاهر میشود و همراه آن با آن پنجه های ظریفش ماهرانه روی تارهای گیتار به وبالا میدوند . آواز گیرایش شور و شغف خاصی به نوای گیتار او میدهد و چه مشکلمت باور کردن اینس مطلب . مذکور صبح ناشام چه مشقات و خستگی هایی را که در مرکز علمی کسار خود متقبل شده است منظور ما (زرگی - نیگین) یکتن از فزیکدانان وارد و جیره - دست است ، مردیکه روی مالیکول های سفید تخم مصروف گشته ومطالعاتی انجام داد و چند ساعت بعد آن بدون آمادگی قبلی در فلم کمیدی (جهنم سر نوشت) آوازخواند که کمپوزشر آن از (میکائیل تازی فردی یف) بود . این فزیکدان که در کیمیا نیز وارد است در ساعات فراغت از کار های مربوطه به شعبه اختصاصی اش یعنی فزیک ، کمپوز مینماید . آواز خوان مذکور با گیتار خود وآواز خود در رادیو ، تلویزیون وتالار ها ظنین می اندازد با آنها پیروزی او تا آن حد است ، که از محصلان گرفته تاجیولوگست وکارگران معدن ، آهنگسپایش را منحیث آهنگ روز زمزمه میدارند . وی خودش می گوید که قبل از آنکه آواز بخواند و در محافل هنری راهش را بساز نماید ، یک فزیکدان بوده است که در مکتب ، اود فزیک بیشتر از هر چیز لیاقتش را توانسته بود بشکل قابل توجهی تبارز دهد ، گیتار را فقط در مکتب فرا گرفت و خود به تنهایی به کمپوز اشعار دست یازید . وی خودش را درین راه بیشتر مدیون شرایط بهتر گواری کشورش میداند چه در یرتو همین شرایط مساعد بود که «زرگی» در مسابقات تلویزیونی (هلو، ما - استعداد های شگوفان را سراغ وشگوفانتر میسازیم) یک پیروزی غیرمنتظره در برابر او

کمین کرده بود . گرچه مسابقات تلویزیونی مزبور در ۱۹۶۲ انجام پذیرفت لکن با وجود کار های علمی «زرگی نیگین» کتون صد آهنگ خوب دارد که موضوعات و محتوی آهنگ ها و کمپوز های او رزمی ، حماسی و دراماتیکی بوده است . اشعار وآهنگ های وی بیشتر مورد توجه همگان قرار میگردد وی



زرگی نیگین با گیتارش در حال هنرنمایی

دوگرم وزن داشت پس از چند دقیقه دفعتاً صد برابر بزرگ و سنگین میگردد . بدین تازگی ها محققین و پژوهشگران نباتی یکنوع سمارقی را کشف و مطالعه کرده اند که هر کدام آن در حدود هفت کیلو گرام وزن و ۸۰ سانتی متر ارتفاع داشت که قطر کلاه آن ۴۶ سانتی متر محاسبه گردید و تنها ساقه آن ۲۲ سانتی متر اندازه شد . یک شاخه دیگر از نوع سمارق سنگی بنام سمارق ناکی شناخته شده است که زود رشد میکند . سمارق های ناکی فقط چهارونیم سانتی متر قد میباشند باشد که البته در نوع خود نظر بشکل ظاهری فرق فاحشی از ساختمان سایر سمارق ها



این هم از جمله سمارق های شفا بخش است

داشته و زیاد جالب میباشد ، سمارق های مذکور دارای انرژی فوق العاده زیاد بوده و اما زود فاسد شده ، در روز سوم و چهارم چین از خوردن می افتد . « سمارق شگوفه یی » که دارای کلاه سرخ میباشد از سایر انواع سمارق ها بسادگی فرق میگردد اما اگر شخص آنرا از قسمت زیر کلاه آن قطع نماید ،

حصه قطع شده کبود مینماید . یکنوع دیگر که بانوع سمارق « شگوفه یی » شباهت نزدیک دارد ، برکهای تازه سبزه کنارش می روید و به اسرع وقت یعنی در ظرف یکدقیقه دفعتاً

چنان نمو میکند که هردانه آنرا بشکل میتوان در یک سبد گنجانید . سمارق عجیبی که کلاه سرخ و قسمت پائین کلاه و یا عباره ساقه آن دارای رنگ زرد یا پسته یی میباشد نظر به نظریه محققین نوع مذکور گرچه زهر آکین نمیشد ، لکن صرف کردن آن نیز مطلوب

نیست . باری در نزدیک سرایشی یک کوه که با درختان غوش ، کاج احاطه گردیده و کوه مذکور را همین درختان سبز با جنگل

سمت دیگر مرتبط میساخت . گرچه گرمک ، خرمس و خوگ جنگلی آنجا زیاد بود ، با وصف آن برای تماشا و ملاحظه سمارق های متعدد و انواع آن بی حد و حصر ذوقزده شده بسو دم

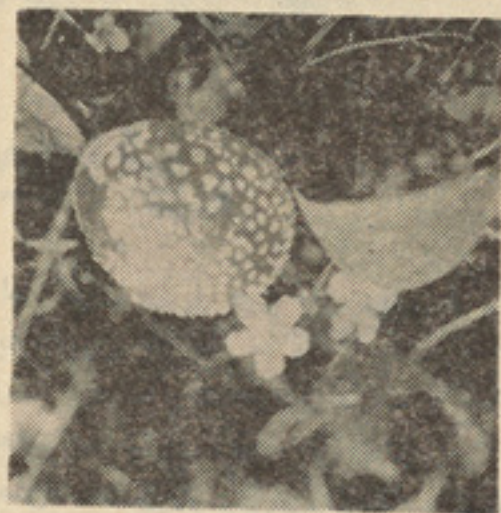
در جنگل گرچه بادلهره به پیش گام میزدم بایک نوع سمارق دیگر برخوردیم ، سمارقی که غیر از سمارق سنگی ، ناکی مسکه داروریگی که بیش از دوکیلو گرام وزن داشت این

نوع سمارق نظر به تحقیقاتی که نسبت به آن بعمل آمده ، میتوان آنرا سمارق شفا بخش خواند بدین مفهوم که این سمارق در شفا بخشیدن بیماری از امراض و گرداندن سلامتی مریضان یقین معجزه میکند . سمارق

بقیه در صفحه ۴۸

بعضی از انواع آن . من که سمارق های فراوان را با انواع آن بلد بودم ، کنجکاو من تحریک گردید تا بدانم شمار انواع این خسو را که به چند میرسد . بسو جب آخرین تحقیقات در مورد چگونگی ، مزه ، مواد و مقدار نوع ، سمارق را لازمست قبل از همه یاد آور شد که تا کنون دانشمندان بیش از (۸۰۰۰۰) نوع سمارق را شناخته اند که با تاسف باید متوجه گردید که فقط مقداری کمی از اینهمه انواع آن قابل استفاده و خوردنست ، تقریباً دوسد نوع آن . در حالیکه از جمله این دوسد نوع محض (۱۵-۴۰) نوع خالص قابل استفاده بوده و متباقی دارای مواد است

که امکانات مسموم ساختن صرف کننده را دارا می باشد در تشخیص سمارق های مورد نیاز از ملاحظه کامل کار گرفت چه سمارق ها دارای تلایم خاص و مشخص میباشند . یکنوع سمارق که بنام « سمارق سنگی » موسوم است که نسبتاً قوی و از جمله انواع سمارق های طرف استفاده ، بحساب می آید . بعلاوه بهترین نوع سمارق هاراکه بایستی چید بعلاوه سمارق سنگی .



از نوع سمارق های بال دار

سمارق های نوع محرك ، سمارق سرخ و سمارق مسکه دار نیز دارای مواد بهترین نسبت به سایر اقسام سمارق ها میباشد .

همچنان نوع دیگر از سمارق ها ، بنام « سمارق بالدار » نیز در قطار سمارق های مفید می آید . محقق مذکور میگوید : حین چین سمارق ، یکی از دوستانم که بصول خودش تمامی انواع سمارق هارا میتوانست از هم تفکیک بدارد در آن محلیکه تاجشم کار میکرد سمارق بود بدینیکه چشمها از دیدنش خیرگی میکرد بمن مشوره داد که فقط چند دانه و محدود سمارق ها را از جمله آنهمه سمارق ها بردارم و بس . دوستم در

مورد شناخت سمارق ها برایم تشریحات داده گفت مثلاً کدام نوع سمارق اگر دارای چگونه کلاهک باشد و چگونه روئیده باشد قابل استفاده است و کدامش برخلاف زهر آکین و مسموم کننده میباشد . من در اواخر نومبر در ریگستانی به یکنوع سمارق برخوردیم که بسان سنگ سخت بود و با کوبیدن انگشت صدا میداد بی بردم که حتماً سمارق سنگی است که دفعتاً روئیده و سر میزند . این نوع سمارق که در ابتداء یعنی لحظه سر زدن فقط



هنریشه جوان در یکی از لابراتوارهای فزیک .

میخواهد هر کجایی رنج دیده و ستمدیده ایست بایست به کمک او شتافت ، برای او شعر گفت ، پس شعر او شعر زمانست ، او که از طبیعت الهام میگیرد ، برخوردار از یک جهان بینی کامل بوده و بیشتر از اشعار یفگیینی یفشکو ، میخائیل زفتلوف ، زفتلوف ، یونانورتیس ، جوزف اوتکین و ایلینا ایرنورگ خوشش می آید . وی طرفدار آتست که ادراک و احساسات انسان میشود از طریق موسیقی و شعر خوب بسایرین انتقال یابد . او با این نظریه جوامعی را که آنجا که طبقات وجود دارد تذویر نیز بصراحت چشم میخورد . او که مرد مریض و شوخی و وسایل خوشی می آفریند .

است زیاد دوست دارد اکثر اوقاتش را با طرفداران هنرش باشد . گرچه خودش بدین عقیده است که صدای او زیاد دل انگیز نیست لکن دیگران درین مورد که او صدای نا شنجاری دارد همرايش هم عقیده نیستند . در همین تازگی ها این فزیکدان صاحب نام اشعار کمیدی سرود و آهنگهای را در قید فوت در آورد . کتسرت او سرو - صدایی در میان خواستاران صدای گرایش ایجاد کرد . او میخواست به کمک علم فزیک احساسات علاقمندان هنرش را سر تعش گردانیده ، تحریک بدارد . از نگاه او فزیک و موزیک دو علمی اند که هر دو به انسان

بموجب تحقیقات گسترده یی بیش از هشتاد هزار نوع سمارق وجود دارد

دانشمندی افتیدم که در یکی از یادداشت هایش متذکر گردیده بود: یکی از صد هادردی که به جان بعضاً لانه میکند و چه درد جانگداهی است این درد از نزدیکی و عطر ناخوشا یند سمارق ها ناشی میشود البته در اثر نزدیکی



سمارق شفا بخش

بموجب تحقیقات گسترده یی، بیش از هشتاد هزار نوع سمارق وجود دارد . اینک سمارق چگونه خوراکی است و چه مفاد و مضاری در خود نهفته دارد در زمینه ، یکی از آنایک پخوردن سمارق میل فراوان دارد با ارتباط بموضوع فوق یکی از جمع کننده های سمارق ها ، خاطراتش را چنین خلاصه میکند: هنگامیکه تعطیلات تابستانی ام را باید سپری میکردم بدهدکده پدری رفتم ، شفق تازه دمیده بود و من با سبزی راهی جنگل

شدم تا سمارق جمع کرده باشیسم ، تاجنگل دو کیلو متر راه بود ، راهی را که من پیش گرفته بودم ، راه یک مزرعه بود که به یک باطلاق کوچک منتهی میگشت و اما در سمت دیگر ، گویسی کله باوسبزه های گوناگون فرش شده بودند که امتشمام آن فرحت انگیز بود در حین جمع آوری سمارق در

حالیکه بشکا رنیز می اندیشیدم بیاد گرفته های سمارق شفا بخش



فضا نوردان در لباس فضا نوری شان دیده میشوند

ترجمه از احمد شاه

ریکار دبو دو باش در فضای کیهانی

همه چیزها ما نند همیشه بود مانند چندین پروازهای کیهانی گذشته و در ضمن همه چیزها غیر عادی بود. هنوز دو کیهان-نورد اتحاد شوروی و لا-دیمیر لیا خوف و والری ریو میین در زمین بودند اطلاع یافتند که به یک سفر دور و دراز به فضای کیهانی میروند. قبل از اینها ریکاردو مدامت پر واز در فضای کیهانی یکصد و چهل شبانه روز بود.

در شام بیست و پنج فبروری سال جاری سفینه فضا (سیوز-سیودو) با دو کیهان نوردان لیاخوف و ریو میین به مدار پر آمد. هنوز قبل از عزیمت به فضای کیهانی این نکته تثبیت گردیده بود که در استیشن تحقیقاتی (سالتوشن) یعنی در جانتیکه دو کیهان نورد نیز به تحقیقات ادامه می دادند.

یکصد و نفا یص جدی موجود است. سر نوشت کارهای تحقیقاتی دو-کیهان نورد و استیشن «سالتوشن» مربوط به موفقیت کیهان-نوردان متذکره در قسمت اصلاح نقایص استیشن مذکور بود. این دو کیهان نورد باید یکی از مخزنهای محروقا تی دستگاه موتور استیشن را متوقف می ساختند و آنرا از مایعات مضره تصفیه می ساختند.

لیا خوف و ریو میین این وظیفه را به بنیامین مو ففانه به پایان رسانیدند. هفته اول ماندپر وازهای سابق کیهان نوردان روزهای سخت را سپری کردند زیرا زودتر خسته میشدند و احساس دردهای شدید میکردند ضرور بود تا تحمل کنند اما در پهلوی مشکلات کارها بطور عجیبی پیش میرفت. دا کتران در دستگاه رهبری زمین از این نکته به تعجب شدند و وقتیکه در روز سوم پر واز لیا خوف و ریو-میین پیشنهاد کردند تا در تقسیم اوقات روز مره آنها ورزشی گنجانیده شود قبل از اینها این نوع پیشنهادات بعد از روز پنجم به دستگاه رهبری مخا بره می شد. ماه اول پرواز را در تر مییم استیشن سپری کردند. کیهان-نوردان سیستم اثر ژیکه استیشن آلات را غرض ارتباط را دیو بی و تلویزیونی، لباس کیهانی را غرض کار در خارج در استیشن تجدید کردند حتی ششها و ریه نیز سر از نو ساختند. قبل از پرواز لیا خوف و ریو میین استیشن (سالتوشن) یکنیم سال به کار خود ادامه داده بود، شش دسته کیهان نوردان به آنجا سفر کرده بودند. بعد از پرواز لیاخوف و ر-

یومین استیشن «سالتوشن» در طول شش ماه سه سفینه با ربریک سفینه بیدون پیلوت (سیوز-سی وچهان) رانیز پذیرفت از بیابان و بادرنک که در سفینه کاشته بودند استفاده میکردند اگرچه در سفینه همه چیزها خوبتر نمی روئید مگر بازم در وقت صرف طعام تا انداز از آن استفاده میکردند. لیا خوف و ریو-میین با دستگاه رهبری در زمین رابطه ثابت داشتند و از سفینه اطلاعات تلویزیونی ارائه میکردند. در اواخر ماه دوم سفر اطلاعات تلویزیونی در زمین در تلویزیون ظاهر شد. درین دو ماه اطلاعات تلویزیونی تنها به یک جهت یعنی از حاشیه (عرشه) سفینه فضایی به زمین داده میشد و ارتباط تلویزیونی دو طرفه نظیر به یک سلسله علل تخنیکی برقرار نکرده بود.

از جانب دیگر این نکته برای آنها نیز مهم بود که نه تنها با اقارب خود ارتباط مخا بروی بگیرند بلکه باید آنها را ببینند. درین مدت دستگاه رهبری زمین توانست که یک سلسله اطلاعات را به شکل گرافیکی و اشکال به آنها برساند.

این کار از اصراف وقت جلوگیری نمود و از طرف دیگر ارتباط مدا کروی را بین زمین و فضا آسانتر ساخت. هنوز یکنیم ماه را در فضا سپری نکرده بودند که به استقبال مهمانان باید آمده میشدند. سفینه فضایی سیوز سی و سه به رهبری فضا نورد اتحاد شوروی نیکلای رو کس-یشنیکوف و فضا نورد بلغاریا یی کیور کیا ایوا نوف نزد آنها فرستاده شد. متاسفانه در فضا همیشه تمام کارها مو ففانه صورت نمی گیرند زیرا نظر به عللی سیوز سی و سه نتوانست به سالتوشن ملحق شود و دو باره بزمین برگشت در نتیجه یکتعداد تجاری را که سیوز سی و سه باید انجام میداد و شش لیا خوف و ریو میین اقتصاد تعداد تجاری به حدی رسید که حتی محاسبه آنها مشکل است. این دو کیهان نورد در طول مدت اقامت خود در سفینه بطور منظم از زمین عکس برداری میکردند زیرا امروز بدون نقشه برداری کیهانی جیو لو جست ها، کارکنان زراعت، طراحان ساختما نهایی بز رگت های دو تخنیکی کارهای خود را بطور مو ففانه پیش برده نمیتوانند. نقشه های که برای آنها ترتیب می شود چند سال بعد مجددا نقشه برداری میشود. در طول مدت اقامت خود کیهان نوردان به ما عکس گیران، کشتی رانان کمک های مهمه جا نبه میکردند و اطلاعات بسیار ارزنده را به آنها میدادند. برای تحقیقات اتمو سفیر زمین و عکس برداری ذخایر طبیعی زمین کیهان-نوردان از کمره عکاسی استفاده می کردند که قبلا در استیشن سالتوشن موجود بود و توسط سطلهای بلغاریا طرح ریزی شده بود. لیاخوف و ریو میین درین پرواز در عرضه استیشن برای اولین مرتبه در جهان رادیو تلسکوپ را نصب کردند که

بقیه در صفحه ۴۶



فضا نوردان در حال صرف میوه جات دیده می شوند

اوقیانوس اطلس وساحات انگلیند جدید
مشاهده شده به سرعت سی میل فی ساعت
سرعت داشته خسارات ناشی از وقوع چنین
حوادث ناگوار که در بعضی قسمت های از
چپان گذارش یافته شکل افسانوی را بخود
اختیار نموده است چنانچه طوفان که درسال
۱۹۰۰ در ایالات متحده امریکا بوقوع پیوست
منجر به نابودی شش هزار نفر گردیده است .

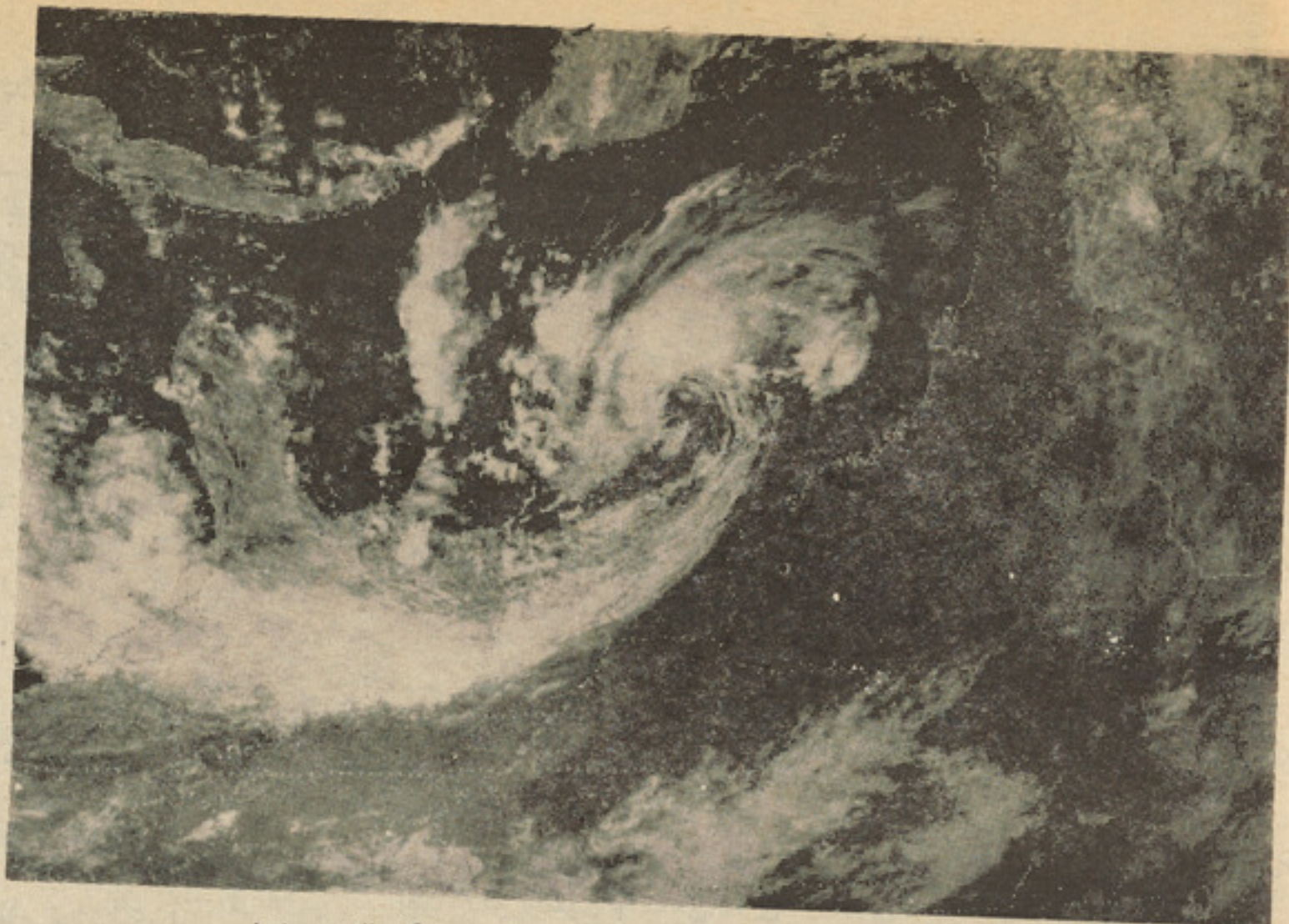
طوفان سالهای ۱۹۵۵ تنها در شهر نیویارک
ایالات متحده منجر به قتل دوهزار نفر گردیده
واضافه از هفتصد میلیون دلار خساره مالی در
بیکراقتصاد ملی آن کشور وارد نمود اما
طوفانیکه در سال ۱۹۷۲ در آن کشور بوقوع
پیوست در مدت دوازده ساعت ۱۱۷ نفر را
به قتل رسانیده ودر حدود سه بلیون دلار
خساره مالی وارد نمود .

حوادث سال ۱۳۵۷ در کشور افغانستان
که بارندگی های شدید را در قبال داشت در
اکثر ولایات ضربات کوبنده ومدش را به
دببال داشت که کمتر نظیر آن را می توان
در چندین دهه های گذشته جستجو نمود
درین سیلاب در حدود ۱۲۰ نفر یکم مرگ
کشیده شد ودر حدود ۷۱۲۵۰ فامیل به مشکل
بی سر پناهی وآواره گی مبتلا شدند .

نظریه احصائیه وارقام که در دست است
گفته میشود که این طوفان مدش در حدود
۹۳۰۲۲ جریب زمین را کاملا ازین برد و
خسارات مالی وجانی نیز با آن همراه بوده
که در حدود (۱۷۳۳۴۷۶۲۲۵) افغانی مجموعا
خسارات آن را میتوان ارزیابی نمود .

امروز دانش بشری به چنان مقام رسیده
است که بخوبی وبه آسانی میتواند وقوع
چنین حوادث ناگوار وتباه کن را پیش بینی
نموده وآلات ووسایل دقیق تخنیک که قدرت
پیش بینی دقیق حالات اقلیمی را در بدترین
شرایط دارد بواسطه زحمات وتلاش های
خستگی نا پذیر دانشمندان بوجود آمده و
میتواند زندگی مصون تری را برای انسانها
تدارک نماید .

طوفان ها امروز آن چنان عامل کشنده و
خطر ناک که در گذشته شمرده می شد به
بقیه در صفحه ۴۹



چند ومد اوقیانوس ها باعث ایجاد طوفان ها وحين حالات درخشکه هادیده میشود

ترجمه ج . آمنگر

چگونه مبارزه با حوادث حیات آدمیزاد را مصونیت می بخشند

سالیان اندیشه های عبادت از آنها را در
ذهنیت انسانهای آن زمان ایجاد نمود .
اما هر قدر از زندگی آدمیزاد در روی
زمین میگذشت نیرو های مولده رشد وتکامل
می نمود همای رشد وتکامل نیرو های مولد
شعور وافکار آدمیزاد نیز در پروسه رشد
وتکامل طی طریق نموده تا به تدریج انسانها
توانستند وسایل جهت جلو گیری از ضربات
کوبنده طوفانها ایجاد ومصونیت برای خود
واحضای شان ایجاد نمایند .

بعضی از طوفان ها که در قسمت های

سالیان اندیشه های عبادت از آنها را در
ذهنیت انسانهای آن زمان ایجاد نمود .
اما هر قدر از زندگی آدمیزاد در روی
زمین میگذشت نیرو های مولده رشد وتکامل
می نمود همای رشد وتکامل نیرو های مولد
شعور وافکار آدمیزاد نیز در پروسه رشد
وتکامل طی طریق نموده تا به تدریج انسانها
توانستند وسایل جهت جلو گیری از ضربات
کوبنده طوفانها ایجاد ومصونیت برای خود
واحضای شان ایجاد نمایند .

از زمانیکه آدمیزاد در روی زمین اساس
زندگی را گذاشتند از همان آوان آنها دچار
مشکلات وتکالیف زیاد بودند واین تکالیف
زیاد تر از ناحیه طوفان ها ، سیلاب های
مدشس وسایر آفات طبیعی وسماوی بود، در
آن زمان که سطح زندگی نازل بوده وهمین
محدودیت های محیطی وجغرافیای در تعین
شعور وافکار اجتماعی نقش مهم داشته زیرا
هر قدر زیر بنای زندگی مادی پهنا ووسعت
داشته باشد به همان اندازه شعور وافکار
داشته باشد به همان اندازه شعور وافکار
اجتماعی نیز همای آن رشد وتکامل می نماید .
روی همین لحاظ بوده که در گذشته ها

با وجود محدودیت های زیر بنای مادی زندگی
افکار آدمیزاد نیز رشد کافی نه نموده و
نمی توانستند علل وموجبات ایجاد وبیدایش
طوفانها گرد بادها ، رعد وبرق وغیره را در
یابند بنا برین از وجود آن ترس وهراس
داشتند وبرای جلو گیری از آن دست به
تصرع ، توبه واستغفار میزدند تا به این طریق
توانسته باشند نیرو های مدشس وخطر ناک
را که به اساس قانونمندی های درونی
علی یدیده ها وقوع آن جبری وناگزیر بوده
مطیع وآرام سازند همین نیرو های مسادی
ونرسی از آنها بوده که بعد ها با گذشت

امروز دانشمندان ومتخصصین اقلیم شناسی
توانسته اند وقوع چنین طوفانها سیلاب ها
وغیره را که امروز به اصطلاحات علمی بنام
سایکلون ها - هریکن وغیره یاد میشود
پیش بینی نموده واز وقوع آن قبلا اطلاعات
لازمرا در اختیار جامعه بشری قرار بدهد
تا به اساس آن بتوانند قبلا در جساهای
مصون بود وباشی اختیار نمایند و مواضع
ومحل را که در آینده مورد حملات وتهدید
طوفانها قرار میگیرد به مردم معرفی نموده تا
از اعمار منازل رهایش در آنجا خود داری
واجتناب بعمل آرند .

طوفانها یکی از خطر ناک ترین حوادث
است که خسارات مالی وجانی را به جامعه
بشری بوجود میآورد سرعت طوفان وگردباد
ها که تا کنون اندازه گیری شده در حدود
۷۴ میل فی ساعت وزیاد تر از آن است وهم



ماهورین نجات در کمک آسیب دیدگان رسیده اند

زما نیکه نیکیتا بیدار شد آهسی کشید و چشمها نشی را باز کرد، از سطح یخ زده کلکین، ازلا بلای ستاره ها بیکه طور عجیب رنگت شده و از بین شاخ و بر کها بیکه به نمونه غریبی نقشه شده بود ند شعاع آفتاب می تا پید. در دا خل اطاق: اشعه خورشید ما نند پرف سفید می در خشید. انعکاس شعاع آفتاب از دست شو یی بر دیوار در حال لرزه بنظر می خورد. با کشودن چشمها نشی بیاد وی آمد که شام گذشته (پکون نجار) برای یش گفته بود:

«حالا من رنگش خوا هم کردو بالایش آب خوا هم ریخت و وقتیکه صبح از خواب بر خاستی می توانی روی آن بالا شوی و بر وی.»
شام گذشته پکون با سا س خوا هس جدی نیکیتا يك تخته برفی برا یش سا خته بود، تخته چنین سا خته شده بود: در حالیکه پکون در وسط جای ترا شس کردن پهلوی میز کار نجار در گاراج ایستاده بود دو تخته و چار پایه ترا شید، کنار های عمده تخته پائینی طموری اوریب ترا شیده شد بود که در برف فرو نرود، پایه ها نهایت نازک سا خته شده بود، در تخته با لایی دو فرو رفتگی برای پایه ها وجود داشت تارا ننده خود را محکم کرده بتوانند. تخته پایینی باکود گاو رنگ شده و آب بر آن ریخته می شد و در بیرون در هرای سرد گذاشته میشد تا آنرا یخ بزند، این عمل سه بار تکرار شد بر تخته بالایی يك ریسمان نصب شده بود تا تخته برفی توسط آن کشش شود و در حال را ندن سمت حرکت آن در اختیار راننده قرار گیرد.

تخته برفی با ید حالا آماده و نزدیک در استاده باشد «پکون چنین يك آدمی بود، او می گفت اگر من چیزی را وعده کنم، کلام با اندازه قانون راسخ خوا هد بود و انرا انجام خواهم داد.»
نیکیتادر کنار بسترش نشست و گوش داد، خانه خاموش بود هیچکس هنوز از خواب بیدار نشده بود. اگر او لباس ها یش را در ظرف یکدقیقه می توانست بپوشد بدون اینکه رو یش را بشوید و دندانها یش را بر سس کند، قادر خوا هد بود از دروازه عقبی بیه

حویلی دا خل شود و از حویلی تا دریا، جائیکه توده های برف در کنار نشیب انباشته شده بود يك سنگ انداز فاصله بود. نیکیتا از بسترش بر خاست و با نوك پنجه هایش در چار گوشه خانه که آفتاب آنرا گرم کرده بود حرکت کرد. در همین هنگام در باز شد و يك کله با عینک، ابرو های سرخ و بر جسته و ریش سرخ تیز نما یان گشت. کله چشمک زد و گفت:

«تو دزد کوچک، از خواب برخاستی»
ارکادی - ایوانو ویچ
آدمیکه ریش سرخ داشت معلم خصوصی نیکیتا بود - ارکادی ایوانو ویچ از شام گذشته در تجسس بود و صبحگاهان عمدا وقت

در عوض اینکه ترجمه آلمانی اش را تکمیل کند برای دو ساعت پهلوی میز پکون نشست و قشش را تلف کرد.

ارکادی ایوانو ویچ هیچگاه شکایت نمی کرد، این حقیقت است اما نیکیتا همیشه مواظبت می بود. ما در شس در وقت ناشتا گفت که شب هنگام سرهای بسیار شدید بود و مجرای بیلر آب را یخ زده بود و قتیکه نیکیتا میخواست هد بیرون برود با ید رو پوشش عسکری اش را بر تن کند اما نیکیتا گفت: «صدا دقانه می گویم که بسیار گرمی است.»
«لطفا رو پوشش را بر تن کن.»
این سخن را ما در شس بر زبان آورد.

«این رو پوش رخسارم را فشار میدهد و مرا خفک میکند. مادر! این رو پوش مرا بریزش گرفتار میسازد.»
مادر به ارکادی ایوانو ویچ و نیکیتا دید و وقتیکه گپ می زد آوازش لرزان بود.

«تو باین حدنا فرمان هستی که نمی دانم بکه می مانی.»
ارکادی ایوانو ویچ گفت: «بیا که بدرس های خود شروع کنیم.» دست هایش را طوری می مالید که گویی خوشی بزرگتری از حل مسائل ریاضی - دکنه کردن ضرب المثل ها و یا سخنانی که آدم را بخواب ببرد (خسته کن - مترجم) وجود ندارد.

نیکیتا در اطاق سفید بزرگ بیکار که نقشه دو نصف کره در دیوارش آویخته بود پهلوی يك میز که باداغ های رنگ و تصویرهای عریان پوش شده بود نشست و ارکادی ایوانو ویچ کتاب ریاضی را کشود.

«تا کجا خوانده ایم؟» با تندگی گفت. بایک پنسل نوك تیز پرا بلم درسی را نشان داد.
«تاجری چند متر تکه آبی را فی متر سه رو بل و ۶۴ کو پک و یک اندازه تکه سیار را.» بخوان نیکیتا. همزمان بان، طور معمول، اوراجع تاجر کتاب ریاضی اش تصور می کرد. او دریک بالا پوش گرد آلود دراز در نظرش می آمد که رنگت پریده و تر شرو بود - يك مرد سنگین، مدور و خاموش، دو کان

حتی گردنش بشوید. بعد از این ارکادی ایوانو ویچ از شس - هایش گرفته او را بطرف اطاق نان به ما ر شس برد، ما در شس که لباس خاکی پشمی بر تن داشت کنار سما وار نشستند بود در حالیکه روی نیکیتا را در دست ها یشس گرفته بود با چشمان روشن و درخشان بطرف او دید او را بوسید. «نیکیتا، آیا خوب خوابیدی؟» بعد او به ارکادی ایوانو ویچ دست دراز کرد.

«خواب خودت چطور بود؟ ارکادی ایوانو ویچ؟» او با دلجو یی بر سید:
بروت های سرخس خندیده پهلوی میز نشست به چایش شیر ریخت، پارچه قندی را در دست

هدا به پسر نیکیتا الکسی
ایویچ تو لستوی با عشق عمیق
موتلف

الکسی تو لستوی

طفولیت نیکیتا

يك

صبح

آفتابی

مترجم: دکتر خدایداد بشرمل

گرفته میان دندانهای سفیدش قرار داد و از پشت عینک ها یشس به طرف نیکیتا چشمک زد.
طور ساده اگر گفته شود ارکادی ایوانو ویچ غیر قابل تحمل بود: او همیشه سرخوش بود، پیوسته چشمک میزد، هیچگاه چیزی را روشن نمیگفت بلکه همواره جملات مرموزی استعمال میکرد و شخص را به تشویش میگذاشت طور مثال وقتیکه مادر بسیار ساده پرسید که خوابش چطور بود؟ او جواب داد: «اگر منظور خواب باشد، بد نبود، خوب خوابیدم» از همین جمله باید فهمید ه شود اما نیکیتا میخواست از ناشتا بگریزد و بیه دریا گوشش دهد. دیروز نیکیتا

تراز خواب برخاست، ارکادی ایوانو ویچ يك آدم هوشیار و زیرک بود او با طاق نیکیتا در حالیکه خنده معنی داری در چهره اش نمایان شد و به طرف کلکین رفت، به آئینه تنفس کرد و وقتیکه یخ آن آب و آئینه صاف شد عینک ها یشس را مرتب نموده از کلکین بطرف حویلی نگاه کرد.

«در آنجا نزد يك در،» او گفت: «يك تخته برفی مقبولی ایستاده، نیکیتا چیزی نگفت و تنها کمی ترشروی کرد. او مجبور شد لباس سس ببود، دندانها یشس را پاک کند و رو یشس را با گوشها یشس و

نگاهی به اوضاع...

مرتب نمود.

مانند یک مغازه تاریک بود. بالای یک اطاق هموارغبارآلود دو پا رچه تکه گذاشته شده بود. تاجر دستش رادر راز کرده، تکه هارا از اطاق برداشت و با نگاه آرام بطرف نیکیتا دید.

خوب نیکیتا، چرا اینقدر فکر میکنی؟ ارکادی ایوا نوویچ پرسید: بصورت مجموع تاجر ۱۸ متر تکه فروخت. چند متر تکه آبی و چند متر تکه سیاه فروخته خواهد بود؟ نیکیتا عصبانی شد، تا جگر ساکت و دو پا رچه تکه در دیوار ناپدید و در گرد و غبار بالای هم انباشته شد... ارکادی ایوانوویچ گفت: ای - ای - ای. و به توضیح پرداخت، اعدادی را با پنسل به سرعت نوشت ضرب و تقسیم کرد و با خود تکرار میکرد، «ده بریک»، «ده بردو» - به نیکیتا چنین معلوم می شد که در جریان ضربیه این «ده بریک»، یا (ده بردو) از کاغذ به کله او مغزش را تکان داد طوریکه دیگر فراموشش ننخواست. بخوابید و یک احساس بسیار ناخوش آیندی بوجود آورده. آفتابیکه بر روی کلکین در سخا نه که توسط یخ با هم وصل شده بودند می تابید - همیشه او را صدا میزد: «بیا بدریا». بالا خزّه درس ریاضی به پایان رسید و املا شروع شد.

ارکاد ایوانوویچ بامتداد دیوار بالا و پایین قدم می زد بایک آواز مخصوص خواب آلود، آوازی که هیچکس برای سخن زدن بکار نمی بردند املا گفتن پرداخت - تمام حیوانات روی زمین دایم در مشقت هستند و کار می کنند - شاگرد مطیع و ساعی ایسود... نیکیتا در حالیکه نوک زبا نش را بیرون آورده بود به نوشتن آغاز کرد، قلم بر روی کاغذ کش شد و ترشح کرد.

نیکیتا سرش را بطرف کتاب تمرینش فرو برد، دو خند اشش را خفه می ساخت. او به آواز یکنواخت تکرار می کرد. «ساعی و مطیع» «ساعی را نوشته ام». ارکادی ایوانوویچ عینکها پیش را حویلی پهناور از برف نرم و سفید و براق پوشیده بود و جای پای های عمیق آبی رنگ انسان ها در رد پله های متعدد سنگ ها در آن هشا عده می شد - هوا تند و بسیار سرد بود. بینی اش را غفلت می داد و خسارش را مانند سوزن نیش می زد - گاراج، چتری ها و طوپله و کلاه های سفید سنگینی پوشیده بودند و به زمین نزدیک معلوم می شدند که گواهی از میان برف روئیده اند - رد پاها نیکه از راندن قایق های برقی مانده بود مانند دو تریسه شیشه بامتداد تمام حیاط بنظر می رسید - نیکیتا از دلان از راه زینه ها نیکه آواز می کردند پائین شد - در پائین یک تخته برقی کاملاً نو از چوب کاج ایستاده بود و یک حلقه ریسمانی که از الیاف نیا تی ساخته شده هم بالا ایش قرار داشت. نیکیتا بطرف آن دید، محکم ساخته شده بود، آن را امتحان کرد تا با سانی فلغزد - تخته برقی را بالای شانه انداخت، بیل را هم که فکر می کرد بدرش می خورد با خود گرفت و بتمام طول باغ تا نزدیک بند دوید. در آنجا درختان بزرگ بید ایستاده بودند همه شب نیم یخ زده پوشیده شده بودند و ساخته های شان طوری معلوم شد که از برف ساخته شده باشد.

نامام

در نهمین مجمع عمومی موسسه ملل متحد که در بیست و دوم نوامبر سال (۱۹۷۴) صورت گرفت. احترام به حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین بدست خود شان و از آزادی ملی خلق عرب فلسطین دفاع بعمل آمد. فیصله نامه ای مجمع پیرامون داعیه فلسطین بزرگتری موقیت بین المللی سازمان رهایی بخش فلسطین بشمار می رود.

بعد از این تاریخ پرستیژ بین المللی سازمان آزادی فلسطین (پ، ل، او) بطور روزافزونی به سطح عالی روبره فزونی نهاد. همچنان یک کمیته بررسی تامین حقوق مسلم خلق فلسطین در چوکات موسسه ملل متحد تاسیس گردید.

سه گیری نمایندگان موسسه آزادی فلسطین در فعالیت های موسسه ملل متحد و ارگان های آن اکنون به معیار قبول و پشتیبانی خلق های سراسر جهان ارتقا نموده است. نمایندگی های این سازمان در بیش از صد کشور جهان تاسیس گردیده است. ستراژی صهیونیزم اسرائیل ادامه اشغال مناطق عربی، لبنان، سوریه و حتی تمام شبه جزیره عرب رادر بر دارد. چنانچه اسرائیل هم اکنون برای تحقق این مقاصد شوم خود، اوضاع رادر جنوب لبنان فوق العاده وخیم ساخته است. و این کشور را به کمک ارتجاع سیاه لبنان و تجزیه طلبان این کشور به کانون جنگ و تبرد قوای متخاصم تبدیل نموده است. قوای بحری هوایی و زمینی اسرائیل که با انواع سلاح مدرن و عصری مجهز می باشد همواره به کمپ های مهاجرین فلسطین و قصبان جنوب لبنان کلوله باری می نمایند صهیونیزم اسرائیل همچنان خیال واهی نابودی، نفیست مقاومت فلسطین را که نیرومندترین قدرت ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه شرقیانه استنداشت می شود نیز در سر دارد. درین مورد بیگن اظهار نموده است «که در اسرائیل، جنبش مقاومت فلسطین را در همه جا، در زمین، در هوا، و با اقیانوس ازین می برد» این گفته بیگن می تواند برای امپریالیزم و ارتجاع بین المللی امید بیافریند. ولی در واقع این گفته شکست و نابودی ارتجاع حا که اسرائیل را باز گو می کند. ایجاد حکومت اسرائیل به ارتباط اسناد تاریخی جز از نقشه شوم امپریالیزم و استعمار چیزی دیگری نیست.

رژیم جنایتکار اسرائیل اگرچه ظاهراً با دست داشتن انبار خانه های سلاح فراوانی که امپریالیزم و استعمار سخاوتمندانه آنرا در اختیار آنها قرار داده است قدرتمند به نظر می رسد. ولی در حقیقت پایه های عینی این رژیم بحد کافی بی ثبات و لرزان می باشد. امواج نیرومند مبارزات سرسختانه خلق های انقلابی فلسطین سر انجام پیروز خواهد شد. همانطوری که ویتنام قهرمان امپریالیزم

بین المللی راه زانو در آورد... ارتجاع عرب وداعیه فلسطین: امپریالیزم و انحصارات ممالک پیشرفته کاپیتالیستی از دیر زمانی برای غارت منابع سرشار نفتی ممالک عربی، و برای تسلط و نفوذ اقتصادی و سیاسی خود بالای این ممالک و تکمیل داشتن آنها در مدار کاپیتالیستی، دولت تجاوزکار اسرائیل را موظف تطبیق اعمال خود قرار داده است. ولی در سالهای اخیر در اثر تعقیب و توسعه مبارزه سازمان آزادی بخش فلسطین امپریالیزم برای کشاندن ممالک عربی در پروسه ضد فلسطین و ضد حل عادلانه مسئله شرقیانه مساعی زیادی بعمل آوردند. ارتجاع عرب در قدم نخستین رژیم سادات

بعد از مرگ جمال عبدالناصر فقید، تلامندی خاص برای جلب کمک ها و مساعدت های نظامی و اقتصادی امپریالیزم از خود نشان داد. و در های اقتصادی خود را بی مهابا بروی جیولگران استعماری گشود. ارتجاع عرب باز دوند های که با امپریالیزم داشتند به نحو از انجا از مساعی برای حل عادلانه داعیه فلسطین و برایم های منطقه شرقیانه سرباز زدند. و در صدر همه آنها رژیم سادات قرار گرفت. ارتجاع عرب با مبارزات آزادی خواهی و روحه انقلابی سازمان آزادی فلسطین کینه می ورزند. و اغلباً از کمک های مالی با آنها ابامی ورزند.

ارتجاع مصر در مقابل اشاعه این شعار اسرائیل که «اسرائیل بزرگ از یوفرات - الی نیل» هم عکس العمل از خود نشان ندادند. این شعار را سادات شخصاً هنگام مذاکرات ماه نوامبر سال (۱۹۷۷) خود نیز تماشاً نموده بود. بعد ازین تاریخ رژیم سادات همواره تقاضای کمک های نظامی و اقتصادی اسارت بار را از ممالک غربی و امپریالیستی می نماید. چنانچه قرا نوشته مجله «افریقا و آسیای امروز» رژیم سادات از ممالک غربی بیست میلیارد دالر قرضه را تقاضا نموده است.

چاکر منشی رژیم سادات در استان امپریالیزم و صهیونیزم اسرائیل بحدی ارتقا نموده است که رژیم وی وظیفه پاسبانی منافع امپریالیزم رادر منطقه شرقیانه و حتی قاره افریقا بعهده گرفته است هم اکنون قوای مصری در بیش از ده کشور افریقایی مداخله نظامی می نمایند. رژیم سادات همچنان برای تشویق ممالک دیگر عربی در سازش های جداگانه با اسرائیل نیز مبادرت می ورزد. در اثر تعقیب پالیسی درهای باز مصر میزان انفلاسیون درین کشور پانزده فیصد افزایش نموده است. وضع سیاسی درین کشور آشفته بوده و بحران اقتصادی شدید ی دامنگیر جامعه مصری باشد.

بقیه در صفحه ۲۵

از زمانیکه بساط ترور و اختناق را اعمال امپریالیزم در کشور ما گسترده بودند در چنان لحظات فضای شادی و سرور در همه اطراف و اکناف در شهر ها و دهات افغانستان مکدر شده در کلبه های زحمتکش و بیچاره گان آوای (غم) و اندوه - نجوا و بیقراری طنین داشت - در فابریکه ها و کشتزارها کارگران و دهقانان و تمامی زحمتکش و وطنپرستان در هر کجایی که بودند تعزیر - تعقیب - توهین روانه زندان و اعدام می شدند - استادان مکاتب و پوهنتو نهاد دانشمندان دکتوران و پرفیسوران بابتی حرمتی به باستیل بلچرخگی کشانده می شدند خلاصه هر آنکه سر وطنپرستی و تعالی مبین و آزادی انسان داشت در دردیفکسانی قرار میگرفت که بنوبه یکی بی

و برای آخرین بار دست ساطور بدستان در هوا قطع شد و خوشبختانه عده ای از زحمتکش و وطنپرستان از خشم آن دژخیمان نجات یافتند که این آزاد شدگان از جنگال مرگ کسانی بودند که افرایشان فاتحه آنها را خوانده در مرگ شان اشک نومییدی ریخته بودند ، چه در کشتار گاه بلچرخگی هر که را میبردند دیگر هیچ امیدی به زنده بودن او نبود سازمان ترور این ستمگران درست همانند باند تروریستی امیر عبدالرحمن (پادشاه ظالم) بود که در آن روز کاران بنام (نام گیرگ) یاد می شد نام گیرگ یاسازمان تروریستی امیر عبدالرحمن چنان رواج داشت که شب هنگام درب بیچاره ای رابه امر امیر میکوبیدند و آنرا به زندان برده به سیاه چاه

کریمداد *

نجات از جنگال دژ خیمان طاغوت مشرب

دیگر با ساطور جلاخان ناپود می شدند .

در چنان روزگاران غم آلود که گمانتگان امپریالیزم (باند فاشیستی امین) مذبح خانه تلاش داشتند که انقلاب شکوهمند تور را از سیر اصولی و اصلی آن به بیراهه بکشند ، یکبار دیگر آن همه غم و اندوه ، آنهمه رنج و محنت ، آنهمه نجوا و فریاد های کودکان ، زنان ، مادران پدران ، دانشمندان ، مبارزین و تمامی زحمتکش بهم گره خورده و چون گرز کوبنده ای فرق بی مغز سردار ستم را چنان پاشان ساخت که امروز خنجره امپریالیزم در مرگش نوحه سرایی دارد .

همی انداختند زنده بگور نموده ، تیل داغ ، واسکت بریدن و نشتر زدن چشم ها و غیره ظلمها و اعمال ضد کرامت انسانی را روا می داشتند . امیر حفیظ خان نیز باند تروریستی داشت که مرکز ادره آنرا شخصا بنام (کام) نامگذاری نموده بود و گمانته های امین هم همین باند آن دد صفاتی بودند که شبانگاه در حالی نشه چون مرگان درنده در منزل شخصی افراد به درو دیوار بام حویلی و اتاقهای آن حمله نموده بدون کوچکترین احساس مسوولیت بالای آن فامیل قیامتی را برپایی کردند آن دد صفات آدم صورت که با تفنگچه و ماشیندار ارباب خود مسلح می بودند منزل متذکره را تلاشی می کردند و اجناس قیمتی

و با ارزش آن منزل رابه سرقت برده و بالاخره هر که از افراد آن منزل در جنگ ایشان می افتاد اکثر آنها (بجرم) وطنپرستی ، بشکل وحشیانه با دست و چشم بسته بصوب نامعلومی کشانده می شد ندو این همانند سازمان (نام گیرگ) امیر عبدالرحمن بود که هیچ کسی را این جرئت نبود که افلا بپرسد که آن بیچاره رابه کجا می برند ، و گنا هاش چیست؟

به این صورت با کمال جرئت میتوان این باند فاشیستی رایک باند سیاه وحشی تنگ زمان نامید زیرا چه وحشت و ستمگریهایی نبود که از آنها سر نزد به آبرو ، حیثیت و شرافت مردم بازی کردند از کشته های پشته ها ساختند کشتند ، بستند ، برق دادند ، سوختاندند ، ناخن کشیدند ، پنجه دست و پا را قطع کردند و حتی زنده بگور نمودند .

امیر حفیظ الله خان امین مبتکر و حامی باند فاشیستی و تروریستی مخصوص تپ خودش (فاشیست انقلابی نما) در افغانستان که برای سالیان متمادی توانسته بود خود را به لباس مردم جازده سخن پرانی و پررویی نماید برای اولین بار پس از قیام مسلحانه ششم جدی اعمال ضد مردمی و ضد انسانی او بشکل آفتابی افشاء شد . گر چه ازین امیر نابکار و مرد فریبکار و این فیودال خونخوار عناصر روشنفکر و مترقی جامعه ما شناخت قبلی هم داشته و هم دارند تنها و تنها چند نفر اعضای فامیل او و وابسته های باند اوشان لفاظی و پررویی این قاتل هزاران وطنپرست را تائید و برایش کف می زدند و بس : چه روشنفکران انقلابی ما آگاهانه و برویت استاد و مدارک میدانستند که امین از نگاه سیاسی هم تریبه یافته دامان ننگین قدرت بزرگ امپریالیزم است و این وفاداریه امپریالیزم از همان دوره تحصیل خویش توانسته بود که موفقانه فعالیت سیاه سیاسی اش را پیش ببرد و حتی در مراکز امپریالیزم جهانی توانسته بود که به کرسی ریاست اتحادیه محصلین دربار نماید . و این مستدریاست به کسانی داده می شد که او عضو سازمان سیاه (سی سی ای) می بود و این بهترین دلیل وابستگی این فاشیست با محافل امپریالیستی میباشد .

در داخل کشور نیز این امیر نابکار دژخیم صفت که با عوام فریبی مختص بخودش زمام امور را بدست گرفت عملا به اثبات رساند که او یک فاشیست و سر دسته تروریستان بوده زدوبندش را با محافل امپریالیستی ما هرانه حفظ نموده بود . این گفته ها روی سخن نیست بلکه حقایقی است که دانه های قلوب هر هموطن مادقتری از بس رویدادها میباشد در دوره سیاه همین امیر امین بود که بهترین جوانان و وطنپرست در زندانها و مخفیگاهها انباشته شده بشکل وحشیانه

مجازات و به صورت دستجمعی کشتار شدند . شهرها ، قریه ها ، منازل ساختمانها بمباردمان ویران و با خاک و خون کودکان ، جوانان و پیر مردان بی دفاع یکسان شد و اجساد بهترین وطنپرستان بی گور و بی نشان در گودالها و خند قبا پرتاب شد . و امروز هیچ کسی نیست که در ناپودی این باند جنایتکار خوش نموده باشد چرا که هیچ فامیلی سراغ نمیشود که به نحوی از آنحاء داغی از ظلم و ستم این باند رانندیده باشند .

آنطور یکه امیر حفیظ الله امین بطور کل قهرمان ترور و آدمکشی ، دزدی و ویرانگری بود . بهمان ترتیب والا حضرت سردار اسد الله امین نیز قومانده باند تروریستان مشخص رابه عهده داشت که مردم ستمکش اعم از دهقانان ، کارگران مزدوران ، جوانی ها ، کراچی رانها ، کپنه فروشان دختران ، پسران ، اطفال و بزرگسالان ، ملاها ، روحانیون محصلین و معلمین را مورد تعقیب تحقیق توهین ، اذیت ، شکنجه و انواع ستم قرار داده و بالاخره پس از مدتی در حالیکه مست می بودند در صحن زندان و یاد ر پو لیگون آنها را با تفنگچه و ماشیندار خود بقتل میرساندند . رویهمرفته والا حضرت عبدالله امین که در طول عمرش بسوی علم و معرفت ، اخلاق و شرافت یک نگاه هم نکرده و چون (امیر بزرگ) عقده بی دانشی داشت با چنین بی حیثیتی به امر همان برادر مهربان و بزرگوارش اوالی والیان سمت شمال مقرر شد این بی فهم و جاهل فکر میکرد که حکمروایی یعنی آدمکشی ، چورو چپاول ، کشتار های دستجمعی و شهر سوزی میباشد بهمین اساس ستم عبدالله امین بدل هر یک از هموطنان ما بخصوص در سمت شمال چون لاله های صحرا داغی گذاشته فراموش نشدنی چه این مرد نابکار بهترین جوانان و نو جوانان را کشته خانه های ایشان را حریق نموده کودکان معصوم و خانم و مادر و پدر شانرا در زندان می کشیدند ، شهر ها و قریه ها را یکجا با انسانها ، حیوانات اهلی اشجار و غله چات آن با پرتاب بم ها و اعمال تروریستی خود حریق و نابود میکردند .

در آن فضای اختناق و ترور و گره و وطنپرست را روانه زندان می نمودند و گاهگاهی که در زندان جایی برای زندانی نمی بود بدستور شخص والا - حضرت عبدالله امین دستهای زندانی ها را بسته نموده آنها رابه دریای اموو به دریای کوچک پرتاب میکردند . بهمین ترتیب هر عضو ایمن باند سیاه به نوبه خود بالای مردم ظلم و ستم نموده بیرحمانه کشتار کردند این یک واقعیت انکار ناپذیر است که هر فردی از افسراد افغانستان در شمال و جنوب در شرق و غرب به نحوی از آنحاء مورد ضرب و آزار باند ترور و ارباب ستم قرار گرفته بودند . خوشبختانه که آن باند جنایتکار به سر نوشتی که باید مبتلا می شدند و خواست مردم ما بود دچار شدند .

افتخار به مردم و وطنپرست و مبارزین انقلابی افغانستان که دشمنان بشریت و وطن خود را از مسیر انقلابی شان چون پوکاهی نابود ساختند .

تاریخ مسکو

بخاری

در این شهر که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است

از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است

از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است

از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است

از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است

از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است

از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است

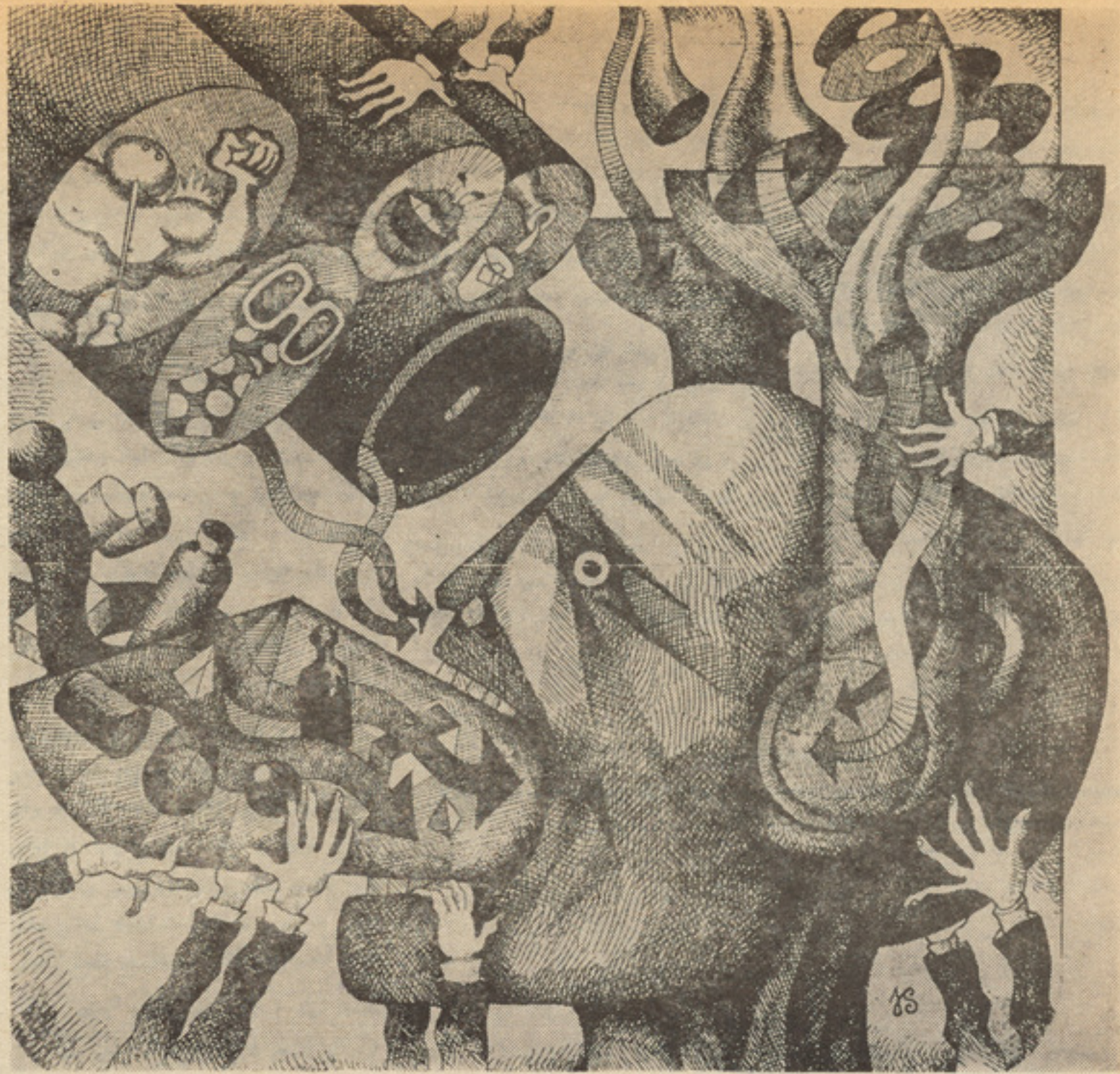
از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است

خاله بکچه همیشه رخاوار باشد

و در کمال سعادت پدید آید!

در کمال سعادت پدید آید
 در کمال سعادت پدید آید
 در کمال سعادت پدید آید
 در کمال سعادت پدید آید
 در کمال سعادت پدید آید

از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است
 از آنجا که در آنجا است



مطالبت و اطلاعات را در خود جاو
از آن استغاده بکنند که برای همه
افراد يك نسل قبل دشوار زمی
نمود. سنگینی در مغز و حافظه یکی
از زیاد نا را حتی های عصر مسا
است و در سرا سر جهان ملیونها
نفر از سنگینی بارفکری و خستگی
های روحی و دماغی رنج میبرند
آنچنان که در بالا گفته آمد خطر
اتی که در کمین مغز انسان خوابیده
اند سخت نگران کننده اند. بنسب
مغز انسان برای اینکه خود را با
شرایط نو تطبیق دهد تحت فشار
قرار میگیرد و از طرف دیگر شیوه
های نو جراحی روانی نیز ممکنست
بهترین یا بدترین شیوه باشد. بهر
حال نگران کننده اند.

مغز انسان به ما نند يك خازن
برقی است با ده میلیارد سلول که
مهمترین عضو بدن است و پروفسور
سرجان الیکلز دانشمند استرالیایی
و برنده جایزه نوبل میگوید:
اگر قشر خارجی مغز گسترده شود
صفحه یابدست می آید با طول

پنجاه سانتی متر، سه ملی متر
ضخامت سلول عصبی نشینگاه
همه تجربات در سرا سر طول
زندگی هستند با احساسات عوا
طف، ادراکات خاطرات و عکس العمل
های ما، اندیشه های ما همه و همه
از همین ده میلیارد سلول سرچشمه
میگیرند در جهان هیچ پدیده

وجود ندارد که پیچیده تر از قشر
خارجی مغز باشد در زبان علمی
این سلولها را نیورون گویند
هر نیورون میتواند با سلولهای
همجوار خود پنجاه هزار رابطه برقی

مندی انسان به فرد مقابلش نیز
افزایش می یابد. در عین حال
انسان امروزی محکوم به سرخوردگی
دگی و تصادمات روزمره عاطفی اند.
زیرا در طول دوره زندگی نیازمندی
عاطفی افراد غیر از ضاکننده است.
پس چنین حالت یعنی کثرت نیاز
مندی های زیاد و روان پریشی ها و
اضطرابات و انواع واقسام آن است.
سی برای اختلالات روانی پلا
ریزی می کنند.

داکتر کوردل معتقد است مغز
يك انسان امروزی مجبور است آنقدر

برگرداننده نصیر ابوی

از منابع خارجی

جراحی روانی شیوه خطرناک

بابازتاب امیدوارکننده!

مغز انسان که از ده میلیارد سلول ساخته شده بزودتر بین معمای
آفرینش است.

با جراحی مغز میتوان جنایتکاران و معتادان را معالجه کرد.

با این شیوه جلوگیری از خشونت های جنسی امکان پذیر است.

هم اکنون با جراحی روانی هوش، حافظه و استعداد های گوناگون
افراد رادستگاری میکنند.

سرعت و شتاب زندگی مدرن، و اضطراب های درونی و دماغی عامل
تحول سریع جامعه بشری که دیگر مغز، انسان امروزی را در
باعث میشود هر روز فشار بیشتری
بر مغز وارد آید بر خورد های
نا مطلوب و ناراحت کننده، دلهره
فورمول پیچیده در هم می تند نیاز
اضطراب های درونی و دماغی عامل
دیگر مغز، انسان امروزی را در
معرض خطر شدید قرار داده است
هر چه تمدن بشری انسانها را با
فورمول پیچیده در هم می تند نیاز

مرکز خوشونت، مرکز غرا یسز جنسی و بالاخره مرکز رو یا. درین اواخر مرکز درد ولدت نیز تشخیص شده اند و حتی دانشمندان توانایی آنرا داشته اند تا با وسایل برقی در مرکز اخیر الذکر را به تحریک بیاورند و بطور مصنوعی ایجاد درد ولدت نمایند. مهمترین پدیده مغز ما حافظه است و چنین به نظر میرسد که ضبط خاطرات دیدنیها و شنیدنیها عمل پیوسته شیمی است که بکمک برخی از مواد ساخته شده از مغز انجام می پذیرد. تنها شاک میتواند این دستگاه پیچیده را از هم بپاشد. شاک های روحی نیز می تواند کار حافظه را دچار اختلال و دگرگونی نماید. «زیگموند فروید» ثابت ساخت که حافظه برخی از خاطرات تحمل ناپذیر خود را به صورت خودی بدست فراموشی می سپارد و هم ثابت ساخت که ضمیره نا آگاه شخص خاطرات را طرد میکند. امار و احصائیه های یونسکو در مورد افراد بیکه از درگیری های روحی رنج می برند جالب است طی خبر آخرین این موسسه تعداد کسانی را که در حال حاضر به کارهای علمی و فکری مشغول اند نمود فیصد و نمود کرده است.

کارشناسان اعلام کرده اند که کشف اسرار مغز انسان البته باعث درمان و معالجه بسیاری از بیماری هادر سال های دو هزار و فوق آن خواهد بود. اما آنچه مسلم است شاید انسانها بحدافرا طی به جراحی روانی رو ببرند و با دادن الکترو-شاک هاویا دهها وسیله دیگر مغز انسانها را تغییر دهند. دانشمندان نباید به استفا ده های احتمالی از کشفیات خود شان بیندیشند زیرا از هر پیشرفت یا کشف علمی ممکنست روزی به قصد غیر اخلاقی استفاده بشود. اما این وحشت از آینده نباید مانع کار هردانشمند باشد. جراحی روانی از هنگامی پدید آمد که یک دکتر پر تکالیف بنام آگاس لوئیز شیوه معالجه مخصوص را برای بیماران روانی پیشنهاد کرد این شیوه لوبو تو می نامد. مطابق این اصل برخی از انساج را که از ناحیه پیشانی (محل تفکر) به سوی مغز می روند قطع می نمایند. ظاهرا عمل ساده هم است. بیشتری را در سر

بیمار فرو می کنند. و چند نسج را می برند. اما عملا معلوم شد که این بهبود یا فتگان به انسای تبدیل شدن گیسج و بی ارا ده تغییرات روانی آنها چنان شدیدی بود که حتی نزد یگان شان به شناخت آنها موفق نشدند. اما امروز شکل تکامل یافته تری از جراحی روانی مغز در آلمان، امریکا از آزمایشگاه ها به شفا خانه هاراه یافته است با این شیوه جراحی بعضی از صفات خشونت آمیز و انحرافات جنسی بیمار را از بین می برند. یک کمیسیون جهانی شامل پروفسوران بین المللی مامور بررسی درباره این مسند جراحی شد. اعضای این کمیسیون سرریحا اعلام داشتند که میندر مورد اینگونه جراحی افراد بشود و از این روش استفاده های غیر انسانی نمایند با این هم رئیس کمیسیون دکتر رایان اعلام داشت: جراحی روانی مغز تا حال به بیماران زیادی کمک کرده بدون اینکه هوش و فراست آنها از بین برود و یا به زندگی عاطفی شان لطمه وارد شود. از سال ۱۹۷۰ به اینسو جراحی روانی پیشرفت زیادی کرده است اما جراحان بخش مغز سعی می کنند که برای عمل خود حدود قاطعی تعیین و برای آن جامه ای قانونی در بر کنند تا کار به افراط نکشد. ها کسلی متفکر بزرگ پیش بینی کرده بود که اگر این شیوه از آزمایشگاه های علمی به جامعه سرایت کند. جامعه انسانی دچار سقوط خواهد شد. این بحث و منا قشات علمی، انتقاد و طرفداری، طی سال های ۱۹۷۴ ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۷۴ کنگره جهانی عصب شناسی ادامه تحقیق کنترل عادات روانی را تا سال ۱۹۸۴ اعلام کردند. یعنی این کنگره در مرحله اول شیوه را تا سال ۱۹۸۴ و فوق آن بوسیله جراحان مغز تضمین نمود. و دست اندر کاران و کارشناسان آزمایشگاه را صلاحیت قائل

نونی داد و مطابق به اجرا آت این کنگره پیاپی ده ساختن عمل روی بیماران روانی زکاتانیان و اطفال قبول گردید. و این وسیله همانندی که پیشگویی میشد میرفت تا داغ ترین موضوع علمی روز را بر

سر زبانها بنشانند اما به یقین اساس این روش در سال ۱۹۳۵ گذارده شد. در گردهم آیی دانشمندان بین المللی که در همان سال منعقد گردید. اساسات آن برای نخستین بار توسط دکتر کار لیل و داکتر جان فو لتن بازگو گردید و یکی بعد دیگری چاقوی جراحی را روی انساج دماغ خوا با نیدند. در اوایل ازین طریق به عنوان یک فن تری

بقیه صفحه ۲۱

نگاهی به اوضاع...

به اساس نوشته لوموند چاپ پاریس عرصه زندگی کارگران، دهقانان و غیره طبقات پایین و زحمتکش پیوسته تنگتر می گردد. سازش های مصر و اسرائیل مورد نفرت همه جهان مرفی قرار گرفت. و منجمله پروسه ضد سازش های خائنانه مصر در کنفرانس ماه مارچ بغداد که به اشتراک (۱۸) کشور عربی انعقاد یافت بخوبی تجلی نمود. از مواد برجسته و فیصله نامه این کنفرانس که به اتفاق تمام اعضای شرکت کننده به استثنای سومالی و عمان بتصویب رسید مواد آتی را می توان ذکر نمود.

- ۱- وضع تغذیرات اقتصادی با حکومت موجوده مصر.
 - ۲- قطع روابط دیپلماتیک با حکومت مصر.
 - ۳- اخراج مصر از عضویت کانگرس جهانی اسلامی.
 - ۴- اخراج مصر از تمام سازمانها و اتحادیه های منظوقی عربی.
 - ۵- قطع صدور نفت به مصر.
- همچنان در اجلاسیه سوم کانگرس خلقهای عرب که در ماه می ۱۹۷۹ در عدن به اشتراک هفتاد حزب و سازمان های سیاسی و یکصد و چهل و دو اتحادیه کارگری و سازمان های زنان و غیره سازمان های اجتماعی از هفده کشور عربی انعقاد یافت به وضاحت اعلام نمود. که آنها بر ضد سازش های مصر و اسرائیل مبارزه خواهد نمود آنها ضرورت تحکیم همکاری خود را با تمام ممالک مرفی و بطور اعم با کلیه کشورهای جامعه سوسیالیستی تاکید نمودند. کنفرانس لزبن و خواست عادلانه فلسطین: در آغاز ماه نومبر سال ۱۹۷۹ در لزبن مرکز پرتگال کنفرانس تساند و هبستگی با خلق فلسطین انعقاد یافت. درین کنفرانس اعلام گردید که اسرائیل حالت و خستناکی را برای کلیه خلقهای شرقیانه و بخصوص خلق فلسطین ایجاد می نماید. سخن گویان این کنفرانس تاکید نمودند که معاهده نام نهاد کمپ دیوید و سازش های خرابکارانه مصر و اسرائیل حقوق انسانی و ملی مردمان عرب فلسطین را زیر پا می نماید. و پالیسی صهیونیستی اسرائیل عمده ترین تهدید کننده صلح و دینیات در منطقه شرق میانه و سراسر جهان پنداشته می شود. همچنان در یسن کنفرانس پیرامون ستراژی های امپریالیزم ارتجاع عرب و ارتجاع حاکم اسرائیل که حال

یا دهانی میگردند، نه یک اصل علمی اما بعدا آزمایشات عکس مناسقه را ثابت ساخت.

در دهه پنجاه دو فکتور (عامل) عمده تداوی کیمیا یی و استفا ده از الکتروشاک باعث پیشرفت وسیله فوق گردید زیرا تا ثیرات جانبی و مخالفت های زیاد حلقه های علمی بیشتر از پیش سد پیشرفت

بقیه در صفحه ۴۶

در زدوبند و اتحاد نامقدس با هم تشریک مساعی می نمایند بحث صورت گرفت. نمایندگان حلقه های سیاسی مرفی اروپای غربی نیز پلان های امپریالیزم را در قبال داعیه عرب و تمام پرابلم های ناشی از تشنجات بین اعراب و اسرائیل. را مورد تکووش قرار دادند. اهمیت این کنفرانس با حضور یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین و بیانیه های پرتحرک وی بیشتر گردید.

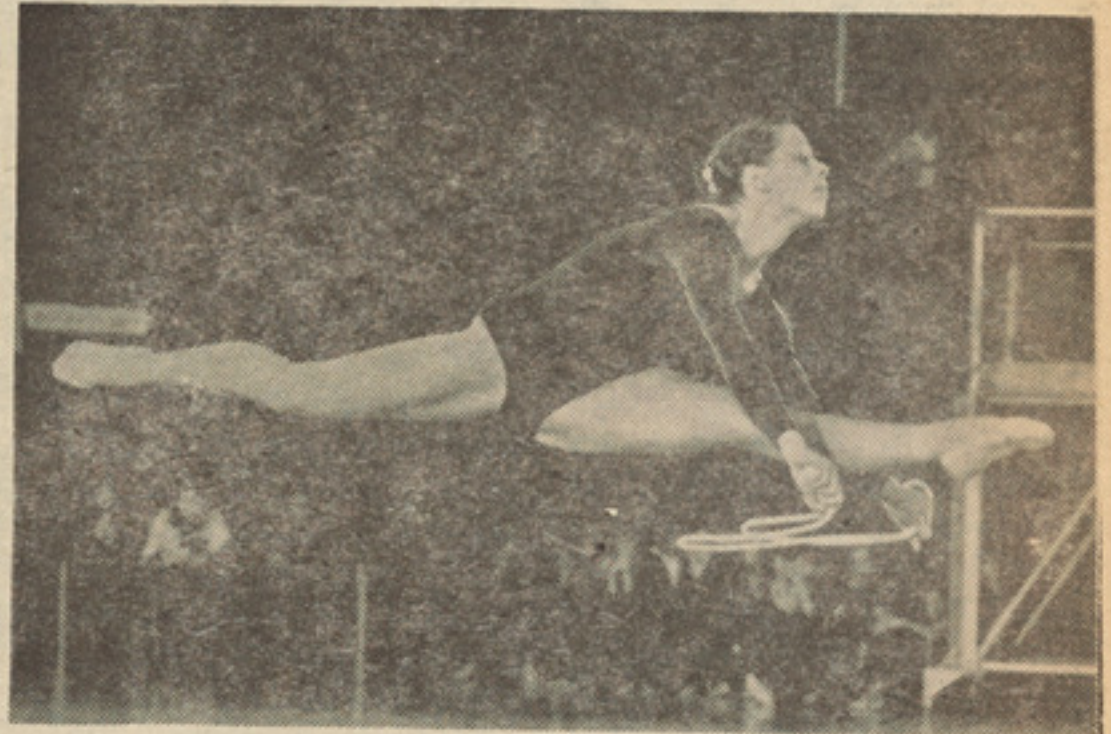
یاسر عرفات رهبر خلق فلسطین پیرامون مبارزات قهرمانانه آزادی خواهی خلق عرب فلسطین سخنرانی نمود. و او همچنان از کمک و پشتیبانی ییدریغ تمام کشورهای جامعه سوسیالیستی و بخصوص از مساعی اتحاد شوروی برای حل عادلانه شرق میانه اظهار خرسندی نمود.

تمام شرکت کنندگان این کنفرانس قاطعانه اعلام نمودند که با ید تمام قوای اشغالگر اسرائیل بدون قید و شرطی از مناطق اشغالی که در سال (۱۹۷۶) متصرف نموده است خارج شوند و حقوق طبیعی و مسلم فلسطین را عینی بر تشکیل نمودن دولت آزاد فلسطین مورد احترام قرار دهد.

درین کنفرانس به آئنده از کشور های که تا هنوز موسسه آزادی فلسطین را به رسمیت نشناخته اند خاطر نشان گردید تا هر چه زودتر این موسسه را به رسمیت بشناسند. در خلاصه تحلیل و بررسی اوضاع سیاسی در منطقه شرق میانه این نتیجه گیری حاصل خواهد شد که پرابلم های شرق میانه مسئله فلسطین در صورتی میتواند عادلانه حل گردد که همه جوانب ذی علاقه بشمول نماینده سازمان رهایی بخش فلسطین به اساس فیصله نامه های موسسه ملل متحد عمل نمایند. زدوبند ها و معاهدات که در خفای خلق عرب و بدون اشتراک و موسسه آزادی فلسطین صورت گیرد جعلی و سطحی خواهد بود. و در امر صلح هیچگونه تأثیری مثبت نخواهد نمود.

حل عادلانه مسئله شرق میانه قدم بزرگتری خواهد بود در راه تعمیم دینیات و امنیت بین المللی.

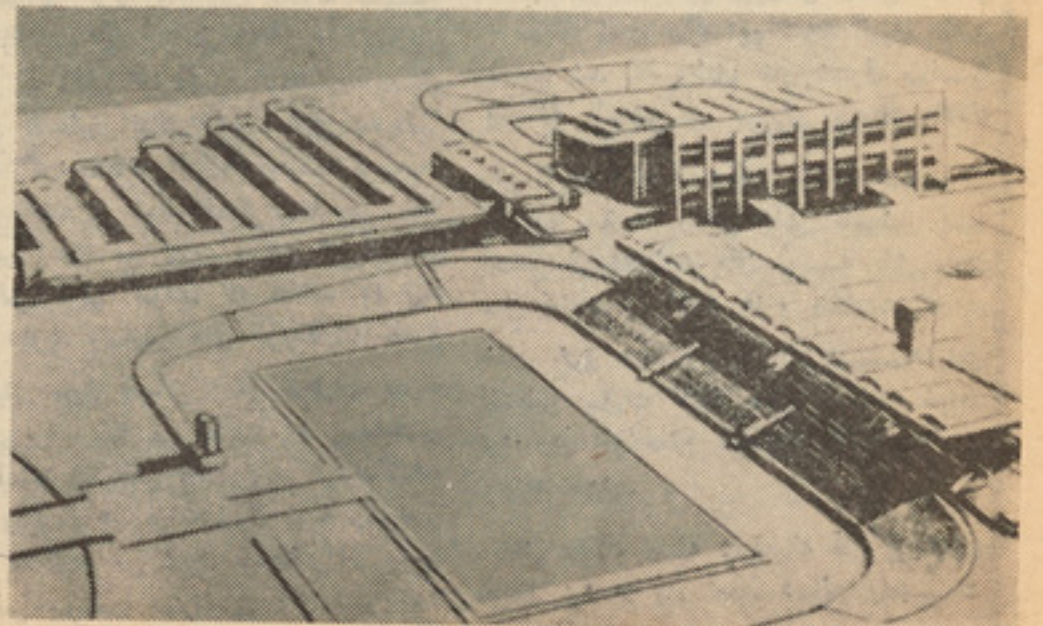
پلان اعمار شهری برای اسپ سواران



مشق و تمرین های ورزشی در ستند یو می که برای المپیا ۱۹۸۰
ساخته شده است.

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یک ستند یوم بوده زیرا مردم به
که در آن در سال ۱۹۸۰ مسابقه آسانی میتوانند از هر نقطه شهر
او المپیا جهانی دایر میگردد شهری به آن جا رسیدگی نموده وهم
برای اسپ سواران و مسابقه اسپ در پهلوی مناظر طبیعی خوش
دوانی در منطقه بیستا که در حدود آب و هوای قرار دارد. این ستند یوم
بیست و شش کیلو متری مرکز در حدود چهل و پنج هکتار زمین
قرار دارد در نظر گرفته شده را در بر میگردد.

یک گروه مهندسين و انجیران
اما مهندسين در مورد تعیین
موقعیت ستند یوم مذکور دچار
تردید و سردرگمی های می باشند آورند. خشت پخته و چوب مادی
اما عده به این نظر اند که این است که روی ساختمان ستند یوم را
منطقه محل مناسب برای اعمار با آن اعمار نموده اند که رنگ نمای

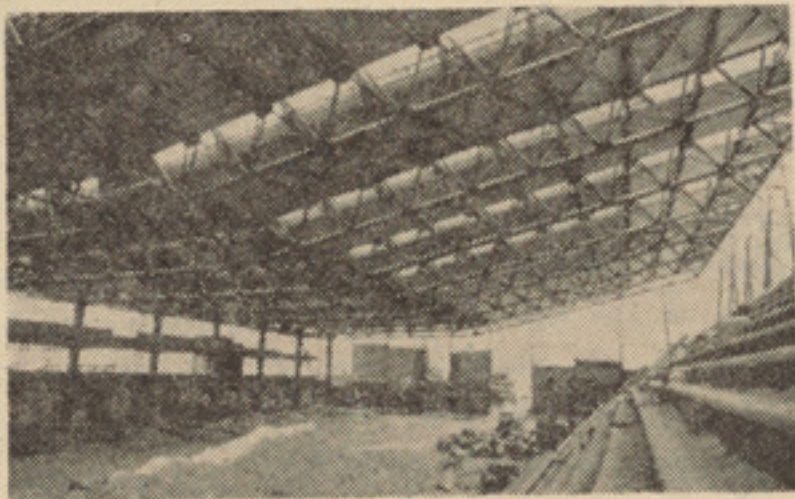


مدل و نمونه ساختمان ستند یوم ورزشی برای اسپ سواران در منطقه
بیستا.

خارجی ستند یوم مذکور با رنگ
طبیعی طبیعت همگونی را وانمود می
سازد. عمده ترین قسمت این
ستند یوم را محل جست و خیز و تمرین
تشکیل میدهند در حدود دوازده هزار
چوکی در روی زمین ساخته شده
که در سه قطار قرار دارند هر
قطار آن نود تا یکصد و پنجاه متر می
باشند.

قسمت های درونی ستند یوم
از چوب و مواد نرم ساخته شده
است اما محل و یا اتاق که برای
تبدیل لباس در نظر گرفته
شده خارج از محوطه مسابقه قرار
دارد.

همچنان در این جا محل برای
تعداد زیاد مردم بدون داخل شدن
در ستند یوم مذکور میتوانند
از نقاط دور از زمین های
هموار نیز مسابقه را تماشا نمایند.
در ستند یوم مذکور دو محل
مرکز گرمی نور و روشنی کافی و



یک ستند یوم سقف دار برای مسابقه اسپ دوانی در اتحاد شوروی

برای پوشیدن و تبدیل کالا وجود
دارد یکی از این محل ها که سر
کشاده بوده دارای یک هزار و پنجصد
قرار دارد.

چوکی بوده و دیگری آن دارای
دو هزار چوکی است این محل که
دارای دو هزار چوکی است سقف
آن کاملاً پوشیده است و طوری
دیزاین و طرح ریزی گردیده که
اشعه سقف آن در هجده متری طرف
دیگر تا بیده و قسمت بالایی را در
تبدیل هوای آزاد کمک میکند.

بقیه در صفحه ۵۰

باشتر اک در روز نامه ها و مجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

شرح اشتراک روزنامه ها
و مجلات در خارج کشور:

وجه اشتراک روزنامه حقیقت -
انقلاب نور، انیس، هیواد و کابل -
نیو تایمز در خارج کشور، هوایی
صد دالر و زمینی سی دالر.

برای محصلین، هوایی هفتادوپنج
دالر، زمینی بیست و سه دالر.
وجه اشتراک مجله ژوندون در
خارج کشور هوایی صد دالر، زمینی
سی دالر برای محصلین، هوایی
هفتادوپنج دالر، زمینی بیست و سه
دالر وجه اشتراک مجله کمکیانوانیس
در خارج کشور، هوایی پنجاه دالر،
زمینی بیست و پنج دالر.

وجه اشتراک مجلات پکتیا، کندهار،
ننگرهار، بلخ، کهول، آواز، فرهنگ
خلق، هنر، کتاب، کو شانی و
و جراید یو لندوز، گوراش و سوب
در خارج کشور هوایی پانزده دالر،
زمینی پنج دالر برای محصلین،
هوایی دوازده دالر و زمینی چهار
دالر.

وجه اشتراک مجله آریانا در خارج
کشور، هوایی دوازده دالر، زمینی
پنج دالر برای محصلین، هوایی نه
دالر، زمینی چهار دالر.

مدیریت عمومی توزیع روزنامه
ها و مجلات از آغاز سال نو با وسایل
بیشتر وجدی تردد خدمت علاقمندان
روزنامه ها و مجلات است تا آخرین
اطلاعات روز و داغ ترین حوادث روز
را بشما برساند و مجلات و جراید
محبوب خانواده هارادرمو قشش
برای آگاهی و سرگرمی تان تقدیم
کند.

وقت گرانبهاست، از زودترین
فرصت استفاده نمایید تا کلکسیون
تان از آغاز مرتب باشد. زیرا با ختم
سال جاری میعاد اشتراک پایان
میابد.

مرجع اشتراک:

مدیریت عمومی توزیع روزنامه ها
و مجلات.

در بدل یکصد افغانی و اگر شاگرد
و محصل باشد در بدل هفتادوپنج
افغانی یکسال روزنامه در خدمت
شما است.

کابل نیو تایمز:

اگر روزنامه کابل نیو تایمز
را انتخاب کنید در
هر نقطه کشور که باشد با پرداخت
یکهزارو شصت افغانی و اگر شاگرد
و محصل هستید با ارائه تصدیق و
پرداخت دوصدو پنجاه افغانی
یکسال شما مشترک ما هستید.

مجلات و جراید ما نیز حسب زیر
یکسال در خدمت شما خواهد بود:
مجله ژوندون:

سالانه پنجمند افغانی برای متعلمین
و محصلین با ارائه تصدیق چهار -
صد افغانی.

کمکیانوا نیس:

سالانه یکصد و بیست و پنج افغانی.
مجلات پکتیا، کندهار، ننگرهار،
بلخ، کهول، آواز، فرهنگ خلق،
هنر، کتاب، کو شانی و جراید
یولدوز، گوراش و سوب در داخل
کشور سالانه شصت افغانی برای
متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق
چهل و پنج افغانی.

مجله آریانا بزبان انگلیسی:

سالانه یکصد و شصت
افغانی برای متعلمین و محصلین با
ارائه تصدیق یکصد و سی افغانی.
شما میتوانید در مرکز همه روزه از
اول تا آخر حوت به مدیریت عمومی
توزیع روزنامه ها و مجلات در جوار
عمارت مطابع دولتی، انصاری وات
مراجعه و اشتراک نمایید و یا وجه
اشتراک تا ترا از مرکز و ولایات
بحساب (۶۰۰۱) و ارداد
دولت تحویل و اویز آنرا مستقیماً
عنوانی مدیریت عمومی توزیع
روزنامه ها و مجلات انصاری وات
کابل بفرستید.

اطلاعات و کلتور با فرور یختن مرز
تفاوت وجه اشتراک شهر و ده در
خدمت بیشتر علاقمندان روزنامه ها
جراید و مجلات است.

بخط این که در سال نو کلیه
روزنامه ها، جراید و مجلات بتوانند
دروازه های تمام مشترکین را صرف
نظر از شهری و روستایی یکسان
بگویند، مدیریت عمومی توزیع
روزنامه ها و مجلات وجه اشتراک
علاقمندان را در کلیه نقاط کشور
یکسان میپذیرد.

دوستداران روزنامه ها، جراید
و مجلات:

شما که بر قلل شامخ و پر برف
زندگی میکنید و یا در دشت های
گسترده و وسیع حیات بسر
میرید....

شما که در کابل هستید و یا در
دره های پرخیم و پیچ میتوانید با
پرداخت وجه اشتراک یکسان در
جمله مشترکین روزنامه ها، جراید
و مجلات ما با شید از داغ ترین
رویدادها، خبرها، حوادث آگاهی
یابید و ساعت ها سرگرم شوید.

روزنامه حقیقت انقلاب ثور:

اگر خواهان روزنامه حقیقت
انقلاب ثور میباشید در هر جای
کشور که هستید در بدل دو صد
افغانی و اگر شاگرد و یا محصل
باشید با ارائه تصدیق در بدل ۱۵۰
افغانی یکسال بشما روزنامه
میفرستیم.

انیس:

اگر انیس میخواهید در
هر گوشه میهن که باشید با پرداخت
دو صد و بیست افغانی و اگر
شاگرد و محصل هستید با پرداخت
یکصد و پنجاه و پنج افغانی یکسال
روزنامه رسان درب منزل شما را
میکوبد.

هیواد:

اگر روزنامه هیواد را
بخواهید در هر کنار وطن که هستید



انجیلا وفا نثار

زن و شناخت مسوولیت هایش

در فامیل

همانطور که مردان در مقام بل فامیل و اجتماع خود مسوولیت های دارند و شناخت مسوولیت های شان باعث خوشبختی و سعادت آنها میگردد. زنان نیز درحالی که نسبت به مردان حقوق مساوی دارند، در مقام بل خانواده و اجتماع مکلفیت های قابل شناخت دارند که به شناخت و ایفای وظایف خویش میتواند از بسیاری مشکلات و نارسایی های فامیل بکاهد.

بطور مثال: اگر خانمی با وجود داشتن مصروفیت رسمی روزانه در محیط کار شش کمتر در امور منزل سهم و علاقه گرفته و منتظر آن باشد تا پسر، دختر و یا شوهرش هفت ساعت در دفتر کار مینماید، دیگر از همه کارهای منزل معاف است، واضح است که، وظایف خود را آنطوریکه لازم است نشناخته، شوهر و یا دیگر اعضای فامیل بخاطر گذشته که دارند، شاید بعضی کارهای محوله او را تا اندازه انجام دهند و یا شاید نتوانند قسمی که لازم است به ترتیب وانسجام امور منزل سپیم گردند.

زیرا یک مرد نمیتواند، طوریکه

موفق باشد. با وجودیکه مرد در این قبیل کارها مبادرت ورزد باز هم نتیجه مطلوب نخواهد گرفت و دیری نمیگذرد که از زندگی خسته شده و نارضایتی از خود نشان میدهد.

برای جلوگیری از خلق شدن چنین روحیه، در صورتیکه مرد و زن هر دو با داشتن هدف واحد و خلوص نیت در کارهای منزل سهم بگیرند. ممکنست نتیجه این اتحاد بسیار عالی و سودمند باشد. در بادی امر با وجودیکه آنها خوبت شده و بدون مشکلات زندگی مینمایند، در آیه زندگی نیز اتحاد نظر عمل و همکاری متقابل آنها باعث جلوگیری از نارضایتی ها و مشاجرات گردیده و هیچگاه ضرورت احساس نمیشود که برای حل مشکلات فامیلی شان شخص دیگر از اقارب میانجی شده و فرو گذاشت هر یک را بشمرد و بعدا به آنها بگوید که در آن قسمت کی ملامت و مقصر است؟

از این چه بهتر خواهد بود، قبل از آنکه موضوعات خورد و ریزه خانوادگی کسب و خا مت نموده به درازا بکشد، خانم و شوهرش بیک نگرش همه جا نبه، موضوعاتی را که نزد آنها لاینحل و معشوش است، بررسی نموده

مادری به اطفا لش رسیده گسی و همنا بی مینماید، بهمان کیف و کان در قسمت تر بیه طفل و یا تهیه غذا

چه از اثر همین موضوعات پیش پا افتاده و ناچیز خانوادگی، کشمکش ها بحدی میرسد که بصورت حتم با یکدیگر از شوهر جدا شده و اطفال شان که سه تریه و غمخواری اشد ضرورت دارند بی سرپرست مانده و در نتیجه هر دو با عالمی از پشیمانی و مایوسیت حیات پسر پیرند. به مصداق این گفته با یک نگرش سطحی اوراق دو سیه های بررسی موضوعات فامیلی نشان میدهد که در بعضی فامیلهای موضوعات بسیار ناچیز که اصلا با لای آنها حساب نمی شده آنقدر کسب و خا مت کرده تا سبب از هم پاشی کا نون گرم فامیل و جدا شدن شوهر از خانم گردیده است.

پس بهتر است، آنقدر زنیان و مردانیکه به این امر کمتر رقی میگذرانند با شناخت وظایف و موقعیت خود ها جلو تمام این گونه سو تفاهات و بی اعتنائی هار گرفته و نگذرانند که با این فرو گذاشت ها، برعلاوه خود شان اطفال آنها نیز پریشان شده و از محبت و لطف مادرانه و پدرانه محروم گردند.

ترجمه و نگارش

عبدالله «محب حیرت»

زنان یوگوسلاویا

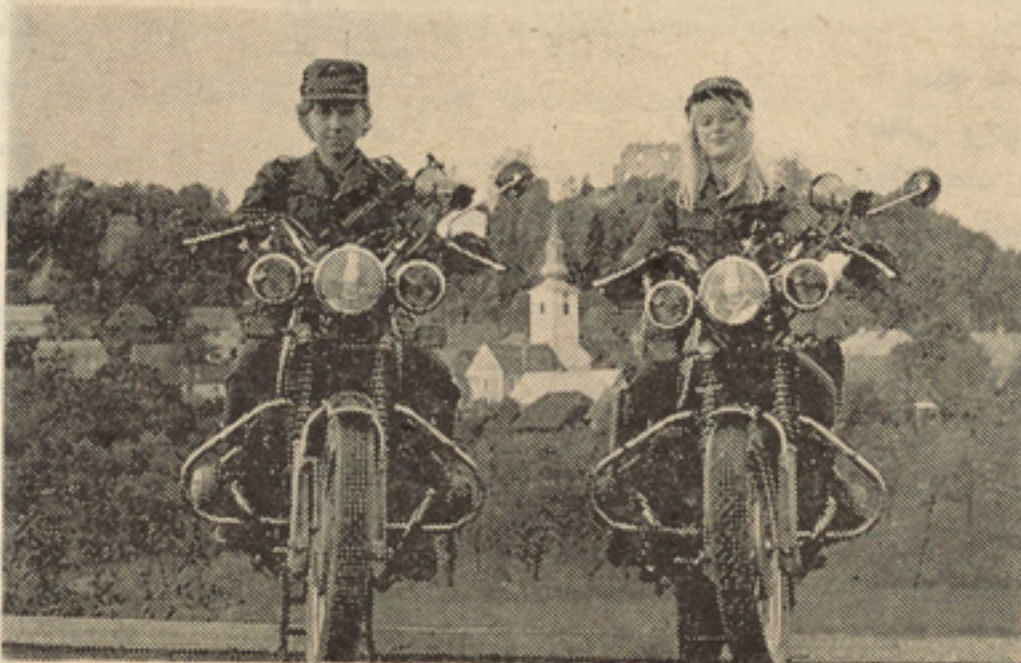
وسهمگیری شان در امور دفاع ملی!

نخست بایست یادآورد شد که جمهوری فدرالی سوسیالیستی یوگوسلاویا بعد از جنگ عمومی دوم جهانی، بتاریخ ۲۹ ماه نوامبر ۱۹۴۵ در ردیف کشورهای مستقل گیتی عرض وجود کرد و در ۲۴-اکتوبر ۱۹۴۵ عضو مؤسسه ملل متحد شده و بتاریخ سئویم جنوری ۱۹۴۶ تاسیس فدراسیون مردم یوگوسلاویا سروسامان گرفت و بحدی یک کشور آزاد غیر منسلک تحت زعامت مارشال جوزف بروز تیتو بسوی پیشرفت های گوناگونی طور بیگیر گامزن شده و بوقتیتهای مطلوبی نایل آمده است که مظاهر آن در هر گوشه و کران آن سرزمین بخوبی پیداست.

قبل از توصل به آنچه پیروزیها و حصول آزادی کامل، مبارزات دلیرانه و رهایی بخش باشندگان حریت طلب این کشور در مقابل

تجاوزات آلمان هتلری و نیروهای تبهکار و بیرحم فاشیسم، صفحات تاریخ از خودگذریهای ملل آزادیخواه و با شهامت اروپای جنوب شرقی را پر رنگ و زین ساخته است.

البته در بهلوی سایر انکشافات آنجا، مساله تامین تساوی حقوق زن و مرد هم مورد نظر بوده است که یکی از آنجمله سهمگیری زنان در امور نظامی و دفاع ملی میباشد.



دوتن از دختران وطنپرست یوگوسلاویا مربوط به گروه پار تیزا نان هنگام تمرینات به سواری موتورسایکل.



عسکر دوشیزه‌یی از دسته های پارتیزانی بالاباس وساز و برگ ستر واخفا



دسته از دوشیزگان سر سپرده پارتیزانی که بخاطر آموزش عملی و نظری تعلیمات عسکری در دشت و دهن به تمرین و مشق می پردازند .

گروه بزرگی از دستجات زنان مبارز مربوط به بنالیون و قدیون معروف «پوهورچی» طبری تربیت و تنظیم شده بودند که عملیات شان بر روی روزه‌ها و شهرت نیکوی نظامی آن‌ها در میافزود. طی جنگهای این دوره (۱۹۴۰-۱۹۴۵) بیست و هشت هزار زن پارتیزان مقتول و چهل هزار زن جنگجو مجروح شدند. آن عده زنان و دوشیزگانی که جان سلامت بردند، دوهزار تن شان بمقام افسری و آذری رسیدند و نزدیک آنان به‌عبارتین مناسبت و القاب نظامی و دارندگان نشان قهرمانان ملی نایل گردیدند.

مارشال تیتو قوماندان عالی جبهه آتره‌ان در اثنای وقوع یکی از وقایع رزمی و قتلش گفت: «من بختیار و مقتدرم که قومانده و رهبری چنان قشون سر سپرده را در برابر دشمنان مهاجم بعهده دارم که شمار بزرگ آنرا زنان در بر گرفته است، لذا من گمانه می‌توانم که آنان با روحیه شجاعت و قهرمانی خویش درین مجادله بخاطر امداد دشمن نقش مهمی بیشتر و قابل ملاحظه داشته‌اند، بنحویکه آنان در مقامهای پیشرو و مقدم قرار دارند، از آنرو این انگیزه افتخار آمیز و آمیخته باغرور ملی مردم یوگوسلاویا بر سر مرده می‌شود که ایشان چنین دخترانی دارند.....»

بعد از پایان جنگ، شمار ثابت و معینی از زنان مبارز ورزمنده، به‌منصه انجام خدمات نظامی در قوای مردم یوگوسلاویا، به‌جست کارمند و محاسب، نرس و دکتر طب، بدون معید شدن یا ملبس گردیدن با یونیفرموم مخفی نظامی، وظایف محوله شانرا ادا می‌دادند. بدینترتیب در یوگوسلاویا زنان خدمات نظامی را بصورت اجباری در جبهه عهده دار نمی‌شوند اما زنان مستعد یکه جسم و روحا در مواقع ضرورت برای اجرای وظایف مورد نظر در ساحه دفاع ملی و دفاع از وطن آماده فداکاری و سپهگیری میشوند، یادا و طلب میگردند بشمول طبقه ذکور (مردان) طسور عموم از سنین شانزده تا شصت و پنجساله، اعضای چنین نیرویی را متشکل میسازند و وارد صحنه عملیات رزمی میگردند.

فعلا در قشون یوگوسلاویا، دکتر میرمن «روزاپاوی» به‌جست یک جنرال زن ورزیده از طبقه نسوان مصروف خدمتگذار است که هنگام جنگ دکتر پارتیزانان همین خود بود و در قبال ارزیابی و قدردانی از کارگزاریهایی متداومش توانست تا در سال ۱۹۷۳ بمقام و رتبه «میجر جنرال» نایل شود. وی در عین حال پروفیسور اکادمی طبی نظامی در بلگراد بوده و تاحال بیش از شصت اثر علمی او بر اعتبار و شخصیت علمی اش افزوده است. همچنان چندین زن و دوشیزه دیگر به‌صفت کلونل در اکادمی طبی عسکری و سایر انستیتوت‌های اختصاصی بلگراد و سایر ایالات و شهر های یوگوسلاویا شامل خدمت اند. به تعقیب روشها، سنن و طرز العملهای جنگ پارتیزانی و تداوم معانی رفتار و شیوه های بازمانده نسل کهن و پیشین، کلیه واحد های زنان و گروههای رزمی نسل معاصر نسوان بشکل پیشرفته آن در یوگوسلاویا تاسیس گردیده و فعال است. بطور مثال بقیه در صفحه ۴۹

میباشد که محتوای این بحث، صحنه‌وشمه از آن دگرگونیهایی مرفی را بصورت نمونه بیانگر میتواند شد.

تاریخ ۲۵ می ۱۹۴۴ دستهای سر بازار آلمان در شهر کوچک «دروار» واقع ایالت یوسنیان (یوسنی) سرازیر شده و به‌منصه عملیات دستگیری و از بین بردن بزرگترین سران و رهبران نیروی آزادیخواه یوگوسلاویا دست به اقدامات شدیدی زدند، چنانچه مارشال تیتو را زندانی ساختند. درین وقت گروه های متعدد و بی‌شماری از پارتیزانان کشور با قوای مهاجم سخت در آویختند، بنحویکه ساحه جنگهای پارتیزانی به‌رگوشه و کنار یوگوسلاویا قدم بقدم گسترش یافت. پارتیزانان با یک عدد تانک کوچک و وسایط محدود دستداشته میکوشیدند تا در قبال مبارزه متداوم و پیگیری بردشمن متجسساز ضربات سنگین و مرگباری را وارد آورند، هنگام با عملیات تدافعی پارتیزانان و تهاجم دشمن، سر بازار آلمانی طی یک لحظه کوتاه موفق شدند تا در نقطه دریچه پیشروی تانک که محل دید و تشخیص تانکران است، برده را بفرستند و سر بازار داخل تانک را از مشاهده و ترصد ماحول شان محروم کنند. بدینترتیب یگانه وسیله نعلیه پارتیزانان در عالم نابینایی و محیط درماتنه حرکت کنان بجلو میرفت تا اینکه بدیوار محکم سنگی یی تصادم کرد و از حرکت بازماند. درین اثنا یکتسن ز سر بازار مهاجم آمادگی گرفت تا نارنجکی را که یکتون آن محترقه و مخرب است از روزه تانک بداخل آن پرتاب کند و بدینوسیله آنرا با سرنشینان پارتیزانی اش از بین ببرد ولی همزمان با چنین رویدادی، یکران جردان یوگوسلاوی که مترصد و مراقب آن صحنه بود، خردا از میان یک گسروپ اسپران و طهرست که بدست سر بازار مهاجم افتاده بودند، برق آسا کشیده و بسمت تانک یساده پیشرفت و با شجاعت و تهور حیرت آوری بارجه افتاده پیشروی نقطه دید تانک را پس زد و آنرا روی زمین پرتاب کرد ولی درازای این عملیه و طهرستانه، یکسر لطیفش در برخورد با فیر های مسلسل ماشیندار دشمن تکه تکه و سوراخ سوراخ شد و تسانک پارتیزانان دو باره عملیات تدافعی و محاروبی خود را از سر گرفت.

با اثر فداکاری ییغله «میکا بوسنیک» آن دوشیزه شجاع اسمش در ردیف قهرمانان ملی کشور یوگوسلاویا اعلام شد و بیاد بود و ی دیگر همزمانش بزرگداشت‌هایی بعمل آمد. همچنان موصوفه نقش هیرویین رادر فلم مستندی بنام «اوپا نژدهم بود» موقفانه بازی کرده که بر شهرت قهرمانیش افزوده است. در اثنای جنگ آزادیبخش ملی که از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ در یوگوسلاویا تحقق پذیرفت، در حدود یکصد هزار زن به‌جست پارتیزان علیه مهاجمان سهم گرفتند و از خود عملیات فوق العاده را بر ضد دشمن تبارز دادند. آنان رزمندگان و جنگجویان، کمیساران سیاسی، پرستاران و نرسان و آمران بررسی امور معالجه زخمیان و تدای مجروحان درمانده بودند که لمحّه از تداوم وظایف مقدس شان باز نشستند. بدینترتیب از زمره یکبزار و هشتاد تن رزمندگان «چهارمین دسته متشکل پرولتاریان» بتعداد دو صد نفر شان زن بودند. در «سلووینا»

زیاد را مارکیت های بین المللی جلب میکند و تقریباً هشتاد و پنج فیصد تولیدات ما را پوست کبود تشکیل میدهد در حالی که افریقای جنوبی بسیار کوشیده تا تولیدات کبود خود را بالا ببرد ولی تا هنوز نتوانسته که از بازده فیصد، مجموع تولیدات خود را بالا ببرد و مجموع تولیدات پوست کبود اتحاد شوروی کمتر از بازده فیصد می باشد لطفاً بگویید که اعمال یعنی ۱۳۵۸ و وضع قره قل از نگاه تجارت و بازاریابی چطور بود؟

- اعمال از نظر تجارت پوست قره قل افغانی خیلی خوب بود در ایلام های اعمال تنها هشتاد و پنج فیصد پوست کبود بفروش رسید. پوست قره قل که در چند سال اخیر

راضی و متیقن شدند که تجارت ما بحالست عادی جریان خواهد داشت. تبلیغاتی که در قسمت کیفیت و جنسیت قره قل افغانی به عمل آمد بالای کمپنی های خریدار و فروشنده تاثیر فوق العاده نمود.

پرسیدم سالانه چه تعداد پوست در مارکیت های بین المللی عرضه می گردد و مشتریان پوست های افغانی کدام ممالک اند؟

گفت: مجموعاً در حدود هشت میلیون پوست در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می گردد. مشتریان و مصرف کنندگان پوست افغانی را آلمان فدرال، ایتالیا، فرانسه و امریکای شمالی تشکیل میدهد که بریتانیا و ممالک اسکاندرنوی در قدم دوم قرار دارند.

پوست قره قل افغانی در بازار های بین المللی



دو شیزه افغانی با کلاه و بالا پوش زیبای قره قل

از مد افتاده بود. مخصوصاً در مسالهای ۱۹۶۷ و ۶۸ قیمت پوست قره قل بحری پایین آمده بود که حتی یکتعداد تاجر اورشکتت نموده بود و در جمله پوست باب ارزاترین آن پوست قره قل بود در حالیکه چند سال قبل قیمت منک و پوست قره قل یک برابر بود مگر فیلا قیمت پوست قره قل جهل فیصد قیمت پوست منک را تشکیل میدهد.

در طول اعمال مادر پنج ایلام که سه آن در لندن ودوی آن در لینگراد شوروی صورت گرفت مجموعاً یک میلیون و سه صد هزار جلد پوست عرضه نمودیم که محصول آن به بیست و هشت میلیون دالر رسید.

- عوامل بلند رفتن قیمت پوست قره قل در بازار های بین المللی چه می باشد؟

بقیه در صفحه ۵۱

از رئیس انستیتوت قره قل پرسیدم که مهمترین صنایع تولید کننده قره قل کدام کشور ها اند؟

در پاسخ گفتم: افغانستان، اتحاد شوروی و افریقای جنوبی در تمام دنیا سه منبع تولید کننده پوست قره قل می باشند که در بازار های بین المللی پوست قره قل عرضه می کنند. بصورت عمومی تعداد پوست اینکه در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می - گردد چهار میلیون از افریقای جنوبی، سه میلیون از اتحاد شوروی و یک میلیون و سه صد هزار از افغانستان میباشد.

پوست قره قل افغانی برتری و امتیازیکه دارد اینست که پوست کبود قسمت زیساده تولیدات را تشکیل میدهد که با داشتن رنگت طبیعی و گلپهای مقبول و بی نظیر خریداران

نگاهی تجارت تقریباً بی سابقه می باشد. در ایلام لینگراد (۴۸۵۳۵) جلد پوست کبود (۳۵۹۲۱) جلد پوست سیاه و (۲۳۴۲) جلد پوست تفر کبود و سیاه شامل بود که صرف یک هزار و دویست و بیست و شش جلد از فروش باقی مانده است. در سابق اتفاق می افتاد که یکتعداد پوست از یک ایلام تا ایلام دیگر باقی می ماند و حتی دو باره به کابل آورده می شد. مگر در ایلامهای اخیر طوری مارکیت را آماده ساختیم که پوست تازه ارسال گردد و همه بفروش برسد.

وی افزود: رژیم جدید افغانستان که ششم دهمین ماراکو ر نموده بالای موسسات تجاریکه با افغانستان ارتباط داشتند تاثیر سوء نموده بود که خوشبختانه در مفاصله ایکه در ایلام لندن با آنها صورت گرفت کاملاً

در هشتاد و چهارمین ایلام قره قل افغانی که در لینگراد اتحاد شوروی به تاریخ ۲۴ جنوری آغاز و مدت پنج روز دوام نموده مجموعاً (۸۶۷۸۶) جلد پوست قره قل به قیمت مجموعی یک میلیون و ششصد و پنجاه و دو هزار دالر امریکایی بفروش رسیده.

مابیرامون موضوع فوق با رئیس انستیتوت قره قل، عبدالنبی پایاکه چندی قبل جهت تنظیم و رسیدگی امور ایلام پوست قره قل افغانی به لینگراد رفته بود مصاحبه ای بعمل آورده ایم که جهت معلومات بیشتر برای خوانندگان مجله زوندون تقدیم می گردد.

وی در جواب سوالی گفتم: مطلب مهم و باارزش در قسمت ایلام پوست قره قل اینست که اعمال هر اندازه پوست تازه که در مارکیت های بین المللی عرضه شد بفروش رسیده البته با قیمت های مناسبی که از



ز شب رفتگان یاد کن!

این پارچه منظوم خواست قربانیان را انعکاس میدهد که زیر ساطور امین جلاد، جان سپردند. مطلع از سیمین بهیبا نیست. بخاطر تشریف که در مطلع آورده ام از شاعره بلند پایه آن پوزش میطلبم.

« ز شب رفتگان یاد کن شبی آرمیدی اگر
سلامی هم از مارسان بصبیحی رسیدی اگر »
یکی شمع روشن بیاد رفیقان بیصبروز
ازین گسور تاریک شبها رهیدی اگر
غم مرگ ما را نشاید فراموش کردن
بدو گشایدان گریبان دریدی اگر
بفروز نوری درین تیره صحرای وحشت
بسر چشمه نو و فردا رسیدی اگر
به انسان آگاه فردا بگو راز ما را
ازین نره غولان و حتمی جهیدی اگر
بیاد عزیزان بنوش آذرین جام تلخی
گهی بیاد تلخ مردی کشیدی اگر
بتوفان تن و قوشه بسپار چون مرغ توفان
ازین لاشخواران مملخ بریدی اگر
بیاد آر ما کشتگان جدلهای خو این
سخنهای پیکار خو این شنیدی اگر
بیاد آر شبهای مرگ آور آزمسون را
ازین میل خونین قاتل پریدی اگر
بیاد آر شنیدایی خفته در خاک ما را
گل سرخ و حتمی کجایی شنیدی اگر!

سلیمان لایق
۱۳۵۸/۳/۱۰



۱۳۵۱: به قربانیان فاشیزم

درسوگ آن شهید

صد بار آن پرنده غمناک
زین غصه گاه گوشه قلبم
روسوی آن طلیعه بیدار
اندوه بال و پرزدن آموخت
• • •
باقلب گرم فاجعه رادیدم
تودر شط شقاوت خونین

سخریق نام

۱۴۱

« ما انبوه کرگسان تماشا »
درسوگ آن شهید عزیز، آن غرور پاک
آن دشت آفتابی پرگل

تنها گریستیم

• • •

گفتند :

قلب هزار ماهی مرجانی
درباره های زنده گی افسرد
اکنون به سایه در شب آن هول
هول عظیم فترت

دیگر چه اعتباری ؟

• • •

نام شعا عزیز تران ، دانم
چون مرده ریگ هستی همراهان
« ثبت است بر جریده عالم »

۱۴۱-

داغ جبین آن که ترا کشت
یا استخوان هستی ما را

بشکست

در پولگون فاجعه تاریخ
تاریخ رنج، اشک، مصیبت
هواره تیره است و سیا هست

• • •

اکنون تو نیستی که بینی
ملت به سوگ یاد تو در خونست

در اشکهای آینه میبینم
تصویر توبه خانه هر چشم
در قلب هر شرافت معصوم

- گلگونست

در جستجوی گور تو همسین

د رناکجای این شب تاریک
- گل بگذارم ؟

زیرا .

حتا .

با سنگ ایستاده خالی
دیوان بی شرافت ، بدنام
نام ترا چوقامت آن دار

- سوی اوج

برپانکرده اند

رویین



عالم و عابد

صاحب دلی به مدرسه آمد ز خانقاه
بشکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود
نا اختیار کردی از آن این فریق را
گفت آن گلیم خویش بدرمی بردموج
وین جهد می کند که رهاند فریق را
سعدی

ما چی دعا در ته کو له
یا می حق خبره کړ له
سترگو اوښکه تویو له
زړه کی مینه پاریدله

ظا لما نو ډا ر ولم
په بر چو به یی وهلم

چی زندان ته په در تلمه
په سرو سترگو ژپیدمه
گو نکه خوله به در ید مه
له یخنی به ریید مه

خوانخوار انو ټیل وهلم
په بر چو به یی وهلم

په زړا وی خو یندی میندی
ور سره دکا کو پنه یی
بری وهلی یی ملنه یی
ډکی مرو خنی کندی

په کو رو ننو تل به
ما شو مان یی ډارول به
هم بکسو نه یی ماتول به
دغلو پشان یی وږل به

ما به ته خنی غو بنسلی
دوی به سترگی بر گولی
او ویل به یی فرار دی
زړه دی ولی بری پرهاردی

نه یی رحم و په زړو کی
نه یی پوهه وه مغزو کی
هسی خوشی شان وحشیان و
بس زموږ غوښو لیوان و

دوی ته ښه چوکی موټرو
هم ولاپورته نو کر و
خوله پوهی نا خبر و
د ټولنی په ضرر و

دخمو دجمود دوره وه
عجیبه شان ننداره وه
توره شپه وه توره شپه
خو نری شان سلسله وه

زما ورو ښو شهیدا نو
په ریښتنی مینا نو
«افغا نیار» درنه قربان شه
با غیر ته افغا نا نو

کار نامی به مو تل لولم
ولولی به مو تل لولم
«در محمد افغا نیار»

از
گلستان
برچیده
ایم

از این بعد، هر چند گاهی وزمانی یاپوسته
ودایم، سیر وگشتی به دیوانهای اشعار
بزرگان ادب و شعر می کنیم و خوشه های
از خرمن پرفیض آن بر میگیریم و به شما
نوقمندان شعر و ادب پیشکش مینماییم.

اینبار گلستان اوراق زرین سعدی را به توری
گرفتم و صفحه گلهای سرخ را با مقالات او
که بر مقالات او، بقولش، «هفت کشور نمیکند
انجمنی»، آذین می بندیم که از سوی نشان
ونامی و تجدید یادی باشد از ابر مردان
میدان شعر و ادب .. و از جانبی برانگیخته
فکر خوانندگان این صفحه به مکاشفه
و مراقبه در ادب و فرهنگ بر بار ما ...



بنیاد ظلم

آورده اند که نوشیروان عادل را در
شکارگاهی صید کباب کردند و نمک نبود.
غلامی بروسارفت تا نمک آورد. نو شیروان
گفت: نمک به قیمت پستان تا رسمی نشود
وده خراب نگردد. گفتند: ازین قدر چه خلل
آید؟ گفت: بنیاد ظلم در جهان اول اندکی
بوده است هر که آمد برو مزیدی کرده
تابدین غایت رسیده.

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی
بر آوردند غلامان او درخت از بیخ
پنج بیغه که سلطان ستم روا دارد
زند لشکریانش هزار مرغ بسخ
سعدی

یادونه:

در لوستونکویه اته خلویبتمه گنه کی دشفق

زده تر عنوان لاندی شعر دخوان شاعر

«منگر وال» شعر دی

غافل را شنیدم که خانه رعیت خراب کردی
تاخرانه سلطان آباد کند بی خبر از قسول
حکیمان که گفته اند:
هر که خلق خدای عزوجل را بیازارد نادلی
بدمت آرد، خداوند تعالی، همان خلق را
برو گمارد تا دمار از روزگارش بر آرد.

آتش سوزان نکند با سپند
آنچه کند دود دل مستمند

سر جمله حیوانات گو یند که شیرست
واندل جانوران خرو با تفاق خراب بر به که شیر
مردم در.

مسکین خر اگر چه بی تمیزست
چون بار همی برد عزیزست
گاووان و خران بار بردار
به ز آدمیان مردم آزار

باز آمدیم بحکایت وزیر غافل. ملک را
ذمایم اخلاق او بقراین معلوم شد. در شکنجه
کشید و بانواع عقوبت بکشت.

حاصل نشود رضای سلطان
تا خاطر بند گمان نجو یی
خواهی که خدای بر تو بخشد
با خلق خدای کن نکویی

آورده اند که یکی از ستم دیدگان بر
سر او بگذشت و در حال تباه او تأمل کرد
و گفت:

نه هر که قوت بازوی منصبی دارد
بسلطنت بخورد مال مردمان بگزارف
توان به خلق فرو بردن استخوان درشت
ولی شکم بدرد چون بگیرد اندر ناف

نماند ستمکار بد روزگار
بما ند برو لعنت پایدار

سعدی



و نیز همه اضافه گی ها و جریانات بعدی باین
 تهداب ها علاوه می شود تا اثر این کار ها
 و شیوه ای که آنها به سلوک انسانی تعبیر
 می گردند طور قابل ملاحظه به تهداب های
 ارتباط و بستگی دارد که توسط فامیل گذارده
 شده اند . همین است علتی که می گویند
 فامیل ، نه کمتر از هسته های فعال اجتماعی
 اندازه جوهر ایدئولوژیکی و فکری جامعه را
 تعیین می نماید . این در داخل فامیل است
 که روابط خاص در حیات انسان بمیان می
 آید و در آن صورت وقتی که خود مابوالدین
 مبدل گردیم می توانیم از برخورد و تماس
 خوب خویش با دیگران به حیث یک ایده آل
 عالی آگاهی حاصل نماییم . بلی اطفال در
 حیات اجتماعی نقش ارزنده و مهمی دارند و از
 سبب دخیل بودن آنها در سیستم مناسبات
 انسانی این بخش جوان نوع بشر - بسز گمان
 خود را در عوقنی قرار می دهند که در آنها
 ملکان عالی انسانی بوجود آمده و شخصیت
 صالح خود را در جامعه حفظ می نمایند .

(پایان)



مواظبت طفل عمدتا با یداز طرف والدین صورت گیرد .

روانی پرورش دهند و باین صورت می توانند
 به پیروزی و موفقیت نایل شوند .

باید متذکر شد که فامیل از نگاه کار و
 مسایل اجتماعی یکی از اساسی ترین هسته
 هاست و این یک تهدابی است که در رشد و
 ارتقای اجتماعی نقش مؤثر حیاتی دارد .
 غفلت درین ساحه جز عدم تناسب و ایجاد
 تضاد ها در رشد جامعه چیزی به بار نمی
 آرد . آری این فامیل است که تهداب اصلی
 شخصیت هارا گذاشته و برخورد او را در برابر
 دنیای ماحولش تعیین و تثبیت می دارد .

میر نعمت الله فاروق استاد اداره انستیتوت صنعت

وظایف و مسوولیت های والدین و معلمان در رشد ذهنی و اخلاقی اطفال

تقلید قرار میدهند . ما نمیتوانیم چنین
 رو حیه را در تمام شاگردان بیک نسبت
 به وجود بیاوریم بعضی از آنها تما یسل
 بیشتر به همکاری دارند و عده به علت
 تجارب بعدی که از اقتدار و تسلط بزرگان
 داشته اند مایل به همکاری نبوده و دا یم
 تو لید مزا حمت میشایند .
 در مدارس و عقیت های مناسبی برای
 نشان دادن رعایت حال دیگران به
 کودکان وجود دارد و چون در یتدسپلین
 مدارس خود نمونه با رزی است در بعضی

طوری که همه میدانند اطفال در صنف
 سر مشق قرار دادن معلم خود البته نه
 به علت ترس و انضباط خشک و خالی افراد
 دقیق و قابل اعتماد میشوند معلمینیکه حتی
 در مورد تا خیر صفتش ساکت و آرام است
 معلمی است که برای اداره صنف از همکاری
 و تعاون شاگردان خود استفاده
 میکنند و با آنها رفتار دو ستانه دارند
 معلم برای ایجاد چنین روحیه در شاگردان
 دان خود با آنها همکاری میکند و خود
 را با آنها وابسته نشان میدهد بعدما
 شاگردان نیز رفتار معلم خود را مورد

نویسنده : یوری ریوریکوف مترجم : «لیلاشومل»

مواظبت جسمی و روانی طفل

کاملا جدیدی صورت گیرد ، بالخاصه با اساس
 ضرورتیکه انقلاب علمی و تخنیک بیسان
 آورده باید کودکان رشد همه جانبه نمایند .
 از همین دلیل است که تنویر علمی وسیله
 بسیار مهمی است در بهتر ساختن تماس
 شرایط فامیلی و اجتماعی ساختن بیشتر هر
 نسل جدید - باید تدابیر وسیع و متین به
 پیمانه سرتاسر ملی برای چنین تنویر اتخاذ
 شود و همین اصل باید در پروگرام درسی
 مکاتب ثانوی گنجانیده شده و برای والدین
 جوان هم کورس های آموزش و تدابیر مشابه
 اتخاذ گردد .

مواظبت دقیق و درست والدین از طفل
 نه تنها به توجه جسمی بلکه به مقدار قابل
 ملاحظه توجه دماغی و روانی نیاز دارد - قابل
 تاسف است که بیشتر والدین تنها در بخش
 جسمی نموی اطفال مانند غذا خوردن ، شستن
 لباس و سایر خدمات همانند توجه خود را مبدول
 میدارند . و جنبه تعلیمی آن را به مسجد ،
 مکتب ، کودکستان منحصر می دانند و از نقش
 پراهمیت و با ارزش خود درین بخش اطلاعی
 ندارند . آنها پدر بودن و مادر بودن را یک
 کار شاقه و یک بار خسته کن دانسته و خود را
 نوکر اطفال خود تصور می نمایند . آنها
 همچنان یک اسلحه نیرومندی رشد خودی را
 نیز از دست داده مخصوصا رشد اخلاقی
 و انسانی و این نیروی خلاقه را ضایع مینمایند .
 اما نشو و نما ی مثبت و صحیح کودکان
 باین کار نیاز دارد که والدین برای تربیه
 خود بذل مساعی نموده و کیفیت پدر بودن
 یا مادر بودن را در خود از نظر اخلاقی ، ذکایی

در عصر ما تربیه طفل بمراتب نظریه زمان
 های گذشته ، که عمدتا کودک از نظر جسمی
 مواظبت می شد مشکل تراست . در مراحل
 اولیه حیات بشری بخش روانی طفل جنبه
 تکامل خود بخودی را داشت .

ضرورت اینکه نموی فکری و دماغی طفل
 باید رهنمایی و مواظبت شود در زمان مابیشتر
 احساس می گردد . این حادثه تربیه طفل
 راهنوز هم مشکل تری سازد . مخصوصا با
 انقلاب علمی و تخنیک پیشرفته و آرزو هاییکه
 این انقلاب بوالدین در تربیه طفل ایجاد میکند .
 اکثر والدین برای چنین فعالیتی آماده نیستند ،
 فقدان دانش درین ساحه یک مشکل حاد
 اجتماعی است - دکتور ها مشاهده نموده اند
 که در حدود پنجاه فیصد والدینی که
 فارغ التحصیل پوهنتون هستند نمی دانند
 چطور باید زندگانی طفل مرتب شود . در
 ساحات تربیه اخلاقی ، ذکایی و روانی حالت
 هنوز بدتر ازینهاست . چنین غفلت غیر قابل
 تحمل است ، چه مابه کار همیشگی و فعالیت
 وسیعی نیاز داریم تا کلتور اصیل تربیوی
 که با اساس دست آورد های جدید علوم
 بنیاد گذارده شده باشد جای کلتور کهنه
 را بگیرد .

در نتیجه انقلاب علمی و تخنیک در تئوری
 و عمل تربیه طفل تغییرات جذری بوجود آمده
 در شرایط مدنیت امروز که به تربیه روانی
 و عصبی بیشتر از مواظبت جسمی نیاز احساس
 میشود - باید در نموی اطفال یک برخورد



کودکان در اطراف مربی شان خود را خرسند بکر میکنند

افراط پیموده شود از صورت نیک و پسنیدیده خود خارج میشود. احساس مسئولیت در دختر و پسر فوق العاده و ظیفه شناسی که به علت ترس از کثیف کردن لباس ها و یا شکستن اشیاء با زیانهای آنها و آنگاه رینکه دلش میخواهد با زیان کند خیلی زیاد رشد کرده است و رشد فوق العاده احساس مسئولیت در چنین کودکان به علت تاکید آن توسط اطرافیان است قسمی که از ارتکاب اشتباه کوچک خبلی ناراحت میشود - کسانیکه به خاطر مطالب فوق العاده جزئی و بسی اهمیت متحمل زحمات فراوان میشوند در همین قماش اند - بعضی از کودکان نیز هستند که واقعا و ظیفه د شوا ری دارند اینها کودکانی هستند که علل پدر و یا مادر خود را از دست داده اند و در نتیجه غفلت و یا نادانی بزرگتر اینچنین تصور میکنند که با نیستی در زندگی مسئولیت پدر و یا مادر فوت شده را بدوش بکشند برای اینکه بتوانیم تشخیص دهیم که آیا واقعا احساس مسئولیت فوق العاده مانع بازی و سازگاری کودکان است یا نیستی این احساس مسئولیت را در سائر موارد و کارهای که کودکان انجام میدهند متاثر میکند یا نه بعضی از کودکان دارای احساس مسئولیت فوق العاده هستند ولی در عین حال خیلی هم خودمانی و بر حرا رت و اهل بگو و بخند هستند یک عده دیگری از کودکان که حاضر نیستند بار هیچگونه مسئولیت را بدوش بکشند یا از انجام انتظارات دیگران ناراضی اند و یا از آنچه از خود توقع دارند چندان را نمی بینند .

به ایجاد احساس مسئولیت در کودکان کمک کنند این امر هم در مورد کودکان خود سال و هم کودکان بزرگسال صدق میکند - در این دوره که ما آنرا (دوره اصلاح) می نامیم اگر متوجه شدیم که کودک علاقه زیادی به فعالیت دارد با نیستی به او فرصت بیشتری داد که در این مورد «اصلاح» وقت بیشتری صرف آن فعالیت کند، بگذارید با اینکار کودک احساس کند که شما با توجه به علاقه زیادی دارید - بگذارید کودک احساس کند که شما حتی موقعیکه در خانه نیستید به فکر او میباشید بعداً به تد ریح شما میتوانی با احساس عدم مسئولیت فرزندتان خود مبارزه کرده و او راه تد ریح و او دار به قبول مسئولیت بیشتری بنماید شما بتدریج میتوانی به فرزندتان یاد دهید که چگونه مسئولی با شد یا مرتب و منظم بار بیاید یا سایر کارها یک شما فکر میکنید فرزندتان با آن احتیاج دارد فراد گیرد از تطمیع کودک در چنین مواردی با نیستی به شدت خود داری شود و بسی بعضی وقتها برپا ساختن چنین به خاطر کودک میتواند به پیشرفت او کمک نماید ممکن است منظور از این جشن اینست باشد که به کودک اجازه دهیم یک روز قدرت انتخاب غذای مورد علاقه را پیدا نماید و یا اینکه یک شب به پروگرام تلویزیونی که مورد علاقه او است توجه خاص به آن مبذول دارید .

آیا ممکنست کودکی دارای احساس مسئولیت فوق العاده باشد ؟ - هر صفتی هر قدر هم پسندیده و مطلوب باشد شکی نیست که اگر در آن را

دارند پس او ممکنست که در جلب توجه پدر و مادر بخود که به آن احتیاج دارد خسته - نا امید شده است و یا اینکه بعلت اشتباهات واقعی یا غیر آن خود را مقصر بداند .

ممکنست کودک در شرایط مخصوصی که علاوه بر مسئولیت با شد و لی در وضع دیگر ، دارای احساس مسو و لیت نماید همینقدر که فرست که کودک کی از لحاظ جسمی ضعیف باشد یا شدد یگر کوشش برای مسئول بار آوردن او چندان مشر نخواهد بود .

آیا مسئول بودن طفل میتواند به تنهایی ناشی از عقب افتادگی او باشد ؟ آیا بجز این راه راه دیگری برای شناسایی عقب ماندگی کودکان در دست است ؟ اگر کودک علاوه از غیر قابل اعتماد بودن - خونسرد و بی عاطفه و بی حال نیز باشد و یا دایما با دیگران دعوا کند یا نتواند با دیگران کنار بیاید یا از چیزهای مو هوم ترس داشته باشد اشکال چنین کودک کی علت روانی عمیقی دارد . مراجعه بشما و برین اطفال در مورد اینگونه کودکان لازم و ضروری است حال اگر عدم مسئولیت کودک کی غلامی غیر از آنچه گفته شد داشته باشد به نظر میرسد که کودک به رشد خود به طو در رضایت بخش ادامه میدهد .

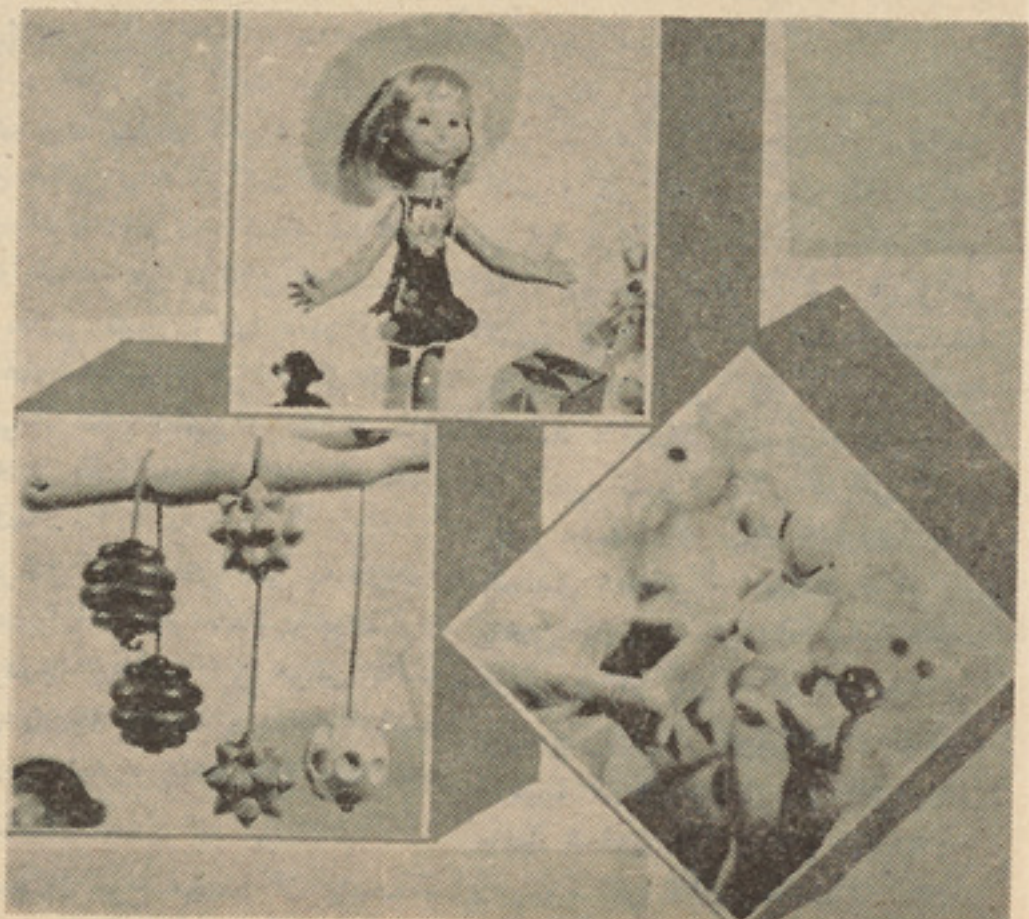
و در اینصورت کمک های او لیه معلمین یا والدین کافی به نظر میرسد اگر نتیجه مثبتی از روش های قبلا متذکر شدیم حاصل نشد ما میتوانیم با مطالعه و وضع عمومی کودک قدم های موثری در این راه برداریم .

صحبت در تنهایی با پدر و مادر ، انجام دادن بعضی کارها از روی تفنن میتوانند

از مدارس متوسطه مدیران و امر یس حتی پا را از این دایره فرا غ تر نهاده اند آنها چند دقیقه قبل از اینکه مدارس تعطیل میشود چند نفر از شاگردان خود را به کوه دکستان و یا به دهن دروازه مکتب می فرستند تا آنها به اطفال کوه دکستان در پوشیدن لباس های کما کما کنویا اینکه در دهن دروازه مکتب اطفال خود را به والدین شان سپرده و یا از مسیر ترا فکی آنها را عبور دهند - جریان این عمل شاگردان بزرگسال را موقع میدهند تا خوا طلبانه و به نوبت در انجام آن سهیم شوند و علاوه پاک نگهداشتن صنوف واحاطه با زی مرتب ساختن کتابخانه - کارکردن در سالون ، غذا خوری اینها همگی به ایجاد حسن قابل اعتماد بودن و کار دانی کودکان کمک فراوان میکند .

این نکات مذکره بیان گران روشی است که در مقابل کودکان که احساس مسئولیت مینماید میباشند - پس سوال مطرح بحث قرار میگیرد که با کودک کی که در خود احساس مسئولیت نمیکند چگونه باید رفتار شود - وقتی که کودکی علی الرغم سعی و کوشش دیگران حاضر نیست وظیفه خود را انجام دهد ما با نیستی فوراً تشخیص دهیم آیا عدم انجام وظیفه این کودک ناشی از توقع زیاد است یا نه چون گاهی شده است که یک کودک غیر مسوول را با کودک فوق العاده کار دان و قابل اعتماد مقایسه میکنیم .

غیر مسوول بودن دایمی کودک در بعضی مواقع ممکنست ناشی از اوضاع و احوال خاص باشد و یا اینکه ممکنست کودک غیر مسوول فکر کند که پدر و مادرش به برادران و خواهران او توجه بیشتری



چند نمونه از بازیچه های تجزیوی که توسط انستیتوت بازیچه هادر اتحاد شوروی پیشهاد شده اند

جلو گیری از سوء تغذی و عوارض ناشی از آن



طفلی که در اثر سوء تغذی به این حالت در آمده است .

سوء تغذی عبارت از تغذی غیر نور مال و غیر طبیعی (فرط یا تفریط تغذی) بوده که باعث يك سلسله تشوشات فزیکمی و روحی میگردد. البته باید دانست که فرط و تفریط تغذیه بصورت جدا گانه باعث امراض گوناگون میگردد .

اول - فرط تغذی :-

فرط تغذی و امراض گوناگون حاصله از آن عموما نزد کسانی دیده میشود که نظر به وضع اقتصادیشان قادر اند تا مواد غذایی گوناگون را اضافه از ضرورت روز مره شان صرف نمایند . و امراض ناشی ازین پرو بلم بیشتر در ممالک انکشاف یافته دیده میشود . ولی وقایع آن در ممالک رو به انکشاف خیلی محدود است .

امراض ضحیکه ناشی از فرط تغذی بوجود میآیند قرار ذیل اند :

- ۱- چاقی ۲- اتیرو سکلیروز (حالتی که با استحاله سختی و تصلب جدار های روعیوی و گاهی اجواف قلبی مشخص میشود).
- ۳- امراض قلبی و عایی ۴- دیابت (مرض شکر) ۵- فرط فشار خون
- ۶- تسممات مواد غذایی مختلفه از اثر فرط استعمال شان .

دوم - تفریط تغذی :-

تفریط تغذی یکعده از پرو بلمهای عمده حیاتی را در کشور های روبه انکشاف تشکیل میدهد سوء تغذی ناشی از تفریط تغذی ابتداییترین و اولین سبب مرگ و میر در ممالک رو به انکشاف قبول شده . و از همه امراض بیشتر حیات اطفال را درین کشور ها بمخاطره انداخته از همین سبب است که در اکثر کشور های رو به انکشاف فیصدی مرگ و میر در اطفال خورد تر از پنج ساله بمراتب بیشتر از ممالک انکشاف یافته است .

آنچه اطلاق لیکه با وجود مصاب بودن با سوء تغذی زنده میمانند

نشو و نمای فزیکمی ، عقلی و روحی شان ناقص بوده و از همین باعث است که در هنگام کمبود قدرت اخذ سهم بارز و فعال رادر امور اجتماعی نمیداشته باشند و به این ترتیب بار دوش فامیل و اجتماع شان میگردد .

سوء تغذی مادران نیز يك مسئله مهم و ارز شمنده بوده زیرا مادران نیکه در زمان حمل مصاب سوء تغذی میگرددند از يك طرف صحت و حیات خود شان بمخاطره افتاده و از جانب دیگر اطفال پریمیا چور (قبل المیعاد) و کم وزن بدنیا میآورند .

سوء تغذی با انتانات رابطه مستقیم داشته و موجودیت یکی شان باعث ایجاد دیگر شان می گردد .

چون سوء تغذی مقاومت عضویت را تنقیص میدهد لهذا برای مبتلا شدن عضویت به امراض انتانی زمینیه را مساعد میسازد . یا بعباره دیگر سوء تغذی حساسیت عضویت را در مقابل امراض گوناگون انتانی بالا میبرد .

چون تغذی خوب زمینیه صحت بهتر را در تمامی مراحل حیاتی تضمین میکند لهذا باید در مورد تغذی تمام مردم مان با لخاصه اشخاص حساس یعنی مادران حامله و شیرده ، اطفال نوزاد تا سن پنج سالگی و اطفال قبل از مکتب توجه خاصی مبذول گردد ، تا از سوء تغذی و عوارض جانبی ناگوار حاصله از آن جلوگیری بعمل آمده باشد .

اینک بطور مثال از یکعده امراض ضحیکه ناشی از تفریط تغذی بوجود میآیند نام میبریم :

الف :

امراض ناشی از کمبود مواد پروتینی :

- ۱- مرض مرسموس : يك مرض اطفال بوده با لخاصه اطفال خورد تر از یکساله و اطفال غریب

شهری و دهاتی مصاب آن میشوند و اسباب عمده این آفات عبارت از فقدان پروتین و کالوری ، انتانات معدی معایی و اسهالات متکرر توبرکلوز (سل) ، سیاه سرفه تغذیه مصنوعی ، تغذی توسط شیر مادر بصورت دوا مدار و بدون غذا های متممه ، گرسنگی پی در پی ، شیر ابگین و غذا های متممه نامکمل و قبل از وقت معین میباشد .

اعراض این مرض نظر به درجه وخامت آن از هم متفاوت بوده و از نظر درجه وخامت این مرض به سه شکل (درجه خفیف ، درجه متوسط و درجه شدید پیشرفته) دیده میشود .

همچنان نوع مختلط آن بنام سر سمیک کوا شیور کور یاد می گردد نیز موجود است . واعراض درجات مو صوف بصورت موقتی

و دایمی میباشد . اعراض موقتی آن عبارت از تغیر موها برنگ خرمایی جلادار لشم و درخشنده بوده که اعراض اولیه مرض را نشان میدهد بر علاوه اعراض فوق الذکر اعراض کمبود ویتامین های مختلفه بالخاصه ویتامین (آ) نیز بمشاهده میرسد . اعراض دایمی مرض عبارت از تاخیر نشو و نمای فزیکمی از بین رفتن عضلات و نسج حجروی تحت الجلدی شحمی ، عضلات ضموری باختن وزن و تغیرات بسیار خفیف روحی و حرکی ، کم خونی ، دیپایدیرشس ، تغیرات در احشاء و غیره که درین صورت طفل مریض مانند شخص پیر معلوم میشود .

و چهره اش شکل شادی را اختیار میکند .

- ۲- افت یا مرض کواسیور کور: این مرض در حقیقت يك سندروم

(مجموع الاعراض) است و عموماً در دهات دیده شده و اطفال را مصاب میسازد که بالاتر از يك سال عمر دارند. و عوامل ذیل باعث بوجود آمدن آن میگردند.

۲- کمبود ویتا مین (دی) : در اطفال استخوان ها نرم شده و مقاومت خود را از دست میدهند

بلاخره تغییر شکل اختیار می نمایند. در نزد گا هلین سبب تلین عظام و نرم شدن استخوانها که مترا فق با او سیتو پوروز (تخلخل غیر طبیعی استخوان بعلمت عدم توانایی استیو بلاستها در ته نشستن در متر یکس استخوان) ظهور میکند. همچنین نشو و نما

دادن شیر مادر بصورت دوا مدار ولی غیر کافی و ضمیمه ساختن بعضی از غذا های غیر پرو تینی عادی و معمولی خانواده گمی به اندازه ناکافی و غیر متوازن رسم و روا جهای نامناسب بعضی از فامیلها که از غذا های مفید حیوانی و نباتی مثلاً: گوشت شیر ، تخم ، میوه جات ، حبوبات و غیره تنها کاهلان فامیل حلق استغاده دارند. و به اطفال شان یا اینکه هیچ نمیدهند و یا اینکه بمقدار جزئی و غیر مکفی میدهند. استعمال مقادیر زیاد غله جات که حاوی مقادیر زیاد مواد قندی اند. گذشتن امر اض تب دار مانند : ملاریا ، توبر کلسوز، سر خکان ، سیاه سر فه و غیره که احتیاج روز مره عضویت را بغذا های متنوع زیاد میسازند. وضع نامناسب اقتصاد دی و اجتماعی : بیسواد دی ، غربتوالدین اقتصاد خراب و عدم توانایی خرید غذا های متنوع و مفید. حفظ الصحه خراب غذا و استعمال غلط طرق بخت و پز و غیره.

و اعراض این مرض عبارت از تاخر و از بین رفتن نشو و نما، ازیما(پندیده گی) ، ضیاع عضلات و تجمع شحوم در تحت الجلد تغییرات روحی و عقلی ، کسالت و سستی، تغییرات موهای نازک ، باریک ، صاف بیرنگ سست و جلا دار میگردند. و از بین رفتن رنگ جلد ، تغلس جلدی جروحات مختلفه جلدی ، و جه مهتابی مانند (که سبب آن معلوم نیست) کبد ضخا موی و شحمی، طحال ضخا موی ، کم خونی و اعراض و علائم کمبود ویتا مین های مختلفه میباشند :

ب: ویتا مین ها :

۱- کمبود ویتا مین (آ) : از فقدان ویتا مین (آ) بر علاوه توقف نشو و نما بطور مقدم شب کوری ظهور نموده و به تعقیب آن کوره عین خشک شده و به کوری تمام منجر میگردد. همچنان در اطفال فقدان این ویتا مین حجات اپتیل در اکثر نقاط عضویت تغلص نموده

جوانان تشوشات عمیقه تشکل عظام رونما میگردد که زیاده تر در نهایات و نقاط نشو ونمای عظام تصادف مینماید.

همچنان تشکلات جدیده عظام و نشو و نمای دندان متوقف می شود. بر علاوه در فقدان این ویتا مین مقاومت عضویت پائین آمده و افات انتانی بخوبی شفا نمیشوند.

۴- کمبود ویتا مین (ب یک) : از فقدان این ویتا مین عوارضی بوجود میآیند که تحت عنوان بری بری یاد میشوند، ضعف ، بی اشتها یی ، باختن وزن ، تشوشات

عضمی و سیستم عصبی تظا هر مینماید و تحت نام پلاگرا مطالعه میگردد. وجود میآیند که عبارتند از بوجود آمدن یک نوع احمرار و اذیما در نواحی مکشوفه جلدکه معروض به اشعه افتاب میباشند، خشک و تغلصی شدن جلد و تظا هر یک نوع تفرحات در نواحی فوق الذکر ، عدم اشتها ، تنقیص اسید یسی معدوی ، قبضیت و اسهالات ، بی خوابی ، خستگی سر چرخ ، سر دردی ، تشوشات عقلی که بلاخره منجر به دیوانگی میگردند.

۶- کمبود ویتا مین (ب ۱۲) :- از اثر فقدان این ویتا مین یک کم خونی خبیث بوجود میآید که درین کم خونی لوحه خون تغییر نموده و مقدار همو گلو بین نور مال خون تنقیص مینماید. بر علاوه اعراض و تشوشات هضمی و عصبی نیز در نزد این مرضان دیده میشود.

ج: کمبود مواد معدنی :-

۱- کمبود آهن : کم خونی ناشی از کمبود آهن بوجود میآید. ۲- کمبود مواد ایودیسن دار: جاغور اند یمیک (در مورد بیماری گفته میشود که کم و بیش پیوسته در یک محل وجود داشته باشد) ۳- امراض ناشی از افسراط و تفریط فلورین.

در صورت تفریط : کرم خورده گی دندانها را سبب واز همین باعث است در مناطقی که آبهای شان از مقدار کافی فلورین فقیر اند دندانهای اطفال بیشتر کرم خورده گی میداشته باشد. - در صورت افسراط : فلوروزیس بوجود میآید.

۴- کمبود کلسیم و فاسفورس : در اثر کمبود وقت این دو منرال استیو مالا سی (نرمی استخوان بالغ بعلمت اهکی شدن ناقص و جذب اضافی کلسیم و فاسفورس از آن) و استیو پورس (تخلخل غیر طبیعی استخوان) بوجود میآید.

حال که معلومات کم و بیش راجع به سو تغذی کسب نموده ایم بهتر است تا نخست نکات چند راجع به اسباب و عوامل سو تغذی ارا نه نموده و بعد از آن تدابیر لازم وقایوی را تحت بررسی قرار دهیم. بقیه در ص ۴۸



سوء تغذی اطفال را باین روز می نشاند:

دندانها به تاخیر افتاده مقاومت خود را از دست داده و بزودی فرسوده میشوند. ۳- کمبود ویتا مین سی :- از قدیم دانسته شده بود که کسانیکه از میوه و سبزیجات تازه محروم میشوند به مرض سکار بوت مصاب میشوند. درین مرض به تعقیب متضرر گردیدن اندوتیل سرعیه نرف به اشکال مختلف در اکثر نقاط عضویت دیده شده بیره ها به التهاب دچار شده و متورم میشوند.

۵- کمبود نیا سین :- از اثر فقدان این ویتا مین یک دسته عوارض که معمولاً در جلد جهاز

هضمی ، درد های عصبی اعراض پیشقدم آن بوده که مترافق با تشوشات روحی میباشند در واقعات پیشرفته و شدید اعصاب حسی و حرکی دو چار تشوشات عمیق گردیده و عضلات ضمور مینمایند. فلج اطراف ظاهر شده و قلب مریض بزرگ میشود و یک پرش قلبی شدید شنیده میشود. اینرا هم باید دانست که مریضان مصاب (بری بری) بعضاً از یمائی بوده و یا اینکه بشکل خشک تظا هر مینمایند.

Handwritten text in the top left section, likely a preface or introductory notes.

Handwritten text in the top right section, possibly a list or index.

اردستانانی

اسم

Handwritten text in the middle left section, continuing the notes or list.

Handwritten text in the middle right section, continuing the notes or list.



Handwritten text below the stamp, possibly a title or description.

Main handwritten text in the bottom left section, containing detailed notes or a list.

Main handwritten text in the bottom right section, containing detailed notes or a list.

اگر کودک نتواند از پدر و مادر معلم خود پاسخ مثبت و معقول که بتواند او را قانع سازد بشنود، این سوال ها در آینده برای او عقده های تولید خواهد کرد که شاید تا آخر عمر او را در رنج و عذاب قرار دهد.

بنا پاسخ به سوال کودک آنهم بشکلی که کودک را قانع و مطمئن بسازد از جمله وظایف اساسی و مهم برای والدین جوان و معلمین جوان است.

آزاد گذاشتن کودک در بعضی از مسائل زندگی البته تحت نظر والدین و معلمین به کودک موقع خواهد داد تا در زمینه های مختلفی زندگی بخود متکی گردد و در آینده این اتکاء بخود، او را جوان با کفایت و برومند بار خواهد آورد.

پس ای جوانان، شماکه مسوولیت بزرگ پدری و مادری را بدوش دارید با کودک خویش طوری رفتار نمایید که شایسته اوست.

اگر به آینده او می اندیشید، و اگر می خواهید که فرزندتان جوان آزاد، با دانش و معقول بار آید از حالا به تربیه او کوشش بعمل آورید و این کار را یک بازیچه نه پندارید و نباید آینده او را به تقدیر و سرنوشت بگذارید.

و برداشت او از وطن و مردمش معقول و مثبت باشد.

مادر فهمیده و معلم آگاه و پدر دور اندیش همیشه به این اندیشه اند که چگونه طفل را تربیت کنند تا فرد صالح بار آیند.

در عکس شما مادر جوانی را مشاهده میکنید که چطور مشکل و پرابلم کودک را بر رسی میکند و او را در کارش یاری میدهد.

این طرز پیشی آمد به کودک موقع میدهد تا آزادانه مشکلات خود را به پدر و مادر و معلمش در میان نهد و از سوال خویش که برایش ارزشی خاصی دارد نهراسد.

متأسفانه بعضی از پدران و مادران خلاف پرنسیب های قبول شده امروزی با اطفال و کودکان رفتار مینمایند.

مثلا بعضی از این پدر و مادران خستگی های روزمره ناشی از کار را بهانه قرار داده هینکه طفل و یا کودکشان از آنها سوالی در موارد مختلفی مینمایند والدین به تهر شده او را از سوال کردن باز میدارند در حالیکه این طرز پیشی آمد مخالف طرز تربیت امروزی است.

نباشند. در این شکی نیست که هر جوان چه دختر باشد یا پسر آرزو دارد که جوان مورد علاقه اش واجد چنان شرایطی باشد که اومی خواهد.

اما این مشکل است که انسان تمامی صفات دلخواه خود را در وجود یک شخص بیابد. هیچگاه انسانی یافت نخواهد شد که تمام صفات خوب در وجود او نهفته باشد. پس با این ترتیب جوانان در این قسمت باید یک کمی گذشت داشته باشند و زیاد سخت گیر نباشند و مخصوصاً دختران.

خوشبختی و بدبختی آینده را هیچکس نمیتواند پیش بینی نماید و به همین ترتیب هیچکس قادر نیست که آینده را تعیین کند پس جوانان ماکه واجد شرایط ازدواج اند و می خواهند آرزو دارند زندگی مشترک خانوادگی را بسازند از یک سلسله مسائل کوچک صرف نظر کنند و به بحث و خوشبختی خویش پشت بمانند.

در آینده بعضی ناراحتی های خلق گردد که باعث بدبختی دو جوان گردد.

خوب اگر این سخن را بپذیریم و باید هم قبولش کنیم تکلیف این همه جوان که آماده برای ساختن یک زندگی مشترک خانوادگی اند چه میشود؟

آیا بگذارند همینطور روز ها و سالها به مطالعه در این زمینه بگذرد؟

در این جای شکی نیست که تحقیق و مطالعه در هر زمینه، معقول و خالی از فایده نیست اما در بعضی مسائل نباید مانند ازدواج زیاد وسواس و دلوپسی نشان داد.

زیرا آینده راهیچکمی قدرنیست پیشبینی نماید و اگر قرار باشد که روی بعضی مسائل خرد و ریزه زیاد پیچیده شود پس هرگز موفق به تشکیل خانواده نخواهیم شد.

امروز که زمینه های بهتری زندگی برای جوانان ما از هر وقت دیگر مهیا گردیده است و میتوان با خیال راحت زندگی مستقل و بدون تشویش را بسازند باید جوانان مانند قدر خرده گیر در این مساله حیاتی

نوشته شیرمحمد «هاج»

مسوولیت پدر و مادر در برابر کودک

جوانان و راه و رسم

زندگی جدید

دادند و به قدرت جابراه آنان خط بطلان کشیده شد. امروز خلق مآتوده های هنر آفرین مادر تحت درفش انقلابی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت عنا و سن مختلف تقیر نمیشوند. پیروزی انقلاب نجیب شکن، گذشته از اینکه به آنها به بی عدالتی ها و تعصبات قومی و لسانی خاتمه داد در بارور شدن استعداد های خلاق خلق و جوانان ما نیز توجه بس عظیم دارد.

امروز دولت انقلابی ماتحت پروگرام های اکتشافی و اقتصادی که بزودی ممکنه در معرض اجرا گذارده میشود، باروحیه انقلابی از انرژی سر شار آنان استفاده مینماید و به زودی جامعه را اعمار خواهد کرد که در آن هیچ نوع مشکلی سراغ نگردد.

جوانان کشور انقلابی ماکه با اتکاء بر ایمان و وجدانی که دارند و با ابتکارات و پیکار

انقلابی در تحقق بخشیدن ارمانهای توده های ملیونی رنجبران، زحمتکشان هنگام با دولت انقلابی و مردمی خویش برای بلند بردن سطح تولیدات و امحای کامل بیسواستی کار مینمایند، در تهیه و ترتیب ضروریات همه جانبه خلق خویش نیز مصروف کار و پیکار انقلابی اند. پس با درک این واقعیت میتوان گفت: جوانان امروز از هر نگاه آماده خدمت به مردم بوده و بادر نظر داشت راه و رسم زندگی جدید برای نوسازی جامعه خویش گام بر میدارند و به صفت انسان ایده آل، مبارز طوریکه از آنان آرزو می رود در پیکار با نابرابری ها، بی عدالتی ها در سنگر نبرد قرار دارند.

در این عصر جدید که نیرو های مترقی راه تکامل را مینمایند و در جریان آن عناصر ارتجاعی راه زوال را می بینیم وظایف و مسوولیت افراد جامعه خاصاً جوانان انقلابی بس سترگ است.

در افغانستان انقلابی بادر نظر داشت شرایط اجتماعی و اقتصادی و بنابه خواست تاریخ تحول عمیق کیفی و بنیادی در حیات خلق ما وارد شد و به همان اندازه وظایف و مسوولیت جوانان عاراسنگین تر ساخته است. جوانان بسا نیروی سر شار و انرژی پر توان در تحکیم حفظ و نگهداشت انقلاب نور رول بسزا ایفا مینمایند. پس باید با جرأت اظهار نماییم که: جوانان انقلابی ماکه مجهز بادانشی پیکار انقلابی اند، و بادرک خصوصیت های طبقاتی، به صفت انسان نیرومند و انقلابی کار و پیکار مینمایند.

زیرا بعد از پیروزی انقلاب ظفر آفرین نور جامعه عقب نگه داشته شده ما تحولات عمیق در همه شون حیات خلق ما رونما گردید، حقوق انسانی ایشان عاده شد جوانان ما نیز از قید محرومیت ها رهایی یافتند. در گذشته ها خصوصاً در زمان فرماقرمائی خسانواده فاسد نادری، خلق ما در زیر شلاق جابراه آنان جان می سپردند و حتی آنان جزئی ترین ارزشی هم در برابر شخصیت آنان و حیات خلق های رنج دیده ما قابل نبودند.

ولی خوشبختانه با پیروزی انقلاب ظفرمند نور خلق ما از آن بدبختی ها نجات یافتند و با آنها به بی عدالتی ها و تعصبات گذشته خاتمه



اما یک چیز که همیشه مدنظر بوده و همه دانشمندان بدان متفق القول اند اینکه کودک باید مطابق به محیط و زندگی مردمش تربیت گردد. این امر می رساند که باید هر پدر و مادر و هر معلم جوان و فهمیده کودک را طوری تربیه نماید که برای وطنش و برای مردمش مفید باشد. یعنی تربیت او طوری باشد که کودک در آینده چون به جوان برومند بدل خواهد شد از محیطش بیگانه نباشد.

هر پدر و مادری حق دارد فرزندش را تربیه نماید، اما چه نوع تربیتی؟

این سوال برای آینده کودک که مرد و زن فردا خواهد بود خیلی ها با اهمیت است. تربیت کودک از طرف والدینش یک مساله حیاتی برای کودک شمرده میشود، و اولین خشت های زندگی او را میسازد.

در مورد تربیت درست و معقول کودک امروز جروبخت های مختلفی بسن دانشمندان و متخصصین امور تربیت کودک صورت گرفته

این ستاره را میشناسید؟



به این چهره جذاب خوب متوجه گردید آیا میدانید که او کیست؟ واز کدام کشور جهان است؟ اگر موفق به شناختن شدید برایتان چند جلد کتاب جایزه میدهم.

این چشم هاز کیست؟



این چشم های زیبا را که بدون صاحب چاپ نمودیم مربوط یکی از زیبا ترین ستارگان سینمایی میباشد خوب اگر به شناختن آن موفق گردید اسم آنرا برای ما بنویسید.

این عکس چیست؟

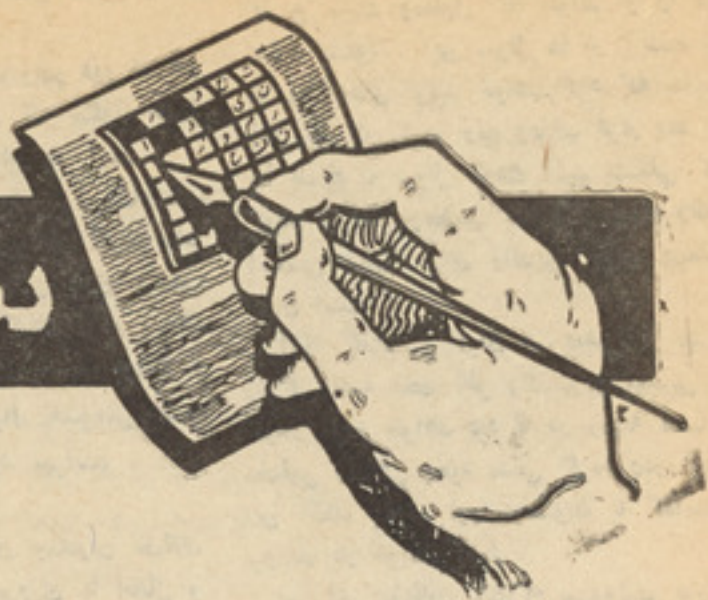


چه فکر میکنید آیا کدام تپه است ویا کدام حصه از پوست کچا لو اما بدانید که هیچیک ازین ها نبوده بلکه مربوط چیزی دیگری است اگر به شناختن آن موفق شدید باید تنها اسم او را با اسم لکه های سیاه ای که بروی آن معلوم میشود برای ما بنویسید.

زوندون

سرگرمی ها و مسابقات

تیه و تنظیم از صالح محمد کپسار



جدول کلمات متقاطع

اقتی :-

بسیار میباشد ، حاصل نیشکر ، ۷- تون بی تون ، يك حرف ودوخانه ، ضمیر اشاره ، ریگزار ، ۸- دربین بلبل ، خودم ، کلمه ربط ، انفجار آن بسیار خطر دارد ۹- از آن طرف ضمیر اشاره

ضدمرد ، پراکنده ۱۰- غطر میدهد ، درد ، محل ، دروضو میباشد ، ۱۱- نمد نامکمل ، رفیق سوزن است ، از جمله تپه های موادمخدره ، ایستگاه بزبان پشتو ، بازم حرف ربط است ، ۱۲- چیزی که پیدا

نشود ، نصف وداع ، خودم میباشم ، لباس ندارد ، ۱۳- بال شکسته ، طرف ، حشره مفسره به زبان پشتو ، مریض بسیار خطر ناک ، ۱۴- مات شد اما بی آغاز ، صنم ، دو پنج در

پشتو ، ماده حیاتی ، ۱۵- مرگ نارسیده ، دربین غبار ، مادر عرب ، در پستان گاو است ، ۱۶- دویک راجع نمایند ، با آواز یکجا میباشد ،

کندم به زبان پشتو ، از خزندگان ، ۱۷- پوش پرندگان است ، از تشکیلات عسکری ، تیزر ديف آن است ، ناقل آب ، ۱۸- با ادویه آنرا درمان کنید ، گردنبند ، ۱۹- فصل آن رسیده است ، نوعی از موسیقی ، طرف ، ۲۰- دونیم ، سماخ رانصف سازید ، زیاد نیست ، جام پر سر ، پام ناکمیل ، ۲۱- آرامی ، عکس روز ، وظیفه مهم پلک انسان

میباشد .

این دو چهره کی هاند؟



این دو چهره را که میبینید از پدر و دختری میباشد که برای آزمایش ذهن شما چاپ نمودیم این دختر از دختران بزرگ و گت پدر خود است در راه پیش رفت و معروفیت میباشد . یکی از فلصهایش بنام (میخواهم دستبایت را بگیرم) است حالا از شما میخواهم که اول اسم پدرش را و بعد اسم دخترش را برای ما بنویسید .

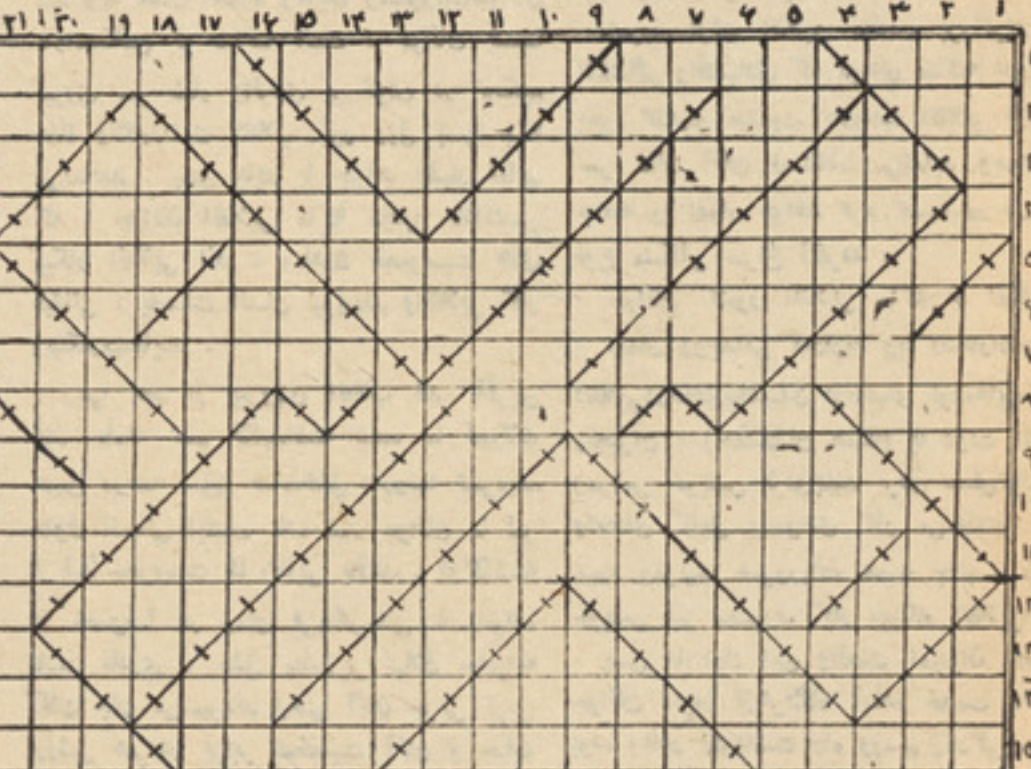
از آن طرف ناز است ، ۱۱- صحرا به زبان پشتو ، از ولایات باستانی کشور ما ، فریب به زبان پشتو ، سیب به پشتو ، از فلزات ، ۱۲- برگ نامکمل ، میسوزد ، ضمیمه پشتو ، در مقابل این مرص مجادله بزرگ آغاز شده است ، از آلات دهقانی ،

۱۳- بارخ خون است ، گنگ نشده ، ایستگاه پشتو ، چست نشده ، کندوی آرد ، چهره ، ۱۴- مادر عرب ، دروازه بزبان عوام ، دوده حاصل آن ، لام کوتاه ضمیر اشاره ، بید نارسیده ، ۱۵- معشوقه یوسف ، بسیار مشکل است ، مساوی به دو صد لیترا است ، آتش پراکنده -

عمودی :-

۱- جدید نیست ، تحریری نیست ، از پرندگان ، ۲- باده لوده است ، آرت ، و پای نا تمام نصف پارچه ململ ، ۳- خوب نیست ، کمک ، چهره ۴- از حیویات ، در حال دیدن ۵- نه میشوند ، برادر به پشتو ، عاشق شیرین ، داغ نشده ، ۶- ردیف اخلاق ، میدان بوکس ، در چایجوش

۱- جدید نیست ، تحریری نیست ، از پرندگان ، ۲- باده لوده است ، آرت ، و پای نا تمام نصف پارچه ململ ، ۳- خوب نیست ، کمک ، چهره ۴- از حیویات ، در حال دیدن ۵- نه میشوند ، برادر به پشتو ، عاشق شیرین ، داغ نشده ، ۶- ردیف اخلاق ، میدان بوکس ، در چایجوش



طرح از :- ملکه سلیمیا نخیل از لیسه سید نور محمد شاه مینه . یادآوری : به علاقمندان و همکاران این صفحه مزه میدهم که هرگاه تا اخیر سال جاری ، جدولی به مناسبت سال نو با محتوای ارزنده طرح و به ما بفرستند به بستر این آن جایزه میدهم وبقیه آنرا به نوبت با اسم و فوتوی طراح بچاپ میسازیم .

	ح	ز	د	د	ج	ب	ا
۱	+	●	*	●	■	▲	*
۲	■	○	*	△	*	●	+
۳	*	△	+	○	■	○	●
۴	△	●	*	*	●	*	○
۵	▲	■	●	△	○	+	△
۶	○	+	○	○	*	▲	●
۷	■	●	*	●	■	*	○
۸	*	○	+	○	▲	*	*
۹	*	●	△	●	*	▲	△
۱۰	●	△	■	*	○	●	+
۱۱	+	*	●	△	●	○	▲
۱۲	*	■	○	+	○	*	■

درین جدول که دارای ۹۶ خانه میباشد دایره های سیاه و سفید و مربع ، گل ، ستاره ، علامه مثبت مثلث گنجائیده شده اما درین همین جدول در یکی از خانه ها برترتیب یک دایره سیاه است که بالای آن یک مثلث سفید و در پایین آن یک دایره سفید موجود میباشد آنرا پیدا و برای ما بنویسید .

چه کاره است ؟



هرکس که در یکی از دوایر کار میکند اسباب و اشیای میز و کارش از وظیفه او نمایندگی میکنند ما هم این تابلو را که در این جا چاپ نمودیم اطلاق کاریک نفر را نشان میدهد آیا میتوانید بگوئید که این شخص چه وظیفه را بدوش دارد.

کدام مخترعین ؟

۱- اودر سال ۱۷۰۱ در اوپسالا (سوئید) دنیا آمد و در سال ۱۷۴۴ در استکهلم از دنیا رفت او که حرارت سنج را ساخت و پیش از آن که این آله اختراع گردد مردم تا قرن شانزدهم حد سر مارا در یک زیر زمین و حدگر مارا در آفتاب تابستان یا بدن یک انسان تب

دار معین میکردند و بعدا فارنهایت و رسوهر درجه بندی آله درجه حرارت را در حال یخ شدن آب و در حال بخار آب جوش درجه بندی نمود اودر سال ۱۷۴۲ درجه حرارت صدقستی (سانتر گراد) را درست نموده است .

حالا بنگارید که این مخترع کی بود ؟



۲- این شخص که در سال ۱۷۶۵ متولد شد و در سال ۱۸۳۹ از دنیا رفت . اولین فابریکه نساجی را ساخت پیش از آن تکه های قیمتی زیاد بود و مردم متوجه گردیدند که نمیتوانند از این پارچه های قیمت دار استفاده نمایند و بنه که زیاد میباشد چرا پارچه های ارزان قیمت نسازند همان بود که با کمک یک کارگر که در زندان بود دستگاه نساجی را اختراع و بسکار انداخت حالا بگوئید این دو نفر کی ها بودند ؟

بی پروایی

ما این تابلو را که از یک صحنه بالت است چاپ نمودیم درین جا طفلی را می بینید که گریه را سر داده ولی آن دو بایک دنیا نشاط و بی خبری در عالم رقص خود فرو رفته اند ما به این صحنه عنوانی بی پروایی را گذاشته ایم ولی نمیدانیم که شما به این صحنه کدام نوع عنوان را انتخاب میکنید ما برای کسانی که بهترین عنوان را به این صحنه انتخاب کرد جایزه می دهیم و فوتوی شانرا را نیز در همین صحنه چاپ میکنم .



این اثر از کدام نویسنده است ؟

ما حصه از کتاب یک نویسنده مشهور جهان را برای شما شرح میدهم از شما تمنا داریم تا اسم کتاب و اسم نویسنده آنرا برای ما بنویسید . در صحرای بودم صحرای بزرگ و حزن انگیز که گیاهی در آن نبود نمی توانستم بفهم که شب است یا روز گردش میکردیم با برادریم برادر سالهای کودکیم برادری که باید باو بگویم که مرکز در فکرش نیست و تقریبا هیچگاه به یادش نمی اورم . صحبت میکردیم و بارها هگلرمان مصادف میشدیم از یک زن حرف میزدیم که در روزگار گذشته همسایه مان بود و تا در آن کوچه منزل داشت جلوی پنجره ناقش که همیشه باز بود کار میکرد. در صحرا درختی نبود. مردی را دیدم که از نزدیک ما میگذرد این مردی بود سراپا برهنه همراهش خاکسترو سوار بر اسبی بود به رنگ خاک این مرد مو بر سر نداشت جمجمه اش نمایان بود و بر جمجمه اش رنگ های دیده میشد چوبی به دست داشت که مانند ساقه مورم و مثل آهن سنگین بود این سوار از جلوما گذشت و چیزی بهما نگفت :

برادرم به من گفت از راه پایین برویم اینجا یک جاده نمود افتاده بود که بته خاری و برنگ علفی در آن نبود همه جاو آسمان نیز به رنگ خاک بود پس از چند قدم دیگر وقتی که حرف میزدم کسی به من جواب نگفت متوجه شدم که دیگر برادرم همراه نیست به دهکده بی که در آن نزدیکی دیدم وارد شدم فکر میکردم که آنجا باید رومنویل باشد .

(رومنویل چرا ؟)

اولین کوچه که من داخل آن شدم خلوت بود به کوچه دیگر رفتم پشت زاویه بی که از دیوار های این دو کوچه ساخته میشد مردی کنار دیوار ایستاده بود پیش رفتم و از وی پرسیدم :

اینجا کجاست من کجا هستم او هم جوابی به من نداد .

اینجا کجاست من کجا هستم جوابی به من نداد دیدم که در خانه بی باز است درون شدم اتاق اول خالی بود به اتاق دوم رفتم پشت در این اتاق مردی کنار دیوار ایستاده بود از این مرد پرسیدم این خانه از کیست من کجا هستم او هم جوابی به من نداد .

خانه یک باغ داشت از خانه بیرون رفتم و وارد باغ شدم باغ خلوت بود پشت اولین درخت مردی ایستاده دیدم به این مرد گفتم این باغ از کیست من کجا هستم مرد جوابی نداد در دهکده سر گردان ماندم و ناگهان مشاهده

کردم که این يك شهر است همه كوچه ها خلوت و همه در ها باز بود هیچ موجود جاندار از كوچه ها نمیگذشت هیچکس در اتاقها راه نمیرفت و کسی در باغها گردش نمیکرد اما پشت هر زاویه دیوار پشت هر در پشت هر درخت مردی ایستاده بود که مطلقا ساکت بود هیچ جادو نفر دیده نمیشدند که نزدیک بهم باشند . این مردان بانگاه دنبال میکردند از شهر بیرون رفتیم و در صحرا راه افتادم پس از مدت کمی سرگرداندم و دیدم که گروهی دنبال ما می آیند همه مردانی را که در شهر دیده بودم بین این جمعیت شناختم سرهای عجیبی داشتند شتابی در رفتار شان به نظرم نمی رسید اما از من تندتر راه می رفتند کمترین صدا از راه رفتن شان شنیده نمیشد در يك لحظه این جمعیت به من رسید و احاطه ام کرد چهره این مردان به رنگ خاک بود .

آنگاه اولین مردی که در شهر دیده و از وی پرسشهای کرده بودم به من گفت کجا میروید مگر نمیدانید که مدتی است که مرده بید دهان کشودم تا جوابی گویم و مشاهده کردم که هیچکس پیرامون من نیست مادلن بیدار شد احساس کرد که از سر مایخ کرده است بادی که چون باد صبحگاهان سرد بود دولنگه پنجره را که باز مانده بود تکان میداد آتش بخاری خاموش شده بود و شمع نزدیک به خاموش شدن بود هنوز شب تاریک بود از جابر خاست سوی پنجره رفت باز هم ستاره بی بر آسمان دیده نمیشد از پنجره ناقش حیاطخانه و کوچه نمایان بود همانند صدایی خشک و سخت ناگهان از وی زمین برخاست و چشم او را فرود آورد زیر پنجره دو ستاره سرخ که روشنایشان به وضع غریبی در ظلمت دراز و کوتاه میشد به نظرش رسید چون نیمی از فکرش هنوز در تاریکی رویا غوطه ور بود با خود آلدیشید عجیب دیگر چیزی از آنها در آسمان نیست حالا دیگر روی زمینند آنگاه آشفته گی افکارش بر طرف شد صدای تازه بی شبیه به صدای نخستین بیداریش را کامل کرد با دقت تگریست و دانست که این دو ستاره دو چراغ یک در شکه است در روشنایی

ایستادن چراغها توانست شکل در شکه را تشخیص دهد این يك تکه اسبه دو چرخه بود که به اسبی سفید بسته شده بود صدایی که قبل از گوشش رسیده بود صدای ضربات پای اسب روی سنگفرش کوچه بود . مادلن با خود گفت این در شکه چیست این کیست که صبح به این زودی آمده است . همانند کسی در اتاق رابه آهستگی گویند .

میرزا آقا

قسمت دوم

اینرا گفته و سرعت خود را بدست خصل جو یلی و معوطه دفتر رسا نید ، دفتر باز بود . در برنده عا رضین زیاد جمع شده بود ند . ما مور و میرزا و عسکر و نفر زیاد هم آمده بودند بعضی ها لباس نو و حتی تکه و نشان طلائی هم به سینه داشتند ، بعضی ها شمشیر های مرصع در غلاف های زر انلود بر کمر بسته بودند زمینداران بازو باشه شکاری خود را نیز با خود آورده بود ند . پولیس ها با کمر بند و سر شانه تی برای ق و جلادار خود ملک ها و خانها ی قریه با مهر و زنجیر های رسمی خود ، همه در آنجا بنظر میامدند . قدیم هم خود را در آن قطار رسا ند و شناسای خود را پیسداو خو یشتن را خم و آهسته اظهار کرد :

صاحب محترم ، عرض دارم . شکایت است . بجا کم صاحب عرض دارم . شکایت از چه ؟

صاحب ... از سبب آب . و بعد از آن .. دگر چه ؟

خیر . دگر هیچ . مالک چا یخاله وعده داد که آقا پیدا کند . در ست شد . چه را پیدا کند ؟ دستمال نان مرا . شب گم شد . هی ... از کجا هستی ؟ از چو لو .

کالا یته جل اسپ میماند . همه کسانیکه در برنده دور قدیم جمع شده بود ند بلند بلند خندیدند . ما مور دفتر بیرون بر آمد و جیغ زد :

غا لمغال چیست ؟ سر کار صاحب کام صاحب قهر میشود .

این نفر غا لمغال میکند . کالا یته به جل اسپ میماند .

چه گفتی ... کدام جل اسپ ؟ چند نفر از جای خود دور شده و راه را باز کرد ند . یکی از آن میان به قدیم اشاره کنان گفت :

اینست .. صاحب ... ببینید ... فقط جل اسپ را پوشیده با شد .

قدیم خیلی آزرده و غمگین بود . میرزای دفتر جاب او دید ه پرسید :

چه میخواهی ؟

صاحب ... آب ...

میرزا به جو یلیکه از میان معوطه اداره میگذشت اشاره و علاوه نمود :

البته نمیدانی که چطور همای گیلای آب نوشیده میشود . به لب جوی برو دست های خود را بر زمین پان سرت را های خود را بر زمین بمان . سرت را پان کن و مثل گا و آب بنوش .

بیچاره گا و نیست . زیر جل اسپاست . چشمان قدیم از غضب و خشم مثل آتش شد و خود ش صد زد :

صاحب ... صاحب ها فقط جل را پوشیده با شد . و چندین نفر باهم خندیدند .

ما مور گفت :

آقایان ... خاموش باشید حاکم صاحب به قهر میشود . اگر غالمغال تا سرا شنید خشمگین واز اطاق بر آمده و بر همه ما و شما غضب میگرداند .

خوب ... تو از کجاستی ؟

آقایان اینجا یک دفتر است یا یک بازار ؟ قدیم جیغ زد و این صوا را بر سید .

او هو .. ببینید . زیر جل اسپ . من یک تبه آزاد هستم و برای یک شکایت اینجا آمده ام .

در مقام بلی این گفته قدیم ، کسانیکه در برنده ایستاده بودند گفتند مارا غوغا کنید . ما شما را نمی شناسیم . آقای جل اسپ پوش و همه شان بقا بل قدیم صف زدند یکی از آن میان گفت :

راه بدید باقای عا لبقدر تبه آزاد !!

تبه آزاد برای یک شکایت زحمت آمدن تا اینجا را متقبل شده اند !!

قدیم یک قدم بجا لب دروازه پیش آمد اما خود را با زمین مردم محصور یافت . یکی از آن جمله چنین گفت : ما هیچ فکر نمی کردیم که یک با دار جد یس بخیر اینجا تشریف آورده اند آقا یان ! قدیم بعدی بلند جیغ زد که حاکم صدای او را در داخل اطاق خود شنید ه ما مور دفتر رانزد خو دطلب کرد ولی خود ش سو را وبدون معطل شدن برای آمدن ما مور داخل اطاق بیرون بر آمده به همه حضار نظر خشم آلود انداخته پرسید :

اینقدر غالمغال برای چیست ؟

ستا لبقدر ایک نفر دیوانه پیدا شده ! - کو؟ در کجا ؟

اینجا حاضر و تیار است .

قدیم به پریشانی و بدبختی خود فکر کنان ایستاده بود و وقتی شنید او را دیوانه معرفی میکنند فریاد کرد :

دیوانه کیست ؟ مرا دیوانه میگویند؟ سر دار حاکم جالب او قدیم بر داشتو به شدت پرسید : چه میخواهی ، دیوانه؟

آب میخواهم ، سر دار !

وقتی قدیم این جمله را گفت از چارطرف او صدای زهر خند واستهزا بلند گر دید چند نفر گفتند .

دیوانه ... بیچاره جوی پان طول و عرض را اینجا دیده نمیتواند .

سرت را بر کن . او را بگیرد و ببرید اگر تاجا وز و نا آرامی میکرد بسته اش کنید ، را سا به دیوانه خاله شهر . بلی او دیوانه است و با ید هما تاجا با شد .

باشنیدن این امر سردار حاکم رنگ از رخسار قدیم پرید و پریده بریده گفت : چه ... چه ... چه بعدا احسا س کرد که یک پره کوه بر سرش افتاد . با صدای لرزان و شکسته نا لید : سر دار صاحب رحم کنید . من آب میخواهم . دیوانه نیستم . با دار من دیوانه نیستم . من قدیم اعظم او غلی هستم .

حاکم با زبا و نزدیک شد . خوب بسرو صورت او دید و گفت را ستی دیوانه نه شده .

او را به دار المجانین ببرید .

حاکم بعد ازین امر بد فتر خود را خل گر دید ه ما مور به محافظ گفت که قدیم را ببر . قدیم مقا و مت وزید . لیکن اشراف و زمین داران همه یک یک تله داده و قدیم بیچاره را از زینه پان را قلدند قدیم یک سکه نقره بی بکف دست محافظی که او را بیرون میکشید مساند و احساس کرد که محافظ از او دست برداشت . قدیم فوراً به جستجوی اداره میرزا کمال بیگ بر آمد .

تمام بدتس درد داشت . راه رفتن برایش مشکل بود . اما از راه روان پرسید ه پرسید ه جای مقصد خود را یافت که یکنفر از قریه خود ش نزدیک دروازه آن ایستاده بود . با خو شحالی صدا کرد :

هی غلام علی !! سلام علیکم و سپس تویده و او را به بغل گرفت غلام علی که خود ش پیشه دهقان داشت و داغهای جیجک روی او را فرا گرفته بود ، در حالیکه عرض خود را قات کرد ه و به جیب خود میگذاشت از دروازه یک دفتر بیرون میر آمد قدیم روی خود را بر وی ریش دراز غلام علی چسبای تیده و با صدای لرزان اضافه نمود : او غلام علی . اگر بدانی که من چند ر بد بخت ام . تصور میکنم یک سال شده که از خاله بر آمده ام . معطل من باش ، کار خود را زود خلاص میکنم و بدنه هر دو یکجا میرویم خاله .

قدیم بغدا قسم که قاطر خود را به کار و اسرای مانده ام . میروم که ببینم بجای خود است یا نه ؟

کارت را زود خلاص کن . هما تاجا یا با هم خاله میرویم . من منتظر ت میباشم . غلام علی اینرا گفت و روان شد . قدیم مثل طفلی که راه خود را گم کرده باشد عقب او صدا زد :

غلام علی ترا بغدا قسم که بی من نروی .

نمیروم ، خاطر جمع با شد .

قدیم تا وقتی غلام علی را تعقیب نمود که در یک کج گردشی از نظر غایب شد و پس از آن به اداره مهرزا کمال بیگ داخل گر دید ه . دید که میرزا کمال بیگ شصت های خود را به جیب دو طرفه او سگرفته و روی فرش خست دفتر از پس سو با ن سود واز آن سو با ینسو قدیم میزند . همینکه قدیم را دید پرسید :

اوه رفیق ... بیایا ... چه خبر خوش داری ؟

صاحب ... من بر عکس خبر های خبر خراب دارم .

چرا ؟ چه واقع شد ؟

هما نظور که گفته بودید ، آنها سخن مرا نفهمیدند ... نه تنها سخن مرا نفهمیدند بلکه مرا دیوانه هم گفتند .

در کج دفتر یک میز مانده شده بود . میرزا کمال بیگ بعد ازین صحبت مختصر طرف میز رفته و عقب آن دور خورده یک دست خود را روی میز ماند و دست دیگر خود را به سربس موی و طاس خود گد را نیده و علاوه نمود :

بلی ... عارض با ید عرض تقدیم کند . حرف ما و شما مردم دهات را کمی درک نمی کند . فقط عرض میخوانند . و شما با ید عریضه بدهید وقتی که عریضه دادید ، آن وقت آنرا خوانده نمی توانند و اگر با صد زحمت بخوانند معنای آنرا فهمیده نمی توانند و زبانی می پرسند .

ولی بهر حال هیچ عارض با ید بدون عریضه تحریری بد و ایر برود و وقتیکه رفت با ید عریضه تحریری با خود داشته باشد .

سرا ست میگوئی برادر ! اگر غمهای عارضین کم میبودن مانند جوبخشش و لاغرو زرد وزار نمیشد م .

اوسینه خود اخارید و قدیم سر خود شور داد و بعد گفت :

صاحب همینطور است ، همینطور است اگر آدم های مثل شما نمی بود ، من نمیدانم که احوال ما غریب ها و بیچاره ها چگونه میشود ؟

مرغسها چشم مارا و حیوانها جسم مارا می خوردند .

را ست میگوئی برادر . اگر آدم تنها بفکر خود با شد ، زندگیش آسان میشود . مثلا برای ت قصه گم . یک نفر ، درین نزدیکی یک غره دارد . همین غره سو م از اینجا . از من میخواهد که همایش شریک باشم . برای من میگوید تو آدم فهمیده استی ! همین حساب و گنا برآزیر نظر بگیر و کار آنرا بکن ، من مثل بر مرغسهای خزان برای ت پول میدهم . اما من برای ت

گفتم که اگر من همراهی تو شرم یک شوم
برادران غریب و غمگین عارضین من چه
خواهند کرد؟ کی عریضه شما را خواهد
نوشتند. وقتیکه عریضه نزد حاکم میرود،
اول باید به کتاب ثبت قید گردد.
قدیم پرسید: به کتاب ثبت؟
رفیق من، تو چه فکر میکنی؟
به کتاب ثبت رسمی باز آنرا مدبرش
به دو سیه میماند. که نوشته و نشان
تلاشی در آن چاپ شده. عریضه را که
در میان دوسیه میماند باز خود ش
آنرا نزد حاکم میرود. دوسیه را بدست عارض
داده و هر دو پیش حاکم خود را خم میکنند
میبینی که احوال عارضان از چه قرار
است؟
قدیم از شدت آنچه بر او واقع شده بود
هر لحظه درد زیاد تر حس میکرد. دیگر تابت
ایستادن نیاورد. پهلوی دروازه روی
زمین اطابق نشست و سر خود را برای
تصدیق گفته های میرزا کمال بیگشور
میداد. یکبار گفت: خدا به آدم های
فهمیده مثل تو صحت و سلامت نصیب
کند. قصه منم ازین قرار بود. حال عریضه
من روی میز سر دار حاکم صاحب افتاده
و عکس تراز هم که در دیوار نصب است
از همان بالا بر عریضه من مینگرده. اما
اگر از دست خود همین آدم کلان عرض
کنم چه میشود؟
کمال بیگ دست خود را به عقب گوش
خود قرار داده پرسید:
مطلب چیست، من حرفت را نمیفهمم؟
یعنی گفتم که اگر از دست همین سردار
حاکم صاحب عرض کنم و شکایت کنم
چه نتیجه خواهد داد؟
چه شکایت داری از حاکم؟
تمام جانم و تنم از دست شان درد
میکند. تما ما افکار شد. تلاوت مرا
دیوانه هم گفتند.
باشید من این مطلب میرزا کمال بیگ
بشست میز و سر چوکی خود نشست، آرنج
خود را بالای میز و نخ خود را بالای مشت
خود مانده پرسید: همین بعد عریضه
ات؟
که میخواستی بنویسی و بمقامات بالا
بدی؟
بله صاحب من با دیدن دیروز آنرا برای
توان میگفتم.
میرزا کمال بیگ از چوکی خود بر
خاسته گفت: حالا هر چه را بمن بگو.
قدیم هم خو است که ایستاده شده
حرف بزند اما میرزا کمال بیگ علاوه کرد:
همانطور نشستند حرف بزن... آزاد استی
اینجا دفتر سرکاری نیست.
قدیم چار زانو روی فرش اطابق
نشست. رویش از شدت درد تغییر رنگ
میداد و بار دیگر تمام قصه خود را از سر تا آخر
میرزا کمال بیگ شرح داد و وقت گذشت خود را تمام
میرزا کمال بیگ شرح داد وقت سرگذشت خود را تمام
کرد چنان از خشم می لرزید که صدایش
تغییر و با لرزش عجیبی علاوه کرد:
بله میرزا صاحب... بخود با شاه
بزرگ بنویس. آقا، صاحب، عریضه

میرزا کمال بیگ حسب عادت پشت گوش
خود را خاریده عریضه را قات کرد اضافه
نمود.
هر چه ضرور و لازم بود نوشتم. حالا
بر خیز و این عریضه را بگیر و را مسا
برو به دفتر پست و بنام خود یا شاه به
پسته بپرداز.
میرزا کمال بیگ پاکت را سرش نمود
و نشانی دفتر پسته را به قدیم فهماند
که از کدام جا و کدام راه با نجا برود.
قدیم کاغذ را گرفت و یک نوت را هم
از جیب خود کشیده و بر میز گذاشت. و
جانب میرزا کمال بیگ دیده علاوه نمود:
به راستی شما حاکمی عریضه دارها
هستید. همه عارضان دعای سر تا نرا
میکند.
قدیم رفت جانب پسته خانه، بزودی
آنرا یافت. کاغذ خود را به هر کلمکین
و عریضه پیش کنان از آنها پرسید که
چطور آنرا به شاه برساند. پالیده با لیده
عریضه را بر پهلوی پا فت و گفت:
عریضه پدر با شاه... گفته و دست
خود را پیش کرد تا کاغذ را بدد.
به خود شاه؟ پس بگو که در عریضه
خود چه نوشته ای؟
اگر میخواستم تو مطلب مرا بفهمی
عریضه را در پاکت نمی انداختم و سرش
نمیگذاختم.
وقتی بدست خود بادشاه برسد مطلب
را خودش میفهمد.
چنین جوابی آنها از جانب یک دهقان
ساده میرزای پسته خانه را متعجب ساخت.
و گفت:
چرا مثل سر که ترش هستی؟
من وقت گفتگو ندا ندارم. بول را
بگیر.
ولی پادشاه آمد که با دیدن خلقت نکند
و بهتر است قبر خود را بوشاند و باز
گفت.
او برادر جان... میرزا صاحب...
قربان... لطف تو چه کن که همین عریضه
من بیچاره در راه گم نشود و محفوظ بماند
همان جایی که نوشته ام برسد.
کتاب پسته خانه طرف قدیم دیده
و پرسید: دفعتا اینطور تغییر کردی
سر که به یکبار رگی آب شد!
از سبب آب است که من مثل سر که
شده ام.
آب باتوجه کرده؟
اینک برادر جان... بگیر مکتوب و
عریضه مرا... لطف بگیر و رسید بده و
آنرا بزودی به نزد پادشاه بفرست... هر
قدر زود که میتوانی. من کدام وقت
دیگر زود تو میایم و تمام گپ و سخن
را برایت نقل میکنم.
اوه... آدم سخن خود را از رفیق خود
پنهان میکند؟
آدم رفیق را در وقت ننگدستی می
شناسد. عریضه مرا بگیر. توجه
کن که پادشاه برسد. هر قدر زود که میتوانی
آن وقت باز من میفهمم که تو رفیق من هستی

میرزا کمال بیگ حسب عادت پشت گوش
خود را خاریده عریضه را قات کرد اضافه
نمود.
هر چه ضرور و لازم بود نوشتم. حالا
بر خیز و این عریضه را بگیر و را مسا
برو به دفتر پست و بنام خود یا شاه به
پسته بپرداز.
میرزا کمال بیگ پاکت را سرش نمود
و نشانی دفتر پسته را به قدیم فهماند
که از کدام جا و کدام راه با نجا برود.
قدیم کاغذ را گرفت و یک نوت را هم
از جیب خود کشیده و بر میز گذاشت. و
جانب میرزا کمال بیگ دیده علاوه نمود:
به راستی شما حاکمی عریضه دارها
هستید. همه عارضان دعای سر تا نرا
میکند.
قدیم رفت جانب پسته خانه، بزودی
آنرا یافت. کاغذ خود را به هر کلمکین
و عریضه پیش کنان از آنها پرسید که
چطور آنرا به شاه برساند. پالیده با لیده
عریضه را بر پهلوی پا فت و گفت:
عریضه پدر با شاه... گفته و دست
خود را پیش کرد تا کاغذ را بدد.
به خود شاه؟ پس بگو که در عریضه
خود چه نوشته ای؟
اگر میخواستم تو مطلب مرا بفهمی
عریضه را در پاکت نمی انداختم و سرش
نمیگذاختم.
وقتی بدست خود بادشاه برسد مطلب
را خودش میفهمد.
چنین جوابی آنها از جانب یک دهقان
ساده میرزای پسته خانه را متعجب ساخت.
و گفت:
چرا مثل سر که ترش هستی؟
من وقت گفتگو ندا ندارم. بول را
بگیر.
ولی پادشاه آمد که با دیدن خلقت نکند
و بهتر است قبر خود را بوشاند و باز
گفت.
او برادر جان... میرزا صاحب...
قربان... لطف تو چه کن که همین عریضه
من بیچاره در راه گم نشود و محفوظ بماند
همان جایی که نوشته ام برسد.
کتاب پسته خانه طرف قدیم دیده
و پرسید: دفعتا اینطور تغییر کردی
سر که به یکبار رگی آب شد!
از سبب آب است که من مثل سر که
شده ام.
آب باتوجه کرده؟
اینک برادر جان... بگیر مکتوب و
عریضه مرا... لطف بگیر و رسید بده و
آنرا بزودی به نزد پادشاه بفرست... هر
قدر زود که میتوانی. من کدام وقت
دیگر زود تو میایم و تمام گپ و سخن
را برایت نقل میکنم.
اوه... آدم سخن خود را از رفیق خود
پنهان میکند؟
آدم رفیق را در وقت ننگدستی می
شناسد. عریضه مرا بگیر. توجه
کن که پادشاه برسد. هر قدر زود که میتوانی
آن وقت باز من میفهمم که تو رفیق من هستی

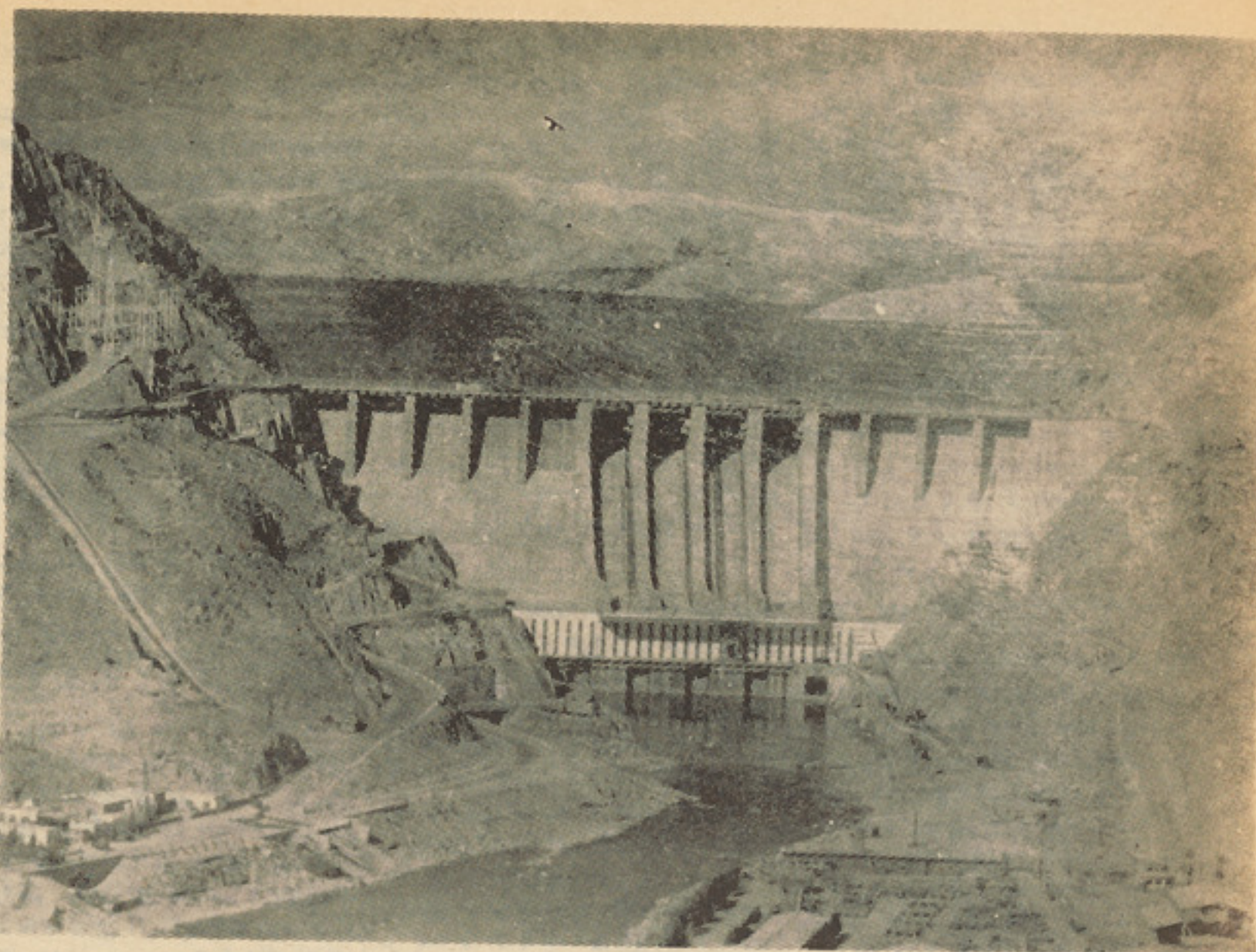
میرزا کمال بیگ حسب عادت پشت گوش
خود را خاریده عریضه را قات کرد اضافه
نمود.
هر چه ضرور و لازم بود نوشتم. حالا
بر خیز و این عریضه را بگیر و را مسا
برو به دفتر پست و بنام خود یا شاه به
پسته بپرداز.
میرزا کمال بیگ پاکت را سرش نمود
و نشانی دفتر پسته را به قدیم فهماند
که از کدام جا و کدام راه با نجا برود.
قدیم کاغذ را گرفت و یک نوت را هم
از جیب خود کشیده و بر میز گذاشت. و
جانب میرزا کمال بیگ دیده علاوه نمود:
به راستی شما حاکمی عریضه دارها
هستید. همه عارضان دعای سر تا نرا
میکند.
قدیم رفت جانب پسته خانه، بزودی
آنرا یافت. کاغذ خود را به هر کلمکین
و عریضه پیش کنان از آنها پرسید که
چطور آنرا به شاه برساند. پالیده با لیده
عریضه را بر پهلوی پا فت و گفت:
عریضه پدر با شاه... گفته و دست
خود را پیش کرد تا کاغذ را بدد.
به خود شاه؟ پس بگو که در عریضه
خود چه نوشته ای؟
اگر میخواستم تو مطلب مرا بفهمی
عریضه را در پاکت نمی انداختم و سرش
نمیگذاختم.
وقتی بدست خود بادشاه برسد مطلب
را خودش میفهمد.
چنین جوابی آنها از جانب یک دهقان
ساده میرزای پسته خانه را متعجب ساخت.
و گفت:
چرا مثل سر که ترش هستی؟
من وقت گفتگو ندا ندارم. بول را
بگیر.
ولی پادشاه آمد که با دیدن خلقت نکند
و بهتر است قبر خود را بوشاند و باز
گفت.
او برادر جان... میرزا صاحب...
قربان... لطف تو چه کن که همین عریضه
من بیچاره در راه گم نشود و محفوظ بماند
همان جایی که نوشته ام برسد.
کتاب پسته خانه طرف قدیم دیده
و پرسید: دفعتا اینطور تغییر کردی
سر که به یکبار رگی آب شد!
از سبب آب است که من مثل سر که
شده ام.
آب باتوجه کرده؟
اینک برادر جان... بگیر مکتوب و
عریضه مرا... لطف بگیر و رسید بده و
آنرا بزودی به نزد پادشاه بفرست... هر
قدر زود که میتوانی. من کدام وقت
دیگر زود تو میایم و تمام گپ و سخن
را برایت نقل میکنم.
اوه... آدم سخن خود را از رفیق خود
پنهان میکند؟
آدم رفیق را در وقت ننگدستی می
شناسد. عریضه مرا بگیر. توجه
کن که پادشاه برسد. هر قدر زود که میتوانی
آن وقت باز من میفهمم که تو رفیق من هستی

حادثه و بفرنجتر گردد، نمی توانست بشکل قانع کننده حل گردد مگر آنکه جنگلهای خا نما نمودن بوقوع نمی یوست و یا در آینده از بروز آن جلوگیری شود و صلح پایدار سراسر دنیا را فرا گیرد و این زمانی میسر شده میتواند که جهان ما تا بسع یک نظم جدید اقتصادی و سیاسی باشد که دموکراسی واقعی بفتح کارگران، زحمتکشان و سایر طبقات تحت منعم بر تو افکن گردیده و بشر دست بدست هم داده در جامعه ای شگوفان و فارغ از استثمار زلندگی با همی اش را ادامه دهد .

زیرا با تعمیم دموکراسی واقعی که از طرف کارگران و زحمتکشان بنیان بیاید منابع انرژی طور عادلانه در خدمت انسان قرار میگیرند و با برکت علم و تکنولوژی عصری و بکار بردن پشه خلاق و دورانساز طبقه کارگر خلق های دورانساز که در کنج و کنار این کره خاکی بصورت پراگنده زلندگی میکنند، منابع جدید انرژی کشف و مورد استفاده همگانی قرار میگیرند که بدون تردید اندیشه و نگرانی سراسر آورناشی از کمبود انرژی و بحران آن در آینده بر طرف میگردد .

جنگلات، مواد نفتی، ذغال سنگ انرژی برقی اتم و آفتاب یا این بزرگترین منبع انرژی درجهان، در روشنی صلح و همزیستی مسالمت آمیز طوری در خدمت انسان قرار خواهند گرفت که از عر حین رشد سریع جوامع عقب مانده صورت می پذیرد که با بخش و گسترش اندیشه متری و آید یولوژی دورانساز طبقه کارگر خلق های سیاسی خیزند و طراح برنامه های انکشافی خود می شوند و با بکار بردن نیروی خلاق و زوال ناپذیر خویش بدون تشویش و نگرانی ای که امروز از ناحیه مواد سوخت و جهات دیگر ناشی از اقدامات سوء امپریالیزم متوجه آنها میباشد، زندگی با همی شان ادامه میدهند و با در خدمت انسان قرار دادن انرژی اتم و آفتاب، بحران انرژی و مشکلات ناشی از آن در آینده خاتمه میدهند .

با یاد گفت که استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی جوامع بشری را از بحران انرژی در آینده نجات میدهد، مشروط بر اینکه دست امپریالیزم جهانی از سر خلق های تحت ستم کو تاه سرزد و کاههای ظلم و ستم استثمارگر اندر پیش پای زحمتکشان و اوژگون گردد و جوهری حدو حصر امروز امپریالیزم جهان که بر خلق های تحت ستم جرنان دارد بر طرف شده و بخواسته های قانونی زحمتکشان سراسر جهان پاسخ مثبت داده شود، صلح دایمی درجهان برقرار میگردد که در روشنی صلح و زندگی با همی ابناء بشری تسوانند از منابع انرژی به صورت عادلانه استفاده نمایند .



نمایی از سربند برق نفلو (یکی از منابع مهم انرژی)

مشکل بحران انرژی در جهان

آفتاب به حیث بزرگترین

منبع انرژی

قسمت دوم

جوامع بیش ازین انکشاف کنند و در پرتو صلح و صفا با تامین مزایای عالی دموکراسی در سرتاسر جهان یوغ بردگی را از شما نه های همنوعان بردارند و برادر وار بدور هم گرد آیند و از منابع کشف شده و نا منکشف بصورت عادلانه استفاده نمایند .

همانطوریکه ریشه تمام بحرانها از صلح ناپایدار آب می خورد و با کشیدگی و تشنج در گوشه ای از جهان صلح جهانی را بخطر مواجه میگرداند، بحران انرژی و کمبود مواد سوخت نیز اثرات ناگواری بر جوامع متری و رو بانکشافی میگذارد و هیچ طرفی از متحمل شدن خسارت وارده ناشی از بحران انرژی گزیر نمانده و نخواهند داشت .

قرار احصای نه های تخمینی ظرف پنجاه سال گذشته که دهم جنگلات پاره ای از جزایر حاره ی ناپدید شده اند، جنگل های استوایی نیز بنوبه خود مورد حمله قرار گرفته اند که استفاده بشکل ابتدایی از جنگلات مقدار انرژی زیادی را که در انکشاف آینده کشور های روبا تکثافی از آن استفاده مطلوب صورت خواهد گرفت بهدر رفته است زیرا گروههای زیر فشار نیازهای فوری، منابع انرژی را طوری بغارت می برند که اگر توان بکار برد علم و اندیشه متری از آن استفاده نگردد بحران ناگواری بدنبال می آورد که جبران میسر نخواهد بود . مساله بحران انرژی که بشریت امروز به آن مواجه شده و در آینده شاید این مشکل

باجاکرفتن اندیشه متری دونهای انسانهای تحت ستم و پیروزی انقلابات دموکراتیک درجهان و جهان شمول شدن حکومت های پروتاریا و سرنگونی دولت های امپریالیستی جنگ طلب، بدون شک استفاده از انرژی اتمی بدست خود کارگران پیروز مند عمو میت پیدا میکند و انسان پالنده و دورانساز اتم را بصورت واقعی در خدمت انسان قرار میدهد و سرنگوله های ذروی را که جهت کشتار انسانهای فد بر افراشته برای کسب حقوق انسانی شان رهبری شده اند، برای همیشه نابود میسازد و افق های تاریک انسانهای تحت ستم را با نور ناشی از انرژی اتمی، نورانی میگرداند . درجهان سرمایه داری استفاده از مظاهر جدید زلندگی عادلانه شکل طبقاتی داشته که با ادامه نظام سرمایه داری ادامه پیدا شده با شد و ازین سبب استفاده از انرژی آفتاب نیز درجهان کپیست لیستی جنبه طبقاتی خواهد داشت و تعداد محدودی از نوع بشر در حالی از آن استفاده خواهند

خوا بچند ساعت با ید طول بکشد؟ آیا اشخا صی هستند که بکلی نمی خوا بند؟ برای خواب نورم منا سب و معین مو جو نیست و همچنان اشخا صی هستند که در صحت و سلامتی زندگی نمی کنند.

از تجارب چندین ساله در قسمت مر یضان مبتلا به بیخوابی نتیجه ذیل بدست می آید، آنها بیکه از بیخوابی شکایت دارند در حقیقت خواب هستند. بهتر است در این مورد از گفتار روان شناس معروف فرانسوی پیر و ن یاد آوری شود (شخصی هیچگاه نه می خوا بد که همیشه خواب است این نوع اشخا- صی برای مدت کم خواب میکنند اما بعد از هر چند ساعت).

اشخا صی هستند که بطور مثال کم می خوابند. پتر اول، ناپلیون، شیلر فقط پنج ساعت در شبانه روز اما ادیسن دوالی سه ساعت در شبانه روز می خوابید. تعداد زیاد مردم در یک شبانه روز در حدود شش ساعت می خوابند اما مشخصات جسمانی آنها به حالت بهتر آن باقی می ماند. در عین زمان اشخا صی یا فست می شوند که مدت خواب مکمل آنها تا ۹الی ده ساعت طول کشیده و بعد از آن خود را آرام حس می کنند.

طبق ارقام معلوم ویدست آمده در بسیاری مما لك انكشاف یافته و سوم قسمت مردم از خواب خراب خود شکایت دارند. در اتحاد شوروی در شهر مسکو تحت یک پروگرام معین از شش هزار نفر درین قسمت پرسش بعمل آمد.

قسمتیکه معلوم شده در حدود چهل و پنج فیصد آنها از خواب خراب خود شکایت داشتند. در این جمله بیست و یک فیصد آن خواب خراب و چهارده فیصد اشخا صی هستند که از خواب عمیق خود رضایت دارند اما مدت آن کوتاه است. (این نوع اشخا صی را کم خواب می نامند) و ده فیصد آنرا اشخا صی تشکیل داده که زیاد خواب میکنند اما نه چند ان عمیق. گروه اشخا- صی کم خواب را معمولاً متعلمین و محصلین تشکیل می دهند.

گروهی که از خواب خراب خود شکایت میکنند معمولاً دارای سن اضافی از چهل سالگی می باشند. این اشخا صی به زحمت می

ترجمه: س. احمد

تدابیر عمده در قسمت خواب و صحت

خواب بند در شب چند مرتبه بیدار میشود و خواب های خطرناک می بینند و معمولاً از نا سلامتی ارگان های داخلی و یا از ترسیدن، عادات تلقین شده، خرابی مزاج و خستگی شدید رنج میبرند. حسب معمول ازدواج های خواب آورو مسکن استفاده می کنند.

طبق نتایج تحقیقات اضافه تر از همه کارکنان و سایر حمل و نقل (تراکسپورت) از خواب خود رضایت داشته اما زندهای که در خانه مصروف امور منزل اند و کسدام مصروفیت دیگری ندارند و متقاعدین یعنی ما مورینکه مدت کار آن به انجام میرسد و تقاعد می نمایند از خواب ناراضی می باشند.

کارگرانی که با آلات اهترازی، غالمغال و مواد شیمیایی سروکار دارند موقعیت وسطی را در بین دو کتگوری فوق دارند. اشخا صی در رشته های که جنبه فکری و روحی داشته باشند بسیار بیخوابی می کشند.

قسمتیکه در یکی از موسسات پرسش صورت گرفت فقط نوزده فیصد کارکنان فکری از خواب خود رضایت داشتند. علت این حادثه کارهای شدید فکری، نبودن خستگی جسمی و از دیاد معلومات و اطلاعات است. در جمله کسانیکه از خواب خراب خود شکایت دارند زنها قسمت اعظم آنها را تشکیل میدهد. یک خصوصیت با ید تذکر داده شود از سابق این نکته معلوم است که انسان در قسمت خوابش خود بطور عینی قضاوت کرده نه می تواند. پرسوئل طبی و اشخا- صی نزد یک با کسانیکه صبح از

عینی فعالیت مغز انسان در زمان خواب رجوع کرد. از تحقیقات مذکور نتایج ذیل بدست آمد: اشخا صی وجود ندارند که بدون خواب زندگی کنند. بدین لحاظ در حال حاضر استعمال اصطلاح بی خوابی، درست نیست. این لفظ از نقطه نظر ما هیت خود نیز صحیح نبوده زیرا از سوی دیگر شرایط ناگوار روحی را بار می آورد حتی اشخا صی که از خواب کردن بکلی انکار می کنند مدت خواب آنها به بیست و چهار دقیقه می رسد در حالی که نورم این اشخا صی ۱-۵ دقیقه می باشد.

در این مورد اشخا صی را که خواب خراب داشته باشند چطور میتوان کمک کرد؟

در این قسمت بهتر است از استعمال دواهای متعدد پرهیز شود و در عوض رژیم استراحت، کار و تغذیه بطور مناسب تعیین شود. در این قسمت انتخاب کار از اهمیت بسزایی برخوردار می شود. بد نیست که در اینجا نکته چند از آما- دگی برای خواب سخن گفته شود تمام وقت بیداری در حقیقت مقدمه چینی برای خواب است. در این مورد باید به عادات مقرر از احتیاط کارگرفته شود. یک شخص بعد از تقریباً پنج ساعت خواب می کند.

بعضی هازمانی که گرسنه باشند خواب کرده نمی توانند اما برعکس بعضی ها را این کار مانع نمی شود. بصورت عموم بهتر است که قبل از خواب کمی تفریح شود و از خوردن غذایی قبل از خواب خودداری شود حمام گرم بگیرد. اما عادات در این قسمت از هر نوع توصیه ها مهم تر است.

بطور مثال تعداد زیاد دی عادت دارند قبل از خواب مطالعه می کنند. دکتران چشم اظهار نظر می کنند که این کار اثرات منفی بار آورده و مضر است. اما اگر در صورت خلاف رفتاری از این کار خواب برهم زده شود بهتر است تا آنرا ادامه داد. علت برهم خوردن خواب بطور ثابت اختلال سلسله اعصاب می باشد. اگر چه مبارزه با این اختلال کاریست بس مشکل اما میتوان آنرا مغلوب نمود.

بقیه در صفحه ۴۹

خواب بیدار میشوند و از خواب خراب خود شکایت می نمایند از خواب عمیق آنها که گاهی با خروپف نیز همراه می باشد شبانه دت می دهند.

در تحقیقات متعدد دی با لای مر- یضا نی که از خواب خراب خود شکایت داشتند حقیقت فوق به اثبات رسیده است بطور مثال اغلباً این نوع مر یضان را قبل از خواب یک صفحه کاغذ و قلم می دهند تا در هر نوبت بیداری خود با لای صفحه کاغذ یک خط بکشند معمولاً دیده شده است که صفحه کاغذ بدون کدام خط به حالت اولی خود باقی مانده است.

در یک قسمت تحقیقات حتی تو- سط آلات ولوازم مخصوص حرکات مر یض در زمان خواب تثبیت گردیده و دیده شده است که در یک وقت معین به حالت آرام باقی مانده این حالت در وقت بیداری هیچگاه به نظر نه می خورد.

علت چیست؟ ممکن است مریم بطور شعوری خود را در این مورد تلقین می کنند و فکر می کنند که خواب خراب دارند؟

قسمتیکه معلوم است این طور صورت نمی گیرد زیرا نخست اینکه شخصی، شب در مدت بیداری تصور می کند که وقت دیر تر میگذرد. دوم اینکه بعضی از اشکال فعالیت روحی را که در خواب می بینند مانند بیداری فکر میکنند. سوم اینکه حالتی موجود است که در صورت آن موجودیت خواب نفی میگردد. تعداد زیاد دی از سوا لها زمانی حل گردید که علما به ثبت

جراحی روانی...

واقف میشد در دهه شصت و بعد از آن جراحی روانی به طرز نو شکل گرفت همگام با تکنولوژی معاصر روش های لوپو تو می ابتدا می متروک و بجای آن عملیه های منجمد سازی ، انساج ، مداوا با مدارکی صوت و نصب الکتروود ها بمیان آمد.

نتایج بعدی نشان داد که هر سال چهار صد الی پنجصد فرد بیمار احتیاج به عمل روی میز جراحی قرار میگیرند. طریقه های گفته شده شامل فرو ریزی وانهدام یک عده انساج بخصوص مغز بوده تا عادت غیر نورمال و غیر قابل مهار در اداره آیند .

با آنکه قدم های مثبت برای شکل گیری بهتر این طرز العمل صورت می گرفت گروهی از جراحان مغز رد دست شایسته ساختند و عمل را محدود و اعلام داشتند که در بسی واقعات نادر منحنیت آخرین در مان میتوان دست به چنین کاری زد به عنوان مثال در واقعات پیلپسی میتوان این جراحی را به خدمت گرفت اما اولین اعتراض بر مسئله توسط داکتر پتر برژن روانکاو امریکایی صورت گرفت. ووی را قاتل ضمیر و روان خوانداز دیدگاه داکتر برژن هدف واقعی جراحی جز ضعیف ساختن ، تغییر در شخصیت و منش ، آرام ساختن بی لزوم شخص عمل سر کوب ساختن حساسات و عواطف چیز دیگری نیست ضمنا او خطرات احتمالی را بیشتر انگشت گذاشت و علاوه کرد چون نتایج این اصل ناباز گرداست کاری است بسی خطرناک ، ازسوی دیگر :

۱- جراحی روانی در انسانها به پیروی از شیوه جراحی حیوانی صورت میگیرد . که نتایج خوبی به دنبال ندارد .

۲- جراحی روانی مداخله مستقیم به شخصیت ، عادت و منش فرد دارد .

حال که کم و بیش از مخالفان عمل گفتیم ، ببینیم مدافعان در مورد چه گفتنی دارند و چگونه دلیل میاورند: دانشمندان جان دو نلی روان نشنا-

س امریکا می در داغترین روز های انتشار خبر اعلام داشت که عمل روز بروز به شکل بهتر حاضر می شود . وجهان طبابت نمیتوانند از موجودیت همگانی آن انکار نمایند. داکتر ویلیارد گایلین به پیشرفت این طریقه حتم دارد به نظر او با اندکی تعدیل و دست کاری میتوان موفق شد به نظر او رد عکس العمل های منفی روانی که با این وسیله

تحت کنترل در می روند تا نیرت گروهی داشته و نصب الکتروودها را نیاز مند است با آنها فایده های آن نسبت به زیان های آن پیشی میگیرد . نظر به گفته های بالا بیمار میداند که شیوه جراحی

بقیه صفحه ۱۸

ریکارد بودو

از آن غرض تحقیقات سطح زمین استفاده های زیاد بعمل آوردند. دراوقاتی که کار آنها رو به اختتام بود معلوم شد که آنتن رادیو تلسکوپ از استیشن سا لوت شش جدا نمی شود. اگر آنتن به حالت خود گذاشته میشد استیشن مذکور نظر به پلان معین خود کار را پیش برده نمیتوانست . برای اینکه آنتن از استیشن علیحده میشد ضرورت افتاد تا کیهان نوردان به فضای آزاد بیرون آیند . سا بق کیهان نوردان به فضای آزاد در روز های اول پرواز خود می بر آمدند یعنی

وقتیکه دارای نیروی کافی بودند اما این دو کیهان نورد مجبور شدند تا در روز ۱۲۷ کار خود به فضای آزاد بیرون آیند اگرچه از نقطه نظر داکتر ها این عمل امکان پذیر بود. بالاخره به تارینخ پا نرزه اگست در مرا حل اختتام کار خود این عملیه را نیز به پایان رسانیدند و علاوه تا به ابتکار خود تحقیقات اضافی را نیز انجام دادند منجمد طراحان استیشن میخواستند بدانند که در دریچه های استیشن چرا کمی تا ریگی ایجاد شده بود. ریومین

تغییری در شخصیت او وارد نخواهد کرد که این عمده ترین تیوری روانی خود وحمل است من یضان روحی که به اصول های دیگر درمانی تن در نمیدهند این تداوی را به عنوان آخرین راه در مورد می دانند .

۱- این اصول در آینده در صورت رت هدایت گروهی جراحان باید صورت گیرد بدینگونه عمل پوسینه کمیته ها بر رسی گردد . موافقت مریض با عمل در زمینه در صدر مسئله است .

۲- این وسیله بیشتر با لای بیماران روانی وزندانان و اطفال تطبیق خواهد شد . پژوهش های نو در زمینه و پیاده نمایی آن در مسئله از نگاه کادر های حقوقی و اصول های جامعه قابل قبول است و کمیته اچ ای- ویلیو همه امور مربوط را کنترل می کند.

جراحی روانی بدون شک به حیث یک بعد قابل بحث و در عین حال جنجالی در روانشناسی مدرن باقی خواهد ماند . فردا نوبدی است با دست آورد های نو شش در جهان دانستنی ...

توسط دستمال کاغذی مخصوص در پیچه را پاک کرد و دستمال را با محتویات آن به زمین باخود آورد . ریومین ولیا خوف یک ساعت و بیست و سه دقیقه در فضای آزاد سیری کرد و سه روز بعد سیزده سی و چهار در منطقه معینه به بسیار نرمی پا نین آمد . به این ترتیب ریومین ولیا خوف یکصد و هفتاد و پنج شبانه روز را در فضای سیری کرد تا هنوز این رقم ریکارد جبهانی در قسمت بودو با ۲۰۰ در فضای کیهانی میباشد اما هدف در این قسمت از قایم نمودن ریکارد نیست بلکه هدف این است تا دانسته شود که بودو با شش زیاد و طولی کدام خطرات را بار می آورد . علما این مسایل را بطور موافقانه حل مینمایند و وسایل حفظ ما تقدم را برای مبارزه با تمام ناگواری ها طرح میکنند . این نکته هم اتفاقا نیست که مدت اقامت در فضای روز بروز طولیتر میشود بطور مثال یوری روما نکو و گیورگی گریچکو نود و شش شبانه روز و ولادیمیر کوالو نوک و الکساندر ایوانچنکوف یکصد و چهل شبانه روز را در فضای سیری کردند و حال ریومین ولیا- خوف یکصد و هفتاد و پنج شبانه روز را . بلند بردن با لتر تمب مدت ساخت

پرستاران مربوط در قسمت کمک با مریض ، ثبت تاریخ مریض و وقایع مربوط به او با داکتر مربوطه همکاری نموده و حتی در قسمت معاینه آنها نیز تلاش و فعالیت به خرج میدهند. در بعضی حالات مهم که پرستار و معاون پزشکی نتوانند کاری را انجام دهد با دکتور مربوط ارتباط برقرار میسازد و در مورد مشکل موجود از داکتر و متخصصین مشوره طبی و هدایت های لازم را می خواهد در نقاطی که از مراکز صحتی کاملاً بعید بوده تماس مستقیم نتوانند صورت گیرد در چنین حالتی از طریق امواج را دیویی و مفاهمه تیلیفونی حل مطلب می نمایند و حتی از طریق مفاهمه تلوویزیونی و راه دیویی بعضی عملیات مهم طبی را در همین امبولانس ها انجام داده اند .

یکی از دانشمندان گفته است که آنچه که باید یک پزشک انجام دهد منوط به عملیات و جراحی مریض نبوده بلکه آنچه که عمده تر او میتواند انجام دهد مشوره طبی و هدایت های لازم است که چگونه مردم میتواند کمک های عاجز و اولیه را حین بروز حادثات ناگوار خود بخود انجام دهند و نتوانسته باشند تا رسیدن به مراکز صحتی حیات شانرا تضمین نمایند .

اضلاع متحده خدمات صحتی عاجل از طریق هلیکوپتر صورت میگیرد این کار توانسته است که در حدود پنجاه فیصد خطر مرگت را از بین ببرد .

یکی از متخصصین مربوطه گفته است از زمانیکه سیستم عاجل صحتی روی دست گرفته شده در بسا واقعات عاجل رسیدگی آن صورت گرفته و در حدود اضافت از هشتصد حملات قلبی مریضان به صورت فوری تدابیر و علاج گردیده و این بز رگترین موفقیت است که آدمیزاد تاکنون در مورد بدست آورده است .

متخصصین مربوط اظهار نظر نموده اند که امبولانس های سیار و هلیکوپتر های مربوط کاملاً با آلات و ادوات صحتی مجهز بوده تقریباً شباهت نزدیکی به یک شفاخانه میداشته باشد که در آن امراض گونه گونه تدابیر میگردد. در امریکا در چنین موسسات صحتی عاجل اکنون اضافه از یکمیزاروششصد متخصص طبی و یکصد مکتب صحتی موجود است که پرسونل مورد نیاز تر بیه و تعلیم می دهند .

در هر یکی از امبولانس ها و هلیکوپتر ها داکتر معاون داکتر و نرسها وجود دارند که نرس و

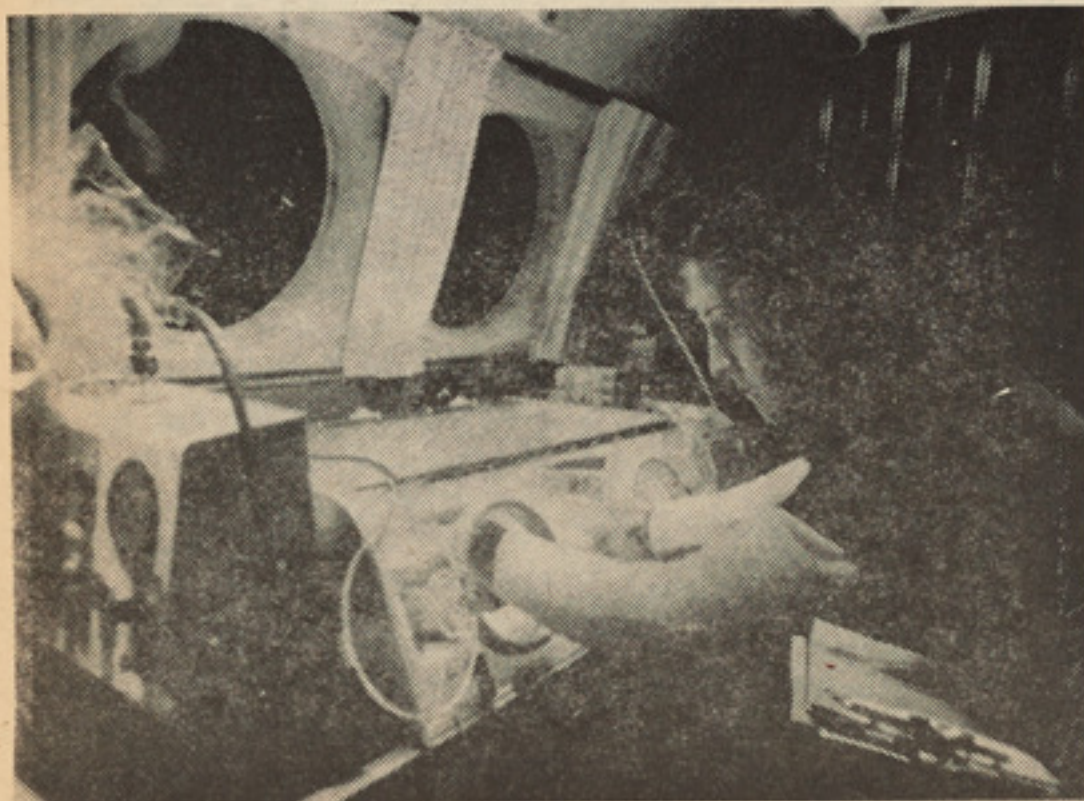


صحنه ای از خدمات عاجل صحتی که در امبولانس هلیکوپتر در جهان امروزی جهت حفظ حیات بشری انجام می یابد .

مترجم: حفیظ الله عا دی

ساینس در راه مبارزه با مصائب ناگوار در جامعه بشری

در این اواخر در شهر های مزدحم که در آنها تعداد زیاد مردم زندگی میکنند و رسیدن از یک نقطه به نقطه دیگر وقت زیادی را در بر میگیرد و این امر حین بروز مصائب و حادثات ناگوار چون حادثات ترافیکی ، حریق و غیره مشکلات را بارمی آورد و رسیدن تا مرکز صحتی قرار دهند چنانچه در بسا نقاط



یکی از عملیات طبی بداخل هلیکوپتر

جلوگیری از سوء تغذی

۱- ازدیاد و تکثیر نفوس در ممالک روبرو انکشاف :
تولدات بی در پی و نبودن فاصله معین و لازم بین دو طفل ایستادگی تکثیر نفوس را سبب میشود .
۲- قلت و کمبود مواد غذایی از اثر زراعت و فلاحت غیر کافی .
۳- تقسیم و توزیع نامناسب مواد غذایی بتمامی افراد جامعه
۴- عوامل اقتصادی و اجتماعی :
عده از باعث فقر و بیچاره گسی قادر بخیرید مواد غذایی او لیسه نیستند . و بعضی ها نظر به کلتور و عنعنات در مقابل بعضی غذاها تعصب دارند . یا اینکه بنا بر نداشتن معلومات کافی تغذی نمیتوانند مواد غذایی مفید را انتخاب نمایند . یعنی غربت غفلت و بیسوادی اسباب عمده سوء تغذی اند .

عوامل مریضی :
بی اشتهاپی ، قیات ، اسهالات ، عمل هضم و جذب غیر طبیعی ، افات سیروز کبد (که از مواد غذایی جذب شده استفاده نمیشوند) .
امراض خبیثه ، تب ، سرماخوردگی ، سوختگی ، کسور عظام ، دیابت (از باعث اطراح گلو کوز از طریق ادرار) .
سند روم نفرو تیک زیرا باعث اطراح پرو تین از طریق بو لی میشود) عبارت از امراضی اند که باعث سوء تغذی میشوند .
۵- ضرورت زیاد بمواد غذایی :
مثلا در زمان حا ملگی و شیر دهی ، کار زیاد و شانه خصوصاً در هنگام سر ما که در ینصورت ممکن غذا های عادی تکافو نکنند .
عوامل که باعث تنقیص حاصلات زراعتی میشوند :

تنقیص قوه بشری در پرو سه تولید مواد غذایی ، خرابی وضع زمین از نظر زراعت خشکسالی ها و کمبود آب خصوصاً در موسم کشت ، زراعت یک نواخت و زرع یکتعداد مواد غذایی غیر ضروری تبدیل نمودن زمینهای زراعتی به چرا گاه ها قلبه نمودن خراب و غیر فنی زمین زراعتی ، آتش سوزی زمینهای زراعتی ، امراض نباتی ، موجودیت حشرات برزخه گان و

جونده گان که بحا صلات زراعتی ضرر میر سانند و استفاد ه ادویه جات ضد حشرات نباتی بصورت غیر فنی عبارت از عواملی اند که باعث تنقیص حاصلات زراعتی شده و بصورت غیر مستقیم در بو جود آوردن سوء تغذی رول بسزا دارند .
جنگ و جدال و بحرانات گونا گون :
زیرا از یک طرف کار در مزارع صورت نمیگیرد و از جانب دیگر از باعث ایجاد مشکلات انتقالی و ترا نسپورتی مواد غذایی بصورت صحیح بد سترس مردم قرار نمیگیرد .
صعود نرخها و احتکار مواد غذایی .

نبودن کار و عدم استخدام :
مردم بیکار در اثر هم و در هم بودن توازن اقتصادی شان نمیتوانند غذا های مفید و لازم را خریداری نمایند به اینتر تیب اعضای فامیل شان با لخاصه مادران و اطفال که گروه حساس فامیل شان را تشکیل میدهند از همه او لتر مصاب سوء تغذی می شوند .

یکعده از فامیل ها که پولدار و قادر بخیرید ، هرگونه مواد غذایی ضروری و مفید اند . بدون در نظر داشت صحت و سلامت شان جهت کسب پر ستیژ شخصی و فامیلی غذا های غیر ضروری و غیر پرو تینی شیرینی دار مانند بیسکوت ، کیک ، کلچه ، شیرینی باب و غیره را که عاری از اکثر مواد تغذی و ضروری اند بیشتر تحت استفاد ه قرار داده یا اینکه همیشه بر نج را بصورت یک نواخت صرف مینمایند و خود را از غذا های ضروری و اصلی محروم گردانیده به اینتر تیب بدست خود صحت و حیات خود و فامیل خود را بمخاطره میندازند . همچنان بعضی از مادران جهت کسب پر ستیژ بدون در نظر داشت صحت اطفال شان عوض شیر خود به اطفال خود شیر پودری تو سط بوتل یا جو شک میدهند (اگر نظر به عللی ما دران مجبور میشو ند که

اطفال شان را شیر پودری بدهند با ید اول شیر رادر گیلاس و یا کدام ظرف دیگر تهیه نموده و بعد توسط قاشق به طفل شان بدهند . در نتیجه تجارب و تحقیقات علمی ثابت شده که شیر مادر بهترین غذا برای طفل بوده و اگر شیر چو شک جای شیر مادر را بگیرد بر صحت طفل اثرات نا گوار دارد . زیرا از یک طرف طفل بمقادیر زیاد شیر ضرورت داشته دز حالیکه شیر پودری گران بها بوده و اکثر وایلترین مقادیر ضرر و زی شیر را خریداری نموده نمیتوانند . و از طرف دیگر عدم مراعات حفظ الصحوی سا مانیکه شیر در آن تهیه میگردد و نشو و نمای میکروبهای گونا گون در شیر مو صوف اولاً باعث ایجاد امراض انتانی و بعداً باعث سوء تغذی طفل میگردد . که به اینتر تیب در صورت استفاد ه از شیر پودری بر علاوه گر سنگی اثنا نات نیز در تشدید سوء تغذی رول عمده بازی میکنند .

اشتها رات و اعلا نات زیاد در مورد یک عده مواد غذایی غیر مفید و بی ارزش تجارتنی توجه مردم را جلب وایشان را براه غلط رهنمون نموده و باعث بمیان آمدن سوء تغذی میگردد .

بخت و پز نا مناسب و نا تمام مواد غذایی .
یا اینکه باعث عدم هضم و جذب میگردد و یا اینکه در اثر پختن اضافه از حد مواد غذایی قسمت عمده و با ارزش آن تخریب و غیر قابل استفاد ه گردیده و به اینتر تیب راه را بطرف سوء تغذی باز مینماید .
برای اینکه بتوان از سوء تغذی جلو گیری نمود لازم است تا اولتر از همه در بی دریافت عوامل آن طوریکه فوقا تذکار بعمل آید شتافت که برای این منظور باید قبل از همه بتال وژی اجتماعی را

۱- بهبودی وضع اجتماعی و اقتصاد دی بصورت عمومی و از بین بردن غفلت ، غربت و بیسوادی که عوامل اساسی و عمده سوء تغذی را تشکیل میدهند .
۲- بهتر ساختن وضع حاصلات زراعتی ، ما لداری و غیره .
۳- تا سیس و انکشاف خدمات صحی یا اساسی از نظر کمیست و کیفیت بصورت کلی و همه جانبه .
۴- تربیه پر سونل طبی داخل سرو یسهای صحی و اشخاص فنی که در ساحه کار میکنند .
۵- تعلیمات تغذی به والدین اطفال ، پخش تعلیمات و تبلیغات تغذی بگرو پهای مختلف مردم : شامل نمودن این چنین تعلیمات در پرو گرامهای تر بیوی معارف و گنجا نیدن آنها در نشرات مختلفه کشور از قبیل رادیو ، تلو یز یون روز نامه ها ، مجلات و توزیع پوستر و پامفلتها در بین مردم پیشبرد پرو گرامهای تغذی تطبیقی و عام فهم نمودن تعلیمات تغذی .
۶- ترویج استفاد ه از مواد غذایی مفید متنوع و ارزان قیمت .
۷- گسترش و انکشاف فعالیت های تغذی بمنظور تطبیق تدابیر موثر تر در جلو گیری امراض مختلفه و توزیع غذا های پاک و صحی .

۸- فاصله بین دو حمل باید مطابق به اساسات (پلان خانوادگی) صورت گیرد تا ولاد تمهای بی در بی مساله سوء تغذی را در فامیل ها بار نیآورد .

بموجب

به سرطان نیز جلو گیری میدارد . عده از کار مندان یک فابریکه مشروب سازی مدعی است که از یک نوع سمارق الکلول و نوشابه های الکلولی استحصالی داشته است . پس سمارق اینک میتواند بجای الکلول نیز کار بدهد ، ازینرو در جهت شناخت نسوخت و خواص بیولوژیکی و طبی سمارق ها مطالعات همه جانبه ای ادا ه دارد . بسیاری از انواع سمارق های زهر آگین اکنون مورد استعمال زیادی در بخش های مختلفی از علوم طبی دارد .

های مذکور یکتوع دیگر سمارق میتواند مریضان مبتلا به سرطان را از شر این مرض مهلک و جانگناه وارها نند و پس از تسدای مداوم در بهبودی زخم ها و کاهش و محسو تومور های سرطانی کمک فراوان بدارد . سمارق های شفا بخش از گسترش و انتشار سرطان در سایر حصص وجود مریض مبتلا

تدابیر عمده...

یکی از طرق مبارزه ضد اختلال معالجه طبی است است زیرا در حال حاضر طبابت از وسایلی بهره‌مند است که ابلاهی محیط دماغی تا نیر مثبت را رد می‌کند.

به این ترتیب معالجه بیخوابی بطریق طبی و روانی صورت گرفته می‌تواند. اغلباً به معالجه روانی‌رول پیشرو داده می‌شود در ضمن قسمت اعظم معالجه مربوط به خودمریض نیز می‌باشد.

اگر علت بیخوابی عوامل خارجی بطور مگال‌گال معالجه‌ناپذیر، ترا- نسپورت شمرده شود اثرات منفی بار می‌آورد. معمولاً اشخاصی که در محیط پر شور می‌کنند بعد از مدت کوتاهی عادت گرفته و بعد از مدت کوتاهی عادت گرفته و بعد به بسیار راحت می‌خوابند و اگر محیط بکنی آرام باشد این اشخاص خود را آرام حس می‌کنند. اگر بطور مثال علت بیخوابی عوامل خارجی شمرده شود گرچه در اول چندان مهم به نظر نمی‌رسد چندی بعد شکل عامل اصلی به خود می‌گیرد و چون نکه تمام افکار متوجه عامل خارجی می‌شود همیشه باعث اختلال خواب می‌شود.

بقیه صفحه ۱۹

چگونه مبارزه با حوادث

حاضر اضافه تر از پا نزده فیصد نفوس جهان در زمان خواب ازدواهای خواب آور استفا ده می‌کنند. اما اگر دواهای مذکور مدت زیاد استعمال شود بالاخره شکل عادت را بخود گرفته و بی‌الخره شخص مجبور می‌شود تا هر روز از آن استفاده نماید زیرا بدون آن هیچ‌خواب کرده نمی‌تواند.

اگر از استعمال آن در این وقت نپن‌ناوخ‌قست‌ض‌عن‌قند آه... صورت صرف ظنر شود فشار روحی زیاد را بار می‌آورد. دواهای خواب آور معمولاً رژیم خواب را بکلی تغییر می‌دهد. قسمتی که تثبیت شده است بعد از نود دقیقه خواب مرحله خواب سریع ایجاد شده و تفریباً ده دقیقه ادامه می‌یابد در طول شب مشخص چهار الی شش این نوع مرحله را میگذراند و در اوقات صبح مرحله خواب سریع سبک تا چهل دقیقه طول میکشد. تجارب طبی نشان داده است که استعمال مشروبات الکولی این مرحله خواب سریع را که برای انسان ضروری است بر هم زده و به تدریج قلت آن حس شده و بالاخره سیستم کار رشته‌های عصبی را بر هم می‌زند. بدین ترتیب اگر از تو صیه‌های بدین ترتیب اگر از تو صیه‌های فوق استفاده شود ممکن است به صحت و سلامت انسان کمک لازم نماید. مغز زخامشک ریزر لازم بنماید.



گرویی از واحدهای دفاع ملی یوگوسلاویا که هنگام مقابله علیه تجاوز دشمن، داوطلبانه سهم می‌گیرند.

بقیه صفحه ۲۹

زنان یوگوسلاویا

انتیژه بیشتر در رشد شخصیت نظامی زنان و تقویت حس شهامت آنان تأثیر مثبت و موثر دارد. بطور مثال: پیغله «سوزاناکوفلزویک» که چهارده سال عمر داشته و یکی از اعضای فعال دسته کشفان و پیگردان (مربوط به سازمان کوچک موسسه سکوت یا پیش آهنگی شهر «پوزا ریواک» واقع ایسالت «صربیا» بوده و اخیراً به لقب و عنوان «سر افتخار «پارتیزان کشفان» یا «کشفان پارتیزان» منتخر و موفق گردیده است، ضمن مصاحبه به خبرنگار مجله ماهانه «ریویو» چاپ بلگراد گفته است:

«آنچه که بیش از همه با مشکلات بیشتر آنرا جستجو و دستیاب کردم، عبارت از جنبه عملی مهارت کار، هنگام آزمایش وظیفه محوله و نهی قاصد پارتیزانی بود که در قبال صبر و متانت خود را بدان معتاد ساختم. چنانچه یکروز تمام اوقات خود را بدون صرف غذا در جنگل هولناکی مخفیانه و دور از انتظار و تکسایوی پاسداران و پاسبانان طوری گذراندیم که آنان گاهی بشکل دستجمعی وزمانی بطور پراکنده در جستجوی من بودند تا ما در یابند ولی موفق نشدند. در آنحال پس از یکسلسله عملیات تجربتی خفیه توانستم پنهانی از دیدگاه و نقطه چشم انداز شان خود را چنان به‌دلی مطلوب برسانم که از دست شان کاری ساخته نشد. تا اینکه خاموشانه ولی بسرعت و مهارت برای طولانی روان شدم که پاسداران حتی رده قدم‌ها و راه پای مرا هم پیدا کرده نتوانستند. هنگامیکه با فراسات، مواظبت و هشجاری عمیق راهپیمایی میکردم، کلیه آنهمه پیامهایی محوله و سپرده شده را بخاطر می‌آوردم که از رهگذر یک عملیه آزمایشی بمن تقسیم و محول گردیده بود....»

در اخیر قابل تذکر است که علاوه بر بوهنخی‌های اختصاصی نظامی در یوگوسلاویا در مفردات درسی همه بوهنختنهای غیرنظامی آکتشور، مضمون تعلیم عسکری نیز در جهت معلومات عمومی محصلان شامل است که شاگردان محتوای آنرا باولع و اشتیاق تمام می‌آموزند.

در «سلوونیا» که هنگام جنگ دسته زنان پارتیزان سرامری کشور نقش فعالی را در جبهه علیه دشمن بازی می‌کردند، امروز از بنایای نظام مذکور یکدسته بزرگی از دوشیزگان جوان و صاحب انرژی و مستعد در جهت دستیابی بر وسایط جنگی ضد تانک تعلیم و تربیه اساسی را فرا گرفته‌اند بطوریکه آنان حین بروز کدام حادثه جنگی، میتوانند با استعمال بمبها و نارنجکهای دستی تانکهای دشمن را از بین ببرند. این گروه دختران در اصطلاح عوام بنام «پروانه‌ها» شهرت داشته و از یکتعداد شاگردان فارغ مکاتب عالی و ثانوی و کارگران جوان مرکب و متشکل میباشند که واحد‌های کوچکتر آنان در هر منطقه حساس یوگوسلاویا موجود بوده و هنگام تجاوز مخاصمانه دشمن خاک، چون موروملخ یا بمان مگمان زهرناک بر سروروی شان میریزند و با سمپاشی و کاربرد نارنجکها در امجای آنان دلبانه دست بکار میشوند.

برای نیل در جهت بسط و انکشاف مزید امور آموزش و فراهم آوری تسهیلات بیشتر هیات و کارمندان تعلیم و تربیه نظامی زنان بشکل منظمتر و پیشرفته تر آن، موضوع مفردات کلی مربوط به مجموعه مسایل دفاع ملی کشور، فاکولته (بوهنخی) مجبزی بنام «کل دفاع ملی» مورد توجه قرار گرفت و نخستین بخش اساسی آن بسال ۱۹۷۵ در بلگراد بنیاد گذاری شد. همچنان مطابق پروگرام منظم و مرتب، نوع چنین بوهنخی بی در دیگر مراکز بوهنختنهای یوگوسلاویا نیز رویکار آمد و فعالانه در طریق آموزش عسکری دوشیزگان زنان جوان دست بکار شد. بنحویکه این تجویز به استقبال سر حرارت زنان و دختران مواجه گردید و شمار ثبت نام درین رشته بیک معیار مطلوب و اطمینان بخشی ارتقا کرد.

باید متذکر شد که قسمت زیاد امور دفاع ملی بشکل آموزش عملی آن، خارج از محیطه بوهنخی و آموزشگاه نیز دنبال میشود و این

بوده طوفان امواج بحری را تحلیل و ارزیابی می‌نماید سیستم اطلاعیه یکی از عمده ترین کاری است که میتواند بزود ترین فرصت منطقه تحت خطر جدی را از تهلکه دهشت طوفان ها نجات دهد در صورت که چنین سیستم دقیق وجود نداشته باشد هر گونه احصایه و ارقام و یا پیش بینی در مورد به شکست مواجه میگردد. گرچه ساکنین یک منطقه که براه‌آورد حمله طوفانهای بحری وبری قرار گرفته اند تجارب در زمینه اندوخته اند که چگونه در وقت وزماتش میتوانند در رهایی و نجات شان تلاش و اقدام نمایند اما از آنجائیکه باشندگان جدید در منطقه ممکن استوارد گردند به این لحاظ کار به دشواری مواجه میگردد بنابراین ملحوظاست که دانشمندان تأسیس اداره مبارزه بر ضد حوادث را که دارای پرسونل فنی متجرب و سیستم اطلاعیه و پیش بینی دقیق اوضاع جوی باشد تا کاید می‌نمایند.

نمی‌آیند آنچه که طوفان ها در گذشته های دور تاریخی حتی در چندین دهه قبل خسارات را بوجود می‌آورد امروز فاقد آن قدرت و توان اند زیرا دانشمندان در گوشه و کنار جهان در صدد آن هستند تا وسایط و ادارات مجهز را تأسیس نمایند که قادر باشند پلان‌های وقایعی و مبارزه با حوادث ناگوار را داشته باشند یکی از موسسات فعالی که تاکنون وجود دارد در ایالات متحده امریکا است که با وسایل مجهز از قبیل اقمار مصنوعی بسه فاصله هزار ها میل در فضا نظر پیش بینی حوادث و مخابره آن در کره ارضی و به اداره مربوط می‌باشد

موسسه مذکور دارای هلیکوپتر و طیارات اند که میتوانند طوفان ها و هر یکن هارا بصورت متواتر تعقیب نموده و وقوع آن را بزود ترین فرصت در منطقه معینه اطلاع دهد هم چنان تعداد زیاد کشتی های بحری نیز روی این منظور در عمق و سطوح ابجار در گشت و گذار

عیار نمودن...

بین السیارات طرز استفا ده از زمان تعطیل چندان مسئله مهم و عمده نبوده ، چیز یکه عضویت را میا زارد . از یک طرف کاهش یکنواخت وزن بوده و از جانب دیگر زما نیکه کیهان نوردان به سطح سیاره مریخ و یامدار سیاره زهره بر سند دیگر هیچ وقت برای استراحت شان نخواهد داشتند . مگر از دیاد وزن بسان کاهش وزن معکوس گردیدن عادت خواب و بیداری را سبب گردیده و هم باعث ایجاد ناهم آهنگی نیل خواهد گردید . آیا میتوان معضله اخیر را حل نمود ؟

دو کتورس . س . ستیا نو فسا (ماستر طب) در مونو گرافش معضلات مهم بیو ریتمو لوزی کیهانی (مقاله جالبی را تحت عنوان (معلومات و ارزش انرژی بیست و چهار ساعته) بر شته تحریر در آورده است . بگمان دانشمندان ساینس هر شخص بطور انفرادی و مداوم روز مره یک مقدار معین و مشخص انرژی را مصرف نموده و هم یک اندازه معین و مشخص معلومات را کسب مینماید . ظاهرا این یکی از قوانین اساسی است که ساختمان وظیفوی و ریتمو لوزیک عضویت را رهبری میکند . و از همین باعث انحرفات از حالت نور مال در هر دو جهت ریتم خواب و بیداری را معکوس میسازد .

اگر نظیر اینگونه وقایع در حین یک پرواز طولانی اشکار گردید باید سیکل شبانه روزی با افزایش دوره بیداری (دوره جریان اطلاعات خواب بحال نور مال نگهداشته و هزینه انرژی) در حالیکه زمان خواب بحال نور مال نگهداشته شود طولانی تر گردد . البته بطور طبیعی بار عضویت افزایش خواهد یافت .

مادامیکه وقت کار شاقه آمد باید سیکل شبانه روزی با تبدیل و کاهش دادن دوره بیداری در حالیکه زمان خواب و استراحت بحال نور مالش نگهداشته شود کوتاه گردد . که بلا شك این عمل مانع تحمیل بار اضافی بسالی عضویت خواهد شد .

از نظر تخنیک اجرای این چنین عملیات هیچ مشکلاتی ندارد :

بر یود شبانه روزی زمینی و زمان سنجها بیک سیستم مصنوعی که میتواند به بسیار ساده گی به یک سیکل شبانه روزی تعدیل یابد تعویض خواهد شد .

مگر شاید خواننده گرامی پرسند که او با تکنالوزی باید چه کند ؟ در آغاز مقاله تذکر داده شده بود که انسان نمیتواند خود را با پر یود های طویل یا کوتاه تطابق دهد . و این شامل انحرفات اساسی از نمونه های عادی شبانه روزی (که چهار شش و دزاده ساعت دولم میکنند) میباشد .

عضویت انسان میتواند خود را فقط به انحرفات کوتاه (که یک یا دو ساعت دوام کند) توافق دهد . ضمنا اگر اشخاص انفرادی کاملا از تحت تاثیرات خارجی

تجربید شوند هر کدام شان (بسر نامه) خاص مربوط بخود شان که نمایش میدهند ، پر یود شبانه روزی یکی شان بیست و سه ساعته از دیگر شان بیست و پنج یا بیست و شش ساعته و ... دریافت خواهد شد .

بعباره دیگر هر شخص بصورت انفرادی برای خود یک ریتم انرژی (ریتم طبیعی او از تحت تاثیر محیط زمین خاکی ازاد است) خاص دارد .

در فضای خارجی در داخل کشتی فضا یی دور از سطح زمین ریتم انرژی کیهان نور دان با محیط ما حول شان (در فضای خارجی) به بسیار خوبی توافق نماید مگر اینکه سیکل شبانه روزی مصنوعی کمک شان کند .

پلان اعمار شهری

جها نی است بلکه محل تجمع و گرد هم آیی هزاران هزار چهره های ور زشی جهان ما شمرده میشود که در را بطه و نزد یک شدن انسا نها وشنا سازی یکدیگر نقش بزرگ را ایفای نماید او علاوه میکند که چنین گرد هم آیی ها هر قدر یکه زیاد تر صورت گیرد به همان پیمان میتوان در رفع کدورت ها و درک های نا در ست مردم از یک دگر قدم برداشته و این امر در

استحکام پایه های دولتی - صلح وترقی و شکوفانی جامعه بشری سهم از زنده بجا خواهد گذاشت او اظهار نظر نموده که بعد از ختم هر یک از مسا بقه گفته میشود دکه درین جا در حدود بیست و هفتصد الی هشتصد اسب برای کسانیکه مشتاق اسب سواری باشد وجود خواهد داشت او هم چنان میگوید که در اینجا محل مناسب برای آب بازی - جمنا ستیک نیز بوده و کسانیکه علاقه تام به آموختن انواع گونه گون ورزش داشته باشند میتوانند تحت رهنمایی مشا ورین به آموزش آن بپردازند .

باج

نوی وخت داسی خو بنی وزیر ولی چی دمحمد عمر کو چی په شان دیر نور غم لړلی کو چیان د داسی بد بختیو څخه خلاص شول چی تصور یی نشو کو لای .

داسی انقلاب راغی چی د خوارانو مینه پکی وه د زړه سواندو څپو نغمی بلبلانو و غزو لی په چمن کی سرو گلا نو داسی میلی جوړی کړی چی نندارو نه یی هر چا گټه اخسته . د شرق ځلانده ډیوی ډیری تیاری خونۍ رو بنانه کړی .

محمد عمر کو چی هم دخمکی خاوند شو . دکور خاوند شو دعزت خاوند شو . بالاخره داسی ژوند یی پیدا کړ چی د تیرو زړو خاطر و لپاره پکی خای نه و . هو دا دثور انقلاب و . دا هغه ویاړ لی انقلاب دی چی د ډیرو بسی وز لانو لپاره پکی د ژوند خو اړه زیری پرا ته دی .

هو ، اوس کوچیان ، خو بنی کوی . اتنو نه کوی ، میلی جوړوی ، هو ، کوچیان ، هو هغه سر گر دانه کوچیان چی کور یی نه در لود ، په سرو او تو دو کی لوی شوی کوچیان چی تیرو زړو مناسباً تو رپرو لی وو .

(پای)

دمسلمانانو...

داسلامی هیوادو نو سپورت مینانو زیاتی آسانتیا وی برا بری کړی؟ هو ولی نه! ددی له پاره چی سپورت کال داوړی په مو سوم کی دالمپیک نړیوا لو لوبو په وخت کی داسلامی هیوادونو ور زشکارا نو او سپورتی تیمونو ته زیاتسی آسانتیا وی برا بری شوی وی د شوروی اتحاد داسلامی بورده خوا همدا اوس یو لړ پلانو نه طرح او تر اجرا لاندی نیول شوی دی . ددغو پلانو نو له مخی دتو لو هغو اسلامی هیوادو سپورت

مینانو ته چی د ۱۹۸۰ کال دالمپیک په نړیوا لو لوبو کی دبرخیی اخستلو له پاره شو روی اتحاد ته سفر کوی بلنه ور کو له کپری چی دمسکو په جوما تو نو او اسلامی مرکز و نوسر بیره دتاشکند ، دوشنبه بخارا او دغه راز د هغه هیواد دنور و بنارونوپه جوماتونو کی اسلامی لمونځ ادا کاندی .

له دی کبله چی دمسکو د ۱۹۸۰

کال دالمپیک نړیوا لی لوبو دروژی دمبار کی میاشتی نیکمرغه ور خو سره سمون خوری دشو روی اتحاد دمسلمانانو دبورده له خوا ددغه

مبار کی میاشتی مذهبی مرا سمو

دتر سره کو لو دپاره ضروری پرو-

گرامونه او تدبیرو نه تر اجرا

لاندی نیول کپری . ددغه پرو گرامونو

په تطبیق او عملی کو لوسره هر مسلمان

ور زشکار او سپورت مین کو لای

شی چی دالمپیک دنړیوا لو لوبو

په ورخو کی روژه ونیسی او خپل

مذهبی مرا سم په خای کاندی .

اعظم لاکبر ددغه اختصاصی

مر کی په پای کی هیله غر گنده کړه

چی دنړیوا لو مسلمانانو دسو لی

او نړیوال امنیت دپینگښت په برخه

کی دهیڅ ډول مرستو او همکاریو

څخه ډډه ونه کړی .

- استیتوت قره قل يك موسمہ غیر
 انسانی می باشد که جهت انکشاف تجارت
 قره قل فعالیت می نماید .
 وی افزود : تمام فعالیت های مربوط به
 پوست قره قل به استثنای خرید پوست تحت
 رهنمایی و کنترل این موسسه صورت میگیرد .
 مثلا رهنمایی آتش دادن، سورت، عدل بندی
 انتقال بمارکیت های بین المللی ، عرضه
 و فروش در لیلامها، بازار یابی، تبلیغات
 در خارج بخاطر بلند بردن شهرت پوست
 افغانی .



رئیس استیتوت قره قل، هنگامیکه در مورد لیلامهای لندن ولینگراد معلومات میدهد .

دیه صفحه ۳۰

پوست قره قل افغانی...

این استیتوت پوست قاجر انفرادی رامثل
 يك اتحادیه جمع ودر حقیقت يك خدمت
 به تمام کسانیکه با پوست سرو کار دارند
 از چوبان گرفته تا فرد آخر .
 همچنان برای نشان دادن پوست افغانستان
 ما از طریق مجلات و پامفلت ها تبلیغات و نشرات
 هم می نمایم .

کار عمده امسال استیتوت قره قل این بود
 که پنجاه هفت هزار جلد پوست تجارتی برای
 رادریک پارتی بزرگ مخلوط و بنام انترسورت
 بمارکیت لندن عرضه نمودیم .

نظریه اثر سورت از چندین سال پیش نهاد
 شده بود مگر در زمینه کام عملی نهاده نشده
 بود . و ما توانستیم در ۱۳۵۸ تجار را قانع
 بسازیم و البته پول پوست هر نفر به تناسب
 کیفیت پوست آن داده شد که تجار از نتایج
 آن راضی بوده و امیدواریم درین راه سال
 آینده قدم فراتر بگذاریم و پوست بیشتر
 انترسورت نمایم .

بوده و از ساینس و تکنالوجی در زمینه استفاده
 بعمل می آید مگر در کشور ما تریه گوسفند
 قره قل به شکل عنعنوی آن وجود دارد ،
 مالدار بصورت عنعنوی و تجربه از اجساد
 آموخته اند که چگونه گوسفند تریه و
 جنسیت عالی و خوب بگیرند و ناگفته نماند که
 جنسیت قره قل ما عالی و کم نظیر هم میباشد .
 در آخر از عبدالنسی پایا خواستیم تا مختصر
 معلوماتی در باره فعالیت های این استیتوت
 برای ما بدهد .

آینده هم از نگاه تجارت پوست سال خوبی
 خواهد بود و امید ما بتوانیم صادرات پوست
 را انکشاف دهیم ، یکزمانی افغانستان سه
 ملیون پوست قره قل عرضه می کرد .
 عوامل پایین آمدن قیمت پوست قره قل
 چه می باشد ؟

- چیزیکه همیشه قیمت پوست را تهدید
 می نماید تغییرات مد و فیشن، بحران
 ارضی وضع جوی و غیره عوامل می باشند،
 خوشبختانه امسال در اثر برفباری های اخیر
 گوسفندان از ناحیه کم آبی و خشکسالی
 آسیبی نخواهد دید .

از رئیس استیتوت خواستیم تا بگویند که
 مناطق تولید کننده پوست قره قل کدام
 قسمت افغانستان می باشد و هم تریه گوسفند
 قره قل در اتحاد شوروی و افریقای جنوبی
 و کشور عزیز ما چگونه صورت می گیرد ؟
 وی چنین اظهار معلومات نموده گفت :

ولایت بلخ، فاریاب، قندز، سه ننگسان
 و ولایت بادغیس مناطق تولید کننده پوست
 قره قل می باشند که در صفحات شمال کشور
 موقعیت دارند .

در قسمت تریه گوسفند قره قل در اتحاد
 شوروی و افریقای جنوبی با ید گفت که
 تولیدات پوست قره قل در آن ممالک میکانیزه

- کمپنی های بزرگ که با پوست قره قل
 سروکار دارند از عدسیت ها، شاپهای کلان
 و دیگر منابع خواستند تا با ابتکارات و طرح
 های جدید پوست قره قل را دوباره مد کنند،
 به اصلاح بازی با قره قل را آغاز نمودند
 از پوست مذکور انواع مختلف کلاه، پلاپوش،
 کرمی، واسکت بافرم و دیزاین های مختلف
 استفاده کردند و مخلوط آن با جرم و چمبر
 بیشتر مورد پسند قرار گرفت .

در نمایشگاه فرانکفورت که اکثرا ترند
 مارکیت در آنجا نشان داده می شود پوست
 قره قل خوب نمایش داده شد و در اتحاد
 شوروی هم پوست مذکور را خوب نمایش
 دادند که بعد از نمایشات فوق پوست دوباره
 مورد توجه مردم قرار گرفته و مخصوصا خانها
 به طرف آن رجوع کردند ناگفته نماند که
 اغلب پوست های گل کلان مورد پسند واقع
 شد که بطور طبیعی بنفع قره قل افغانی تمام
 می شود ، که مظهر آن در لیلام ماه می
 معلوم شد و در لیلامهای بعدی قیمت قره قل
 شروع به بلند رفتن نمود که البته برای
 تجارت کشور مفید واقع گردید زیرا تمام
 پوست هاییکه جمع آوری و بمعرض لیلام
 گذاشته شده بود بفروش رسید .
 فعلا از وضع مارکیت پیداست که سال



صحنه یی از لیلام قره قل در اروپا .

زیادگیهای رنگارنگ جهان

چهار نفر دانشمند و چهار نفر دوست

ها در آلمان باقی ماندند . پوست کارت ها و عکس هایی که از این چهار نفر دانشمند رفیق بجامانده نشان میدهد که این چهار نفر رفیق علاوه بر مشغولیت های علمی به گردش و کوه نوردی نیز علاقه فراوان داشته اند .

البرت انشتین در اختراع بمب اتم کار های مهم انجام داد . او بخاطری بم اتم را اختراع کرد که بتواند آزادی را صیانت کند نه این که از آن جهت کشتار دسته جمعی استفاده نمایند . «هان» و «میت لیز» با کشف انقسام هسته ها دچار اختلال دماغی گردیدند . «لیو» در سال ۱۹۱۴ - انشتین در سال ۱۹۲۲ و «هان لیو» در سال ۱۹۱۴ بدریافت جایزه نوبل موفق گردیدند .

از سال ۱۹۱۹ الی ۱۹۳۳ این چهار نفر دانشمند و یا چهار نفر دوست عضویت اکادمی علمی برلین را داشتند . اسناد - شواهد و مدارک تاریخی زیادی در مورد اینکه این چهار نفر رفیق علمی میخواستند وقت فراغت شانرا باهم یکجا سپری نمایند نیز موجود است . این چهار نفر بودند که آینده آلمان را به صراحت پیش بینی میکردند که آلمان از حالت امپراطوری خارج شده بیک رژیم جمهوری مبدل شده وبالاخره بسوی جامعه سوسیالستی هدایت خواهد شد .

البرت انشتین در سال ۱۹۳۳ از آلمان خارج شد . رفیق او «میتز» بعد در سال ۱۹۳۸ «اتوهان» و «لیو» باوجود مشکلات و سختی

ها تحقیقات و تئوری های علمی او زنده است و بر مبنای همان تئوری ها خصوصاً تئوری نسبیت او است که تکامل علوم بی سابقه تر شده و انقلاب عظیم و چشمگیری در جهان بوجود آمده همان طوریکه البرت انشتین تئوری نسبیت را بی ریزی نمود .

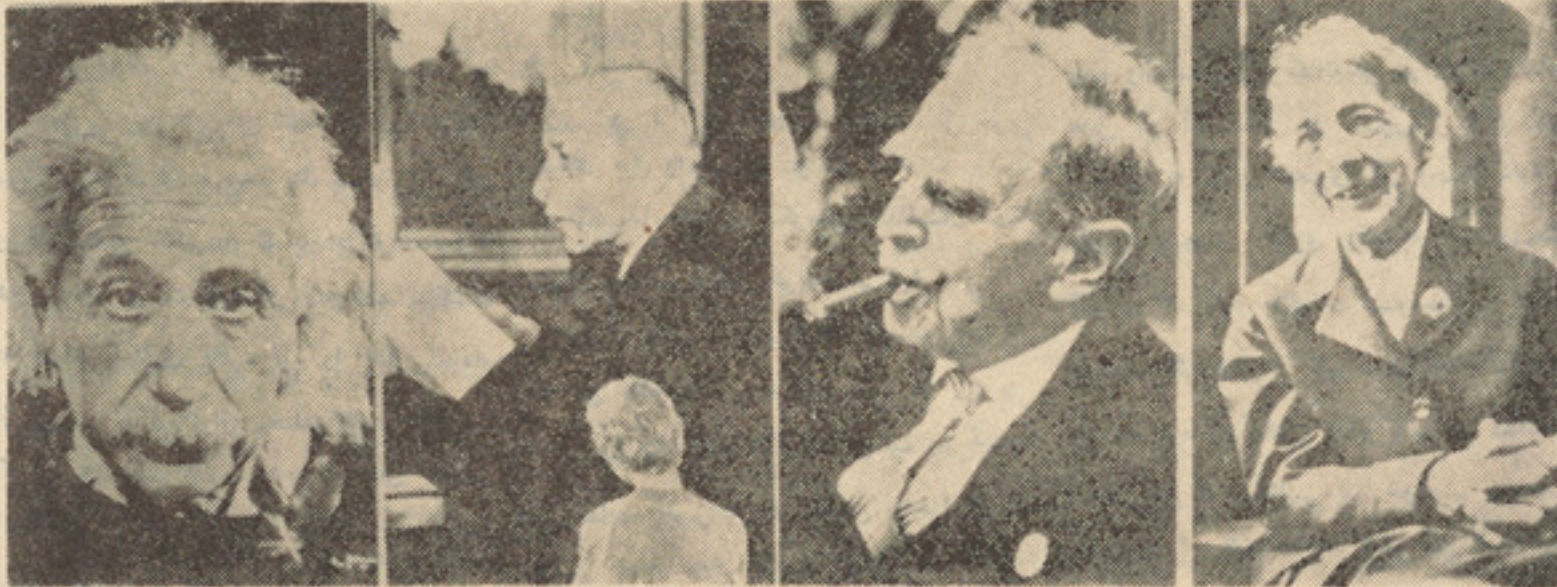
هیئتگوه «ماکس لیو» ثابت نمود که اشعه آکس را می توان از کرسنل ها عبور داد همچنان «اتوهان» ثابت کرد که اتم های ماده یورانیوم را می توان از همدیگر جدا نمود .

درین او آخر یاد بود از چار نفر دانشمند شهیر جهان که خدمات بزرگ و چشمگیری در عالم بشریت نموده اند صورت گرفت . هر چهار این دانشمندان در طفولیت و حتی در دوران جوانی و اکادمیک باهم رفیق و دوستان صمیمی بوده اند .

«لیزمیتز» در ماه نوامبر ۱۸۷۸ ، «اتوهان» در ماه مارچ ۱۸۷۹ ، «البرت انشتین» در مارچ ۱۸۷۹ و «ماکس لیو» در اکتوبر ۱۸۷۹ چشم جهان گشودند تاکنون نوآوری ها و اختراعاتیکه در کشور های جهان صورت گرفته اکثراً مدیون تلاش و فعالیت های علمی همین چهار دانشمند بوده است .

البرت انشتین نسبت به خدمات علمی و اکادمیک خود فقط بکشور خوش یعنی زادگاهش تعلق نگرفت بلکه بیشتر بیک شخصیت علمی بین المللی محبوب میگردد همه کشور ها مخصوصاً دانشمندان و دانش پژوهان هر کدام صرف نظر از اینکه از کجا هستند و به کدام کشور تعلق دارند البرت را از خود میدانستند . همین نظر ها باعث شد که سوسیالمت های ناسیونالست به البرت سخت حمله نموده حتی تقاضای این را نمودند که کارت هویت همشیری و تبعه بودن او را از او سلب نمایند .

باوجود اینکه مدتها است که آنها خصوصاً انشتین دیگر درین جهان نیست اما اندیشه



چهار نفر دانشمند علوم و چهار نفر رفیق و دوستان صمیمی جهان

موزه های موتور دار

کند . بعباره دیگر لازم است تادریں قسمت تجارب صورت بگیرد . به احتمال قوی برای اولین مرتبه سپورت مین ها موزه ها را مورد آزمایش قرار خواهند داد . این موزه ها در کجا مورد استعمال قرار خواهد گرفت؟

اول اینکه شبان میتواند به بسیار سهولت گله رمة خود را اداره کند . جیودیز یست ها نیز ممکن است به این موزه ها نیاز پیدا کنند . اما پسته رسان دهاتی ؟ سیاحین ؟ مشکل است تمام جوانب استعمال موزه های «میکه» نیزه شده . را پیش بینی کرد زیرا ممکن است با در نظر داشت مختلف انواع مختلف آنرا تهیه کرد و مورد استعمال قرار داد .



کیلومتر دوش صورت گرفته میتواند . جالب اینست که درین مدت فقط هفتاد گرام مواد سوخت را بصرف میرساند .

طبق اظهار متخصصین این دوش پرش سه کام و یادوش قبل از پریدن را که به بسیار آهستگی از آن فلمبرداری شده باشد بخاطر ما می آورد . طول «قدم» به سه متر و ارتفاع پرش آن نظر به سطح از (۲۵) سانتی متر تجاوز نمیکند . این نکته نیز ضرور است تا بگو میخانیک ها و اطباء نظریه خود را درین مورد ارائه کنند . هنوز قبل

اگر این موزه ها پوشیده شود انسان بطور مثال میتواند ساعت ها به دوش پردازد و حتی از موزه ها عقب نماند . علت اینست که موزه های مذکور با موتور ها مجهز میباشند . موتور ها در قسمت ساق ها وصل اند و در قسمت پاشنه کپریسور نصب است به کمک کپریسور مذکور سلندر های موتور هوا گرفته و توسط مخلوط داغ چارج میشود . درین اله منحنی محروقات بنزین کار گرفته میشود و اما موزه خود بالای بالشت کوچک تکان دهنده محکم است .

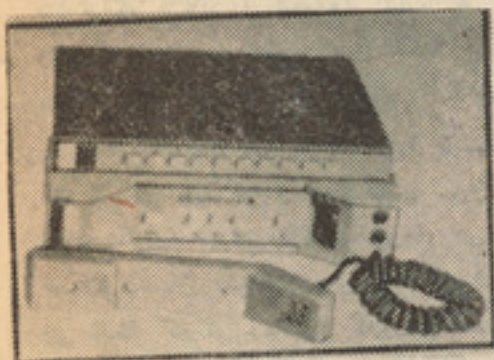
با این موزه ها در یک ساعت (۲۲-۲۵)

عصری ترین وسيله ارتباط

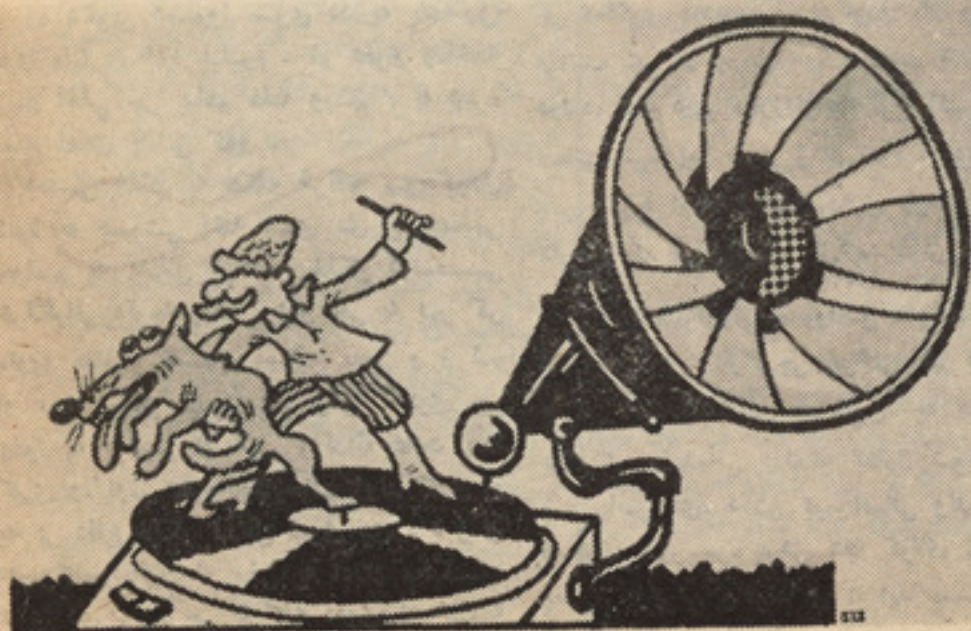
متخصصين اتحاد شوروی سیستم ارتباط رادیو تیلیفونی را درین اواخر طرح ریزی کرده اند .

این آله که بنام «التای نرم» یاد میشود در زمان بازی های المپیک در مسکو بکار انداخته خواهد شد . این دستگاه بطور کلی از آلات نیم هادی ساخته شده و وزن آن ناچیز میباشد . دستگاه ارتباطی مذکور در قوه حرارت، بروند مورد آزمایش قرار گرفت و امتحان خوبی داد همچنین در مقابل اهتزازات نیز دارای مقاومت بلند میباشد . وسیله ارتباطی مذکور پروژه های سهولتی شهر مسکو و دیگر شهر ها را با هم مرتبط میسازد .

باله مذکور میتوان از موترنمره تیلیفون مورد ضرورت را دایر نمود و حل مشکل کرد حتی از داخل موتر باشهر دیگر می توان در تماس شد . تا آغاز بازی های المپیک مسکو در حدود (۱۵۰۰) عدد این نوع دستگاه ها بکار انداخته خواهد شد .



را همراهی میکند . همینکه موسیقی را خاموش کردند دیدند که گرمک در یک فاصله نهمه وزوزه میکند . گرمک تا حدی در روزه کشیدن غرق بود که نگهبانان به بسیار آسانی و بیادون سلاح آنرا دستگیر کردند و بعد به باغ وحش لنینگراد آنرا انتقال دادند . در مکتوبی که بدین مناسبت به آمریت باغ وحش لنینگراد فرستادند چنین تذکر رفته بود : «تانگو را بسیار دوست میدارد .»



صحنه‌یی از دستگیری گرمک توسط موسیقی‌خاص ثبت شده درکست

ریل هوایی

در ریل های هوایی جدید بیج و تاب های تازه ای داده شده و مسیر های بیج در بیج و مغلق اشخاصی را که در ریل هوایی سوار شده‌اند می چرخاند و واژگون حرکت میدهد . ریل هوایی جدید بری تفریح طلبان وسیله جالبی شده است و جای وسایل قدیمی را که در آنها امکان سقوط و شکستن استخوانها بود گرفته است .

این وسیله مرکب است از یک ریل سرباز با کمر بند های که روی شانه نصب میشود . بعد از آن چندین ریل هوایی ساخته شده است ولی نخستین ریل هوایی در شهر کلنورنیا ساخته شده که سی و پنج متر ارتفاع دارد و طول مسیر آن یک کیلو متر است و در پایان راه از یک دایره ۲۶۰ درجه ای عمودی عبور میکند .

ترجمه رازق‌علیمی



گرمک و رقص

تانگو

گرمکی بود که یکی از ملوخوز های بلو روسی اتحاد شوروی را بستوه آورده بود . بعضی اوقات بالای گله حمله میکرد که در چرا گاه میچریدند . هر چند که کوشش میکردند گرمک را دستگیر کنند درنده از آنها جان به سلامت میبرد و موفق به فرار

میشد ، حتی هر بار صید را نیز با خود میبرد . مردم طریق دیگر را در پیش گرفتند و در کست غف غف سنگها را ثبت کردند اما گرمک بزودی این راز را درک کرد هر چند فرار می‌کرد در عقب خود سنگ رانمی‌دید . در یکی از شبها نگهبانان گله حیوانات برای اینکه وقت را خوش سپری کرده باشند کست با ثبت تانگو را می‌شنیدند . یکی از نگهبانان طوری حس کرد که کسی موسیقی

جلوگیری از پیشرفت سرطان

ادویه هایی که تاکنون ساخته شده رقابت خواهد کرد .

تاکنون در حدود پنجاه نوع آمادگی طبی طور معمول در تداوی سرطان در تمرینات طبی در جهان بکار برده شده و تا هنوز هر ماده‌که جدیداً کشف گردیده با امیدواری زایدالوصفی مورد استقبال قرار گرفته است زیرا تومورها طور عموم بیک سرعت سرسام آور رشد نموده و مقاومتی که در مقابل ادویه های جداگانه دارد «تکتیک» های خاص معالجه را جهت تغییر مداوم و ثابت آن ایجاب میکند .

خویش و سامان جراحی را خوب شسته و تعقیب نمائید . با گذشت زمان و در اثر کار و کوشش زیاد علما دستگاه های جراحی را بوجود آوردند که قادر به دو باره فعال ساختن بعضی از اعضای بدن و تبدیل نمودن اعضای بدن یک شخص به شخص دیگر می باشد .

از جمله مهم ترین این دستگاه های هم دستگاه الکترونی است که قادر به ساختن گرده مصنوعی و تبدیل نمودن گرده یک شخص به شخص دیگر میباشد . همچنان این دستگاه الکترونی قادر است که درائتای عملیات قلب و شش و وظیفه قلب و شش را برای انسان انجام دهد .

امروز متخصصین جراحی موفق گردیده‌اند که بعضی از اعضای سالم یک انسان مرده را بیک شخص زنده انتقال دهند و فعلاً انتقال فرنیه چشم یک مرده به شخص کور به موفقیت انجام شده و اکنون دکتران جراحی تلاش دارند که قلب را هم بمثل چشم و گرده از یک شخص به شخص دیگر انتقال دهند .

یک تیم علمی تحت رهنمائی پروفسور گلو وینسکی در انستیتوت بیولوژی مولیکول در اکادمی علوم بلغاریا ماده جدیدی را ترکیب کرده است که میتواند از نمو و رشد سرطان جلوگیری نماید .

آزمایش لابراتواری نشان میدهد که بعضی از این مواد از رشد تومورها جلوگیری کرده چنانچه هشتاد تا صد فیصد نتیجه مثبت این آزمایش دانشمندان را به این امر امیدوار نموده است که این ماده جدید با موثر ترین

قدم جدید در ساحه جراحی

تاریخچه طب از ماقبل تاریخ آغاز شده و از آن زمان تا امروز این علم سیر تکامل خود را طی میکند و فعلاً این علم در اثر کار و زحمات خستگی ناپذیر دانشمندان به پیشرفت های غیر قابل تصور نایل گردیده است .

در اینجا یک نظر مختصر به سیر تکامل علم طب در قسمت جراحی می اندازیم :

در جریان قرن زده باستور اظهار نمود که اجسام غیر مرئی زنده باعث انتقال امراض میشوند و بعد از آن جوزیف لیستر به اکثر عاقلمانند که اگر میخواهید مریضتان بعد از عملیات زنده بماند باید از همه اولتر دستهای

هغوی پي ژوندی دی

ژان لافایت

زه په پريشاني سره خپلو نويو ملگرو ته گورم . لنډ او سرطاس سړی ماته ښه نږدی شوی دی . داسې ښکاري چې کميسار او خوی يې هم پدغو خبرو اترو کې او دهغې نتيجې په برخه کې مينه او ونډه لري . کارخانه لرونکی خپلو خبرو ته داسې ادامه ورکوي :

- ډير ساده کارډی ښاغلیه ، زه چې دلته راغلی يم د موضوع پر ټولو خواو باندې مې ښه سوچ کړی دی او هغه مې ښه خپرلې دي او په وروستی پړاو کې دې نتيجې ته رسيدلې يم چې بايد خپله فابريکه دهيليو دقورمې او دالوتونکو دکانسرو دجوړولو لپاره په کار واچوم . ستا سو نظريه پدې هکله څه شي دي؟ دجوړولو هېوکې لرونکی کا نسرو دجوړولو دستور العملونه خورا ډير دي . هغه ښاغلی چې گوري (سرطاس سړی) خواته اشاره کوي ديوې مغازی مديريتې چې هلته خوراکی شيان پلورل کيږي او ټاکل شويدي چې پدغه کار کې زما سره گډون وکړي . زه تاسوته پيشنهاد کوم چې دفابريکې دفتې رئيس په توگه ماسره کار وکړي .

اوس نوښايي اقرار وکړم چې ديوچورليونې سره مخامخ يم ، په ډېه سوالنو سترگوسره ورته گورم . نور دوستان يې هم حيران او هک پک دي .

- هوکې ، مونږ کولی شو چې دالوتونکو کانسرو جوړ کړو . البته دغوډيو سره له ډيرو غوډيو سره . زه گمان کوم چې مونږ پدې توگه کولای شو چې دامريکا لپاره په غير داسې خواږه جوړ کړو چې بيا پخولو ته اړنه وي اودغه کار زمونږ په هيواد کې ساري نلري . زما هيله داده چې دفرانسې د پخلي ټول شاهکارونه په يوه قوطي کې ځای کړو او بازار ته يې وړاندې کړو .

زه دکوټي دمسوول سړی دپاره بله خپل نوي ملگري څخه بيليرم ، خو هغوی زماڅخه ژمنه اخلي چې بياهم هلته ورشم ، په ډيره مينه خدای پامانې کړو .

دداسې خلکو په هکله څرنگه سوچ کولای شو؟ په ښېوښي اخته شوي دي يا دتعمومي حواسو په اختلال ؟ ددغو خلکو دوضعې څرنگوالي دتوجه وده ، دوی چې په لېر کې دلوړو مقاماتو څښتن وودلته به يې و ز لسو او ښو خلکو تبديل شوې دي . دوی چې پخوا په پرتمين او آرام ژوندانه عادت پيدا کړي و ، اوس په ويجاړ حالت ژوند کوي او په بې دفاع خلکو تبديل شوي دي . د دوی داردوگاه دقانون له مخې په اعدام محکوم شوی دی . زه چې هرکله ددوی له څنگه څخه تيريرم راته غبرگوي او زه هم ورته سلام ورکوم اوڅوې اهميت خبرونه هم ورته ورکوم

خوتل يوه بېايه جوړوم چې دکښيناستوخڅه خان وژغورم .

دغو څلورو تنوته بهرته د خط ليکولو اجازه ورکړ شوی دی او دوی اوس دفرانسې څخه دخپلو ليکونو خواب ته منتظر دي . يوه شپه خبر رسيدې چې دپوليسو کميسار ته يو غوټ پاکت رسيدلی دی ، دغه سړی په اردوگاه کې لومړی سړی دی چې دېر څخه ورته يو پاکت رسيدلی دی . زه هغه شپه ملاقات ته يې ورغلم ځکه ډاډيرم چې سوچ وکړي چې زه ورڅخه کوم شي غواړم ، سبا سپار کله چې دڅنگ څخه يې تيريدم هغه خپله راته غږ وکړ دتود روغپږ څخه وروسته به غمجن غږ راته وويل :

- وحشتناکه ده ، ښاغلیه ، ډيره وحشتناکه ، همدانې شپه زما پاکت يې غلا کړی دی . ملگري يې چې هماغه کارخانه لرونکی سړی دی ورته دلداری ورکوي :

- غصه مه کوه زما لپاره به زياته اندازه کانسرو وليږي ... زښته زياته خودغه کانسرو هيڅکله ونه رسيد ، خواته ورځې وروسته دغه بنديان دواړه مړه شول .

ناروغ بنديان دورځې له خوا اجازه لري چې متراح ته دتللو لپاره دروغتون څخه روځي متراح هغه لوی اوبې دروازی انبار ته ورته ده چې په يووخت کې دوه سوه کسان کولای شي څنگ په څنگ کښي او خپل ضرورت رفع کړي . متراح ته دتگ په وخت کې هيڅوک کالی نشي اغوستی . بايد ديو نيکر او ښيان سره سړی هلته لاښي . دغه ورځني وتل داپريکې ټينگولو لپاره يواځنی وسيله ده . موږ پدې توگه کولای شو چې دنورو بلاکونو له ملگرو سره وگورو . زه هره ورځ په يوه ټاکلي ځای کې دملگري ((دیده)) سره گورم . او په فرانسه کې د ((دیده)) سره ښه آشنايي درلود ، هغه دپټو مبارزاتو په ترڅ کې په سختې سره تپي شوی ؤ او سره له دې چې ډير ناروغ اوضعیف دی دخپل روحي قدرت سره پدې بريالی شوی چې دبندبخاني شکنجې اودجلادانو دکړاوونو په وړاندې مقاومت وکړي .

دغه داوسپنی کارگر چې يوځلی هم دخپلې وضعې څخه شکایت ندي کړی ، په خير مه بلاک کې دسلمانې په توگه گمارل شويدي ، ښه چانس دی ، دآش يوه اضافی ونډه ورته رسيدې . برسيره پردې هغه کولای شي چې بطلون اوکرتي واغوندی او بايد دسپار له تربگاه پورې دبنديانو سر اوږيره وڅړي . تصميم نيسم چې د((دیده)) په ملگر تيا

دفرانسويانو په منځ کې دورورگلوې (د غلیم سره دښمنې) سازمان منځ راوړم ، ددغه سازمان مسوول به هغه وي . داڅکه چې هغه دخپلې دلدي په اساس تل دبنديانو په منځ کې وي . د بندبخاني دنورو برخو سره دغه داپريکې دټينگولو مسوول به هماغه اسپانوی وي کوم چې هر سپار د ((توني)) له خوا ماته ليريدول کيږي . وروسته بيا دروغتون په هر بلوک کې يو ملگري ټاکل کيږي چې دغه سره به تماس کې وي اودغه ملگري هم يو بل ملگري دمرستيال په توگه وټاکي ترڅو چې دروغتون څخه دوتلو په صورت کې دهغه دلدي سرته ورسوي .

دتوني دليکونو څخه يو هيرم چې په اردوگاه کې هم زمونږ دتکيلاتو ستنې آينگيږي . خوښه فرانسويانو چې دېر څخه خواږه لاس ته راوړي ، دغه ژمنه يې کړې دي چې ددغو شيانو يوه برخه دناروغونديانو لپاره بيسل کړي . نور څوڅه چې کار نه کوي اويابه سپکو کسانو گمارل شوي دي هم ځنې وختونه دنوټې ټوټې په ناروغانو ته وليږي . پدې توگه کېدای شي چې په اونۍ کې دوه ځلي دخوړو وډه غوټه ناروغانو ته وليږي . له بده مرغه ضعيف ناروغان دومره زيات دي چې نشو کولای دغه لېشانه خواږه د ټولو ترمنځ وویشونو ځکه تر ټولو ډير اړ ناروغان لټوي او هغوی ته يې ورکوي .

دهغو گذارشاتو له مخې چې هره ورځ دپلاک مسولين ((دیده)) ته ورکوي تصميم نيسو چې دفرانسويانو دوضعې دڅرنگوالي په هکله يو رپوت جوړ کړو ، وروسته بيا دهمدغه رپوت له مخې دخواږه هغه غوټې چې لاس ته راځي دهمدغه کميسيون له خوا وویشل شي . دخوړو په اوږدو کې دغو ټولو کارونو ته ترتيب ورکړ شو . ((توني)) هغو ونکې ليکونه ماته راليزي . هره ورځ گڼ شمير نور فرانسويان زمونږ دورورگلوې دغه سازمان سره يوځای کيږي . دورورگلوې دسازمان لپاره مبارزه موزته يوه پرتمينه مبارزه ده ، داڅکه چې دبشري افرادو ژغورنه ده د مرگ څخه . يوه شپه ((دیده)) دلومړی ځل لپاره هغه غوټه چې زما دپلاک لپاره تخصيص ورکړ شوی ؤ ماته راکړ . دهغو څلورو کسانو څخه چې بايد ددغه خواږه څخه گټه واخلې يو فرانسوی سړی هم دی چې ((ژروم)) نوم يږي ، موزدهغه په لټولو پيل کړو ورو ورو دکټونو دڅنگ څخه تيريرم او دنوموړې ناروغ نوم تکراروم او بالاخره هغه په يوتياږه گوت کې پيدا کوم . يوه ښه يې ماته ده له همدې کبله نشي کولای چې دکټ څخه ښکته شي . زه خپل دهغه ديو وطنوال په توگه ورپېژنم اوغوټه دخپل کهسه څخه پامم او هغه ته

وړاندې کوم :

- واخله داستا ده . هغه ملگري چې په اردوگاه کې دی دغه هواږه يې دتا لپاره ليزلي دی اودتعمومي ورورگلوې دسازمان په واسطه يې ماته را کړی دی چې تاته ورسوم . - ته ډاډه يې چې دغه غوټه يې ماته ليزلي دي ؟ - مگر ستانوم ((ژروم)) ندي ؟ مگر هکې په اردوگاه کې ((واو)) نه نوميدی ؟ - هوکې . - ښه وروسته ستامال دی . ما اشتباه نده کړی .

سړی غوټه خپل سينه باندې ږدي خو د خلاصولو جرأت يې نلري . او وروسته بيا جرأت کوي او غوټه پرانيزی . پينځه ټوټه ټوټې او ذري ټوټې قنديبه هغې کې وه . - اوه ! مننه هلکانو . دانو ډيره فداکاری ده ... ډيره ...

- داخبرې پرېږده . ترڅو چې زه دلته يم دبستن لاندې هغه وخوره .

ځکه چې امکان در څخه يې غلا کړی . - نه هم لږ تر لږه يوه مړی خو واخله . ((ژروم)) خپل مخ گرځوي او دستر گو څخه يوه قطره اوبسکې پر مخکې لويږي . - که وپو هيري چې څومره خو شجا له نوم ... که وپو هيري ... که وپو هيري ... او دغه سړی چې بير ته دژوندون خواته ځي دژبا او خدا په حال کې خپله نوټې خوړي . زه پداسې حال کې چې ورته گورم ، زياته خو شجا لي احسا سوم . اوس بېخي دا امکان شته چې دمرگ څخه دملگرو ژغورنه پيل کړو .

(ژوندون ته بيرته ستديد ل) - نوم دی څه دی ؟ - سره دکوم ځای اوسيدونکی يې ؟ - دومورانتن

- خو کلن يې ؟ - ډير ش کلن . - سولی ونيول شوی ؟ - ددی يو ښتني خواب دی ډيره اوږده ده . - څه فرق کوي مگر مونږ ډيروخت نلرو ! - ښه ده ، ...

هغه کس چې په پورتنۍ ډول ور سره په غږ پيدا پيل کوم او اوس زما دوروسنسي يو ښتني د خواب لپاره خان چمتو کوي خوشيښي مخکې زما دچير کمټ په څنگ کې بستر شوی دی . هغه ديو بل يوگو- سلای قيدي سره چې ټول ځان يې پلستردي په يوه چير کمټ کې پروت دی . هر څلور ويشت ساته وروسته دغه يوه ټوټه پلستر سوري ، سوري کيږي او بد بوی ورڅخه جگيري . له نيکه مرغه پدغه وخت کې هغه يې دکتنې لپاره وږی دی او مونږ کولای شو چې په هو سا خاطر يو بل سره وغږيرو زمامم چير کمټ (هغه سړی چې زما سره په يوه چير کمټ کې دی) ماته خپل ساپولسي او ويده ده .

- ښه رنه ، ته وويلی چې ؟ - هوکې ، ترټولو ښه نوم يې يو هيري چې ده يو فصل جوړونکی يم . پلار مې- آهنگرو او همدا اوس هم سره له دې چې ډير زوږدی تکړه ده . هغه دجگړې دخلورو

کلو نو به اوڙوڙوکی دجگري په ډگر کړو، نو مړه درته وایم چې هغه د (بو شا نو) سره کو مه اړیکه نلری، لیکه می پرشوی دی خو زه لایر اوسه دهغه سپین وینستان به یاد لرم د ۱۸۷۵ کال په جگړو کی یی ۱۹۴۰ جگړی و. زه هم په کال ۱۹۴۰ جگړی نه داخل شوم، په حقیقت کی زه یواځی هلته لایم خو نشو کولای چی وربا ندی دجگري ی نوم کپیږدو. زه ددی لپاره چی دغلیم له خوا بندی نشم، پس له دی نه چی فرانسوی لوتونه ماتی وکړی خپل کورته لایم او پخپل پلرنی کار باندي بوخت شوم. دا هم باید درته ووايم چی زه دخپل پلار او مور سره یو ځای او سپرم.

کو چنیان نلری؟

سولی، یو څلور کلن ځوی لرم. زما کار ځای زما دپلار کار ځای و، بنا یی اقرار وکړم ددی لپاره چی زاپه نارینه یی حوصله دی، با ید سړی ځان دهغوی څخه لیری وساتی، یوه ورځ زما یو همکار چی درپینستا متخصص ورته راغلی اوزما څخه یی وغو ښتل چی ورسره یو ځای مبارزه وکړم. زما کار هم داو هغه وسلی چی دانگلستان څخه را تلل واخلم او وساتم.

دا کومه نیټه وه؟

گمان کو م چی ۱۹۴۳ کال دفبروری بیاشت و.

ښه، تا خپل همکار ته څه وویل؟

ما ورته وویل چی اوس لا دهغه غوښتنه ښم، خو بنا یی چی دخپل پلار او مور سره وغږیزم. او وروسته بیا پداسی حال کی چی می در وازی ښه وتړل دخپل پلار سره بندی هکله وغږیزم. ښځه می به زه پیل وکړه مورمی هم همدا سی پلار می چی تل په ډیرو سختو شرا یطو کی مقاومت اوسره سینه شینی راته وویل!

(باید لایر شی څو په، اوکه زه هم زوی نه وای درسره تلم.)

اوویده کیدلو په وخت کی یی زه ښکلی کړم. دغه کار په کال کی یواځی دوه دری ځلی سر ته رسید. خوږه فکر کو م چی دغی خبری تا ته په زپه پوری نه وی؟

بر عکس وروړه، وغږیزه.

ډیر ښه زمون کار ډیره اوږده شوه دری ورځی وروسته زما ملگری چی (روژه) نو میده را غی او راته وویل چی په یسوه آزما یشی کار کی گډون وکړم.

څنگه؟ آزمایشی جریان؟

دندی درته وایم، کله چی شبه شوه مون په یوه گډ ندی موترکی ښار څخه بهر لاړو. ما هغه سړی ته پیژانل کو م چی دمو تر پر چلو باندي ناست و، خو وروسته یوه شوم چی هغه د (روژه) رئیس و ددیږ شو کیلو متر وپه شاو خواکی وا تن مو وواوه، ټاکل شوی و چی در بښنا یو برج وچا و دوو. دمو تر چلو تکی، موترکی منتظر پاتی کیده یعنی زمون عملیات دتر سره کیدو پوری د روژه رئیس انتظار ایستل. زمون کار ډیره اوږده نشوه. چا وفوتکی

مواد مو دنو موږی برج لاندی کښینیو داو او ر مو ورته واچول او و تښتیدو. کله چی برج چا و دیده مون دپینی له ځای په ډیر لیری وو.

ښه کار و، آیا ستا مو دکار وسایل لیر نه و؟

اوه، هیڅکله، تر څو چی موزیه غوښته چا و فوتکی مو پهواک لرل.

زه دهغه برج په هلکه سوچ کو م چی ښا یی دپا ریس په سیمه کی دور انکاری لومړی پینه وه. هغه داسی یو برج و چی (تامپ) په سیمه کی ډیر ستر برج و. زمون دوه ډله ملگری په دری کمیزه تو گه پدی هکله سلا مشوری یی کولی. هیڅ چاودونکی مواد یی نه درلودل، یواځی د او سپنی د تراشولو سامان یی درلودل دناچاری له مخی یی دبرج دستو په غو څو لو بیسل وکړل. پداسی حال کی چی د دغو دوو ډلو څخه یوه ډله په کار بوخت و بله ډله بهره (څارنه) کوله.

ددی لپاره چی دا ځای دسړک په غاږه کی و او همدا راز ډیر کو رونه او مغا زی ورته نږدی وی، زمون ملگری ټوله شبه پدغه کار بوخت واو هیله مند و چی د ستو دغو څینو سره سم به برج وتړیږی خو ددوی هیله تر سره نشوه ځکه سره له دی چی ټولی ستی یی غو ځی کړی لا هم برج پخپل ځای ولاړو او سره له دی چی هغه شبه سخت با دلگیده خو کومه بله پینه منځ ته را نغله، سبا سپارچی آلمانیان

دگزمی لپاره راغلل ددغه کار څخه خبر شول او دبرج ستی یی بیرته جوړ کړل. زمون شمیر تنه ملگری دغه کار با ندی سرو نه ایښی و خو دسا مان د نشتوالی له کبله بر یا لی نه شول. دهمد غی یی اغیزی فعالیت له امله، (رومن) ته وویل چی د چا و فوتکو موادو دلاسی ته راو ډ لو په

هکله سوچ وکړی. هغه اته ورځی وروسته ماته احوال راگر چی سل کیلو گرامه (دینامیت) چاودونکی مواد یی تهیه کړی دی او په مخصوص پټ ځای کی یی ایښی دی. ددغه دینا میت لپاره خپله

(رومن) اقدام کړی و یعنی مجبور شوی و چی د (سن - گه - مارتن) انبار ته چی ښه ښکی بلدی و لاډ شی دانبار سا ټولکی وکړی او دانبار په موجودی لاس پوری کړی. دلته باید اعتراف وشی چی خپله ساتو تکی هم مقاومت نه و کړی. وروسته بیا قتیلی او دارو ته اړ وو. ددغه کار لپاره یو بیل ملگری د (لوار) انبار تر نظر لاندی نیوه او په وروستی پړاو کی دملگرو له خوا لو مړی بله وچا وفوتل شوه پدغه کار کی لس تنه ملگری گډون کړی وو. دغه فعالیت د ۱۹۴۱ کال دمی دلو مړی ورځی جشن سره سمون شو.

په هر صورت اوس راځو د (رنه) کیسی نه چی داسی ادامه ورکړه ډ

کله چی بیر ته کورته ستون شوم دپینی شپي نه دری ساعته تیره شوی وه. ښځه می ځلا ستلی نهوه او دپلار او مور دکو نسی خراغ هم بل و. پلارمی په بیره را څخه یو ښتنه وکړه چی دکار نتیجه څنگه وه؟ او وروسته بیا زیر ځانی ته لاړ او سو. بوتل شراب یی راوړ. دکورنی ټول غږی څو ښی او خو شحال ښکا ریدل.

څه ښه خلک!

څه دی وویل؟

هیڅ ادامه ورکړه.

وروسته بیا دکار ښه بدلون ومو ندله زه نور دبرجونو دنړولو لپاره نه تسلیم. په تیره بیا دهما څه یو ځلی ته پر ته ما هیڅکله دکو مشی په چا و دو او لاس پوری نه کړه. مون یواځی دښار ته بهر تلو ترڅو هغه وسلی چی دالو تکی څخه مون ته اچول کیدل تر لاسه کړو.

تاسو ته ډیرا شوت سره هم وسلی اچولی؟

هوکی هره شبه چی آسمان شین و ما ویل چی اوس به (روژه) راشی. او هغه هم را ته، او مون پخپلو با یسکلو نو سپریدو او دلسونه تر شلو کیلو متر و پوری دښار ته بهرو تلو.

تاسی یواځی دوه کسه واست؟

نه نور خلک هم وو. مون په تل ښه ټا کلی ځای کی پتځه یا څلور کسه وو. ما ټول پیژانده څکه چی هلکان به ز مو ډد کو ځی خلک وو. دهغوی په منځ کی یسوه تنه یوه لاری مو تر هم در لوده ا وهما څه سړی و چی وسلی یی ځای ته رسول...

(رنه) ماته دوسلی دتجو بلولو څرنگوالی شرح را کوی.

تا سو ددغو وسلو سره څه چا ری سرته رسول؟

زه پدی هکله څه نه یو هید م څکه چی مون دغه وسلی دیو کیلو ال کور ته وپل او هرو مرو په نور کمان دغه وسلی کو م بل پت ځای ته وپل. خو هغه شی با ندی چی زه ښه یو هیڅ م داده چی مون د ۱۹۴۳ کال دژوئیه په میاشت کی وټول شو. دوسلی اکثره پت ځایونه دآلمانانو له خوا کشف شوی وو.

نو پدی رنگه دا ټولی وسلی هیڅ په درونه خوډ؟

هیڅ!

ستا سو رئیس څولو؟

زمون دسیمی رئیس (روژه) وه. خو دهغه پور ته هماغه سړی و چی مون یی دمو تر سره بله ور ساوه. ددغه سړی نه پر ته یوه ښځه هم وه چی کار کوله، خو ما یوه ځلی هغه ولید او هغه هم یوه شبه وه چی یو ملگری ډیرا شوت سره ښکته کید له، هغه ښځه دغه ملگری په مو تر کی کینا وه او را هی شوه. زه یوا ځسی دومره یو هیڅ چی هغه یوه انگلیسی ښځه

وه خو بنا یی چی کومه مهمه دنده یی دره لودله د اڅکه چی په ډیره آما نه تو گه غږ ید له او ستر گږی هیڅ ډارنه درلودلی. ستا سو په سیمه کی کمو لیستان هم و؟

هوکی و، خو مون حق نه در لودل چرله هغوی سره اړ یکی ټینگی کړو.

او ته سوچ نه کوی چی دهغو وسلو یوه برخه هغوی ته ور کړای وای؟

زه کا ملا موافق وم، ځکه زه پوهید م چی هغوی به دغی وسلی په کار رواجوی. خو پدغه هکله تصمیم نیول زمو ډحق نه و.

گوره (رنه)، یواځی هغه وخت غلیم باندي بریالیتوب امکان لری چی ته او دقا په خیر نور جنگیا لی خلک سره لاس یو کړی.

(رنه) پس له دغه خبرو اترو څخه ما سره ملگری شو. هره ورځ دخپل دژو ند سیمی، دکور، ښځی او کوچنیانو په هکله غږ یدل. زه او س یو هیڅ چی ددوی دډوډی په څونه کی یوه او دسپنی څخه جوړ شوی گل شته چی خپله رنه هغه جوړ کړی دی.

زه اوس ښه یو هیڅ چی دبالښت ترڅنگ یی یو وپ خراغ شته دسو وکونو د خرا غونو په خیر. زه اوس یو هیڅ چی ښځه یسی شر میلی او ډیره خوږه ده. زه او س دهغه په کور کی ښه بلد یم. پلار او مور یی هم پیژنم. مینه وال، گاونډیان اوان د دهغه دژوندنا نه ډیری وپی ټکی با ندی ښه یو هیڅ. (رنه) یو نجیب، ساده او ژوندانه ته امید وار کار گړدی، هغه په عین حال کی چمتو دی چی دخپل هیواد په لار کی خپل خون ځان چار کړی. (رنه) ما باندي ډیر گران دی.

ن سپار پخپل ورځنی لیک کی (تو نسی) ماته ډیر مهم خبرونه در لودل. (رو برس) چی پتځه میا شتی مخکی زمون ته بیسل شوی و بیرته اردو گاه ته راغی. هغه یی پاریس ته یوو لی وه تر څو چی د گشتا یو په وپاندي یو ځل بیا ورڅخه استنطاق وکړی هغه یو سلو پولس ورځی د (فرن) به چیل کی کورته قلغی وه. اوس هغه دقرنطینه په برخه کی په اولسم نمبر بلوک کی سا تل کیدی. ډیر ډ گتر شوی دی خو (تو نسی) کو لی شی چی هغه ته په ور ځ کی یسوه ډوډی ور سوی.

بل خبر داده چی کو لی شو دهغه په واسطه بندیان دهر گ څخه وژغورو. لیننگراد بیخی خپلواک شوی دی. داپوه هدیه ده ستا لین ته د سور پو ځ دپنځه ویشتسی کالیزی په ویاړ. زما په څنگ کی یو فرانسوی پروت دی چی ددغه خبر په وپاندي بی تفاوت ښکاری، خو (رنه) خو شحالیری اووایی:

فعالیت‌های

گرام مجوزه و پیشنها دات کشور های عضو پیمان وار سا همیشه روی تحدید و کاهش سلاحهای نظامی و بخصوص تحدید و جلو گیری از تولید سلاح هر گبار اتو می بوده و طبعاً این موضع گیری و اتخاذ چنین موقفی از طرف پیمان وارسا در حقیقت به منظور خلع سلاح عام و تام میباشد . اما امپریالیسم جپا نی به هیچوجه حاضر نیست تا در برابر این پیشنهاد کشورهای اعضای پیمان وارسا موافقت نشان دهد و با استغاده از حیل ووسایل گوناگون در صدد آنست تا کشور های آسیای بی را بخصوص ص به انبار خانه اسلحه تبدیل نموده و از این انبارها برای اعمال مقاصد واهداف شوم خویش استفاده نموده و با استغاده از چنین وسایل، سایه شوم و نکبت بار خویش را گسترده و این کشورها را مورد غارتگری قرار داده و تمام هستی ما دی و معنوی- آنرا چور وچپا ول نموده است این دیگر به همگان معلوم است و ضرورت امپریالیسم جپا نی و در راس آن امپریالیسم امریکا تجا و زکار است و با خدعه و فریب و نیرنگهای گوناگون ورنکارنگ نمی تواند توجه اذهان عامه را از بحران داخلی امپریالیسم پسوی دیگری معطوف دارد .

امپریالیسم از آنجا نیکه در عرصه های مختلفه مبارزه اجتماعی مواجبه شکست های مرگباری گردیده و به عقب نشینی های

در قبال جنبش نجات بخشس خلقهای زحمتکش خود امریکا مجبور میگردد، اکنون که امپریالیسم در حالت نزاع است ، با وجود آنهام تلاشهای مذموب خانه ای راسر می دهد، اینجا و آنجا و در گوشه و کنار مختلف جهان دست به کودتا های ارتجاعی و ضد انقلابی زده و در صدد آن برآمده تا حکومت دست نشانداده و گوش بفرمان خویش را بقدرت رساند ، با فرستادن نمایندگان و دست پروردگان و غلامان حلقه بگوش خویش در آرزوی پوچ و خام ایجاد موافق در قبال مسیر پیروزنده پروسه انقلابی برآمده و باجاذبان نمایندگان سر سپرده و سوگند خورده خویش در صدد آنست تا حکومت ملی و دموکراتیک ، حکومت خلقی و مردمی را که جدیدا در این کشورها عرض اندام نموده از درون منفجر سازد اما دیگر این آرزوی خویش را امپریالیسم امریکا از جمله درافغانستان انقلابی با خود بگوربرد .

ارتجاع جپا نی به سر دمدا ری امپریالیسم ایالات متحده ایمن واقعیت سر سخت را نمی خواهد پذیرد که او و مخر بینش در جهان محکوم به شکست اند و در هیچ عرصه زندگی اجتماعی برد با آنها نیست ، دوران و عصر ما ، عصر فرو ریختن شیرازه امپریالیسم ، عصر پیروزی های پی اندر پی خلقها و موفقیتهای بی شمار جنبش طبقه کارگر در کشورهای سرما-

یدا ری ، عصر رشد روز افزون نیرو های صلح و عدالت اجتماعی و... در این دوران و عصر که عصر ترقی و تکامل شگوفان و سر یح السیر جوامع بشری و عصر انقلابات کارگری و آزادی بخش نام گرفته است ، جریانات حوادث و تعقیب پروسه انقلابی جپا نی خود می رساند که شکست استعمار یسار تجاع و امپریالیسم امریکاست حتمی و قطعی و هیچقدرت و نیرویی در عرصه مناسبات سیاسی جهان قادر نیست تا از این شکست و فنا ی حتمی جلو گیری نماید .

در اثر پیروزی های پی اندر پی پروسه انقلابی جپا نی و عقب نشینی ها و شکست های فاحشی که نصیب امپریالیسم و ارتجاع جپا نی گردیده و میگردد بیش از پیش توان قوا بنفع نیرو های هوا خواه صلح ، دموکراسی و عدالت اجتماعی تغییر نموده و هم چنان روز تار و زوبیش از پیش این توازن قوا بنفع مترقیتهای جهان انسانیت تغییر خواهد نمود . این سلسله تغییرات عینی بوده تشکیل کاملاً مستقل از ذهن و شعور آدمی تگویی می پذیرد ، جهان در مجموع و بشکل یک کل در تغییر و تجدید دائمی است ، این پروسه پیدایش و دامنش پدیده های نو و مرگ و فنای پدیده و فاکتورهای نوظهور و عینی تکامل است .

از جمله فعالیت های خرابکار امپریالیسم امریکا یکی هم عدم شرکت و تحریم با زیمپهای المپیک ۱۹۸۰ در مسکو است ، این عمل امریکا بخودی خود دشمنی شکست و به اصطلاح احتجاج امریکا بر ضد

اینهمه شکست و عدم موفقیتهای اصطلاح و اعتراض (!) بر ضد پیروزی های پی اندر پی مترقیتهای و بر ضد پیروزی های شکر فجهان دموکراتیک و بر ضد تغییر قوا بنفع نیرو های صلح و عدالت مترقی و به نقض نیرو های امریکای جنک طلب می باشد .

اگر نیرو های تجا و زکار و جنک طلب ، نیرو های امریکای شیطان صفت و سوار بر متحدین پنهانی و آشکارش بخوانند یا نخواهند مرگ حتمی و قطعی امر حتمی آینده آنها را میسازد و از این مرگ و فنا ی حتمی نمیتوانند گریز نمایند . اکنون خلقهای میلیونی و توده های زحمتکش جهان با نیروی چندانی و با عظمت و با بهت بیسابقه و همراه با متحدین وفادار خویش بر ضد نیرو های امپریالیستی همچنان می رزمند و در این رزمگاه پیروزی قطعی و حتمی همراه با این خلقهای ستم دیده زحمتکش بوده و دشمنان نش وهر آنکسیکه بر ضد ارا ده رزمنده توده های ستم دیده زحمتکش قرار گیرد مرگ و فنا ی آن حتمی است .

بیا نید با نیروی اتحاد و همبستگی بر ضد امپریالیسم جپا نی و در راس آن بر ضد امپریالیسم امریکا مجاهدت پیگیر نماییم و افتخارات بزرگی را برای ما در وطن گما نی نموده و زندگی شرافتمندانه و آبرو مندانه ای را برای خلقهای زحمتکش وطن خویش افغانستان عزیز سازمان بخشیم پیروزی از آن ما ست ، از آن خلقهای ستم دیده و زحمتکش افغانستان عزیز است

پیش گوئی

منظم تعقیب ننموده بلکه بعضاً دوام بریود آن از ۵۰ تا ۱۰۰ سال وقت را نیز در بر گرفته است .

با وجود تمام این تحولات علت سردی قسمت های وسیع کره زمین که ۲۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال دوام نموده آفتاب نبوده بلکه تغییرات جزئی در مدار زمین بوده که باعث دور شدن سیارات از آفتاب و با نتیجه سبب کاهش رسیدن حرارت خورشید به زمین گردیده است .

نه تنها کاربن دای اکساید ، بلکه کاربن کلورو فلور و تایتروس اکساید تا نیر مشا به در گرم ساختن زمین دارد

حتی ذرات گرد و خاک حاصله صنعتی که چند سال قبل بجهت منبع سردی تصور سفیر بشمار میرفت فعلاً منبج منبع مهم تسخین کره زمین بحساب می آید اما علت عمده گرم شدن سطح زمین کاربن دای اکساید بوده و محتویات آن به سرعت رو به افزایش میباشند . متخصصین دریافته اند که به اثر انقلاب صنعتی سال ۱۸۶۰ غلظت کاربن دای اکساید از ۲۸۵ حصه در فی میلیون به ۳۱۲ تا ۳۳۰ حصه در فی میلیون رسیده و به ۴۰۰ حصه در فی میلیون در سال ۲۰۰۰ و دو چند آن در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید .

تقلیل جنگلات :

تقریباً نصف اندازه کاربن دای اکساید موجود توسط ابحار و جنگلات جذب گردیده و نصف دیگر آن در سطح زمین باقی میماند . قطع اشجار و جنگلات علت

دیگر از دیاد این گاز در سطح میباشند .

تأثیر از دیاد کاربن دای اکساید بالای اقلیم چیست ؟ اگر چه اسناد تاریخی عینی بر اینکه کاربن دای اکساید باعث گرمی اتموسفر زمین میگردد موجود نیست اما ساینس دانان معتقدند که گرمی اتموسفر زمین در سال ۲۰۵۰ به اندازه گرمی آن در ۴۰۰ تا ۸۰۰ سال قبل خواهد بود که در آن زمان قسمت های وسیع دشت های امریزی منطقه حاره شاهد باران های زیاد بود . متخصصین اتحاد شوروی از محاسبات خود چنین نتیجه گیری نموده اند که در سال ۲۰۵۰ درجه حرارت زمین به اندازه ۴ درجه سانتیگراد بلندتر گردیده که در این صورت یخ بند های بحر منجمد شمالی ذوب گردیده و برای نخستین بار بعد از میلیون ها سال در آن آب بوجود خواهد آمد البته سطح آب بلند نخواهد گردید ولی ذوب این یخبندان باعث

تغیر عمده اقلیم نیم کره شمالی میگردد که در نتیجه آن خشکسالی در مناطق گرمتر رخ خواهد داد .

آیا میتوان از گرم شدن اتموسفر جلوگیری نمود ؟ تعداد کثیر اقلیم شناسان توجه جدی متخصصین مربوطه برای دریافت منابع جدید انرژی جلب مینمایند . البته به مشکل میتوان حکومت را بدون داشتن شواهد و اسناد معتبر مبنی بر خطر گرم شدن اتموسفر زمین و مشکلات حاصله از آن قانع ساخت اما انتظار کشیدن چنین زمانی و وقوع این خطر خبر از دست دادن فرصت و تحمل مشقات حاصله از آن چیزی دیگری نمیتواند از آن توقع نمود . تحقیقات وسیع جهت پیش بینی دقیق اوضاع جوی و انکشاف تکنالوژی جدید تسوله انرژی جهت تعویض انرژی مواد نفتی ادامه دارد .

ورزشکاران افغانی برای مسابقات المپیک ۱۹۸۰ مسکو آمادگی می گیرند

ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک جمهوری دموکراتیک افغانستان از چندین بدین طرف جهت اشتراک نمودن ورزشکاران افغانی در مسابقات المپیک ۱۹۸۰ که در تابستان سال آینده در کشور دوست و همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی برگزار می گردد به یک سلسله اقدامات موثر دست زده که در قدم اول انتخاب تیم های ورزشی را روی دست گرفته است چنانکه روز شنبه شش دلو مسابقات آزاد انتخابی بوکسنگر در جمنازوم پولی تخنیک کابل با شرکت یکمده ورزشکاران تازه وارد و کهنه کاران آن دایر نمود .

مسابقات مطابق به قوانین و مقررات پیش برده شد شرکت کنندگان از وزن ۴۸ کیلو گرام به بالا رویاروی هم قرار گرفتند و برای اینکه مسابقات طوریکه جوانان آرزومند آن بودند پیش برده شود ریاست ورزش کمیته ملی المپیک از ورزشکاران سابقه دار و شاخص جیز نیم موظف نمود تا استعداد و اهلیت کاندیدان تیم منتخب را بررسی و نظارت کنند .

مسابقات مطابق پروگرام مرقبه با در نظر داشت بر مبنای طرح شده طوری بود که هر یک آنها سه بار در برابر هم قرار گرفتند و این روند و بازدید های مدعیان تیم منتخب با حضور یابی هزاران تماشاچی با ابراز احساسات فیک و گرم شان پیش برده شد .

درین مسابقات طوریکه گفته آمدیم چهره های براننده و شناخته شده می این ورزش در بین ورزش دوستان بوکس چهره های تازه کاری درخشیدند که برای بار اول در همچو یک رویداد توجه بیشمار ورزش بکس را به خود معطوف داشت . چنانکه محمد عمر از کلب باغ بالا طی دو دیداری درین مسابقات چنان درخشید مثل که سالهای درازی را در چنین مسابقات با حر یغان مصاف نموده باشد و هکذا فرید احمد از تیم تعلیم و تربیه که شناخت چندان زیاد در بین هواخواهان این ورزش نداشت توانست با حضور یابی اش درین مسابقات با درخشش عالی و چشمگیر خویش گامی بگذارد که از استعداد خوب و قابل انکشاف درین ورزش برخوردار می باشد نامبرده دوبار در حریف خوب

و شناخته شده اش را با حملات سریع مشت های کوبنده از یاد آورده در دیداری نخست محمد کبیر از کلب عزیز و کیلی را در دیدار دوم سید ظهورالدین از کلب باغ بالا را طی سه روند توانست مغلوب خود کند .

فیض محمد از کلب کارمند چهره دیگری از کاندیدان راه یابی تیم منتخب طی این مسابقات توانست با درخشش خوب و چشمگیر نسبت به مسابقات انتخابی اسپارتنکیاد مسکو که چند ماه قبل بود و در آن مسابقات مغلوب یکی از حریفان گردید این بار توانست

راحتی را به تیم منتخب باز کند . همچنان عزیزالله عزیز چهره شناخته شده فیزیکی این مسابقات توانست با ملاحظه به سکنتش در مسابقات انتخابی اسپارتنکیاد مسکو با پیروزی اش در دو مسابقه راه خویش را به تیم منتخب باز کند . عزیز طی دو مسابقه که انجام داد عبدالسمیع از کلب باغ بالا را با چند حمله سری حسابی و مشت های کوبنده در روند اول ناک اوت نمود . و حریفش که تعادل خود را از دست داده بود نتوانست در رندهای دوم و سوم در برابر حریف خود ظاهر شود .

و همچنان عزیز در دیدار بعدی خود محمد انور از کلب یاران صدیق را طی سه روند با کسب امتیازات قابل ملاحظه توانست بر حریف پیروز گردد .

درین مسابقات علاوه بر شرکت کنندگان که با هم دیدار ها نمودند چهره های دیگری چون عزیزالله اختری - محمد حلیم - محمد عارف و رستم کارمند چهره های بودند که بدون ظاهر شدن حریف شان در رینگ در سکوی افتخارات بالا رفته کپ های قهرمانی را افتخارانه در یافت نمودند که این پیروزی

بر چون و جبرای آنها از طرف تماشاگران با گرمی خاصی استقبال گردید . و قراریکه جدول نتایج انتخابی بکس نشان داد :

درو وزن ۴۸ کیلو گرام :
- شمس الدین از کلب آریانا حایز مقام اول .

- سیدولی از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

در وزن ۵۱ کیلو گرام :
- نثار احمد از کلب عزیز حایز مقام اول .

- سید محسن از کلب کارمند حایز مقام دوم .

در وزن ۵۴ کیلو گرام :
- حمیدالله از کلب باغ بالا حایز مقام اول .

۲- حمیدالله از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .
- محمد نعم از کلب عزیز و کیلی حایز مقام سوم .

در وزن ۵۷ کیلو گرام :
- سلام ربانی از کلب آریانا حایز مقام اول .

- محمد هارون از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

در وزن ۶۰ کیلو گرام :
- فیض محمد کارمند از کلب کارمند حایز مقام اول .

- شهاب الدین از کلب آریانا حایز مقام دوم .
- عبدالخلیق از کلب باغ بالا حایز

عبدالسمیع از کلب باغ بالا حایز مقام سوم .
- در وزن ۷۵ کیلو گرام :
- عبدالخلیم از کلب نساجی افغان حایز مقام اول .
- در وزن ۸۰ کیلو گرام :
- فرید احمد از تعلیم و تربیه حایز مقام اول .
- سید ظهور الدین از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .
- محمد کبیر از کلب عزیز و کیلی حایز مقام سوم .
- در وزن ۸۰ کیلو گرام به بالا :
- محمد عارف از کلب آریانا حایز مقام اول .

در حله نوین ...

بقیه صفحه ۷

گفت : شاید من از هر کس دیگر معنی این تحول را بیشتر درک کنم زیرا بیشتر از یکسال را در زندان مخوف پلچرخ سپری کردم ، و دو ماه قبل که آزا دگشتم ، میدانم که زندگی چیست و آزادی چه معنی دارد .

- بلی آزادی واقعا زیاست ، و این زیایی و فرحت را جمهوری دمو گرام تیک افغانستان پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثوریه مادهه است من زندان پلچرخ قصه های زیادی دارم ، قصه های تلخ و دردناک از ظلم امین و باند جنایتکارش . یکی از این جنایات زندانی کردن صد ها کودک بی نوا بود بلی آنها زندانیان سیاسی بودند در حالیکه من این کودکان بین یک تا هفت سال بود . او چقدر شرم آور بود آن همه ظلم و وحشیگری .

جوانان که جز سعادت و خوشبختی مردم چیزی نمی خواستند به جرم اینکه آزادی را دوست دارند به زندان افکنده شدند و ای بسا که بسیاری از این جوانان ماهر گز از زندان بیرون نشدند ، زیرا بسیاری از آنان در زیر شکنجه های طاقت فرسای باند خون آشام امین نابود گشتند و جان خود را در راه آزادی از دست دادند .

باید بگویم که صدای حق و عدالت برای امین و باند وی خوش آیند نبود ، زیرا آنها از عدالت می ترسیدند .

بازی پرسی طبی اطفال و مادران میباشند در اتحاد جماهیر شوروی برای آن دو کشور - نیکه در رشته امراض طفل تخصص حاصل میدارند ، انستیتوت های کاملا مدرن و مجهز با وسایل طبی آماده و همه ساله عده بیشتر از دوکتوران جوان شامل این انستیتوت ها گردیده

بعدا سند فراغت را بدست می آورند و در مرکز طبی مشغول خدمات اجتماعی میگردند . مردم کشور ما سال بین المللی طفل را به معنی واقعی آن برگزار نمودند ، و تمام فعالیت های مردم ما برای تربیه نسل سالم آینده در خور توجه است . و به همین اساس است که نیروهای طرفدار صلح در سراسر جهان برای امر صلح و امنیت جمعی به صورت خستگی ناپذیر مبارزه مینمایند .

زیرا این صلح است که در تربیه و پرورش اطفال ممد و موثر است و اطفال نیز ضرورت شدید به امر صلح دارند .

دولت و زعامت جدید افغانستان در تلاش این اند که چگونه و چطور میتواند برای آرامی مردم افغانستان گه سخت رنج دیده اند مصدر خدمتی گردند و از حق نگذریم که در طول مدت دو ماه کار های بس بزرگی انجام شده است . به عقیده من آزاد شدن زندانیان سیاسی و استرداد چایداد های مردم که به نا حق از یکعده وطن پرستان مابه زور و جبر گرفته شده بود از کار های مهم و بارزش دولت ماست .

آزادگذاستن مردم بیه مناسک مذهبی شان از کارهای دیگر دولت ملی و دموکراتیک ماست که در خور توجه است .

سوال بالا را از یکعده همکاران دیگر فوضیه امیری نمودم که آنها حرف های همکار شان را قایید میدارند . و در ضمن با یکصد گفتند که آزادی که بزرگترین نعمت خداوندی است و هر کس حق دارد آزادزیست نمایند در ظرف همین مدت کمتر از دو ماه از طرف دولت ما بهترین شکل برای مردم مادهه شد و حقوق فردی و اجتماعی مردم مخصوصا زنان به بهترین وجهی حمایت میگردد .

از جوانی به اسم محمد امان در بساره مرحله نوین تکامل انقلاب ثور برسیدم ،

بقیه صفحه ۸

بخاطر یک ...

در اتحاد شوروی کمک های اولیه طبی برای مادران و اطفال به کدام معیارات مدنظر است ؟

پرورش مودال عالی و زمینه ای ارتقا دادن به شخصیت طفل مساله جدانا پذیر از صحت مندی طفل می باشد . در اتحاد شوروی سیستم علمی طبی از صحت مندی تمام اطفال و ارسی جدی بعمل می آورد . یعنی مادران و اطفال را بادر نظر داشت میتوهای کاملا جدید طبی تحت نظارت قرار میدهند و وقتا فوقتا آنها را در کلینیک های مربوط تحت بازپرسی طبی قرار میدهند .

در سال (۱۹۷۸) در حدود (۱۲۰۰۰۰) اطفال به بولی کلینیک ها و در حدود یک صد هزار خانم به زایشگاه ها و مراکز صحتی مراجعه نموده اند . به هزاران دوکتوران و ورزیده و متخصصین مسول



میباشد، تصادفی نبوده و محصول ذهن این ویا آن رجل سیاسی و ساینتمیست نیست. همچنان این سخن مفهوم آنرا ندارد که نگارنده این سطور از نقش افکار رجل سیاسی و محققین علوم طبیعی انکار کرده و چشم پوشی نمایم، بلکه قصد آنست که باید در همه زمینه ها، بالاخص در زمینه تناسبات منطقی بین نقش افکار و اختراعات از یک طرف و بین قوانین تکاملی جامعه و درمینیمم زمان از طرف دیگر مدنظر باشد ..

پژوهش های تاریخی روشنگر آنست که سطح رشد نیرو های مولده، در هر فرما سیون اقتصادی و اجتماعی، شاخص معیار سیطره انسان بر طبیعت بوده بروفق اقتضات مادی و معنوی همان فرما سیون تکامل میکند. از جانب دیگر عامل تکامل نیرو های مولده فکر نیست، مگر چه انسان جزو فعال و خلاق نیرو های مولده را تشکیل میدهد. اما فکر خود در پروسه تولید و نعمات مادی جامعه تغییر و تحول یافته و تکامل میکند. زیرا منشأ بروز و عامل تکامل دهنده فکر، کار و بویژه کار تولیدی میباشد. بدین مفهوم که انسان بمثابه موجود زیستمند ضرورت به بقای خود دارد، این امر اولتر از همه مقتضای حواجج اولیه و ضروری نظیر خوراک، پوشاک و سرپناه میباشد. در حالیکه حواجج مادی تنها در برتو کار و فعالیت های تولیدی و خلاق انسان میتواند میسر آید. بهمین منوال میدانیم که کار بدون ابزار کار صورت گرفته نمیتواند، اینجاست که انسان جهت تهیه حواجج اولیه خود به کار و تولید و وسایل تولید نیاز مند میباشد

سلام به همکاران و خوانندگان عزیز! بعد از دعای سلامتی به حق شما، از اینکه به جواکوبی نامه های شما موفق نشدید، بوزش میخواستیم، اشاره شود که چندی قبل جوابیه ای از مجترم پوهاند محمد باقی به عبدالعزیز ایشی در باب مباحث روانشناسی و جامعه شناسی نگاشته شد که در همین صفحه جواب به نامه ها به نشر رسید. حال محترم دادعلی نیرو به دنبال برخورد فکری آن دو دوست نااشنا مقاله نگاشته است که ذیلا میخوانید!

اخیراً در شماره (۴۶) مجله وزین ژوندون، در صفحه اختصاصی «جواب نامه های شما» جوابیه به نشر رسیده بود که نویسنده محترم آن، ضمن رد ایراد یکی قبلاً بروی وارد آمده بوده است، به این اصل نیز تاکید ورزیده است که گو یا انقلاب علمی و فنی زاییده ذهن مخترعین و کاشفین میباشد و آنهاست نویسنده محترم باورمند میباشد که این انقلاب در قدم اول محصول ذهن و دماغ مخترعین، و در قدم دوم برای رفع مشکلات بشریست و جهت تأمین سعادت آنهاست. چون نویسنده، در نقش فکر غلو ورزیده و عوامل اصلی و عینی انقلاب ساینس و تکنالوژی را نیز از نظر بعید افکنده است، لذا لازمی به نظر میرسد تا درین خصوص اندکی مکت کنیم.

در روند پیشگر زمان، هر تحول رویدادیکه بظهور میرسد بر پایه عملکرد قوانین عینی تکاملی پدید آمده صورت میگیرد، بویژه انقلابات اجتماعی و پیشرفت های جیشمند علمی و تکنالوژیک که در عصر ما آهنگ پرطنین و شتابنده آنها در سراسر کره ارض متموج

معهدا در شیوه ای جاد و تهیه وسایل تولید و امر بکار بستن در پراکنش تولیدی انسان می خواهد که سطح حواجج را ارتقا دهد. این امر وقتی تحقق می یابد که ابزار کار تکامل داده شود ولی در جریان چنین عملیه ها، انسان نیز خود را از لحاظ ساخت ذهنی و جسمی تغییر میدهد.

در اینجا باید تذکار داد که اگر فکر را منشأ ویا عامل رشد وسایل تولید بدانیم و باور مند آن باشیم که فکر عامل و مظهر همه انقلابات در جا معه میباشد، دچار اشتباه جدی شده ایم زیرا این تغییر و تحول شیوه تولید و در کلیت آن تغییر و تحول جا معه است که افکار انسان را تغییر میدهد. غنا میبخشد و همواره در آستانه تکامل قرار میدهد. اینکه بعد از پان دوره قرون وسطی در غرب در زمینه علم و تکنالوژی جهش های شگرفی بوقوع پیوست یک رویداد تصادفی نبود و زاییده ذهن و دماغ این ویا آن مخترع و کاشف و محقق نیست، زیرا در غرب زمانیکه ارکان نظامات کهن فیو دالیسم قرون وسطایی در برابر رشد و جوانی نیرو های نوین اقتصادی کپیتال لیزم از هم فرو پاشید و محمول های عینی و شرایط مادی و ذهنی را برای رشد و گسترش محیر العقول علم و تکنالوژی فراهم گردانید، همانا انقلابات بورژوازی بود که زمینه راجهت تحقیقات علمی و اختراعات مساعد ساخت یعنی در هر انقلاب اجتماعی زمینه برای رشد و جوانی نیرو های مولده توسعه می یابد. اما زمانیکه با انقلابات بورژوازی نظامات مندررس قرون وسطایی در غرب درهم شکستند، باید تولید نیز سریع می شد، وسایل تولید کارگاه ها، موسسات علمی و تخنیکی بمیان می آمدند و پیوسته گسترش می یافت بدین مفهوم که بورژوازی مقتضی ایجاد و توسعه صنایع میباشد در حالیکه ایجاد و توسعه صنایع بدون ماشین و تحقیقات علمی امکان ندارد.

چون همزمان با نضج و تکوین سیستم های اقتصادی کپیتال لیزم در غرب در مراکز شهری، کارگران تجمع یافتند کارگاه ها ایجاد گردید و ضرورت افزایش تولید جداً محسوس گردیده و بدین

ترتیب احتیاجات مادی در پروسه تولید و در امر افزایش محصولات تولید موجب گردید که زمینشناسی، اختراعات و اکتشافات بسط و انکشاف یابد. درین عصر (قرن ۱۹) بر اثر کثرت جمعیت و تمرکز آنها در شهر ها و احتیاج به تولید زیاد تر و کامل تر رونق و پیشرفت تحقیقات علمی شروع میشود، زیرا سر و صورت دادن پیشه و هنر کارگاه ها و تولیدات کشا و رزی و صنعتی احتیاج به مطالعات دقیق در باره مزرعه، محصولات خام، نباتات و ازدیاد در اندامان کار و غیره ... دارد.

اختراعات و اکتشافات که در توسعه علم و تکنالوژی در سده نزد هم تحول شگرف و جرحش کیفی رونما ساخت و با وجودیکه در عرصه تحقیقات علمی علما و نوابغ بظهور پیوسته در قدم اول مرهون رشد شیوه تولید و تقاضای زمان و زندگی اجتماعی بود. هرگاه انقلاب در ساینس و تکنالوژی را که در عصر مابدان عنوان انقلاب علمی-فنی داده اند محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ بدانیم مفهوم آن را دارد که رجال سیاسی و رجال علمی قادر اند مظهر انقلابات اجتماعی و علمی و فنی گردند مگر حقیقت آنست که شروع تحقیقات علمی ظهور اختراعات و اکتشافات و در نتیجه انقلاب صنعتی در جامعه بورژوازی صورت گرفت که ناشی از ضرورت عینی و تاریخی این جامعه بود. طوریکه یکی از اندیشمندان برولتا ریا میگفت:

«اگر بعد از اینکه شب تاریک قرون وسطی خاتمه یافت، علوم دفعتاً با نیرویی که خواب آن هم دیده نمی شد بمیان آمد، با سرعت معجزه آسا تکامل میکرد. یکبار دیگر این معجزه را مرهون تولید میدانیم، روی فرض اگر انقلاب علمی و فنی رادر قدم اول محصول ذهن و دماغ علما نوابغ و محققین بدانیم، بدیهه این پرسش پاسخ بدیم که چرا این انقلاب در خصوص علم و تکنالوژی در دهلیز های صامت و تاریک قرون وسطی بظهور نه پیوست و یا چرا ماشین در فرما سیون اقتصادی اجتماعی جامعه بردگی نمایان نگردید؟ اگر جواب این پرسش ها بگویم که چون در آنوقت فکر تکامل نکرده بود و یا ذهن علما قدرت اختراع و کشف را نداشت،

متعا قبا سوال دیگری مطرح میشود که پس عوامل رشد و تکامل و فکر چیست؟ نظیر این سوالات- یاد است لذا باید اذعان کرد که این ضرورت زمان واقتضای شیوه تولید سرمایه داری بود که دگرگونی های شکر فی در ساحه علم و تخنیک رونما گردانید چنانچه «همزمان با تولید کپیتالیستی عامل سایننتیفیک بار اول آگاهانه به پیمانهای تکامل کرد، تطبیق گردید و بوجود آمد که ادوار پیشین هیچ درکی از آن نداشت»

از آنجا که فکر در جریان تغییر و تحول شیوه تولید نعمات مادی و در کلیت امر در پروسه زمان و زندگی اجتماعی شکل میگیرد، تحول می یابد و تکامل میکند لذا همه انقلابات، خاصتاً انقلاب علمی و فنی در قدم اول زاینده ذهن و دماغ علما و نوابغ نه، بلکه در قدم اول محصول پراتیک تولیدی و بازتابی از ضرورت های عینی زمان میباشد این پراتیک است که تفکر و اندیشه و در مجموع معرفت آدمیان را بوجود آورده و تکامل می بخشد «معرفت خود بر اساس پراتیک و بطور عمده بر اثر تولید مادی پیدا شده است، انسان از همان گام های نخستین موجودیت خود مجبور بود کار کند و وسایل زندگی خود را بدست آورد، او در جریان کار و زحمت بانبروهای طبیعت بر خورد کرد و به تدریج به آنها معرفت یافت. تکامل تولید پیوسته معلومات بیشتر و پیشتری را طلب میکرد. از همان قرون قدیم برای انسان ضرورت اندازه گیری سطح زمین، شمارش افزار کار و محصولات تولید شده پدید آمد. در نتیجه این امر نطفه های معلومات ریاضی بسته شد انسان خانه ساخت جاده و پل ساخت سیستم آبیاری پدید آورده و غیره برای اینها همه دانستن قوانین مکانیک لازم بود بدین ترتیب تحت تأثیر احتیاجات پراتیک استعداد معرفتی انسان رشد یافت علوم پدید آمدند اساس پیدایش علوم اجتماعی نیز پراتیک است»

در جریان رشد نظام کپیتالیسم تحولات و انکشاف میخانیک و ریاضی و علوم دیگر با ارتباط ضرورت های رشد پروسه تولید حمل و نقل، کشتی رانی، تجارت و صنایع ماشینی بمیان آمد و تکامل کرد بهمین نحوه تولید جامعه بورژوازی رشد سریع صنایع ماشینی را طلب میکرد

در حالیکه این کار بدون علوم نظیر کیمیا، جیو لوژی، فزیک بیولوژی و غیره امکان نداشت به تغییر دیگر احتیاج به تولید سریعی و رشد محصولات تولیدی پایه های ضروری تکامل علوم و تکنولوژی رومی سازد «احتیاج به تولید زیاد تر، منجر به توسعه و تکامل علوم نظیر مکانیک فزیک، کیمیا، هیست و غیره میشود و احتیاج شدیدی به پیشرفت های صنعتی، یعنی ضرورت بکار بردن ابزار و وسایل میخانیکی باعث میشود که دانشمندان درین ساحه از فزیک شاهد پیشرفت های زیاد تری باشد»

در عصر ما، این عقیده که انقلاب علمی و فنی محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ میباشد با این نظر که زبده گان رجال زورمند سیاسی شخصیت های بزرگ، سلاطین و امرا را سازنده تاریخ می دانند همساز بوده و از لحاظ مبانی فکری و طبقاتی همگون اند که بیشتر نمایندگان ارتجاع و امپریالیزم بدان باور دارد مثلاً همانطوریکه در نظر نخست از نقش توده ها و از پراتیک انکار بعمل میاید به همان نحو در نظر دوم نیز از نقش خلاق و سازنده توده ها در امر خصلت تاریخ ساز آنان اغماض میگردد. اگر بگویم که چند نابغه عالم وسایننتیست نیز پراتیک انجام میدهند، تفکر و تعقل بخرج میدهند و در فرجامین شیوه تحقیقات اینها است که برخی اختراعات و کشفیات صورت میگیرد از یک جهت درست به نظر میرسد، اما سخن یکجانبه میباشد زیرا «پراتیک دارای خصلت اجتماعی است پراتیک فعالیت این یا آن شخصیت اجتماعی نیست بلکه فعالیت آن توده های مردم فعالیت تمام زحمتکشان است» درست است که اختراعات و کشفیات تحول شگرفی را در صنایع ماشینی رونما گردانده است اما عامل محرکه و انگیزه اصلی اینکه علما و نوابغ در رشته های مختلف به تحقیقات و امیدارد آن احتیاج به تولید بهتر و احتیاج به افزایش محصولات تولیدی و بالاخره احتیاج به بهتر ساختن و میل زندگی میباشد.

چون پراتیک مبدا معرفت و عامل آنست اما باید گفت که پراتیک اشکال متنوع دارد که هر یک در امر رشد و تکامل فکری و در امر توسعه علم و تکنالوژی اثر می اندازند مثلاً تنها عمل تولیدی و احتیاج به نیاز مندی مادی موجب

تکامل این را و تفکر آدمیان نیست بلکه مبارزه طبقاتی نیز درین خصوص نقش مهمی را ایفا میباید درجه- یان مبارزه طبقاتی کارگران بود که بورژوازی به عقب نشینی مواجسه گردیده و در تکامل ابزار تولید توسعه کارگاه ها و صنایع ماشینی پرداخته اند «نقریباً تمام اختراعات نتیجه مبارزه میان کارگران و صاحبان کارخانه است... بعد از هر اعتصاب نسبتاً مهم یک ماشین جدید ظهور کرده است»

در اینجا با وصف مطالب پیشین چند مثال می آوریم مثلاً فکر کینم که طرح ساختن سر پناه برای اولین بار چگونه شکل گرفت. آیا طرح ساختن خانه در قدم اول محصول فکر بود یا انعکاس از احتیاج انسان که باید در زمهره خوراک و پو شاک این ضرورت اولیه رانیز داشته باشد تا مصون بماند بهمین ترتیب آیا بعد از پیدایش طرح داشتن یک سر پناه انسان قادر بود که مانند امروز خانه زیبا و مطلوبی را اعمار نماید؟

مسئله جواب منفی است زیرا در - قدم اول طرح ساختن سر پناه نه محصول ذهن و فکر، بلکه زاینده احتیاج مادی انسان بود بهمین شکل خانه هم یکباره بوسیله قدرت محض فکری آدمیان ساخته نشد، بلکه تدریجاً چنین احتیاج مرفوع گردید ازین مثال به این نتیجه میرسیم که در قدم اول احتیاج مادی و در قدم دوم پراتیک است که در پیدایش و تکامل فکر کمک بهم میرساند. اما باید تاکید کرد که این سخن مفهوم آن را ندارد که ما از نقش فکر انسان انکار کنیم زیرا فکر به نو به خود نیز در تسریع و بهبود پراتیک نقش ایفا میکند. در مثال دوم باید گفت که اختراع و کشف تمام ماشین و وسایل تخنیکی کنونی در قدم اول محصول احتیاج به این ماشین و وسایل میباشد که مخترع و کاشف را به تحقیق و پژوهش و امیدارد. مثلاً اگر موجودیت ابحار مانع حمل و نقل نمیکرد دید اصلاً ساختن کشتی مطرح نمی شد ولی اینکه طرح ساختن کشتی در افکار انسان راه یافت، سپس به ساختن آن اقدام به عمل آمد نمیتوان آن را در قدم اول محصول ذهن و دماغ بشر بدانیم، البته در اینجا تاکید بر «قدم اول» است زیرا فکر در ساختن کشتی نقش موثری حایز میباشد مگر مفهوم آنرا ندارد که همه انقلابات

تحولات، وسایل علمی و فنی تنها و محض و آنهم در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما، نوابغ و محققین باشد. وقتیکه جای مانو فاکتور را، صنایع بزرگ ماشینی امروز گرفت اگر آنرا مطلقاً و یادر قدم اول زاینده ذهن و دماغ انسان بدانیم از تکامل قانونمند نیروها و مولده و از رشد و گسترش قانونمند زمان و زندگی اجتماعی انکار میکنیم زیرا مانو فاکتور از آن جهت جای خود را به صنایع بزرگ ماشینی داد که ضرورت تولید سرمایه یاری ایجاد میکند چنانچه این مطالب را پیشوایان پرولتاریا در سده نهم چنین ارزیابی میکنند «... اما بازارها پیوسته گسترده تر و تقاضاها دمبدم فزونیتر میشود اینک مانو فاکتور هم دیگر نمیتوانست تقاضاها را پاسخ گوید. آنگاه بخار و ماشین در صنعت انقلاب ایجاد کردند جای مانو فاکتور را صنایع بزرگ امروزی گرفتند» در نتیجه باید گفت که انقلاب علمی و فنی در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ نیست، بلکه محصول پروسه تولید بورژوازی و ناشی از ضرورت مادی و معنوی این جامعه و بالاخره زاینده زمان معین میباشد که در آن اندیشه و تفکر و تحقیقات علمی نقش ثانوی را ایفا میباید نه درجه اول را.



مدیر مسئول: شیر محمد کاوه
معاون: محمد زمان نیکرای
امر چاپ: علی محمد عثمان زاده
مبتم: نوریه
اдрес: انصاریات، مقابل ریاست مطبع دولتی
تیشون دفتر: ۲۶۸۴۹

دولتی مطبعه



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**